

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

توسعه
راهبرد

مجمع تشخیص مصلحت نظام
معاونت اطلاع رسانی و امور بین الملل

راهبرد یاس سابق
شماره پیاپی ۵۴ - تابستان ۱۳۹۷

● صاحب امتیاز

مهندس سیدمرتضی نبوی

● مدیر مسئول

دکتر محمد خوش چهره

● سردبیر

دکتر حسن سبحانی

● امتیاز: علمی - ترویجی. طبق نامه شماره ۳/۱۱۵۵۲ مورخ ۸۶/۱۲/۲۷ و نامه تمدید

امتیاز (به شماره ۳/۲۵۹۰۶ مورخ ۹۱/۲/۱۱) وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

● ناشر: مرکز پژوهشی مطالعات راهبردی توسعه

● حروفچینی و صفحه آرایی: قربان تاجریان

● نشانی: تهران - خیابان فلسطین شمالی - پایین تر از زرتشت - پلاک ۵۵۴ - طبقه ۳

کد پستی: ۱۴۱۵۷۵۴۳۹۴ - تلفن: ۸۸۹۹۱۱۷۷ - نمابر و سامانه پیام کوتاه: ۰۲۱۸۸۹۹۱۸۰۲

www.tsrc.ir

rahbordeyas@gmail.com

www.rahbord-mag.ir

آدرس اینترنتی:

پست الکترونیک:

سامانه ارسال و پی گیری مقالات:

این فصلنامه در پایگاه‌های زیر نمایه می شود:

www.isc.gov.ir

www.magiran.com

www.saminattech.ir

پایگاه استنادی علوم جهان اسلام

بانک اطلاعات نشریات کشور

سامانه یکپارچه مدیریت نشریات ایران

● چاپ: انتشارات مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام

● قیمت: ۶۰۰۰ تومان

هیأت تحریریه فصلنامه راهبرد توسعه

- ❖ دکتر سید مصطفی ابطحی: استادیار دانشگاه آزاد اسلامی
- ❖ دکتر حسن عابدی جعفری: استادیار دانشگاه تهران
- ❖ دکتر محمد خوش چهره: استادیار دانشگاه تهران
- ❖ دکتر داوود دانش جعفری: استادیار دانشگاه علامه طباطبایی
- ❖ دکتر سید سعید زاهد زاهدانی: دانشیار دانشگاه شیراز
- ❖ دکتر حسن سبجانی: استاد دانشگاه تهران
- ❖ حجت‌الاسلام و المسلمین دکتر حسن علی اکبری: استادیار دانشگاه امام حسین (ع)
- ❖ دکتر حسین عیوضلو: استادیار دانشگاه امام صادق (ع)
- ❖ دکتر محمدرحیم عیوضی: استاد دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)
- ❖ دکتر حسین کجویان: دانشیار دانشگاه تهران
- ❖ دکتر علی لاریجانی: استادیار دانشگاه تهران
- ❖ دکتر محمدجواد لاریجانی: استاد پژوهشگاه دانش‌های بنیادین
- ❖ دکتر علی مبینی دهکردی: عضو هیأت علمی مؤسسه بین‌المللی مطالعات انرژی
- ❖ دکتر امیر محبیان: استادیار دانشگاه آزاد اسلامی
- ❖ دکتر منوچهر محمدی: استاد دانشگاه تهران
- ❖ حجت‌الاسلام و المسلمین دکتر غلامرضا مصباحی مقدم: استادیار دانشگاه امام صادق (ع)
- ❖ دکتر محمدحسین ملایری: استادیار پژوهشی مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام
- ❖ دکتر عباس ملکی: دانشیار دانشگاه صنعتی شریف
- ❖ مهندس سید مرتضی نبوی: عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام

داوران این شماره: آقایان دکتر توحیدی نیا، دکتر سجاد برخوردار، دکتر سید عباس احمدی،

دکتر حسن بنیانیان، دکتر علی مبینی دهکردی، دکتر مبصر معاون، دکتر وحید مهربانی.

چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴ هجری شمسی

با اتکال به قدرت لایزال الهی و در پرتو ایمان و عزم ملی و کوشش برنامه‌ریزی شده و مدبرانه جمعی و در مسیر تحقق آرمان‌ها و اصول قانون اساسی، در چشم‌انداز بیست ساله: ایران کشوری است توسعه‌یافته با جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری در سطح منطقه، با هویت اسلامی و انقلابی، الهام‌بخش در جهان اسلام و با تعامل سازنده و مؤثر در روابط بین‌الملل.

راهنمای تهیه و ارسال مقالات

خواهشمند است برای ارسال مقاله، به این موارد توجه فرمایید:

- ۱- نام و نام خانوادگی، میزان تحصیلات، رتبه علمی، شغل، نشانی، کدپستی، شماره تلفن و پست الکترونیکی خود را در برگه‌ای جداگانه قید و ضمیمه مقاله نمایید.
- ۲- حجم مقاله بیش از ۳۰ صفحه و کمتر از ۱۰ صفحه (صفحه ۳۰۰ واژه‌ای) نباشد.
- ۳- در صورت ارسال مقالات ترجمه شده، تصویر متن اصلی مقاله و فهرست کامل منابع آن (با مشخصات دقیق کتاب‌شناسی) را به همراه ترجمه مقاله ارسال فرمایید.
- ۴- برای سهولت در ارزیابی و ویرایش، مقاله بر روی کاغذ A4 و با رعایت فضای مناسب در حاشیه‌ها و میان سطرها، حروف‌چینی شده و یک نسخه پرینت به همراه فایل مربوطه ارسال گردد.
- ۵- مقاله‌های ارسالی از حیث ساختار لازم است مشتمل بر بخش‌های زیر باشد:

الف- **چکیده:** چکیده‌ای ۲۰۰ تا ۳۰۰ کلمه‌ای به همراه واژگان کلیدی تهیه شود و ترجمه انگلیسی آن نیز ارائه گردد.

ب- **پاورقی‌ها:** توضیحات بیشتر در مورد موضوع، معادل‌های خارجی اسامی و اصطلاحات مبهم و مهجور با عنوان «پاورقی‌ها» در پایین صفحه مربوطه آورده شود.

ج- **منابع:** فهرست منابع فارسی و غیرفارسی در پایان مقاله، به طور جداگانه (در ادامه همدیگر؛ ابتدا منابع فارسی و در ادامه منابع غیر فارسی) به ترتیب حروف الفباء آورده شود:

کتاب: نام خانوادگی، نام نویسنده (سال انتشار)، **نام کتاب**، نام مترجم، شماره جلد، محل انتشار؛ نام ناشر، نوبت چاپ.

مقاله: نام خانوادگی، نام نویسنده (سال انتشار)، «عنوان مقاله»، **نام نشریه**، شماره نشریه.

د- **ارجاعات:** ارجاعات به صورت درون‌متنی پس از نقل مطلب به صورت زیر آورده می‌شود:

- منابع فارسی: (نام خانوادگی، سال نشر؛ شماره صفحه)
- منابع انگلیسی: (نام خانوادگی، سال نشر؛ شماره صفحه)، با این توضیح که در اولین مورد به کاربرد نام خانوادگی، عبارت فارسی نام نویسنده در داخل متن به صورت فوق ذکر شده و به صورت لاتین در پاورقی ذکر می‌گردد.
- در صورت تکرار استفاده، ارجاع به صورت کامل، همانند بار اول، نوشته می‌شود و از کاربرد واژه‌های همان، پیشین و مانند آن خودداری شود.
- چنانچه از نویسنده‌ای در یک سال بیش از یک اثر انتشار یافته باشد، این دو اثر با ذکر حروف الفبایی پس از سال انتشار از یکدیگر متمایز شوند.

۶- راهبرد توسعه در پذیرش یا رد، اصلاح و ویرایش مطالب و نیز نحوه چپ‌نویسی مقالات آزاد است.

۷- ارسال مقاله برای فصلنامه راهبرد توسعه به منزله تعهد نویسنده مبنی بر جدید بودن مطلب و عدم انتشار آن در نشریه دیگری است.

۸- مقالات ارسال شده بازگردانده نمی‌شود.

۹- هرگونه استفاده از مطالب مندرج در این فصلنامه با ذکر کامل نام منبع بلامانع است.

فصلنامه علمی - ترویجی راهبرد توسعه، مجله‌ای است نظری و تجربی که به مسایل مختلف توسعه در جمهوری اسلامی ایران می‌پردازد و هدف از انتشار آن، زمینه‌سازی برای پیشرفت ایران و دستیابی به اهداف چشم‌انداز بیست ساله است. راهبرد توسعه مفتخر است که آوردگاه اندیشه‌ها باشد. به همین منظور هیأت تحریریه فصلنامه راهبرد توسعه، از کلیه استادان، صاحب‌نظران و پژوهشگران برای ارسال مقالات علمی و پژوهشی خود جهت چاپ در این فصلنامه، دعوت به عمل می‌آورد.

فهرست مطالب

- ❖ سخن سردبیر..... ۵
- ❖ میزگرد: نظام اداری و توسعه ۷
- ❖ تاثیر تبعیض اقتصادی بین منطقه‌ای بر رشد اقتصادی جمهوری اسلامی ایران ۳۰
مجتبی ملکی شهرپور
- ❖ تحلیلی بر برنامه‌های راهبردی دانشگاه‌های دولتی ایران ۶۴
غلامرضا شمس مورکانی / زهرا معارفوند
- ❖ بررسی ویژگی‌های اجتماعی، اقتصادی و کالبدی سکونت گاه‌های غیر رسمی (مطالعه موردی: محله عینک شهر رشت) ۸۶
دکتر مریم جعفری مهرآبادی / مریم سجودی / سیده فاطمه امامی
- ❖ رویکردی بر علل نابرابری توسعه در شهرستان‌های استان چهارمحال و بختیاری به تفکیک بخش‌های اقتصادی و اجتماعی با استفاده از تکنیک تاپسیس ۱۱۷
احمد حجاریان / یوسف قنبری
- ❖ بررسی و تحلیل نقش ترویج و آموزش کشاورزی در توسعه پایدار روستایی (مطالعه موردی: نواحی روستایی استان چهارمحال و بختیاری) ۱۳۴
دکتر اصغر نوروزی / دکتر داوود مهدوی / خدابخش توکلی
- ❖ بررسی انواع ریسک و مدیریت ریسک در نظام بانکداری اسلامی ۱۶۰
کامران ندیری / لیلا محرابی
- ❖ تاثیر محرک‌های بخش‌بندی صادراتی بر عملکرد صادراتی شرکت‌های صادرکننده خشکبار مستقر در تهران ۱۸۲
داود کشتی / محمد کهندل

سخن سردیبر

توسعه‌یافتگی که به تجربه بشر در یکی دو قرن اخیر، برای خروج از وضعیتی توأم با فقر و ناکارآمدی و اسیر قوانین ناشناخته طبیعی بودن، اطلاق می‌شود؛ از وجوه و جنبه‌های مختلفی قابل مطالعه و بررسی است. به خصوص که در این «صیروت» توانسته است جهانی از فراوانی و وفور، توأم با کارآمدی و تخصص و دانش پشتیبان فهم قواعد و سنت‌های حاکم بر طبیعت را، به ارمغان بشریت بیاورد.

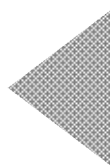
بدیهی است شناخت توسعه‌یافتگی مستلزم شناخت غرب است. آن هم نه غرب جغرافیایی و مصطلح، که غرب مستظهر به یک موقعیت جغرافیایی یعنی اروپا و به یک دین یعنی مسیحیت و به یک فلسفه یعنی نهضت روشنگری و به یک نژاد یعنی نژاد سفید و بالاخره به یک نظام اقتصادی یعنی کاپیتالیسم است (سرژ لاتوشه، غربی‌سازی جهانی، ۴۵). از این روی گستره مباحث بنیادین در فهم توسعه بسیار متنوع و عمیق می‌گردد. در عین حال مطالعه تغییرات حاصله در سبک زندگی و پیش و دیدگاه‌های انسان توسعه یافته، از آن حیث که ریشه‌دار و تعیین کننده بوده است، هم قابلیت بررسی و هم ضرورت انکارناپذیر دارد. در صعوبت ادراک توسعه‌یافتگی همین بس که عده‌ای بسیار، از توسعه مقوله‌ای جدای از مثل غربی‌ها شدن، ادراک نکرده‌اند و همین درک، سرنوشت تلخ «انفعال» و «شیفتگی» را برای آنان و جوامعشان به ارمغان آورده است. بدین سبب شناخت «توسعه»، هم برای فهم آن و هم برای نقد آن، از بایسته‌های دوران ما می‌باشد.

راهبرد توسعه این هر دو مهم را، از اهداف خود می‌پندارد و بر آن است تا آئینه‌ای برای انعکاس مطالعات و پژوهش‌هایی باشد که در فهم توسعه یافتگی و تجارب مبتنی بر مفاهیم منجر به توسعه، مدد رسان می‌باشند. در عین حال نقد توسعه از وجوه مختلف اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی آن، و جستجوی راهکارهایی که توسعه را نه مثل دیگران شدن، که بر آمدن و ارتقاء بر حیات ارزش‌ها و هنجارهای خود می‌داند، از اهداف فصلنامه راهبرد توسعه است. ما از پذیرش مقالاتی که پژوهشی است اما در عین حال، ترویجی و کاربردی از تئوری‌های توسعه و مسائل و نظرات مرتبط با آن است، استقبال می‌کنیم. قاعدتاً محدوده موضوعی مقالاتی که «علمی - ترویجی» باشند باید به توسعه در وجوه فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی آن معطوف باشد و صد البته باید این مهم در مقالات دیده شود که توسعه یک کل غیر قابل تجزیه به وجوه آن است و تقسیم بندی‌ها، صرفاً نوعی قرارداد برای سهولت مطالعه و پژوهش است. آرزوی ما آن است که از طریق فصلنامه «راهبرد توسعه» و به وسیله مقالات علمی - ترویجی دریافتی، به فضای محتاج به عمیق بررسی شدن توسعه در کشورمان، چنان کمک نمائیم که در ادامه راه، و مشخص و واضح‌تر شدن اهداف توسعه‌ای کشور، به اهداف سند چشم‌انداز نزدیک و ان‌شاءالله در مسیر فهم الگوی ایرانی - اسلامی پیشرفت قرار گرفته باشیم.

میزگرد

آقایان: دکتر کیومرث اشتریان،^۱ مهندس محمد حسن انتظاری،^۲ دکتر رسول سرائیان،^۳
دکتر محمود عسگری آزاد و دکتر سید مرتضی نبوی^۴ در میزگرد علمی راهبرد توسعه با عنوان:

نظام اداری و توسعه



سردبیر: بسم الله الرحمن الرحيم. در ابتدا از اساتید محترمی که دعوت فصلنامه علمی ترویجی راهبرد توسعه را پذیرفته و در میزگرد «نظام اداری و توسعه» شرکت کرده اند، کمال تشکر را دارم. موضوع اصلی این میزگرد پاسخ به این سؤال است؛ «آیا نظام اداری می تواند توسعه را رقم بزند؟». نظام اداری ابزاری برای رسیدن به اهداف دولتهاست؛ دولتها بعد از آنکه متولی انجام کاری می شوند، بودجه ای برای انجام آن کار در نظر می گیرند، مجموعه ای را تدارک می بینند و امیدوارند در چارچوب نظام اداری با بودجه ای که برای انجام آن کار اختصاص داده اند، اقدامات موثر را انجام دهند تا به اهداف خود برسند. اما سوال اینجاست که «نظام اداری تا چه میزان به دولتها برای رسیدن به اهداف کمک می کند؟، یا اینکه نظام اداری مانع انجام امور و رسیدن به اهداف دولتهاست؟» این مقوله ای است که کمتر به آن توجه می شود. برای تشریح این موضوع به داستانی اشاره می کنم که می تواند برای ورود به بحث کمک کند؛ «در یک پالایشگاه که از فرغون برای حمل زباله استفاده می کردند، بعد از مدتی با مشکل کاهش تعداد

۱- استاد دانشگاه تهران

۲- عضو حقیقی شورای عالی فضای مجازی

۳- رییس سازمان فناوری اطلاعات ایران

۴- عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام

فرغون مواجه شدند و این سؤال پیش آمد که فرغون ها کجاست و چرا هر روز از تعداد آنها کم می شود؟! بعد از بررسی متوجه شدند که کارگرانی که از فرغون برای حمل زباله استفاده می کردند و زباله ها را بیرون می بردند، پس از تخلیه زباله ها، فرغون ها را پس نمی آورند! نگهبانان پالایشگاه هم به اصل فرغون توجه نداشتند و فقط به محتویات آن دقت می کردند. این داستان مثالی خوبی برای نظام اداری است؛ به عنوان مثال مجلس، دولت و پول برای تشکیلات وجود دارد، اما خود این تشکیلات چه کار انجام می دهند؟ حال سؤال این است با این مفروضات چه ارتباطی بین دولت و نظام اداری و توسعه وجود دارد؟ جناب آقای عسگری آزاد بفرمایید.

عسگری آزاد: برای شروع بحث باید برداشت خود از نظام اداری را مشخص کنیم چون تلفی های متفاوتی در این خصوص وجود دارد. برداشت ما این است که اگر بخواهیم به توسعه همه جانبه پایدار دست پیدا کنیم، باید در خصوص نظام اداری، سه بخش مستقل از هم را مورد تاکید و برنامه ریزی قرار دهیم. در ابتدا باید چگونگی نگاه به توسعه و آینده را ترسیم می کنیم؛ اینکه به کجا می خواهیم برویم و مسیر این توسعه از کجا به کجا می باشد؟ این فرض اول کلی است. اگر ندانیم کجا می رویم، دچار مشکل خواهیم شد. در نظام اداری به این نوع نگاه، نگاه به آینده می گویند که شامل سه بخش مستقل از هم است؛ ۱- بلند مدت: نگاه به آینده بلند مدت، استراتژی و راهبرد کلان را تعیین می کند، ۲- میان مدت: بر اساس چشم انداز و راهبرها است و ۳- کوتاه مدت: که گامهای عملیاتی را مشخص می کند. مسئولان و کارشناسان نیز بر همین اساس برنامه ریزی می کنند.

در مرحله اجرا نیز سه گام مستقل از هم داریم؛ ۱- چگونه عوامل زمینه ساز توسعه در کشور را سازماندهی کنیم، ۲- بعد از سازماندهی چگونه منابع را تخصیص دهیم و ۳- چه فناوری و تکنولوژی داشته باشیم که اتصال این موارد به هم را انجام دهد. در خصوص گام اول، یعنی سازماندهی عوامل زمینه ساز توسعه، زیر ساختهایی وجود دارد که مفاهیم نظام اداری را تعریف می کنند. در تعریف اجرا نیز گاهی آن را عملیات اجرایی تعریف می کنند؛ به طور مثال گاهی

طرح عمرانی را اجرا می کنند، گاهی پروژه ای را انجام می دهند و یا خرید و فروش می کنند و گاهی هم کار عملیاتی انجام می دهند. در بحث سازماندهی اولین بحثی که مطرح می شود این است که چه گروه‌هایی می‌خواهند به عنوان عوامل زمینه ساز توسعه نقش ایفا کنند و در واقع برنامه های توسعه را اجرا نمایند. این گروه ها می تواند شامل مردم، بخش خصوصی، سازمان‌های مردم‌نهاد (NGO ها)، دولت، دولت محلی و سایر عوامل مانند نیروهای نظامی و انتظامی باشند. بنابراین در گام اول باید نقش این گروه ها و مرزهای حرکت آنها را مشخص کنیم؛ یعنی مشخص کنیم که مثلا دولت کجای یک برنامه توسعه بایستد، چه وظایف و ماموریت‌هایی در اجرای این برنامه داشته باشد و حدود اختیارات دولت چقدر است؟ در مورد مجلس، بخش خصوصی، سازمان‌های مردم‌نهاد (NGO ها)، خیریه ها، دولت‌های محلی و سایر گروه ها نیز باید این موارد را مشخص نماییم. باید مشخص کنیم گروه‌هایی مثل خیریه ها و دولت‌های محلی چقدر در اجرای برنامه توسعه می‌توانند نقش ایفا کنند؛ آیا اصلا آنها نقشی در این بخش دارند؟ امروزه در کشورهای پیشرفته جهان تاکید ویژه ای بر نقش دولت‌های محلی می‌شود، در حالی که ما دولت‌های محلی را به عنوان شهرداری‌ها می‌شناسیم و نقشی که برای آنها تعریف می‌کنیم، آسفالت کردن خیابان‌ها و انجام فعالیت‌های روزمره اجرایی اداره شهر است. بنابراین اولین بحث در مرحله اجرای توسعه، سازماندهی گروه‌هایی است که می‌توانند در اجرای برنامه‌های توسعه نقش ایفا کنند؛ باید در ابتدا گروه‌هایی که مرتبط با یک برنامه توسعه است، مشخص کنیم، سپس ماموریت‌ها و وظایف آنها را تعریف نماییم. در این میان بحث سازماندهی این گروه‌ها بسیار مهم است و سازماندهی هر کدام از این گروه‌ها باید در راستای سازماندهی کل ساختار صورت بگیرد و نقش گروه‌ها و چگونگی مشارکت آنها در کل ساختار مشخص باشد. در واقع در این مرحله، سازماندهی در سطح کلان و خرد انجام می‌شود؛ مثلا در سطح کلان، ساختار دولت و نظام اداری تعریف می‌شود و در سطح خرد، زیرساختارهای نظام اداری طراحی می‌گردد و گاهی نیز درباره یک پست سازمانی تصمیم‌گیری می‌شود.

گام دوم در مرحله اجرا، تخصیص منابع است. نکته مهمی که در تخصیص منابع وجود دارد این

است که در تخصیص منابع باید منابع انسانی، منابع فیزیکی و منابع مالی تخصیص پیدا کنند و بین اجزای مختلف توزیع شوند و این بحث بسیار کلیدی و مهمی است که بخشی از آن در نظام بودجه ریزی انجام می شود و بخش دیگری از آن را در مباحث مربوط به تصمیم گیری درباره منابع انسانی و آموزش نیروی انسانی انجام می دهیم؛ در اینجا مواردی از جمله چگونگی جذب منابع انسانی، ایجاد انگیزش و رقابت میان نیروهای انسانی، نحوه پرداخت، نظارت و کنترل بر منابع انسانی مطرح می شود که باید درباره آنها تصمیم گیری کنیم تا افراد در جای مناسب قرار بگیرند و با انگیزه مناسب کار کنند و نقش موثری در توسعه جامعه داشته باشند. بحثی که در خصوص منابع انسانی در سطح کلان مطرح می شود، این است که می گویند هر فردی که از چرخه توسعه کشور خارج شود، کشور به اندازه همان فرد از توسعه عقب می ماند. به همین علت، شاخص تعداد شاغلین نسبت به جمعیت، شاخص بسیار مهمی است؛ یعنی چند نفر از جمعیت کشور شاغل هستند؟ در این میان موضوع مهم، بحث بهره وری نیروهای شاغل هست؛ یعنی جمعیت شاغل کشور چگونه کار می کنند؟ بهره وری هر فرد شاغل چقدر است؟ چقدر توانسته تولید انجام دهد؟ چقدر ارزش افزوده ایجاد کرده است؟ هر چقدر میزان بهره وری تک تک جمعیت شاغل، بیشتر باشد، به همان نسبت در توسعه کشور نقش ایفا می کنند. بنابراین مقوله دومی که باید در نظام اداری زیرساخت آن را فراهم آوریم، مربوط به افزایش بهره وری مواردی است که در تخصیص منابع بر آنها تاکید کردیم. اگر این زیرساخت ها را در نظام اداری ایجاد نکنیم، در تلاقی ها میان منابع تخصیص یافته و عوامل زمینه ساز توسعه، مشکلاتی پیش می آید؛ به عنوان مثال فردی می خواهد در بخش خدمات یا کشاورزی، ایجاد خدمت یا تولید کند اما ساختار اداری بجای اینکه تسهیلاتی برای او فراهم کند، موانعی را در سر راه او ایجاد می کند. لذا ایجاد زیرساخت های لازم در نظام اداری در این بخش ضرورت دارد.

گام سوم در مرحله اجرای توسعه، استفاده از فناوری و تکنولوژی است. مهمترین فناوری در این مرحله، قانون است؛ باید این سؤال را مطرح کنیم که قوانین و دستورالعمل ها چقدر در مسیر رشد و توسعه و رسیدن به اهداف و چشم اندازها به ما کمک کرده است؟ آیا قانون ما زمینه ساز

رشد و توسعه است؟ آیا قانون ما زمینه ایجاد رقابت را فراهم می کند؟ آیا قانون ما توانسته زمینه رشد را در انسانها فراهم کند؟ آیا قانون ما توانسته در افراد انگیزش ایجاد کند؟ این بخش از فناوری مربوط به مسائل قانونی است اما بخش دیگری از فناوری و تکنولوژی که در واقع بخش نرم افزاری است، استفاده از فناوری های روز و تسریع کننده، مثل دولت الکترونیک است. در گام سوم مرحله اجرای توسعه، نیز زیرساخت های نظام اداری باید تسهیل گر و منطبق با اصول علمی باشند تا علاوه بر تسریع در اجرای قوانین و مقررات، نیروهای انسانی را در ساختارهای بانگیزش قرار دهد.

مرحله سوم که بعد از مرحله اجرا در توسعه مطرح می شود، کنترل و نظارت است؛ باید نظارت کنیم که آیا به آن اهداف عالی که در چشم انداز، و برنامه های میان مدت و کوتاه مدت تعریف کرده بودیم، رسیده ایم؟ آیا برنامه ها را خوب سازماندهی کرده ایم؟ منابع را به خوبی تخصیص داده ایم؟ این موارد در مرحله کنترل و نظارت می آید. در مرحله کنترل و نظارت نیز، بحث نظام اداری مطرح می شود. نظام اداری باید بر برنامه های توسعه نظارت داشته باشد؛ نظام اداری باید نظارت داشته باشد که چشم انداز و راهبردها در برنامه توسعه محقق شده است؟ تخصیص منابع به صورت درست انجام شده است؟ قوانین و مقررات درست عمل کرده و تسهیل کننده بوده است؟ در این مرحله سه نوع نظارت باید داشته باشیم؛ نظارت نوع اول که بر اساس ارزیابی استراتژیک انجام می شود، مربوط به برنامه های راهبردی بلندمدت است، نظارت نوع دوم تاکتیکی و مربوط به برنامه های میان مدت و تاکتیکی است و نظارت نوع سوم، نظارت عملیاتی و مربوط به برنامه های کوتاه مدت و عملیاتی است.

اگر از این منظر به مقوله «نظام اداری و توسعه» نگاه کنیم متوجه می شویم که زیرساخت نظارت مقوله مهمی در توسعه و اجرای برنامه های توسعه است و زیرساخت نظارت را نظام اداری تعریف و سازمان می دهد تا به برنامه ها و چشم اندازهایی که تعیین کرده ایم، برسیم. اگر این جمع بندی مورد توافق اعضای محترم این میزگرد باشد باید این مسئله را بررسی کنیم که آیا نظام اداری در مسیر زیرساخت توسعه قرار دارد و یا اینکه مانع آن است؟

سردبیر: این جمع بندی آقای عسگری آزاد نشان می دهد که ما باید به نظام اداری به عنوان زیرساخت توسعه توجه کنیم که این بخش را دولت انجام می دهد. با تشکر از آقای عسگری آزاد، آقای اشتریان بفرمائید.

اشتریان: بحث را با خاطره ای از دوران جوانی خود شروع می کنم. در دوران جوانی که برای اولین بار زورخانه رفته بودیم، همه شروع کردند به چرخ زدن، ما به احترام بزرگترها ایستادیم اما بعد فهمیدیم که در زورخانه، کوچکترها باید شروع کنند و بزرگترها ادامه دهند.

باب دیگری که در زمینه توسعه می توان گشود، مربوط به روند موجود فضای دیجیتال و دستگاههای اداری است؛ اولین موضوع روندهای های موجود، فعلیت یافتن انقلاب دیجیتال است که شاید عمر آن ۲۰ سال یا ۳۰ باشد. مثالی می زنم وقتی تکنولوژی ماشین چاپ ایجاد شد، تاثیر خودش را ۶۰ سال بعد نشان داد. تحولات تکنولوژی و تغییرات فکری دنیای دیجیتال هم که از اوایل دهه ۸۰ یا ۹۰ بوجود آمد، اکنون فعلیت خود را نشان می دهند بنابراین اکنون ما در فعلیت عصر دیجیتال هستیم بر همین مبنا یک انقطاع تاریخی در حال وقوع است. این انقطاع تاریخی چیزی شبیه یا مهم تر از انقلاب صنعتی است و ما درست در وسط آن هستیم؛ یعنی شروع شده و همه چیز تغییر می کند، همه چیز دیجیتالی می شود، نحوه اداره امور و زندگی ها تغییر می کند، صنعت ما تغییر می کند و اتفاقاتی در فضای مجازی می افتد که تمام زندگی، فرهنگ و اجتماع را تحت تاثیر قرار می دهد. اتفاقاتی که امکان حضور فرد و افراد را در فرآیندهای جامعه بیشتر می کند؛ به عنوان مثال اکنون انسان می تواند در عرصه سیاست و هم بخش فنی، به صورت فردی و تک عاملی دخالت کند؛ قبلا اگر می خواستید فعالیت سیاسی داشته باشید، یک تریبون و روزنامه می خواستید، باید حزب راه می انداختید اما الان احتیاجی به این ملزومات نیست. کافی است یک گوشی موبایل داشته باشید تا کار ملزوماتی مثل روزنامه و حزب را برایتان انجام دهد. این تغییر روندها نشان می دهد در عصر دیجیتالی، بشدت فرد گرایی وجود دارد به همان نسبت نیز دولت به مفهوم دولت مدرن تضعیف شده است. در واقع در دوران پست مدرنیته انقلاب دیجیتال وارد زندگی مردم شده و فردگرایی تقویت و دولت تضعیف

می شود و این تغییر مهم نیز برنامه ریزی توسعه را زیر سوال می برد؛ در این دوران امکان حضور شرکتهای کوچک مقیاس و محاصره شرکتهای بزرگ به راحتی فراهم می شود، بانک های بزرگ به شدت تحت تأثیر فعالیت های «آ تی» (IT) قرار می گیرند و بانک های مرکزی به عنوان نماد اقتدار حکومت مدرن، به شدت از سوی ارزشهای دیجیتال تهدید می شوند، امکان انجام کارهای بزرگ با تجمع پول های کوچک که حاصل ارائه خدمات است، فراهم می شود. در حالی که زمانی برای انجام کارهای توسعه، احتیاج به دولت توسعه گرا داشتید؛ دولتی که سد بسازد، نیروگاه بسازد، جاده درست کند، تامین مالی کند، پول بیاورد و یا از فروش منابع یا وام های خارجی آن را مهیا کند. در حالی که امروزه خیلی از کارهای بزرگ توسط پول های خرد که با ارائه خدمات به مردم جمع می شود، قابل انجام است. بنابراین دولت دیگر، دولت به مفهوم گذشته نیست. یک مفهومی اخیرا پیش آمده و دولت به مثابه یک پلت فرم اطلاعاتی در نظر گرفته می شود و دولت وقتی بخواهد یک برنامه توسعه را اجرا کند، زیرساخت های این برنامه توسعه را با پلت فرمهای اطلاعاتی فراهم می کند. هر چند این تحول باعث تسهیل برنامه توسعه شده اما در این تحول ناکارآمدی دولت، بیکارگی و ناتوانی دولت بیشتر نشان داده می شود چون اساسا دولت و کارمندان دولت توان درک تحولات اخیر را ندارند. بعنوان مثال اکنون در دولت درک درستی از فناوری بلاک چین (Block Chain) که دنیا را متحول می کند، وجود ندارد. در کل ساختار دولت در برخی از وزارتخانه ها به جز معدود افرادی که مسئولیت های مستقیم با این حوزه دارند، سایر بخش ها و ساختار، درک عمیقی از بلاک چین (Block Chain) ندارند. بنابراین در عصر دیجیتال دولت عقب می افتد هر چند دولت قبلا هم عقب افتاده بود، دولت قبلا هم مانع بود، اما الان عقب ماندگی و مانع بودن دولت بیشتر هم شده است. مثالی که درباره ارزشهای رمزینة یا ارزشهای دیجیتالی زد، نشان می دهد که بانک مرکزی به عنوان اصلی ترین دستگاه مرتبط با موضوع، در این مسیر مانع ایجاد می کند چرا که درک عمیقی از آن ندارد. در حالی که اگر زیرساخت های لازم برای ارزشهای دیجیتالی فراهم شود، دیگر نیازی نیست به شکل سنتی اقدام به صادرات کنید. مثال ساده دیگر این است که الان شما

نیاز به صادرات برق و گاز دارید؛ به شکل سنتی اگر می‌خواستید برق و گاز را صادر کنید، پروتکل و قرارداد و تفاهم نامه نیاز داشتید، اما الان می‌توانید با ارزشهای رمزیننه برق و گاز صادر کنید و دلار تولید کنید. برای انجام این کار نیاز به همکاری برخی دستگاه‌ها و موافقت وزارت نیرو دارید. بنابراین در عصر دیجیتال، دولت بیشتر مانع توسعه است چون در کی عمیقی از تحول انقلاب دیجیتال ندارد و اساساً دولت در این دوران دیگر نمی‌تواند توسعه ایجاد کند، چون ایجاد توسعه در جای دیگر اتفاق می‌افتد. علت مانع بودن دولت نیز بخاطر این است که تکنولوژی فراتر از دولت پیش می‌رود؛ تکنولوژی مهم است و فراتر از علم و دانش پیش می‌رود. زمانی دانشگاه محل تولید علم و تکنولوژی بود، اما الان دانشگاه هم از تکنولوژی عقب مانده است. لذا در عصر دیجیتال تنها دولت نیست که از تکنولوژی عقب مانده است. علت این عقب ماندگی نیز به این خاطر است که در عرصه تکنولوژی یک ظرفیتی ایجاد شده و انفجار نوآوری از پایین اتفاق افتاده است و دائماً در حال سرریز شدن است؛ در چنین حالتی دولت غرق می‌شود. بنابراین نقش دولت به عنوان دولتی که باید توسعه ایجاد بکند، دچار تحول شده است. با توجه به این مفروضات نتیجه ای که می‌توان گرفت این است که فردگرایی در توسعه، محور توسعه است و برنامه‌های پنج ساله چیزی جز مزحکه نیست؛ اصلاً موضوعیت ندارد؛ مصداق‌ها خیلی زیاد است. اکنون اگر تعارضی بین تکنولوژی و قانون بوجود بیاید، ظاهراً قانون باید سکوت کند تا تکنولوژی جلو برود و بعد از مدتی مقررات و قواعدی برای آن بگذارند که منحرف نشود. بنابراین در عصر کنونی، تحول پارادایمی و جریان آزاد تکنولوژی کار خودش را انجام می‌دهد و دولت باید برای این مقوله مهم، در قانونگذاری یکسری ملاحظات را رعایت کند.

سردبیر: با تشکر از آقای مشتریان، آقای انتظاری نظر شما در این خصوص چیست؟

انتظاری: اقتصاد دنیا این طور نیست که در دست افراد قرار بگیرد بلکه اکنون دست چند شرکت بزرگ قرار دارد. یک زمانی شرکتهای بزرگ، شرکت‌های نفتی بودند اما الان بزرگترین شرکت دنیا ۷۰۰ میلیارد دلار سرمایه دارد که شرکت اپل است. گوگل، آمازون و

مایکروسافت در رتبه های بعدی قرار دارند و این شرکت ها با هم هماهنگ هستند به طوری که روسای جمهور آمریکا برای اداره کشور و جهان با این شرکت ها جلسه می گذارند. بنابراین نباید بگوییم همه چیز آزاد شده است چرا که این شرکت های بزرگ هستند که دولتها را اداره می کنند، دنیا را اداره می کنند و سایر بخش ها بردگان شرکت های بزرگ می شوند. هر چند این کلمه سنگین است اما واقعیت همین است.

ساختار اداری کشور در چارچوب حکمرانی کشور، نیازمند یک نظام اداری است و نظام اداری با نظام حکمرانی کشور در ارتباط است اما ناکارآمدی دولت باعث شده که حکمرانی کشور تضعیف شود. اگر بین ساختار اداری با اجزای حکمرانی ارتباط صحیح ایجاد نشود، نظام اداری دچار مشکل می شود. یکی از چالش های فعلی، فقدان نگاه سیستمی به طراحی نظام اداری کشور است؛ اکنون مهندسی سیستم در دانشگاه ها تدریس می شود و به صورت پخته در طراحی سیستم های بسیار بزرگ فنی هم اجرا می شود؛ مثلا ماهواره ای با موشک پرتاب می شود و به مشکل برخورد می کند. باید علت این مشکل را روی زمین و نقشه ها جستجو کنند تا آن را رفع کنند. این نوع نگاه را در طراحی نظام اداری کشور نداریم. فقدان این نگاه، ما را به بن بست می رساند و آمدن انقلاب دیجیتال این مسئله را تشدید می کند. با تحولات تکنولوژی، روشها به طور کامل متفاوت شده و دینامیسمی که باید درباره این مسائل باشد، وجود ندارد. بنابراین آن نگاه قدیمی ناقص بوده؛ زیرا ارتباطات به خوبی تعریف نشده است. تحولات جدید این مسئله را بغرنج تر کرده است و اگر فکر جدی برای این مسئله نشود، مشکل جدی بوجود خواهد آمد.

اگر نگاهی به روند اجرای قوانین در کشور داشته باشیم متوجه می شویم که اشکال کار کجاست؛ یک قانون که مصوب می شود، برای اجرا به دولت ارجاع داده می شود و دولت نیز این قانون را برای اجرا به وزارتخانه ها و سازمان مدیریت ابلاغ می کند و سازمان مدیریت و وزارتخانه ها هم این قانون را تبدیل به مقررات می کنند. در این میان، جایی وجود ندارد که تعیین کند این مقررات و آیین نامه ها چقدر با قانون اساسی همخوانی دارد؟ در نهایت اجرای قانون به کارمند می رسد و کارمند است که می گوید این مقررات با مقررات آقای وزیر

همخوانی دارد یا خیر؟! مثال دیگری می‌زنم اگر یک موشک داشته باشیم که قرار باشد با دقت ۱۰ متر بعد از پیمودن ۱۵۰۰ کیلومتر جایی را بزند و نمی‌زند. به دنبال رفع مشکل بر می‌آییم و دقت و حساسیت این موشک را بالا می‌بریم. این نوع نگاه را باید در نظام اداری کشور هم پیاده کرد اما ما چنین چیزی را نداریم و انقلاب دیجیتال حساسیت این مسئله را بسیار بالا برده است. در همین مسئله ما مدل مفهومی نداریم؛ اگر قرار است برنامه‌های توسعه ما را به جلو ببرد، باید این نکته را در نظر گرفت که توسعه گرا بودن در کجا، باید خود را نشان دهد. در حال حاضر ساختار اداری بیشتر در نقش مانع عمل می‌کند مثلاً فردی در وزارت صنعت، معدن و تجارت می‌خواهد پروژه‌ای انجام دهد اما هزار مانع را روبرو خود می‌بیند. بنابراین مدل مفهومی دولت برای اینکه هدف‌ها را پیاده کند، متناسب با کاری که برای آن پیش‌بینی شده است، نیست و جایی هم وجود ندارد که این عدم تطبیق را نشان دهد. پس مدل مفهومی ما غلط است.

اشکال بعدی که بر نظام اداری کشور وارد است، این است که یک مجموعه اندیشه‌ورز که دیده بان نظام اداری کشور باشد، نداریم و یا اگر هم وجود داشته باشد، از آن برون‌دادی نمی‌بینیم. تنها فردی که متوجه این مسئله مهم شدند، رهبر معظم انقلاب اسلامی بودند. هوش بالا و دیده‌بانی که ایشان دارند، باعث شد سیاست‌های اقتصاد مقاومتی را مطرح کنند. حالا چرا این مسئله را ایشان مطرح می‌کنند، این هم جای بحث دارد. حال که قرار است اقتصاد مقاومتی اجرا شود، باید بخش‌هایی از نظام اداری کشور و قوانین را تغییر داد و مشخص کرد که اقتصاد مقاومتی کجا باید اجرا شود. در حالی که به نظر من هنوز چنین تغییراتی اتفاق نیفتاده است.

درک تحولات فناوری در مجموعه کشور اصلاً وجود ندارد؛ نماینده‌های مجلس یک مواردی به گوشان خورده و برای اینکه وظیفه‌شان را انجام دهند، یک گرت‌بندی ضعیفی می‌کنند تا بصورت یک قانون در بیاید. در حالی که آن قانون متناسب با کاری که باید انجام شود، نیست؛ به عنوان مثال راه اندازی دولت الکترونیک یا بحث شبکه ملی اطلاعات که ۵ الی ۶ سال از شروع آن می‌گذرد و نمی‌دانم به چه دلیلی می‌گویند خوب به جلو می‌رود؟! اما چنین نیست. در خصوص ارز دیجیتال نیز در هر جلسه‌ای که شرکت می‌کنم، یک چیزی می‌گویند و ممکن

است ارزش دیجیتال به مجلس برود و تصویب هم بشود، اما ممکن است آن چیزی که فکر می‌کردیم و باید باشد، در عمل اتفاق نیافتد. علت این مسئله به سطحی نگری یا عدم دانش ما بر می‌گردد. به همین دلیل اعتقاد دارم هر کسی می‌خواهد وزیر یا رییس جمهور شود، باید یک دوره آموزشی برایش بگذارند. درباره این مسائل در دنیا کار شده است. من نمی‌گویم از شاخص‌های آنها استفاده کنیم؛ ما شاخص‌های خودمان را داریم، استقلال و اتکا به خود را داریم. مثلاً شاخص‌هایی که سازمان ملل درباره کشورهای جهان منتشر کرده است، وضعیت ایران در برخی شاخص‌ها خوب است، اما از این شاخص‌ها استفاده نکردیم؛ در شاخص دولت الکترونیک، کشور کره اول است. در شاخص نیروی انسانی، بحرین و رژیم صهیونیستی اول است و ایران از میانگین کشورهای جهان بالاتر است ولی ما از این ظرفیت استفاده نمی‌کنیم. در شاخص اقتصاد دانش بنیان، سوئد اول است و ایران رتبه ۹۴ام را دارد. اگر نگاهی به تعریف این شاخص داشته باشیم متوجه می‌شویم که نباید این جایگاه را داشته باشیم؛ شاخص اقتصاد دانش بنیان به میزان آمادگی یک کشور نسبت به بکارگیری اقتصاد مبتنی بر دانش اشاره دارد. در شاخص آمادگی شبکه‌ای استفاده از ITC برای رقابت‌های بلند مدت و رفاه اجتماعی، سنگاپور اول است و ایران رتبه ۹۶ را در بین ۱۴۳ کشور جهان دارد و در منطقه، در میان ۲۰ کشور، ما ۱۵ام هستیم.

سردبیر: با تشکر از آقای انتظاری، آقای سرائیان بفرمائید.

سرائیان: با این فرض، بحث را شروع می‌کنیم که یک چشم‌اندازی وجود دارد و یک هدف گذاری انجام شده است. اما چگونه باید آن اهداف را با ساز و کارهای نظام اداری شناسایی کنیم و ببینیم چگونه می‌توان به آن اهداف و توسعه دست یافت؟ به نظر من از آنجا که بحث رشد با توسعه مطرح می‌شود، اگر نگاه عملیاتی به این موضوع داشته باشیم، بهتر به نتیجه می‌رسیم؛ برای مثال اگر رشد اقتصادی که در برنامه ششم توسعه به عنوان هشت درصد آمده، مبنای عمل قرار دهیم، باید بررسی کنیم امسال که در سال دوم برنامه ششم توسعه هستیم، آیا رشد اقتصادی به میزانی که در سال دوم، پیش‌بینی شده، محقق شده است یا خیر؟

در حال حاضر دو اتفاق مهم در سطح کلان کشور مورد غفلت قرار گرفته و توجهی به آن نمی‌شود. تقریباً از سال ۱۹۹۰ به بعد اگر اقتصاد را در سه بخش صنعت، کشاورزی و خدمات در نظر بگیریم، یک تغییری در توزیع شبکه سازی در دنیا اتفاق افتاده است؛ سهم صنعت و کشاورزی کاهش یافته و از طرفی دیگر سهم خدمات افزایش یافته است. گزارش بانک جهانی سال ۲۰۱۶ نشان می‌دهد از ۷۵ هزار میلیارد اقتصاد جهان، ۶۵ درصد آن سهم خدمات است و کشاورزی ۵ درصد و صنعت ۳۰ درصد از آن سهم دارند. باید از خود پرسید خدمات چه ویژگی دارد که دنیا به سمت آن رفته است؟ صنعت و کشاورزی در عین حالی که خلق ثروت می‌کنند، منابع مصرف می‌کنند و منابع تجدید ناپذیر و همچنین اشتغال را کاهش می‌دهند. برعکس خدمات علاوه بر اینکه خلق ثروت انجام می‌دهند، به منابع زیرزمینی و تجدید ناپذیر نیاز ندارد و اشتغال را افزایش می‌دهند. بنابراین استراتژی و سمت و سوی همه دولتها به سمت خدمات رفته است تا خدمات را توسعه بدهند و بین المللی کنند. مثل گوگل و آمازون و بقیه شرکت های بزرگ که به این شکل عمل می‌کنند. این اتفاق اولی است که در جهان اتفاق افتاده اما در سطح کلان کشور ما کمتر به آن توجه می‌شود. تاکید رهبر معظم انقلاب در رابطه با تولید داخل است. اما تولید را نباید فقط صنعت بدانیم و از خدماتی که محور توسعه و خلق ارزش و ثروت هستند، غفلت کنیم. اتفاق دوم مربوط به تحول دیجیتال و اقتصاد دیجیتال است که در جهان اتفاق افتاده است اما در کشور ما کمتر به آن توجه می‌شود؛ تحول دیجیتال و اقتصاد دیجیتال دو استراتژی است که دولتها می‌توانند داشته باشند و این دو پیشرانه استراتژی و برنامه خلق ثروت در جهان هستند. آخرین گزارش ها بیان می‌کند تا سال ۲۰۲۰، ۲۵ درصد اقتصاد دنیا، اقتصاد دیجیتال خواهد شد. الان در حدود ۲۰ درصد است.

نکته مهم درباره بخش خدمات، این است که مقررات گذاری خدمت خیلی پیچیده است؛ اینکه چگونه بتوانیم کسب و کار خدمت در بستر قانونی داشته باشیم و فعالیت کنیم، این موضوع از مقررات گذاری در بخش صنعت و کشاورزی پیچیده تر است. برای مثال می‌دانیم که کشاورز باید تولید کند، محصول خود را به بازار ببرد و بفروشد. این کار پیچیدگی ندارد اما وقتی وارد

خدمت می شویم، تا زمانی که خدمتی به مصرف کننده ارائه شود، شاید ۱۰ بازیگر در آن نقش داشته باشند. پس لزوماً مدل‌های کسب و کار بخش خدمات پیچیده می شوند؛ آیین نامه‌ها و دستور العمل‌های اجرایی آن پیچیده می شود و همه آنها پشت سدی به عنوان دولت می روند. در حالی که نظام اداری ما فهم و درک درستی از این تحولات و وقایع ندارد و از سویی تحولات آنقدر سریع است که نظام اداری نمی تواند به آن برسد. پس طبیعی است که موانع ایجاد می شود. برای درک بهتر این موضوع مثالی می زنم ما جلسه‌ای با مهندس پرویز فتاح رئیس محترم کمیته امداد امام خمینی (ره) داشتیم. ایشان به کمک IT (فناوری اطلاعات) تغییرات اساسی در کمیته امداد داده بودند. آقای مهندس فتاح می گفت ما قبلاً که میخواستیم کمک جمع کنیم هزینه چادر زدن و جذب نیرو برای دریافت هدایا، بیش از پولی بود که جمع می شد. اما امروز به کمک تکنولوژی نه تنها هزینه‌ها را کاهش دادیم، بلکه به هر کسی که کمک می کند، می توانیم بگوییم این پول کجا هزینه شده است.

در جمع بندی بحث، باید بگویم که در شرایط کنونی نظام اداری ما به دلیل عقب ماندن چه در حوزه قوانین و مقررات و چه در حوزه دستگاه اجرایی، خود به یک چالش اساسی تبدیل شده است. حال چاره کار چیست؟ به نظر می آید که برای حل این چالش، باید به چند مسئله اساسی توجه کنیم. یک اینکه بحث اشتغال و استخدام را از ادبیات کشور خارج کنیم؛ باید بدنبال این باشیم که هر فرد چقدر درآمد ایجاد می کند؟ درآمد با استخدام و اشتغال ایجاد نمی شود. مسئله دوم این است که نیروی جوان و توانمند متناسب با تحولات به بدنه دولت و نظام، تزریق کنیم؛ این کار را هنوز انجام ندادیم. مسئله دیگر این است که نظام کارمندی و شغل ثابت یک چالش است و از سوی دیگر ما ساز و کاری نداریم که بتوانیم نیروی متخصص و توانمند را در جاهایی که نیاز است، قرار دهیم.

مسئله چهارم، انتخاب استراتژی مناسب است که به نظر من خیلی مهم است. استراتژی ارائه خدمت جواب می دهد؛ چرا که خدمت منشاء خلق ثروت می شود. برای مثال بعضی از استارت آپ‌ها با هیچ، خلق ثروت می کنند. در نمایشگاه ال‌کامپ یک اپلیکیشنی به نام «امان پز» ارائه

شده بود. این اپلیکیشن یک کسب و کار برای خانم ها راه انداخته است که در خانه پخت و پز می کنند و این سیستم غذای خانگی را توزیع می کند. این برکت تکنولوژی و ذات تکنولوژی است.

از نظر من نظام اداری مربوط به هر سه قوه می شود و نمی شود وقتی از نظام اداری صحبت می کنیم، فقط قوه مجریه را در نظر بگیریم. امروزه قوه مقننه در سطح مجلس قوانین را تصویب می کند. گاهی وقت ها لایحه ای که از طرف دولت به مجلس می آید، چند سال طول می کشد تا نتیجه آن مشخص شود و به تصویب برسد. همچنین در قوه قضاییه هم باید فرآیندها وجود داشته باشند.

علیرغم تمام این مسائلی که مطرح شد، در مواردی هم وضعیت کشور ما بد نیست و نباید این قدر ناامید باشیم؛ در گزارشی که در سال ۲۰۱۸ راجع به شاخص توسعه دولت الکترونیک ارائه شد، امتیاز ایران از ۱۰۶ به ۸۶ ارتقا پیدا کرد و این توفیق خیلی خوبی بود. این دسته بندی کشورها را در چهار دسته قرار می دهد؛ یک دسته پایین، یک دسته متوسط، یک دسته بالا و یک دسته دیگر خیلی بالا هستند. ما از کلاس متوسط به کلاس بالا آمدم. این شاخص سه رکن دارد؛ یک بخش زیر ساخت است در این شاخص به واسطه رشد چند سال اخیر رشد خیلی خوبی داشتیم. شاخص دوم سرویس آنلاین است که خوشبختانه در آن هم در مقایسه با سایر کشورها رشد خیلی خوبی داشتیم و رکن سوم علیرغم اینکه وضع امان خوب است اما اعداد ما در طول چهار سال اخیر تغییر نکرده است. شاخص بعدی که نشان می دهد وضعیت ایران در جهان مناسب است، در حوزه نوآوری است که رتبه ما ۷۰ است که علت پایین بودن این شاخص، مربوط به بین المللی سازی اپلیکیشن ها است؛ یعنی اگر این کسب و کارها جهانی شوند و به بازارهای جهانی راه پیدا کنند، رشد می کنند. در نمایشگاه الکامپ امسال ۴۰۰ استارت آپ حضور داشتند که اکثر آنها در حوزه خلق ثروت و خدمات فعالیت داشتند. جالب اینجاست که این استارت آپ ها از دولت هیچ چیزی نمی خواهند و تنها خواسته آنها این است که دولت کاری به ما نداشته باشد! چالش های آنها مسائلی از جمله بیمه، مالیات، ثبت و انحلال شرکت

بود. مثال دیگر تاکسی اینترنتی است که وقتی با استقبال مواجه شدند، تاکسیرانی و شهرداری درخواست کردند که باید این استارت آپ ها زیر نظر آنها فعالیت کنند! چرا؟ برای اینکه نمی خواهند اجازه بدهند که اینها رشد کنند. بنابراین اگر بتوانیم تغییرات را بپذیریم و به مسائلی که اشاره کردم، عمل کنیم و از پتانسیل ها و ظرفیت هایمان استفاده کنیم، می توانیم موفق شویم.

سردبیر: خیلی ممنون آقای سرائیان. جناب آقای نبوی بفرمائید.

نبوی: بحث خود را با اشاره مختصر به قانون و نظام حقوقی آغاز می کنم. نظام حقوقی خود یک موجود زنده است؛ نظام حقوقی روابط انسان ها با هم، روابط حکومت با انسان ها و حتی جامعه با کشورها را تعیین می کند. لذا نظام حقوقی به یک معنا تنظیم روابط است. از این منظر، مفهوم توسعه به معنای توسعه روابط است؛ روابط انسان با طبیعت، انسان با دولت و انسان ها با هم. امروزه توسعه اولاً با نظام حقوقی و در ثانی با نظام اداری به هم گره خورده است. جامعه شناسی امروز درباره توسعه سه نظر دارد؛ افرادی مانند ویر می گفتند هر چیزی را که قانون مشخص کند، منشا توسعه است؛ یعنی برای حقوق در توسعه استقلال قائل بودند. عده دیگری عقیده دارند باید بدنال تحولات اجتماعی بود و قانون باید تابع آن تحولات باشد و عده دیگر طرفدار تعامل نظام حقوقی و تحولات اجتماعی هستند. با توجه به این دیدگاه ها، چه بسا قوانین بتواند توسعه را به پیش برد و سرعت ببخشد و نیز از تحولات اجتماعی تاثیر بگیرد.

اشتریان: من نکته ای در خصوص صحبت های آقای نبوی عرض کنم حقوق بیشتر تکنیکال شده و به شدت دچار فقر نظری است در علوم اجتماعی فقیرترین شاخه حقوق است.

نبوی: شما به اصول مقبولی رسیده اید مثل رقابت و شفافیت که اینها اصول مقبول هستند و اگر شما توانستید زمینه رقابت و شفافیت را فراهم کنید، توسعه افزایش خواهد یافت. اقتصاد مبتنی بر دانش چهار محور اصلی دارد؛ یکی از محورهای آن زیرساخت های ارتباطی، محورهای دیگر تولید علم، تبدیل تولیدات علمی به فناوری و قوانین و مقررات است. وضعیت کشور ما در جهان در اقتصاد مبتنی بر دانش بر اساس این چهار محور، در سه مورد اولی بالاتر از حد متوسط است، اما در محور چهارم که قوانین و مقررات است، نزدیک به صفر هستیم. لذا در نظام اطلاعات شما

هر چقدر بتوانید این فناوری اداری و ارتباطات را بصورت جامع بکار ببرید که از آن شفافیت ایجاد بشود، موفق تر خواهید بود. در دولت دهم یک شرکت معتبر کانادایی برای نظام مالیاتی ما یک پیشنهاد داد که بنای آن مودی محور بود؛ یعنی هر انسانی که متولد می شود، به عنوان مودی مالیاتی شناخته می شود اما افراد سازمان امور مالیاتی آن را به ممیز محور تبدیل کردند و فقط اتوماسیون را انجام دادند. نگذاشتند آن طرح درست اجرا شود. لذا در حالی که درآمد مالیاتی می توانست خیلی گسترده تر باشد و فرار مالیاتی نیز اتفاق نیافتد، وضع این گونه شد. در پایان می خواهم نتیجه گیری کنم که ما باید به اصلاح قوانین و مقررات و نظام اداری و استفاده از فناوری اطلاعات، به صورت توأمان نگاه کنیم.

سردبیر: خیلی ممنون از جناب آقای نبوی. آنچه که اساتید بزرگوار می فرمایند در حقیقت نگاه به آینده است و بایدهایی است که باید انجام شود. ولی واقعیت های دیگری هم در کشور وجود دارد؛ واقعیهایی که در آن دخل و تصرف غیر ممکن است؛ برای مثال دولت دو الی دو ونیم میلیون کارمند دارد و باید به آنها حقوق بدهد از سوی دیگر مسائل سیاسی و اجتماعی اجازه اخراج این افراد را نمی دهد؛ مثلاً مجلس از ادامه اشتغال آنها حمایت می کند. لذا از اساتید محترم می خواهم با فرض این مفروضات و واقعیت های که در جامعه ما وجود دارد، دیدگاه های خود را عینی تر اعلام کنند. آقای عسگری آزاد با فرض این مفروضات و واقعیت ها، برای یک قدم به جلو تر رفتن، چه کار باید کرد؟

عسگری آزاد: در این میزگرد هر کدام از اساتید محترم از زاویه علم خود به موضوع میزگرد نگاه کردند و پیشنهاداتی را مطرح کردند اما باید در نظر گرفت وقتی قوانین در راستای پیشنهاداتی که مطرح شد، نباشد، خود آن قانون مانع انجام پیشنهادات می شود. آقای دکتر سرائیان پیشنهاد کردند که خدمت محور باشیم در حالی که نظام ما دقیقاً فرایند محور است. در حال حاضر اگر قانون محاسبات را نگاه کنید، متوجه این مسئله می شوید که اساساً این پرسش ها را مطرح می کند؛ فرایندها را چگونه انجام دادی؟ آیین نامه ها را اجرا کردی؟ این مناقصه و مزایده را برگزار کردی؟ لذا مدیری که می خواهد در مملکت توسعه ایجاد کند، در

فکر تنظیم این ضوابط و فرایندها است و به جای اینکه بخش خصوصی را حمایت کند، آن را رقیب خود می‌داند. بخاطر همین است که جلوی کار او را می‌گیرد. نکته دیگر اینکه قانون بودجه ریزی ما وقتی بر اساس هزینه تنظیم می‌شود نه بر اساس محصول، لذا هدف این بودجه ریزی این نیست که این محصول با چه قیمتی و کیفیتی تولید می‌شود و بدنبال این مسئله نیست. این مبانی، مبانی قانونی است که این چنین مسائلی را بوجود می‌آورد.

نکته مهم دیگر اینکه اگر ماموریت عاملین توسعه را به طور شفاف مشخص و نقش آنها را به طور قطعی اعلام نکنیم، این مسئله باعث می‌شود که دولتمردان، جانب دولت را بگیرند. اکنون در بخش های توسعه کشور، دولت حاکمیت دارد؛ الان در بخش آموزش و پرورش تقریباً حاکمیت مطلق دست دولت است، در بخش بهداشت و درمان، بخش زیادی از حاکمیت در دست دولت است، در بخش های صنعتی و زیربنایی مثل برق و نفت و گاز نیز، این حاکمیت در دست دولت است؛ چون دولت قدرت و پول دارد، جای عاملین توسعه را می‌گیرد. لذا مرز اینها باید مشخص شود و هر کس در جای خود جلو برود. دولت الان مجبور است از خزانه دولت به ۵ میلیون و سیصد هزار نفر حقوق بدهد که بخشی از این افراد، بازنشسته هایی هستند که متصل به دولت شده اند و چهار میلیون نفر هم خود دولتی ها هستند. وقتی این حجم به این میزان بالا می‌رود، جای مردم را می‌گیرد و دولت بجای اینکه به فکر همه باشد، به فکر این ساختار دولتی است. این اتفاق موجب شده است که دولت با این حجم، نه تنها زمینه ساز توسعه نباشد، بلکه خود مانع توسعه شود. بنابراین باید قوانینی را که موجب این مسئله شده است، اصلاح کنیم. وقتی حجم دولت خود را با دولت ژاپن که ۳۲۰ هزار نفر نیرو دارد، مقایسه می‌کنیم، بیشتر متوجه ضرورت اصلاح قوانین می‌شویم. در حالی که اگر در حجم دولت تجدید نظر کنیم و در برآورد حجم دولت، کل کشور را در نظر بگیریم، با اعضای کمیته امداد و بنیاد شهید، دولت به هفت میلیون و هشتصد هزار نفر حقوق می‌دهد که این امر قابل تداوم نیست. علاوه بر این واحدهای دولتی تضمین هم دارند و هیچ واحد دولتی بر اساس نظر ارباب رجوع، نه منحل می‌شود و نه ارتقا و یا کاهش می‌یابد و همه واحدهای دولتی سر جای خود باقی می‌مانند در

حالی که یک واحد بخش خصوصی اگر مشتری به آن رجوع نکند، بطور طبیعی از بین می رود. اشکال جدی دیگر این است که دستگاههای اجرایی ما هم کار برنامه ریزی و هم اجرا می کنند و هم خودشان، خودشان را مورد ارزیابی قرار می دهند؛ مثل آموزش و پرورش که همه از یکدیگر راضی هستند. لذا باید برنامه ریزی، اجرا و ارزیابی در نظام تفکیک کار ملی از هم جدا شوند. چرا که این اشکال به جهت بزرگی دولت خود عامل مشکل و مانع توسعه است. به نظر من، بخشی از علت گرانی های اخیر ارز، خود دولت است؛ چون برای تامین دولت است که نقدینگی بالا می رود و از سوی دیگر به جهت اینکه دولت خود سیستم پیش برنده نیست، افزایش نقدینگی ادامه پیدا می کند. بودجه عمرانی کشور در برخی سالها به ۷ الی ۸ هزار میلیارد در سال نمی رسید؛ دهه ۷۰ حدود ۴۰ درصد بودجه، بودجه عمرانی بود در حالی که الان به کمتر از ۷ الی ۸ درصد رسیده است آن هم اکثرا اوراق است و جالب اینکه این اوراق را با هم جمع می کنیم و هر سال بدهی را برای سال های بعد اضافه می کنیم و در حال حاضر در حدود ۱۱۰ الی ۱۱۵ هزار میلیارد تومان بدهی اوراق داریم که غیر از ۷۰۰ هزار میلیارد بدهی به بانک ها است و این یک خطر جدی برای حکومت شده است که اگر به آن پرداخته نشود، مثل سیل همه را می برد. در کنار این بدهی ها، مشکلات صندوقهای بازنشستگی و بیمه ها را هم در نظر بگیرید که امسال ۵۴ هزار میلیارد تومان کسری دو صندوق کشوری و لشکری را داشتیم که هنوز به اوج کسری ها نرسیده اند. در حال حاضر سازمان تامین اجتماعی حدود ۱۴ میلیون بیمه شده و ۳/۵ میلیون نفر بازنشسته دارد که پول آن ۱۴ میلیون بیمه شده را به این ۳/۵ میلیون نفر بازنشسته پرداخت می کند و باز هم کم می آورد. حال اگر این ۳/۵ میلیون نفر بازنشسته، به ۴ یا ۵ میلیون بازنشسته افزایش پیدا کند، چه اتفاقی می افتد؟ بنابراین خود این صندوق ها را که قرار بود توسعه ایجاد کنند، باید به عنوان مریض مداوا کرد.

اشتریان: به نظر می رسد در درجه اول باید برنامه های توسعه را تعطیل کنیم و آنها را به برنامه های حوزه ای غلتان تبدیل کنیم و سیکل سیاستی و سیاسی امان را هم تطبیق دهیم؛ سیکل سیاستی برنامه ها ۵ ساله است و سیکل سیاسی هم انتخابات است. برنامه های حوزه ای غلتان باید

۴ ساله باشد که هر رییس جمهوری خود این برنامه ها را اجرا کند. راهکار دوم، ایجاد تحول در نسل مدیریتی کشور و پرورش مداوم این مدیران است. روز اولی که آقای روحانی در سال ۹۲ رای آورد، به یکی از افرادی که با ایشان ارتباط مستقیم داشت، عرض کردم که اولین کار و استراتژی آقای روحانی این باشد که مشخص کند آیا از افراد قدیمی می خواهد استفاده کند یا می خواهد نسل جدیدی را به بدنه دولت تزریق کند. راهکار سوم، تغییر رویکرد قانونگذاری است که اکنون به عنوان مثل الان وزارت ارتباطات بیشتر درگیر آن است که برای فعالیت استارت آپ ها آیین نامه های متعدد می آورند. در حالی که زمان آن که ما قانون بگذاریم تا تنظیم روابط بشود، دیگر گذشته است. الان ۴۰۰ تا ۵۰۰ استارت آپ راه افتاده است و ما نه تنها کاری برای آنها نکرده ایم، بلکه بیشترین مزاحمت ها را هم برایشان ایجاد کرده ایم. راهکار دیگر تربیت و همسان سازی گفتمان مدیران کشور است؛ باید اینهایی که هستند بروند و ۴۰۰ الی ۵۰۰ نفر همسان که گفتمان واحد دارند و می توانند کشور را اداره کنند، جایگزین آنها شوند. راهکار دیگر این است که در ساختارهای فعلی اداری باید تحول ایجاد شود؛ مثلا سازمان اداری و استخدامی، معاونت سازمان فناوری اطلاعات و مرکز آمار ایران و وزارت ارتباطات با هم ادغام شوند یا از ۴ الی ۵ معاونت وزارت کشور، بودن یکی کفایت می کند و سایر معاونت ها باید حذف شوند. اکنون فرضیه ای وجود دارد که می گوید ۷۰ درصد دولت در شرایط فعلی به درد نمی خورد و کل آن را می توان تعطیل تلقی کرد. بنابراین باید انقلابی در ساختارهای کشور اتفاق بیافتد.

سردبیر: از پاسخ آقای اشتریان متشکرم. جناب آقای انتظاری نظر شما درباره مباحث مطروحه و راهکارهای پیشنهادی شما چیست؟

انتظاری: راهکار اول پیشنهادی من، انجام کار سیستمی است که الزامات آن باید مشخص شود و مدل مفهومی این تغییر، تعریف گردد که در قالب مطالعه و مستند باشد؛ این مدل مفهومی به این معناست که باید مشخص شود که اجزای این تغییر چه چیزهایی هستند؟ و ارتباطات آنها با هم چگونه است؟ راهکار دوم این است که یک دیده بان ملی غیردولتی ایجاد شود تا

شاخص هایی را که امروز بحث کردیم، اندازه گیری کند و به اطلاع ملت برساند؛ این اطلاع رسانی به مردم در هنگام انتخابات کمک می کند تا روشن تر و دقیق تر انتخاب کنند. راهکار سوم پیشنهادی من این است که برای مسئولان کشور بویژه رئیس جمهور و وزرا یک دوره آموزشی عمومی بگذارند. این دوره آموزشی خیلی خوب است و نباید کسر شأن کسی تلقی شود. راهکار چهارم ایجاد یک زیست بوم برای شرکتهای دانش بنیان است؛ در حال حاضر این زیست بوم را نداریم و مقررات ما برای ۴۰ سال پیش است و باید یک مقررات ویژه ای برای استارت آپ ها ایجاد کرد.

سردبیر: با تشکر از آقای انتظاری. آقای سرائیان نکات و جمع بندی شما درباره مباحث مطروحه چیست؟

سرائیان: دو اصل و نکته را باید بپذیریم؛ اول اینکه بپذیریم یک شبه این تغییرات اتفاق نمی افتد؛ مثال عینی آن نسل سوم موبایل است که در سال ۲۰۰۳ وارد دنیای تجاری شد و به مرور قوانین و مقررات آن آمد و ضریب نفوذ یعنی مصرف کننده هم توسعه پیدا کرد و تکنولوژی مناسب رشد کرد. اما ما نسل سوم موبایل را ۱۰ سال بعد با تاخیر آوردیم. برای همین یک فشار تقاضا پشت سرمان بود که به محظ اینکه این تکنولوژی آمد، ظرف دو سال مردم و جوانان از آن استفاده کردند و این عقب ماندگی خود یک فشار مضاعف ایجاد کرد. نکته دوم این که اصطلاحات نیازمند خونریزی و درد است؛ یعنی اگر فکر کنیم که همه دنبال این هستند که همه راضی باشند، این با ذات تغییر و تحول متفاوت است و هر کسی بخواهد کاری انجام دهد، دچار این مشکل می شود. اکنون چیزی که در دولت می بینم، این است که دولت کاری به بدنه و نظام اداری ندارد! علت این نوع مواجهه دولت با نظام اداری به لایه اصلی مدیریت در دولت بر می گردد که یک رقابت بین وزارت خانه ها وجود دارد اما هیچ تعامل و همکاری بین وزارت خانه ها وجود ندارد؛ مثلاً مشخص نیست حمل و نقل اینترنتی آیا جزو وظایف وزارت راه و شهرسازی است یا وزارت ارتباطات و یا شهرداری؟

نکته دیگر اینکه، ذات تغییر و تحول باعث شده که همه دستگاه ها به صورت شبکه ای با هم

کار کنند تا توسعه بوجود بیاید. اکنون در حوزه فناوری اطلاعات دو نظریه وجود دارد؛ یکی اینکه «آی تی» (IT)، «بیزینس» (business) را درایو می کند و جلو می برد و نظریه دوم این است که می گوید «بیزینس» (business)، «آی تی» (IT) را درایو می کند و جلو می برد. با وجود اینکه خیلی جاها شاهد هستیم که ای تی کسب و کارها، فرایندها و قانون و مقررات را درایو می کند و جلو می برد، اما این به معنی تصدیق صددرصدی نظریه اول و نفی نظریه دوم نیست. واقعیت این است که «آی تی» و «بیزینس» همدیگر را درایو می کنند و جلو می برند. چنین مباحثی قبلا وجود نداشتند اما اکنون به عنوان یک موجود جدید حضور دارند و باید برای آنها قوانین و مقررات بنویسیم. به عنوان آخرین نکته، اگر دولت را معادل مخابرات بدانیم، مخابرات جز اولین جاهایی بود که خصوصی شد. زمانی که مخابرات در همه جای دنیا دولتی بود، شرکتهای بزرگ مخابراتی در دنیا با یک تورم سنگین نیروی انسانی مواجه شدند؛ این شرکتهای بدنه سنگین نیروی انسانی داشتند در حالی که نیازی به این بدنه نداشتند. برای حل این مشکل، بسیاری از این شرکتها از کارمندان خود خواستند بروند و در خانه هایشان بنشینند تا بازنشسته شوند. از این مورد شاید بتوان به عنوان گزینه ای در شرایط فعلی کشور استفاده کرد و از افرادی که ۲ الی ۳ سال به بازنشستگی آنها مانده، خواست بازنشسته شوند تا بخشی از تورم سنگین نیروی انسانی بدنه دولت، کاهش پیدا کند.

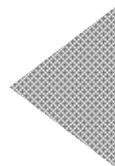
نبوی: امروزه توسعه با نظام حقوقی و نظام اداری گره خورده است لذا وقتی می گوئیم برای توسعه، یک الگو و نقشه راه لازم داریم؛ منظور این است که در کشور ما باید اولویت با توسعه حقوقی باشد و بعد از آن باید نظام اداری را به سمت شفافیت و سامانه مند شدن هدایت کنیم. مدل های این الگو و نقشه راه در دنیا موجود است؛ مثلا چگونه می شود نظام مالیاتی را به نظامی تبدیل کرد که هم درآمد کشور بالا برود، هم عدالت مالیاتی در کشور برقرار شود، هم فرار مالیاتی کم شود و هم مردم یعنی مودیان، در این نظام مشارکت و نظارت داشته باشند. اگر نظام سیاسی مصمم به اجرای این دو اقدام باشد، در اجرای برنامه های توسعه نیز موفق می شود. البته می توان گفت ما تا نیمه راه آمده ایم؛ یعنی سرمایه گذاری روی زیرساختهای اطلاعاتی را انجام

داده ایم. مثلاً در کشور گرجستان همین دو کار را انجام دادند و موفق شدند. اکنون گرجستان به عنوان مرجعی شده است که اکثر سرمایه ها به آنجا می‌رود. بنابراین در کشور به حقوق‌دانی احتیاج داریم که باید این مسائل را بفهمند و الگو و نقشه راه توسعه را تعیین کنند.

سردبیر: از حضور عالمانه همه دوستان و اساتید محترم در این میزگرد تشکر می‌کنم.

مقالات

تأثیر تبعیض اقتصادی بین منطقه‌ای بر رشد اقتصادی جمهوری اسلامی ایران



مجتبی ملکی شهریور^۱

(تاریخ دریافت ۹۶/۱۱/۱۵ - تاریخ تصویب ۹۷/۳/۱۲)

چکیده

گذشته از آثار منفی تبعیض اقتصادی در مخدوش نمودن چهره و کارایی نظام، رشد اقتصادی در سال‌های مختلف نیز متأثر از این پدیده می‌باشد. این پژوهش ضمن تکمیل مباحث نظری در زمینه اثرات تبعیض اقتصادی بر رشد اقتصادی، با ارائه شاخص تبعیض اقتصادی بین منطقه‌ای تا سال ۱۳۹۳، به بررسی میزان تأثیر آن بر رشد اقتصادی در جمهوری اسلامی ایران می‌پردازد. دوره زمانی بررسی سال‌های ۱۳۹۳-۱۳۶۷ و روش تحلیل، روش خود توضیح با وقفه‌های گسترده (ARDL) است. بررسی‌ها در حوزه نظری حاکی از آن است که وجود تبعیض و نابرابری، علاوه بر افزایش انواع نابسامانی‌ها و آسیب‌های اجتماعی، فاصله اجتماعی بین افراد یک جامعه را افزایش داده و این امر نیز به نوبه خود باعث کاهش سرمایه اجتماعی می‌گردد. در عین حال پایین بودن سرمایه اجتماعی در یک جامعه، توانایی جامعه را برای رسیدن به توسعه اجتماعی پایدار و برقراری عدالت کاهش می‌دهد. همچنین نتایج در بازه مورد بررسی نشان می‌دهد که در بلندمدت افزایش ۱ درصدی شاخص تبعیض اقتصادی بین منطقه‌ای کاهش ۰.۰۴۷ درصدی در میزان تولید ناخالص داخلی بدون نفت را به دنبال داشته است. نتیجه مهم

۱. استادیار گروه اقتصاد دانشگاه جامع امام حسین (ع)، mojtabamaleki۲۲۱۴@yahoo.com

دیگر این تحقیق تأثیر منفی بالاتر تبعیض بین منطقه‌ای نسبت به تأثیر مثبت درآمدهای نفتی بر رشد اقتصادی کشور است. یعنی توزیع ناعادلانه بودجه بین مناطق می‌تواند نقش و اثر مثبت درآمدهای نفتی را بر تولید ناخالص داخلی بدون نفت خنثی نماید.

کلید واژه: تبعیض اقتصادی بین منطقه‌ای، رشد اقتصادی، روش خود توضیح با وقفه‌های گسترده، بودجه، سرمایه اجتماعی

۱- مقدمه و بیان مساله

وجود تبعیض و نابرابری، علاوه بر افزایش انواع نابسامانی‌ها و آسیب‌های اجتماعی، فاصله اجتماعی بین افراد یک جامعه را افزایش داده و این امر نیز به نوبه خود باعث کاهش سرمایه اجتماعی می‌گردد. در عین حال پایین بودن سرمایه اجتماعی در یک جامعه، توانایی جامعه را برای رسیدن به توسعه اجتماعی پایدار و برقراری عدالت کاهش می‌دهد. اهمیت این موضوع به حدی است که مقام معظم رهبری مشروعیت ارکان نظام را به میزان توجه و تلاش برای رفع تبعیض نسبت می‌دهند: مشروعیت من و شما وابسته به مبارزه با فساد، تبعیض و نیز عدالت خواهی است. این، پایه مشروعیت ماست. الان درباره مشروعیت حرف‌های زیادی زده می‌شود، بنده هم از این حرف‌ها بلدم؛ اما حقیقت قضیه این است که اگر ما دنبال عدالت نباشیم، حقیقتاً من که این‌جا نشسته‌ام، وجودم نامشروع خواهد بود؛ یعنی هرچه اختیار دارم و هرچه تصرف کنم، تصرف نامشروع خواهد بود؛ دیگران هم همین‌طور. ما برای عدالت و رفع تبعیض آمده‌ایم (بیانات در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیأت دولت ۱۳۸۲/۰۶/۵).

در زمینه لزوم برخورد با تبعیض در ج.ا.ایران مرور اسناد بالادستی و فرمایشات امامین انقلاب موارد مهمی را آشکار می‌سازد. در بند ۹ اصل سوم قانون اساسی به رفع تبعیضات ناروا و ایجاد امکانات عادلانه برای همه، در تمام زمینه‌های مادی و معنوی تصریح شده است. مطابق اصل چهارم و هشتم قانون اساسی در بهره‌برداری از منابع طبیعی و استفاده از درآمدهای ملی در سطح استان‌ها و توزیع فعالیت‌های اقتصادی میان استان‌ها و مناطق مختلف کشور، باید تبعیض در کار نباشد به طوری که هر منطقه فراخور نیازها و استعداد رشد خود سرمایه و امکانات لازم در دسترس داشته باشد (قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، اصل سوم و اصل چهارم و هشتم).

در سند چشم‌انداز ۲۰ ساله جمهوری اسلامی ایران، رفع تبعیض در بهره‌برداری از منابع طبیعی و

استفاده از درآمدهای ملی، در سطح استان‌ها و توزیع فعالیت‌های اقتصادی میان استان‌ها و مناطق مختلف کشور، توزیع سرمایه و امکانات لازم بین مناطق به صورتی که هر منطقه فراخور نیازها و استعداد رشد خود آن‌ها را در دسترس داشته باشد و رفع فساد و تبعیض از جامعه عنوان شده است (چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴ هجری شمسی).

مطابق بند ۳ سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی، جهت نیل به هدف تأمین رشد پویا و بهبود شاخص‌های مقاومت اقتصادی و دستیابی به اهداف سند چشم‌انداز بیست‌ساله، بایستی زمینه تقویت رقابت‌پذیری اقتصاد، ایجاد بستر رقابت بین مناطق و استانها و به کارگیری ظرفیت و قابلیت‌های متنوع در جغرافیای مزیت‌های مناطق کشور فراهم گردد.

حضرت امام خمینی (ره) بیان می‌دارند: محرومیت‌زدایی عقیده و راه و رسم زندگی ماست. همه آرمان و آرزوی ملت و دولت و مسئولین کشور ماست که روزی فقر و تهیدستی در جامعه ما رخت برنند (صحیفه نور جلد ۲۰ ص ۱۲۹). اگر در جامعه اسلامی اختلاف طبقاتی شدید وجود داشته باشد، آن جامعه فقط صورت اسلامی دارد و از محتوای اسلام بی‌بهره است (صحیفه نور جلد ۷ ص ۳۹).

مقام معظم رهبری (مدظله) اشاره دارند که: «مردم در دنیا به شدت تشنه عدالتند. امروز در کشورهایی که دم از دموکراسی می‌زنند، بیعدالتی از همه جا بیشتر است. در همین کشور آمریکا، با این که سال‌های متممادی می‌گذرد که رسماً برابری حقوقی سیاه و سفید را روی کاغذ اعلان کرده‌اند، هنوز که هنوز است، میان سیاهان و سفیدان تبعیض حاکم است». (بیانات در حرم مطهر رضوی 1376/01/01). ایشان حتی علت جذب برخی اروپایی‌ها به گروه‌های تروریستی را کاشته شدن عقده‌هایی به خاطر نفرت عمیق حاصل از نابرابری‌ها و تبعیض در غرب و گشوده شدن بیمارگونه آن بیان می‌کنند: «شاید نفرت عمیقی که طی سالهای شکوفایی صنعتی و اقتصادی، در اثر نابرابری‌ها و احیاناً تبعیض‌های قانونی و ساختاری در دل اقشاری از جوامع غربی کاشته شده، عقده‌هایی را ایجاد کرده که هر از چندی بیمارگونه به این صورت گشوده می‌شود». (نامه به عموم جوانان در کشورهای غربی ۱۳۹۴/۰۹/۰۸).

ایشان همچنین اشارات مختلفی به مضرات وجود تبعیض در مسائل اقتصادی و لزوم مبارزه با آن دارند: «ما رونق اقتصادی کشور را بدون تأمین عدالت اجتماعی به هیچ وجه قبول نداریم و معتقد به آن نیستیم. کشورهایی هستند که شاخص‌هایشان خیلی خوب است، مطلوب است، رشد

اقتصادی شان خیلی بالا است؛ لکن تبعیض، اختلاف طبقاتی، نبود عدالت در آن کشورها محسوس است؛ ما این را به هیچ وجه منطبق با خواست اسلام و اهداف جمهوری اسلامی نمی دانیم». (بیانات در جلسه تبیین سیاست های اقتصاد مقاومتی ۱۳۹۲/۱۲/۲۰). «پیشرفت اگر با عدالت همراه نباشد، پیشرفت مورد نظر اسلام نیست. اینی که ما تولید ناخالص ملی را، درآمد عمومی کشور را به یک رقم بالائی برسانیم، اما در داخل کشور تبعیض باشد، نابرابری باشد، عده‌ای آلف و الوف برای خودشان داشته باشند، عده‌ای در فقر و محرومیت زندگی کنند، این چیزی نیست که اسلام می خواهد؛ این آن پیشرفتی نیست که مورد نظر اسلام باشد. باید عدالت تأمین بشود». (بیانات در حرم مطهر رضوی ۱۳۸۸/۰۱/۰۱). «یکی از مشکلات عبارت است از شکاف اقتصادی و تبعیض در مسائل اقتصادی و برخورداریهای ناروا در مقابل محرومیت‌های سخت و سنگین. این، مردم را آزار می دهد. بیش از فقر، تبعیض برای مردم گزنده است». (بیانات در دیدار نمایندگان مجلس ۱۳۸۱/۰۳/۰۷). «تبعیض، یعنی به جای ملاحظه‌ی قابلیت‌ها، به جای ملاحظه‌ی استحقاق، به جای ملاحظه‌ی خدا و قانون، ملاحظه‌ی رابطه‌ها بشود! نتیجه، این بشود که اگر به اهل یک روستا چند میلیون داده شود، زندگی یک روستا متحول می‌گردد و آن روستا محروم نمی‌ماند؛ اما اشخاصی هم پیدا می‌شوند که میلیون‌ها را صرف خواسته‌های حقیر و کوچک، صرف یک میهمانی، صرف یک کار تجملی، صرف یک کار غیر ضروری و احیاناً مضر بکنند». (بیانات در دیدار جمعی از مدیران و مسئولان وزارت آموزش و پرورش ۱۳۸۱/۰۴/۲۶). «ان شاء الله تمام آرمان های انقلاب به نتیجه برسد، که از مهمترین آن رفع تبعیض، رفع تبعیض فردی، شهرستانی، استانی و منطقه‌ای در سرتاسر کشور است؛ و به کار گرفتن استعدادهای و ثروتهای طبیعی که امروز در اختیار بخش های مختلف ملت ایران است». (بیانات در دیدار مردم دامغان ۱۳۸۵/۰۸/۱۹).

با توجه به این که شیوع تبعیض در جامعه علی‌رغم شایستگی و فقط به خاطر رنگ پوست یا جنس و یا زمینه اجتماعی و یا منطقه ای برخی از مردم را از تصاحب برخی مشاغل، محروم می‌کند و یا به توزیع ناعادلانه بودجه عمومی بیانجامد، این کار باعث ایجاد وضعیت نامساعد اجتماعی و اقتصادی است که بنوبه خود، منجر به ناکارآمدی و نتایج نابرابر می‌گردد. وجود نابرابری‌های قابل توجه و مداوم در درآمدها، دارایی‌ها و فرصت‌ها، می‌تواند منجر به بی‌ثباتی سیاسی و ناآرامی اجتماعی و در نهایت کاهش سرمایه‌گذاری و رشد اقتصادی گردد.

با عنایت به موارد مذکور، روشن می‌گردد که اجرای عدالت و رفع تبعیضات ناروا منطبق با ارزش‌های اسلامی، یکی از ارزش‌های نظام جمهوری اسلامی است، وجود تبعیض اقتصادی، ضمن خدشه دار کردن چهره نظام، پایه مشروعیت ارکان آن یعنی عدالت خواهی را زیر سوال برده و از طریق مکانیزم‌هایی رشد اقتصادی را هم تحت تاثیر منفی قرار می‌دهد. یکی از انواع تبعیض‌ها، تبعیض در بهره‌برداری از منابع طبیعی و استفاده از درآمدهای ملی در سطح استان‌ها و توزیع فعالیت‌های اقتصادی میان استان‌ها و مناطق مختلف کشور می‌باشد.

بررسی تاثیر پدیده‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی و سیاسی بر رشد اقتصادی هر کشوری از اهمیت خاصی برخوردار است، چرا که وضعیت رشد اقتصادی هر جامعه‌ای می‌تواند ضمن نشان دادن وضعیت رفاهی مردم آن جامعه، عملکرد دولت‌ها را نیز مورد ارزیابی همگان قرار می‌دهد. از طرفی غفلت از نتایج و آثار اعمال سیاست‌ها و یا نادیده گرفتن تاثیر پدیده‌ها بر رشد اقتصادی، ضربات جبران‌ناپذیری را بر وضعیت معیشتی مردم وارد می‌کند. لذا بررسی تاثیر تبعیض بین منطقه‌ای در استان‌ها بر رشد اقتصادی می‌تواند از اهمیت ویژه‌ای برخوردار باشد.

در ایران تاکنون پژوهشی که بتواند متناسب با شاخص بومی تبعیض منطقه‌ای، میزان تاثیر این پدیده را روی رشد اقتصادی کشور مورد تحقیق قرار دهد، تنها یک مورد بوده و آن هم دوره زمانی محدود و تا سال ۱۳۸۸ را در بر گرفته است. در سایر کشورها هم مطالعات انجام گرفته در این زمینه، بیشتر تاثیر تبعیض جنسیتی بر رشد اقتصادی مورد پژوهش قرار گرفته است. بنابراین یک پژوهش مناسب در این زمینه باید در حوزه نظری به تکمیل مباحث نظری در زمینه اثرات تبعیض بر رشد اقتصادی پردازد. سوال محوری مقاله آن است که تاثیر تبعیض اقتصادی بین منطقه‌ای بر رشد اقتصادی جمهوری اسلامی ایران چیست؟ سوال فرعی هم اندازه شاخص تبعیض اقتصادی بین منطقه‌ای در سال‌های مورد بررسی چه مقدار است؟ دوره زمانی آن ۱۳۶۷ تا ۱۳۹۳ و روش تحلیل، روش خود توضیح با وقفه‌های گسترده (ARDL) می‌باشد.

این مقاله ابتدا با مرور ادبیات و پیشینه موضوع (مفهوم تبعیض و انواع آن، مبانی نظری تاثیر تبعیض بر رشد اقتصادی و پیشینه)، روش انجام تحقیق را بیان نموده و سپس با محاسبه اندازه شاخص تبعیض اقتصادی بین منطقه‌ای جهت پاسخ به سوال فرعی، مدل مورد نظر را برای پاسخ به سوال اصلی معرفی و برآورد می‌کند. پس از تجزیه و تحلیل یافته‌ها، در انتها بحث، نتیجه‌گیری ارائه می‌گردد.

۲- ادبیات نظری و پیشینه موضوع

۲-۱- ادبیات نظری

۲-۱-۱- مفهوم تبعیض و انواع آن^۱

از نظر لغوی در فرهنگ فشرده سخن تبعیض به معنای کسی یا چیزی را به طور ناعادلانه به دیگری ترجیح دادن تعریف شده است (انوری، ۱۳۸۲: ۵۶۴). به عبارت دیگر تبعیض به معنای این است که فردی بدون اینکه امتیاز و شایستگی خاصی داشته باشد بر افراد دیگر که با او از هر لحاظ برابرند ترجیح داده شود.

کمیته حقوق بشر در تفسیر عام شماره ۱۸ مفهوم تبعیض را این گونه تعریف کرده است: «هر گونه تمایز، انحصار، محدودیت یا الویتی که بر اساس نژاد، رنگ، جنس، زبان، مذهب، عقیده سیاسی و دیگر عقاید، منشا ملی یا اجتماعی، اموال، تولد (نسب) یا دیگر وضعیت‌ها صورت گرفته و هدف از آن محروم نمودن یا عدم شناسایی حقوق بشری و آزادی‌های اساسی افراد در زندگی اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و دیگر زمینه‌های عمومی بوده یا چنین اثری داشته باشد».^۲

برای بیشتر روشن شدن جنبه‌های تبعیض سه رویکرد اصلی برای دسته‌بندی تبعیض به طور خلاصه ارائه می‌گردد که کمک می‌کند جنبه‌های تبعیض را بهتر بشناسیم: ۱- طبقه‌بندی بر اساس گونه ۲- طبقه‌بندی بر اساس زمینه ۳- طبقه‌بندی بر اساس فضای شکل‌گیری

۱- برای مطالعه مفهوم تبعیض و شاخص مناسب تبعیض اقتصادی و نحوه محاسبه شاخص تبعیض اقتصادی بین منطقه‌ای به مقاله چاپ شده در فصلنامه مطالعات راهبردی بهار ۱۳۹۲، شماره ۶۱، زمستان ۱۳۹۲ با عنوان: شاخص‌سازی «تبعیض اقتصادی» به عنوان زمینه‌ساز تهدید نرم و ارزیابی آن در جمهوری اسلامی ایران: مطالعه موردی استانهای کشور مراجعه شود. در این قسمت به مختصری از ادبیات تبعیض اقتصادی مقتبس از این مقاله اشاره می‌گردد.

۲- CCPR General comment No. 18: Non Discrimination ; para. 6

جدول (۱): طبقه بندی تبعیض بر اساس: گونه، زمینه و فضای شکل گیری

انواع	تعریف	اساس طبقه بندی
الف- تبعیض عینی ^۱ و تبعیض ذهنی ^۲ (بادس و همکاران، ۲۰۰۵:۱۱) ب- تبعیض مستقیم ^۳ و تبعیض غیرمستقیم ^۴ (Council Directive, 2010) ج- تبعیض سازمانی ^۵ ، تبعیض نهادینه شده ^۶ و تبعیض سیستمیک ^۷ (بادس و همکاران، ۲۰۰۶:۱۷) د- تبعیض مثبت ^۸ (فلدویچ و همکاران، ۲۰۱۱)	تقسیم بندی تبعیض بر اساس گونه، مربوط به شکل اعمال آن می باشد.	گونه
الف- تبعیض "نژادی" ^۹ و "قومی" ^{۱۰} (ریلی، ۲۰۰۳) ب- تبعیض جنسیتی ^{۱۱} (ویلسون، ۲۰۰۳) ج- تبعیض طبقاتی ^{۱۲} د- تبعیض مذهبی ^{۱۳} (مادینا، ۱۹۷۳) ه- تبعیض از کار افتادگی ^{۱۴} و- تبعیض بر اساس سن ^{۱۵} ز- تبعیض زبان ^{۱۶} ح- تبعیض ژنتیکی ^{۱۷} ط- تبعیض خاستگاه قومی ملیتی ^{۱۸} ی- تبعیض بر پایه شرایط حاملگی ^{۱۹}	زمینه های تبعیض، ویژگی هایی از افراد یا زمان ها یا مکان هایی هستند که تبعیض می تواند بر پایه آن ها شکل بگیرد.	زمینه
الف- تبعیض در تعیین دستمزد ^{۲۰} (کین، ۱۹۸۶) و (آرنسپرگر، ۲۰۰۴) ب- تبعیض در به کار گیری یا استخدام ^{۲۱} (دونو، ۱۹۹۱)	فضاهایی که بیشتر تبعیض در آن ها رخ می دهد یا	فضای شکل گیری

- 1 Objective discrimination
- 2 Subjective discrimination
- 3 direct discrimination
- 4 indirect discrimination
- 5 Institutional discrimination
- 6 Institutionalized discrimination
- 7 Systemic discrimination
- 8 Affirmative discrimination
- 9 Racial discrimination
- 10 Ethnic discrimination
- 11 Gender discrimination
- 12 Class discrimination
- 13 Religious Discrimination
- 14 Disability Discrimination
- 15 Discrimination based on age
- 16 Language discrimination
- 17 Genetic Discrimination
- 18 Discrimination, ethnic origin, nationality
- 19 Discrimination based on pregnancy conditions
- 20 Wage discrimination
- 21 Hiring discrimination

انواع	تعریف	اساس طبقه بندی
ج- تبعیض تبعیض مبتنی بر قیمت ^۱ (آیرس، ۱۹۹۱) د- تبعیض خدمات ^۲ (همان) د- تبعیض سرمایه گذاری ^۳ (پوسنر، (سایگلن، ۱۹۹۴) و (دونو، ۱۹۹۲) ه- تبعیض در آموزش ^۴ و- تبعیض اقتصادی جهانی ^۵	به سخن دیگر آن چیزی که افراد و یا گروه‌ها برای برخورداری از آن تبعیض می‌شوند.	

در این پژوهش مبنای تعریف عملیاتی تبعیض اقتصادی بین منطقه‌ای اصل ۴۸ قانون اساسی است که تصریح می‌کند در بهره‌برداری از منابع طبیعی و استفاده از درآمدهای ملی در سطح استان‌ها و توزیع فعالیت‌های اقتصادی میان استان‌ها و مناطق مختلف کشور، باید تبعیض در کار نباشد. به طوری که هر منطقه فراخور نیازها و استعداد رشد خود، سرمایه و امکانات لازم در دسترس داشته باشد. شیوه محاسباتی این شاخص به اختصار در توضیح شاخص ارایه می‌شود.

۲-۱-۲- مبانی نظری تأثیر تبعیض بر رشد اقتصادی

با توجه به این که نوشته علمی مستندی در باره تبعیض بین منطقه‌ای با مفهومی که ما در پی بررسی آن هستیم یافت نمی‌شود. (یکی از علت‌های آن کارکردهای مستقل مناطق در کشورهای پیشرفته و وجود معیارها و ملاک‌های پذیرفته شده برای تخصیص امکانات ملی به مناطق در این کشورهاست. علت دیگر توانایی مناطق برای بازیابی حقوق در این زمینه است (عزتی و همکاران، ۱۳۹۲: ۴۰). لذا از بخشی از ادبیات تبعیض موجود در مستندات علمی در معنای عام یا خاص تبعیض که می‌تواند ارتباط تبعیض و رشد اقتصادی را به صورت منطقی توجیه نماید نیز استفاده شده است.

الف- کانال سرمایه اجتماعی

به طور معمول، آنچه توسعه و رشد اقتصادی بر پایه آن بنا شده، شامل سرمایه طبیعی، سرمایه فیزیکی یا تولیدی و سرمایه انسانی است که به‌عنوان ثروت یک ملت شناخته می‌شود. این مسئله به‌تازگی معلوم شده است که این سه نوع سرمایه، فقط بخشی از فرایند رشد اقتصادی را تعیین

-
- 1 Discrimination based on price
 - 2 Services discrimination
 - 3 Capital investment discrimination
 - 4 Discrimination in Education
 - 5 Global economic discrimination

می‌کنند؛ چراکه این‌ها از راهی که بازیگران اقتصادی با یکدیگر تعامل می‌کنند و به یکدیگر نظم می‌بخشند تا رشد و توسعه را فراهم آورند، چشم می‌پوشند. پس برای بررسی اختلاف رشد میان کشورهایی که از نظر آن سه دسته سرمایه، دارای وضعیت یکسانی هستند، باید در پی حلقه‌های دیگر بود؛ آن حلقه مفقوده، سرمایه اجتماعی است (شارع پور، ۱۳۸۵: ۲۳). از جمله مسائل و دغدغه‌های سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان کشور، این موضوع است که چرا به‌رغم تمام برنامه‌ریزی‌ها و سرمایه‌گذاری‌های متعددی که دولت در بخش‌های اقتصادی انجام می‌دهد، نمی‌توان بر شرایط دشوار اقتصادی و مشکلات معیشتی مردم فائق آمد. معمولاً زمانی که از مشکلات اقتصادی کشور سخن به میان می‌آید، اغلب کمبود سرمایه فیزیکی (مادی) به‌عنوان یکی از بزرگ‌ترین معضلات نام برده می‌شود و از سرمایه‌های اجتماعی هیچ سخنی به میان نمی‌آید. این در حالی است که نیاز به سرمایه اجتماعی در شرایط رکودی یا تورمی که نیاز به اعتمادسازی است، بیش از هر سرمایه دیگری احساس می‌شود و سرمایه اجتماعی یا جزء معنوی یک تابع تولید، در کنار سایر سرمایه‌ها می‌تواند بسیاری از معماهای لاینحل اجتماعی را از سر راه حرکات توسعه‌ای جامعه بردارد و رشد شتابان اقتصادی، اجتماعی را امکان‌پذیر نمایند (متوسلی و بی‌نیاز، ۱۳۷۵: ۳۶-۳۵). ادبیات معاصر توسعه، این فرضیه را مطرح می‌کند که سرمایه اجتماعی یک متغیر مهم برای موفقیت در برنامه‌های توسعه‌ای (اشتغال پایدار، مشارکت و ...) است؛ بنابراین فرضیه، برنامه‌های اجتماعی در مناطقی موفق‌ترند که دارای سرمایه اجتماعی بالاتری هستند (تاج‌بخش، ۱۳۸۴: ۱۳).

معتدل بودن شرایط اجتماعی که از توزیع امکانات و منابع حاصل می‌شود، می‌تواند موجب افزایش اعتماد اجتماعی و تقویت هنجارهای اجتماعی در میان شهروندان گردد و زمانی که حس اعتماد اجتماعی به‌صورت فراگیر در جامعه توسعه و گسترش پیدا کند، می‌تواند بستر ساز و ظرفیت ساز بسیاری از برنامه‌های مبتنی بر توسعه پایدار گردد. لذا بی‌نیاز نیست که توسعه اجتماعی را ایجاد کرد و توسعه و بهبود بخشید تا به توسعه پایدار دست یافت (صیدایی و همکاران، ۱۳۸۸: ۲۱۷). در صورت فقدان سرمایه اجتماعی، سایر سرمایه‌ها اثربخشی خود را از دست می‌دهند و بدون سرمایه اجتماعی، پیمودن راه‌های توسعه و تکامل فرهنگی و اقتصادی ناهموار و دشوار می‌نماید. از این‌رو موضوع سرمایه اجتماعی به‌عنوان یک اصل محوری برای دستیابی به توسعه محسوب می‌گردد (الوانی و شیروانی، ۱۳۸۲: ۱۴۷).

وجود تبعیض و نابرابری، علاوه بر افزایش انواع نابسامانی‌ها و آسیب‌های اجتماعی، فاصله اجتماعی بین افراد یک جامعه را افزایش داده و احتمال پیوندهای اجتماعی یا تحقق هنجارهای مشترک را کاهش می‌دهد. درعین حال پایین بودن سرمایه اجتماعی در یک جامعه، توانایی جامعه را برای رسیدن به توسعه اجتماعی پایدار و برقراری عدالت کاهش می‌دهد.

تجربه شخصی از تبعیض منجر به بی‌اعتمادی عمومی می‌شود (Breuskin, 2012:7). فشارها و نابرابری‌های اقتصادی، اجتماعی، تعارضات فرهنگی، فروپاشی ارزش‌های خانوادگی، بی‌تفاوتی نسبت به قانون‌شکنی و... همه نمودهایی از سیر نزولی سرمایه اجتماعی است که در ابعاد خرد و کلان در نهایت منجر به تبعیض و نارضایتی عمومی منجر می‌گردد و در هر جامعه‌ای اعتماد عمومی و انسجام اجتماعی را با خطر روبرو می‌سازد و در نهایت سرمایه اجتماعی را به‌عنوان یکی از مؤلفه‌ها و اجزای کلیدی توسعه اجتماعی کاهش می‌دهد. گسترش فقر و نابرابری‌ها در جامعه ناشی از توزیع ناعادلانه، بر اساس سلسله‌ای از روابط علت و معلولی، زمینه بروز مسائل و نابسامانی‌های اجتماعی و آسیب‌های اجتماعی را فراهم می‌نماید. مشکلات ناشی از چنین بحرآن‌هایی که روند سقوط سرمایه اجتماعی را نشان می‌دهد و یا در سایه نبود سرمایه اجتماعی به وقوع می‌پیوندد، خود سبب کندی حرکت در مسیر توسعه و بالأخص توسعه اجتماعی کشور می‌گردد. بر این اساس، وجود تبعیض در کشور به ویژه تبعیض علیه مناطق (استان‌های) خاصی می‌تواند موجب کاهش سرمایه اجتماعی در این مناطق (استان‌ها) شود و پیامد آن کاهش رشد اقتصادی این استان‌ها است (عزتی و همکاران، ۱۳۹۲: ۴۳).

ب- کانال بی‌ثباتی سیاسی و ناآرامی اجتماعی

همچنین با توجه به این که تبعیض مردم را علی‌رغم شایستگی و فقط به خاطر رنگ پوست یا جنس و یا زمینه اجتماعی از تصاحب برخی مشاغل، محروم می‌کند، این کار باعث ایجاد وضعیت نامساعد اجتماعی و اقتصادی است که به‌نوبه خود، منجر به ناکارآمدی و نتایج نابرابر می‌گردد. به‌این ترتیب، نابرابری‌های قابل توجه و مداوم در درآمدها، دارایی‌ها و فرصت‌ها، تأثیر اقدامات در مبارزه با تبعیض را کاهش می‌دهد. این امر ممکن است منجر به بی‌ثباتی سیاسی و ناآرامی اجتماعی و درنهایت کاهش سرمایه‌گذاری و رشد اقتصادی گردد (گزارش جهانی سازمان بین‌المللی کار: اصول اساسی و حقوق در محل کار، ۲۰۰۷).

هنگامی که در افراد جامعه احساس تبعیض به وجود آید، آنان از تبعیض‌کننده ناراضی خواهند

شد و ممکن است بر علیه او اقداماتی انجام دهند. همچنین این تبعیض می‌تواند منجر به نارضایتی شغلی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی بشود. نارضایتی عاملی برای بروز ناهنجاری‌های اجتماعی و اقتصادی است که اعتماد و سرمایه اجتماعی را کاهش می‌دهد (عزتی و همکاران، ۱۳۹۲: ۴۳).

ج- کانال هزینه های دولت

افزون بر این‌ها بر پایه مدل‌های رشد درون‌زا، هزینه‌های دولت نیز یکی از عواملی است که می‌تواند از راه تزریق پول به اقتصاد موجب افزایش تقاضا و در نتیجه تولید و رشد اقتصادی را فراهم نماید. تبعیض در تخصیص بودجه و امکانات مالی و منابع ملی در قالب بودجه دولت می‌تواند از این راه نیز به بهبود رشد و توسعه مناطق بیانجامد و در صورتی که این تخصیص بر پایه استعدادها و ظرفیت‌ها انجام نشود می‌تواند موجب کاهش رشد اقتصادی مناطق را فراهم آورد (عزتی و همکاران، ۱۳۹۲: ۴۳).

د- کانال بیکاری

یکی از عوامل موثر بر روی نرخ بیکاری نحوه تخصیص منابع است. تخصیص امکانات و منابع مالی بدون تبعیض بین مناطق موجب افزایش کیفیت سرمایه‌های زیربنایی و توسعه آن‌ها شده و در نتیجه نرخ بیکاری را کاهش می‌دهد. کاهش نرخ بیکاری طبق قانون اوکان^۱ رشد اقتصادی را افزایش خواهد داد. لذا تخصیص تبعیض آمیز این امکانات و منابع مالی بواسطه افزایش نرخ بیکاری می‌تواند زمینه کاهش رشد اقتصادی را فراهم نماید.

و- کانال کارآفرینی و نوآوری

از یک سو، تبعیض در دسترسی به منابع مالی، فرصت‌های اقتصادی را برای افراد مورد تبعیض کاهش می‌دهد و به همین ترتیب قدرت خرید آنها را کاهش می‌دهد. این امر می‌تواند بر آموزش، سلامت، باروری و همچنین عملکرد اقتصادی تاثیر بگذارد. علاوه بر این، در صورت تبعیض، برخی افراد دارای توانایی کارآفرینی و نوآوری پایین‌تر شانس بیشتری برای دسترسی به اعتبارات و وام‌ها نسبت به دیگران با توانایی کارآفرینی و نوآوری بیشتر دارند که می‌توانند بهره

۱- در اقتصاد، رابطه معکوس بین نرخ بیکاری و رشد اقتصادی تحت عنوان قانون اوکان بیان می‌شود.

وری بالاتری را تولید و کسب و کارهای طولانی مدت را تقویت کنند. نتیجه چنین ناکارآمدی در افزایش برابری درآمد، کاهش نرخ رشد اقتصادی را در پی خواهد داشت. از سوی دیگر، در بسیاری از کشورهای در حال توسعه، کارآفرینان فرصت‌گرا در کنار کارآفرینان ضرورت‌گرا وجود دارند. گروهی از کارآفرینان به دلیل تبعیض زیاد در دسترسی به اشتغال جهت دریافت دستمزد در شرایط اضطرار کار می‌کنند. این کارآفرینان به علت فقدان مهارت‌های مدیریتی کافی و توانایی‌های کارآفرینانه لزوماً از دسترسی بیشتری به سرمایه بهره‌کافی نمی‌برند و بنابراین نمی‌توانند به رشد اقتصادی در کشور خود کمک کنند (Konte, 2015:199).

د- کانال‌های تأثیر تبعیض جنسیتی بر رشد اقتصادی

با فرض این که دختران و پسران به لحاظ توانایی‌های ذاتی دارای توزیع مشابهی بوده و کودکان دارای توانایی بیشتر امکان بیشتری برای دسترسی به آموزش داشته باشند، نابرابری جنسیتی در آموزش به این معنا است که فرصت‌های کسب آموزش برای پسران با توانایی کمتر نسبت به دختران، بیشتر است. در نتیجه متوسط توانایی‌های ذاتی کسانی که آموزش کسب کرده‌اند، کمتر از موردی خواهد شد که پسران و دختران فرصت‌های یکسانی برای کسب آموزش داشته باشند. بنابراین، این به معنای کاهش بهره‌وری سرمایه انسانی در اقتصاد و در نتیجه کاهش رشد اقتصادی است (Klasen, 2002:351). دیدگاه دیگر می‌تواند به این صورت باشد که نابرابری مانند این است که یک مالیات انحرافی بر آموزش وضع شده باشد که این به تخصیص نادرست منابع آموزشی منجر خواهد شد، بنابراین، باعث کاهش رشد اقتصادی می‌شود (نیک پی طبری و میلا علمی، ۱۳۹۳: ۹۹).

همچنین تبعیض جنسیتی رشد اقتصادی را از طریق: الف- ایجاد اختلال در تخصیص منابع به علت تبعیض در آموزش؛ ب- آثار جانبی مستقیم تبعیض‌ها در آموزش از طریق کاهش کیفیت آموزش نسل بعد؛ ج- آثار جانبی غیرمستقیم از طریق اثرگذاری بر متغیرهای جمعیتی؛ د- ایجاد اختلال در تخصیص منابع به علت تبعیض در اشتغال؛ ه- ایجاد اختلال در میزان دسترسی به تکنولوژی؛ و- محاسبه نادرست حسابهای ملی به علت ثبت نکردن کار برخی به علت تبعیض در اشتغال؛ ز- آثار تبعیض بر میزان باروری و میزان مرگ و میر کودکان از طریق ارتقا یافتن کیفیت بهداشت خانواده کاهش می‌دهد (Klasen, 1999).

۲-۲- پیشینه پژوهش

در برخی مطالعات تأثیر انواع تبعیض روی متغیرهای اجتماعی مورد مطالعه قرار گرفته که از آن جمله به کارهای: مسنر^۱ (۱۹۸۹)، گلن^۲ (۱۹۹۰)، چارلز و گوریان^۳ (۲۰۰۷)، پیازا^۴ (۲۰۱۱)، ویلیامز و کولینز^۵ (۱۹۹۵)، فریکمن^۶ (۲۰۰۶)، هوانگ^۷ و همکاران (۲۰۰۸)، الن^۸ و همکاران (۲۰۰۱)، علم^۹ (۲۰۱۱) و اوزر و گونلاک^{۱۰} (۲۰۱۰) می توان اشاره کرد.

در برخی دیگر از مطالعات تأثیر تبعیض جنسیتی بر روی رشد اقتصادی مورد تحقیق قرار گرفته است که در این زمینه نیز می توان مطالعات: استیو-ولارت^{۱۱} (۲۰۰۴)، دالر و گاتی^{۱۲} (۱۹۹۹)، کلاسن (۱۹۹۹)، کلاسن و لامانا (۲۰۰۹)، هاگورا و همکاران (۲۰۱۶) و رحمانی و کاوه (۱۳۹۴) را نام برد. تحقیق عزتی و همکاران (۱۳۹۲) تنها موردی است که تأثیر تبعیض اقتصادی بین منطقه ای را بر رشد اقتصادی استان های کشور مورد بررسی قرار دادند.

از بین تحقیقات مذکور، مطالعاتی که مربوط به سال های اخیر می باشد در جدول ۲ آورده شده است. با توجه به این که در مطالعات مذکور منظور از تبعیض، تبعیض جنسیتی بوده، مطالعه تأثیر تبعیض اقتصادی بین منطقه ای بر رشد اقتصادی و مورد کشور ایران می تواند از جنبه های نوآوری این تحقیق باشد. همچنین محاسبه شاخص تبعیض اقتصادی بین منطقه ای برای ایران تا سال ۱۳۹۳ نیز این کار را برجسته می کند. از نظر روشی هم استفاده از روش خود توضیح با وقفه های گسترده در این مطالعه است که این کار را با موارد دیگر و حتی مشابه آن یعنی تحقیق عزتی و همکاران (۱۳۹۲) متمایز می کند. مزیت استفاده از روش خود توضیح با وقفه های گسترده در بخش روش تحقیق توضیح داده شده است.

1 Messner

2 Glen

3 Charles and Guryan

4 Piazza

5 Williams and Collins

6 Frykman

7 Hwang

8 Ellen

9 Alam

10 Özer and Günlük

11 Esteve-Volart

12 Dollar and Gatti

جدول (۲): مطالعات اخیر انجام شده در زمینه تأثیر تبعیض بر روی متغیرهای اجتماعی و رشد اقتصادی

نویسندگان (سال پژوهش)	اهداف و یا سوالات اصلی	روش استفاده شده	مهمترین یافته ها
عزتی و همکاران (۱۳۹۲)	تدوین شاخص تبعیض اقتصادی بین منطقه ای بر پایه نگاه قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و برآورد اثر آن بر رشد اقتصادی استان ها	داده های تابلویی اقتصادسنجی در دوره زمانی ۱۳۸۸-۱۳۷۹	تبعیض به سود استان های ظرفیت بالا، بر اقتصاد و رشد اثر منفی دارد، اما تبعیض به سود استان هایی که نیازهای اساسی بیشتری دارند و برای رفع بیشتر نیازهای آن ها، بر رشد اقتصادی اثر مثبت دارد.
رحمانی و کاوه (۱۳۹۴)	آیا نابرابری جنسیتی موجب کاهش رشد و توسعه اقتصادی می شود؟	مدل اقتصادسنجی داده های ترکیبی برای ۲۶ کشور منتخب در دوره زمانی ۲۰۱۰-۱۹۹۰	تبعیض جنسیتی در آموزش و در دستمزد اثر منفی و تبعیض جنسیتی در استخدام اثر غیر خطی (از نوع مقعر) بر رشد اقتصادی می گذارد.
استیو-ولارت (۲۰۰۴)	نشان دادن ناکارآمدی تبعیض جنسیتی	رگرسیون داده‌های ترکیبی در سراسر ایالات هند در بین سال‌های ۱۹۹۱-۱۹۶۱	هر دو نوع تبعیض (محرومیت کامل زنان از بازار کار و یا به‌عنوان محرومیت زنان از موقعیت‌های مدیریتی) موجب رشد پایین اقتصادی می‌گردند. محرومیت کامل زنان از بازار کار، کاهش در سرانه تولید ناخالص داخلی را به دنبال خواهد داشت و محرومیت زنان از موقعیت‌های مدیریتی تحریف در تخصیص استعداد را موجب می‌گردد.
کلاسن و لامانا (۲۰۰۹)	آیا شکاف های جنسیتی در آموزش و اشتغال (با استفاده از شکاف های جنسیتی در مشارکت نیروی کار) رشد اقتصادی را کاهش می دهد؟	رگرسیون داده‌های ترکیبی بین سال‌های ۲۰۰۰-۱۹۶۰ در کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا و آسیای جنوب شرقی	شکاف های جنسیتی در آموزش و پرورش و اشتغال به طور قابل توجهی باعث کاهش رشد اقتصادی می شود.
اوزر و گونلاک (۲۰۱۰)	طراحی الگوهای استراتژیک حفظ موثر حسابداران در شرکت های حسابداری دولتی ترکیه	یک نظر سنجی در مناطق مختلف ترکیه به صورت تصادفی بین ۶۰۰ نفر، از عوامل حرفه‌ای حسابداری	تجزیه و تحلیل نظرسنجی‌ها نشان داد که (۱) احساس تبعیض بر قصد ترک شغل تأثیر مثبت دارد. (۲) احساس تبعیض بر رضایت شغلی حسابداران تأثیر منفی دارد و (۳) رضایت شغلی حسابداران بر قصد ترک شغل تأثیر منفی دارد.
پایزا (۲۰۱۱)	نشان دادن نقش عامل جدید تبعیض اقتصادی علیه اقلیت در رابطه بین فقر و تروریسم	رگرسیون دو جمله‌ای منفی با انباشتگی صفر برای ۱۷۲ کشور بین سال‌های ۲۰۰۶-۱۹۷۰	تبعیض اقتصادی علیه اقلیت موجب تقویت تروریسم داخلی می‌گردد و تروریسم داخلی بر ضد سطح کلی توسعه اقتصادی عمل می‌کند پیش‌بینی می‌کند که تبعیض اقتصادی علیه اقلیت باعث کاهش توسعه اقتصادی می‌گردد.
کوتته (۲۰۱۵)	آیا تبعیض مالی مبتنی بر جنسیت باعث کاهش نرخ رشد در کشورهای در حال توسعه می شود؟	داده های مقطعی و تابلویی اقتصادسنجی در دوره زمانی ۲۰۱۰-۱۹۸۰	سطح بالاتر تبعیض مالی مبتنی بر جنسیت با سطح نرخ رشد پایین تر همراه است.
هاکورا و همکاران (۲۰۱۶)	بررسی اثرات مشترک نابرابری درآمدی و جنسیتی بر رشد اقتصادی در مراحل مختلف توسعه	رگرسیون داده‌های ترکیبی در کشورهای جنوب صحرای آفریقا بین سال‌های ۲۰۱۴-۱۹۹۵	هر دو نابرابری درآمدی و جنسیتی، از جمله محدودیت های قانونی مبتنی بر جنسیت، با رشد ناخالص درآمد سرانه همبستگی منفی دارند. این رابطه بسته به وضعیت کشورها در مراحل مختلف توسعه، در کشورهای با درآمد پایین مشهودتر است.

۳- روش تحقیق

بیشتر مطالعات تجربی راجع به تأثیر تبعیض بر رشد از کانال تبعیض جنسیتی صورت گرفته است که در قسمت پیشینه به برخی از آن‌ها اشاره شده است. مدل‌های رشد درون‌زا افزون بر این که متغیرهای مدل‌های رشد سنتی نئوکلاسیک را دارند، متغیرهای جدیدی از جمله سرمایه اجتماعی و مانند اینها را نیز در بر می‌گیرند (عزتی و همکاران، ۱۳۹۲:۴۴). الگوی مورد استفاده در این تحقیق بر پایه الگوهای رشد درون‌زا استوار است. چارچوب الگو بر اساس مدل کلی رشد تابعی از دو متغیر اصلی سرمایه و کار است که در همه نظریه‌های رشد به آن تأکید شده است. با این تفاوت که در الگوی حاضر متغیرهای افزوده شده به دو متغیر کار و سرمایه، متغیرهای درون‌زای اندازه تبعیض اقتصادی بین استانی و درآمدهای نفتی به دلیل موثر بودن آن در اقتصاد کشورهای دارای منابع طبیعی اضافه شده است.

لذا با توجه به تعریف عملیاتی ارائه‌شده در این تحقیق، برای تبیین رابطه تبعیض اقتصادی بین منطقه‌ای با رشد در اقتصاد متکی به درآمدهای نفتی بر اساس مدل‌های رشد درون‌زا، می‌توان مدل زیر را برآورد نمود:

$$YNO_t = F(K_t, L_t, DIS_t, OR_t) \quad (1)$$

در این مدل:

K_t : موجودی سرمایه به ریال به قیمت پایه سال ۱۳۸۳ که منبع اطلاعات آن اداره حسابهای اقتصادی معاونت اقتصادی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران می‌باشد.^۱

L_t : تعداد نیروی کار

داده‌های آن از گزارش‌هایی که مرکز آمار ایران از نتایج آمارگیری نیروی کار در سال‌های مختلف منتشر کرده، استخراج شده است.

YNO_t : تولید ناخالص داخلی بدون نفت به ریال به قیمت پایه سال ۱۳۸۳^۲

DIS_t (Discrimination): شاخص تبعیض اقتصادی بین منطقه‌ای

OR_t (Oil revenues): درآمدهای نفتی به ریال به قیمت پایه سال ۱۳۸۳^۱

۱- عنوان گزارش: موجودی سرمایه در اقتصاد ایران (۱۳۵۳-۱۳۹۴)، آبان ماه ۱۳۹۶ چاپ شده است.

۲- منبع: سری زمانی حسابهای ملی ایران (۱۳۳۸-۱۳۹۳) بر مبنای سال پایه ۱۳۸۳ سایت بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

اگر مدل فوق را به صورت لگاریتمی بنویسیم:

$$\ln YNO = a_0 + a_1 \ln K + a_2 \ln L + a_3 \ln DIS_t + a_4 \ln OR_t + U_t \quad (2)$$

روش کلی جمع‌آوری اطلاعات مورد نیاز، روش اسنادی است. در مورد اطلاعات مورد نیاز برای محاسبه شاخص تبعیض اقتصادی از اطلاعات و منابع آماری مرکز آمار و بانک مرکزی استفاده می‌کنیم. نرم‌افزارهای مورد استفاده برای برآورد مدل‌ها Eviews7 و Microfit4 می‌باشند.

۳-۱- شاخص تبعیض اقتصادی بین منطقه‌ای

با توجه به مفهوم پایه‌ای ارائه شده برای تبعیض اقتصادی بین منطقه‌ای از نگاه قانون اساسی و توضیح زیر می‌توان تبعیض را به معنی تخصیص درآمدهای ملی به استان‌ها بدون رعایت نیازها و ظرفیت‌های اقتصادی و اجتماعی دانست. بر این پایه نیز برای تدوین شاخص تبعیض بر پایه قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران می‌توان دودسته شاخص داشت: یکی شاخص تخصیص بودجه بر پایه نیاز و دیگری شاخص تخصیص بودجه بر پایه ظرفیت که این شاخص‌ها ترکیبی از داده‌ها هستند. برای ساخت این شاخص‌ها باید نسبت بودجه‌های تخصیص داده شده برای رفع نیازهای استان‌ها را به اندازه نیاز استان‌ها و نیز نسبت بودجه‌های تخصیص داده شده به استان‌ها را به اندازه استعداد استان‌ها برای سرمایه‌گذاری اندازه‌گیری کرد و پس از آن این دو شاخص را ترکیب کرد.

می‌توان گفت ظرفیت منطقه (استان) را نیروی انسانی آن استان، اندازه فعالیت‌هایی که در استان در حال انجام است و منابع محیطی و سرزمین آن استان می‌سازد. با توجه به داده‌های در دسترس

۱-منبع: بانک اطلاعات سری‌های زمانی اقتصادی سایت بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

۲- برای محاسبه شاخص تبعیض اقتصادی بین منطقه‌ای نیاز به داشتن مقادیر هزینه‌های جاری و همچنین سرمایه‌ای دولت در استان‌ها و کل کشور است که از سالنامه‌های آماری مرکز آمار در سال‌های مختلف، فصل بودجه دولت از اطلاعات جدول عملکرد اعتبارات هزینه‌ای (جاری) و عملکرد اعتبارات تملک دارایی‌های سرمایه‌ای (عمرانی) دولت استفاده شده است. همچنین برای اندازه‌گیری سایر متغیرهای این شاخص: بیکاران، بی‌سوادان، امید به زندگی، جمعیت و وسعت استان‌ها و کشور از اطلاعات سالنامه‌های مذکور در سال‌های مختلف استفاده شده است.

و موجود می‌توان ۳ متغیر را برای مشخص کردن ظرفیت هر استان در نظر گرفت: یکی جمعیت، دومی اندازه فعالیت‌های اقتصادی که می‌تواند با اندازه ارزش‌افزوده سنجیده شود و سومی مساحت استان است.

به همین ترتیب برای نیاز استان نیز ۳ پایه اصلی نیاز یعنی کار (که معیار درآمد نیز می‌باشد)، آموزش و بهداشت (سلامت)، ملاک قرار می‌گیرد. برای معیارهای نیاز به کار، نیاز به آموزش و نیاز به بهداشت و سلامت استان به ترتیب از مقادیر: نیروی بیکار، تعداد بی‌سوادان و امید به زندگی استان استفاده می‌شود. البته نیازهای انسان بیشتر از اینها است ولی به استناد بررسی‌های گوناگون از جمله شاخص توسعه انسانی، می‌توان این‌ها را پایه‌ای‌ترین نیازها دانست. چنانچه شاخص توسعه انسانی نیز این‌ها یا نمونه این‌ها را مبنا قرار داده است.

امکانات کشور برای تخصیص به مناطق بودجه دولت است که در دو بخش عمرانی (سرمایه‌ای) و جاری تخصیص داده و هزینه می‌شود. بر این پایه دو بخش بودجه برای هر استان داریم که برای بیان روشن‌تر آن‌ها را جداگانه ملاک قرار می‌دهیم. سهم هر استان از بودجه جاری و سرمایه‌ای دولت بر سهم تک تک زیر شاخص‌های ظرفیت و نیاز آن‌ها از کل کشور تقسیم می‌شود که اگر مقادیر بدست آمده کمتر از یک باشد در آن زیر شاخص تبعیض مستقیم بودجه به زیان استان داده شده است. در ترکیب نیز این زیر شاخص‌ها را برای ظرفیت و همچنین برای نیاز با هم جمع می‌کنیم و بر تعداد آن‌ها تقسیم می‌کنیم که دو شاخص ترکیبی تبعیض بر پایه ظرفیت و شاخص ترکیبی تبعیض بر پایه نیاز به دست می‌آید. سپس میانگین شاخص‌های ترکیبی تبعیض بر پایه ظرفیت و تبعیض بر پایه نیاز برای هر استان در هر سال را محاسبه می‌نمائیم. ۱ شاخص عملیاتی تبعیض اقتصادی (تبعیض بین منطقه‌ای) برای هر سال را می‌توان به چهار طریق: الف- واریانس ب- انحراف معیار ج- ضریب تغییرات د- تفاضل بیشترین و کمترین مقدار ستون آخر جداول فوق (شاخص ترکیبی) بستگی به تعریف و نوع مدل مورد استفاده محاسبه

۱- روش محاسبه و همچنین میانگین شاخص‌های ترکیبی تبعیض بر پایه ظرفیت و تبعیض بر پایه نیاز برای هر استان در طی سال‌های ۱۳۵۸ تا ۱۳۹۰ در مقاله چاپ شده در فصلنامه مطالعات راهبردی بسیج سال شانزدهم، شماره ۶۱، زمستان ۱۳۹۲ با عنوان: شاخص‌سازی «تبعیض اقتصادی» به عنوان زمینه‌ساز تهدید نرم و ارزیابی آن در جمهوری اسلامی ایران: مطالعه موردی استانهای کشور به صورت مبسوط توضیح داده شده است. در این تحقیق شاخص ترکیبی مذکور برای سال‌های ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۳ محاسبه گردید.

کرد. شیوه محاسباتی این شاخص در مقاله عزتی و همکاران (۱۳۹۲) ارائه شده است که برای رعایت اختصار خواننده گرامی را به منبع یاد شده ارجاع می‌دهیم.

۳-۲- روش برآورد مدل

در این پژوهش به بررسی رابطه کوتاه‌مدت و بلندمدت تأثیر تبعیض بر تولید ناخالص داخلی بدون نفت اقتصاد ایران در دوره زمانی ۱۳۹۳-۱۳۶۷ با استفاده از روش خود توضیح با وقفه‌های گسترده^۱ (ARDL) پرداخته شده است و تمامی متغیرها به صورت لگاریتم طبیعی استفاده گردیده‌اند. نرم‌افزارهای مورد استفاده برای برآورد مدل‌ها Eviews7 و Microfit4 می‌باشند. برای برآورد ضرایب بلندمدت دقیق‌تر و بدون تورش می‌توان از روش آزمون کرانه‌ها در بررسی هم‌جمعی که توسط پسران و همکاران (۲۰۰۱) ارائه شده، استفاده کرد. با آزمون کرانه‌ها می‌توان محدودیت‌های موجود در دیگر روش‌های به کار رفته در بررسی‌های پیشین را رفع کرد. روش‌های بررسی هم‌جمعی مانند انگل گرنجر و یوهانسن برای نمونه‌های با حجم کم مناسب نیستند، اما رهیافت آزمون کرانه‌ها برای نمونه‌هایی با حجم کم نیز بسیار مناسب می‌باشد. همچنین در دیگر روش‌های موجود برای بررسی هم‌جمعی مانند یوهانسن باید تمام متغیرها انباشته از درجه مشابهی باشند اما رهیافت آزمون کرانه‌ها نسبت به هم انباشته بودن متغیرها از درجه یک $I(1)$ یا صفر $I(0)$ بی‌تفاوت است و در بلندمدت برآوردهای سازگار و با تورش کمتری را ارائه می‌دهد. اهمیت این مساله به این است که نتایج آزمون‌های مختلف ریشه واحد ممکن است درجه‌های انباشتگی متفاوتی را برای متغیرها ارائه دهند و هیچ آزمونی که با قطعیت درجه انباشتگی متغیرها را تعیین کند، وجود ندارد. از این رو، در تعیین درجه انباشتگی متغیرها نااطمینانی وجود دارد که رهیافت آزمون کرانه‌ها این مشکل را حل کرده است. همچنین، در روش یوهانسن باید طول وقفه بهینه تمام متغیرها مشابه باشد و نتایج حاصل از آن نسبت به وقفه انتخاب شده حساس است، اما در این روش نیازی به مشابه بودن طول وقفه بهینه برای متغیرها نیست (پهلوانی و همکاران، ۲۰۰۵) و در نهایت این که در آزمون هم‌جمعی یوهانسن باید انتخاب‌های زیادی مانند انتخاب متغیرهای برون‌زا و درون‌زا و انتخاب طول وقفه بهینه صورت پذیرد و نتایج به دست آمده

۱- Auto-Regressive Distributed Lag

نیز نسبت به این انتخاب‌ها حساس است اما در رهیافت آزمون کرانه‌ها این مشکلات وجود ندارند (پهلوانی و همکاران، ۲۰۰۵). برای جلوگیری از بروز رگرسیون کاذب، مانایی و نامانایی متغیرهای مورد استفاده در مدل با آزمون دیکی-فولر تعمیم یافته (ADF) و فیلپس پرون (PP) مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۴- یافته‌های تحقیق

۴-۱- محاسبه شاخص تبعیض اقتصادی بین منطقه‌ای

طبق آنچه بیان گردید برای نمونه جداول ۳ شاخص تبعیض در تخصیص بودجه عمرانی و جاری دولت بر پایه ظرفیت و نیاز استان‌ها را برای سال ۱۳۹۳ نشان می‌دهد:

تبعیض نهایی	میانگین نیاز	درصد سرمایه‌ای / درصد بی‌سودان	درصد جاری / درصد بی‌سودان	درصد سرمایه‌ای / درصد بیکاران	درصد جاری / درصد بیکاران	درصد سرمایه‌ای / درصد امید به زندگی	درصد جاری / درصد امید به زندگی	میانگین ظرفیت	درصد سرمایه‌ای / درصد وسعت	درصد جاری / درصد وسعت	درصد سرمایه‌ای / درصد جمعیت	درصد جاری / درصد جمعیت	استان
0.97	0.93	0.53	0.67	0.95	1.20	0.98	1.24	1.01	1.14	1.44	0.65	0.82	آذربایجان شرقی
1.05	0.85	0.59	0.63	0.82	0.87	1.06	1.13	1.25	1.56	1.66	0.87	0.93	آذربایجان غربی
1.28	0.87	0.94	0.85	1.10	0.99	1.70	0.63	1.69	2.13	1.92	1.42	1.28	اردبیل
0.87	0.99	0.84	0.92	0.56	0.62	0.42	1.57	0.75	0.71	0.78	0.72	0.80	اصفهان
2.13	1.95	2.55	2.33	2.93	2.68	0.64	0.58	2.30	1.80	1.64	3.01	2.75	ایلام
3.08	3.07	5.30	2.00	6.10	2.30	1.98	0.75	3.08	4.50	1.70	4.45	1.68	بوشهر
2.23	1.13	0.50	0.81	0.34	0.55	1.74	2.81	3.33	4.82	7.75	0.29	0.46	تهران
1.45	1.08	1.44	1.38	1.30	1.24	0.58	0.56	1.82	2.02	1.93	1.71	1.63	چهارمحال و بختیاری
1.51	1.82	1.76	1.97	2.88	3.23	0.52	0.58	1.19	0.32	0.36	1.92	2.16	خراسان جنوبی
0.94	1.10	0.85	0.85	0.67	0.67	1.78	1.78	0.78	0.82	0.82	0.74	0.74	خراسان رضوی
0.59	0.55	0.00	1.16	0.00	1.62	0.00	0.51	0.64	0.00	1.01	0.00	1.53	خراسان شمالی
1.50	1.51	1.29	0.84	1.55	1.01	2.64	1.73	1.50	2.20	1.44	1.42	0.93	خوزستان
0.67	0.60	0.00	1.18	0.00	1.76	0.00	0.63	0.75	0.00	1.50	0.00	1.49	زنجان
1.69	2.19	2.53	3.61	2.46	3.51	0.43	0.61	1.18	0.24	0.35	1.71	2.44	سمنان
1.33	1.66	1.43	0.64	3.45	1.56	1.97	0.89	1.01	0.66	0.30	2.12	0.95	سیستان و بلوچستان
1.10	1.29	1.17	1.13	0.86	0.83	1.89	1.83	0.91	0.83	0.80	1.02	0.99	فارس
1.01	0.78	0.87	1.18	0.73	0.98	0.39	0.52	1.24	1.31	1.78	0.79	1.07	قزوین
1.38	1.01	1.56	1.00	1.45	0.93	0.66	0.43	1.76	2.95	1.89	1.34	0.86	قیم
1.15	0.90	0.93	0.84	1.15	1.04	0.75	0.68	1.40	1.53	1.38	1.40	1.27	کردستان
1.00	1.28	0.91	0.90	1.67	1.66	1.28	1.27	0.72	0.38	0.37	1.06	1.05	کرمان
1.68	1.21	1.57	1.15	1.22	0.90	1.38	1.01	2.15	3.08	2.26	1.87	1.37	کرمانشاه
1.92	1.57	2.22	2.05	2.03	1.88	0.65	0.60	2.26	2.27	2.10	2.43	2.25	کهگیلویه و بویراحمد
1.43	1.09	0.95	1.12	1.21	1.42	0.84	0.99	1.76	2.13	2.51	1.11	1.31	گلستان
1.87	1.04	0.78	1.26	0.71	1.14	0.89	1.45	2.70	3.25	5.27	0.86	1.40	گیلان
1.27	0.98	1.06	0.86	1.18	0.96	1.01	0.82	1.55	1.96	1.59	1.47	1.19	لرستان
1.76	1.29	1.04	1.54	0.85	1.26	1.23	1.81	2.22	2.64	3.89	0.95	1.41	مازندران
1.05	1.02	0.87	1.17	1.23	1.65	0.51	0.69	1.07	0.93	1.25	0.89	1.20	مرکزی
1.22	1.34	1.81	1.16	1.99	1.28	1.11	0.71	1.10	0.89	0.57	1.79	1.15	هرمزگان
1.08	0.82	0.53	0.91	0.82	1.41	0.47	0.80	1.34	1.30	2.22	0.67	1.15	همدان
1.07	1.34	1.63	2.04	1.44	1.80	0.50	0.63	0.79	0.21	0.26	1.20	1.50	یزد

جدول (۳): شاخص تبعیض در تخصیص بودجه عمرانی و جاری دولت بر پایه ظرفیت و نیاز استان‌ها (سال ۱۳۹۳)

با توجه به تعریف ارائه شده برای شاخص عملیاتی تبعیض اقتصادی (تبعیض بین منطقه‌ای) برای هر سال در این تحقیق، شاخص فوق را می‌توان به چهار طریق: الف- واریانس ب- انحراف معیار ج- ضریب تغییرات د- تفاضل بیشترین و کمترین مقدار ستون آخر جداول فوق (شاخص ترکیبی) بستگی به تعریف و نوع مدل مورد استفاده محاسبه کرد. (جدول ۴)

جدول (۴): شاخص عملیاتی تبعیض اقتصادی (تبعیض بین منطقه ای) بر پایه ظرفیت و نیاز استان‌ها به چهار طریق

سال	تبعیض بین منطقه ای (واریانس)	تبعیض بین منطقه ای (انحراف معیار)	تبعیض بین منطقه ای (ضریب تغییرات)	تبعیض بین منطقه ای (MAX-) (MIN)	سال	تبعیض بین منطقه ای (واریانس)	تبعیض بین منطقه ای (انحراف معیار)	تبعیض بین منطقه ای (ضریب تغییرات)	تبعیض بین منطقه ای (MAX-) (MIN)
1367	0.1612	0.4015	0.3016	1.7877	1381	0.1673	0.409	0.3016	2.1989
1368	0.1328	0.3644	0.269	1.3464	1382	0.1846	0.4297	0.3239	2.0946
1369	0.2628	0.5126	0.3822	1.81	1383	0.2538	0.5038	0.3752	2.131
1370	0.2635	0.5134	0.3705	1.9923	1384	0.1528	0.3909	0.2884	1.4067
1371	0.3012	0.5488	0.3947	2.3256	1385	0.1555	0.3944	0.2961	1.7723
1372	0.2769	0.5262	0.3889	2.2179	1386	0.1498	0.3871	0.2936	1.9118
1373	0.1466	0.3829	0.2911	1.3726	1387	0.1885	0.4341	0.3194	1.5749
1374	0.1139	0.3375	0.2586	1.1094	1388	0.1559	0.3948	0.2909	1.6162
1375	0.1206	0.3473	0.2713	1.3994	1389	0.3217	0.5672	0.3958	3.0009
1376	0.0967	0.311	0.2499	1.3751	1390	0.1737	0.4167	0.2968	1.6472
1377	0.1596	0.3994	0.3087	2.1751	1391	0.1968	0.4437	0.3116	1.9027
1378	0.1455	0.3814	0.2908	2.1514	1392	0.2825	0.5315	0.3747	2.0945
1379	0.1709	0.4134	0.3133	2.1575	1393	0.2644	0.5142	0.374	2.4861
1380	0.1769	0.4206	0.3192	2.2191					

در نهایت در این تحقیق تفاضل بیشترین و کمترین مقدار ستون آخر جداول فوق (شاخص ترکیبی) مبنای محاسبه شاخص عملیاتی تبعیض اقتصادی (تبعیض بین منطقه ای) برای سال‌های ۱۳۶۷ تا ۱۳۹۳ قرار گرفت (شاخص بدست آمده تبعیض از هر چهار روش در مدل استفاده شد و با توجه به لزوم معنی داری پارامترها و سایر آزمون‌های مورد نیاز برای برآورد صحیح مدل، روش تفاضل بیشترین و کمترین مقدار برگزیده شد که در متن مقاله به آن اشاره گردید). لذا

می‌توان هر چهار شاخص محاسبه شده را مبتنی بر عملکرد دولت‌ها در سال‌های تصدی‌گری و یا برنامه‌های توسعه مورد بحث قرار داد.

جدول ۵ پاسخ به سوال فرعی تحقیق (اندازه شاخص تبعیض اقتصادی بین منطقه‌ای در سال‌های مورد بررسی چه مقدار است؟) است که در مدل اصلی مقادیر آن مورد استفاده قرار می‌گیرد.

**جدول (۵): شاخص عملیاتی تبعیض اقتصادی (تبعیض بین منطقه‌ای)
بر پایه ظرفیت و نیاز استان‌ها**

تبعیض بین منطقه‌ای	سال	تبعیض بین منطقه‌ای	سال	تبعیض بین منطقه‌ای	سال	تبعیض بین منطقه‌ای	سال
1.6162	1388	2.1989	1381	1.1094	1374	1.7877	1367
3.0009	1389	2.0946	1382	1.3994	1375	1.3464	1368
1.6472	1390	2.131	1383	1.3751	1376	1.81	1369
1.9027	1391	1.4067	1384	2.1751	1377	1.9923	1370
2.0945	1392	1.7723	1385	2.1514	1378	2.3256	1371
2.4861	1393	1.9118	1386	2.1575	1379	2.2179	1372
		1.5749	1387	2.2191	1380	1.3726	1373

۴-۲- تجزیه و تحلیل و ساختار الگو

۴-۲-۱- آزمون ریشه واحد

پس از محاسبه شاخص‌های عملیاتی تبعیض در ایران به بررسی رابطه کوتاه‌مدت و بلندمدت تأثیر تبعیض بر تولید ناخالص داخلی بدون نفت اقتصاد ایران در دوره زمانی ۱۳۶۷-۱۳۹۳ با استفاده از روش خود توضیح با وقفه‌های گسترده (ARDL) پرداخته می‌شود و همان‌گونه که در فصل پیشین اشاره شد تمامی متغیرها به صورت لگاریتم طبیعی هستند.

لگاریتمی نوشتن متغیرها علاوه بر این که در برخی موارد می‌تواند متغیرهای نامانرا تبدیل به مانا کند، مشکل متفاوت بودن واحدهای متغیرها را مرتفع می‌نماید. همچنین ضرایب در این حالت

درصد تغییرات متغیرهای وابسته را به ازای تغییر یک درصدی هر یک از متغیرهای توضیحی نشان می‌دهد.

ابتدا برای جلوگیری از بروز رگرسیون کاذب، مانایی و نامانایی متغیرهای مورد استفاده در مدل با آزمون دیکی- فولر تعمیم یافته (ADF) و فیلیس پرون (PP) مورد بررسی قرار می‌گیرد. نتایج آزمون ریشه واحد دیکی- فولر تعمیم یافته و فیلیس پرون برای متغیرها که با استفاده از نرم افزار Eviews7 انجام شده است در جدول 5 آمده است.

جدول (۵): نتایج آزمون ریشه واحد دیکی فولر تعمیم یافته و فیلیس پرون

آماره	$\tau\mu$ (ADF)	τT (ADF)	$\tau\mu$ (PP)	τT (PP)	تصمیم گیری
InDISCRIMINATION	-3.397880 (0)	-3.603726(0)	-3.414440(۱)	-3.635917(۱)	مانا
کمیت بحرانی	-2.981038	-3.595026	-2.981038	-3.595026	
InK	-0.223515(۱)	-2.124699(۱)	1.263976(2)	-2.237775(2)	نامانا
کمیت بحرانی	-2.986225	-3.603202	-2.981038	-3.595026	
InL	-2.049133(۰)	0.205254(۰)	-1.885843(۲)	0.104565(۱)	نامانا
کمیت بحرانی	-2.981038	-3.595026	-2.981038	-3.595026	
InOR	-4.206776(0)	-4.990241(0)	-4.206776(۰)	-5.259345(4)	مانا
کمیت بحرانی	-2.981038	-3.595026	-2.981038	-3.595026	
InYNO	-1.622541(۰)	-2.688424(۱)	-1.622541(۰)	-1.543740(۱)	نامانا
کمیت بحرانی	-2.981038	-3.603202	-2.981038	-3.595026	
Δ InK	-2.272993(0)	-1.944432(0)	-2.272993(0)	-1.944432(0)	نامانا
کمیت بحرانی	-2.986225	-3.603202	-2.986225	-3.603202	
Δ InL	-3.670682(0)	-4.237918(0)	-3.646951(1)	-4.237918(0)	مانا
کمیت بحرانی	-2.986225	-3.603202	-2.986225	-3.603202	
Δ InYNO	-2.945539(0)*	-3.096084(0)	-2.732122(4) *	-2.950408(4)	مانا
کمیت بحرانی	-2.632604	-3.603202	-2.632604	-3.603202	
$\Delta\Delta$ InK	-5.806658(0)	-6.462081(0)	-5.723659(1)	-6.350158(2)	مانا
کمیت بحرانی	-2.991878	-3.612199	-2.991878	-3.612199	

توجه: Δ تفاضل مرتبه اول متغیر را نشان می‌دهد. $\tau\mu$ آماره آزمون ریشه واحد برای مدل با عرض از مبدأ و بدون روند، τT آماره آزمون ریشه واحد برای مدل با عرض از مبدأ و روند،

ADF آزمون ریشه واحد دیکی فولر تعمیم یافته و **PP** آزمون ریشه واحد فیلیپس پرون می‌باشد. اعداد داخل پرانتز در آزمون **ADF**، تعداد وقفه‌ها می‌باشند که با معیار شوارتز تعیین می‌شوند. در آزمون **PP** اعداد داخل پرانتز توسط بارتلت-کرنر تعیین شده است. مانایی و نامانایی تمام متغیرها در سطح ۵٪ محاسبه شده است مگر در مواردی که به سطح دیگری اشاره شده باشد. * به معنی مانا بودن متغیرها در سطح ۱۰٪ می‌باشد.

نتایج این جدول نشان می‌دهد که برای لگاریتم متغیرهای: نیروی کار، تولید ناخالص داخلی بدون نفت، قدر مطلق آماره **ADF** محاسبه شده در سطح، از قدر مطلق مقادیر بحرانی مکینون کوچک‌تر است، لذا نامانا یعنی (۱) هستند ولی لگاریتم متغیرهای شاخص تبعیض و درآمدهای نفتی، (۰) می‌باشد. همچنین لگاریتم متغیر موجودی سرمایه انباشته از درجه ۲ یا (۲) می‌باشد، به دلیل این که معمولاً برای پیش‌بینی موجودی سرمایه از تابع درجه دو استفاده می‌شود، با دو بار تفاضل‌گیری متغیر موجودی سرمایه تبدیل به متغیر مانا می‌شود. نتایج آزمون فیلیپس پرون نیز حاکی از تأیید آزمون دیکی فولر تعمیم یافته می‌باشد. با توجه به این که همه متغیرها در مرتبه یکسانی ایستا نیستند برای برآورد مدل از الگوی خودرگرسیون برداری با وقفه‌های توزیعی (**ARDL**) استفاده خواهد شد؛ زیرا در این الگو توجه به درجه همبستگی متغیرها مهم نیست و همچنین با تعیین وقفه‌های مناسب برای متغیرها می‌توان مدل مناسب را بدون پیش‌داوری و استفاده از نظریه‌های اقتصادی انتخاب کرد. بر اساس ضابطه شوارتز-بیزین حداکثر وقفه بهینه مدل انتخاب می‌شود. علت استفاده از این ضابطه این است که این معیار در تعیین وقفه‌ها صرفه‌جویی می‌کند و در نتیجه از درجه آزادی بیشتری برخوردار است، به همین دلیل برای نمونه‌های کوچک هم بسیار مناسب می‌باشد.

۴-۲-۲- بررسی تأثیر تبعیض اقتصادی بین منطقه‌ای بر تولید ناخالص داخلی بدون نفت (نتایج حاصل از **ARDL** کوتاه‌مدت)

برای شناسایی مدل مناسب و برازنده، مدل‌های گوناگونی برآورد شد و با توجه به معیارهای برازندگی مدل، مدل‌های انتخاب شده در اینجا ارایه و تحلیل می‌شود.

با استفاده از نرم‌افزار مایکروفیت و روش **ARDL** و با در نظر گرفتن حداکثر ۴ وقفه در مدل، نتایجی حاصل شده است که به تفکیک ارائه می‌شود. در تخمین مدل با متغیر وابسته تولید ناخالص داخلی بدون نفت، میزان وقفه‌های مورد نظر ۴ در نظر گرفته شد که نرم‌افزار

مایکروفیت با استفاده از معیار شوارتز بیزین میزان وقفه‌ی بهینه را به صورت $ARDL(4,3,4,4,3)$ محاسبه کرده است و نتایج ضرایب کوتاه‌مدت آن در جدول 6 ارائه شده است.

جدول (۶): الگوی پویای کوتاه‌مدت (تعیین تعداد وقفه بهینه) برای متغیر وابسته $LNYNO$ با استفاده از $ARDL(4,3,4,4,3)$ بر مبنای معیار SBC

متغیرهای توضیحی	ضریب	خطای استاندارد	آماره t (احتمال)
LNYNO(-1)	.075610	.098059	.77106[.484]
LNYNO(-2)	-1.0752	.21770	-4.9388[.008]
LNYNO(-3)	1.0492	.31868	3.2923[.030]
LNYNO(-4)	-.90301	.16797	-5.3760[.006]
LNK	4.7048	1.0685	4.4031[.012]
LNK(-1)	-5.0501	1.1855	-4.2599[.013]
LNK(-2)	2.6693	.56079	4.7599[.009]
LNK(-3)	-.48281	.31472	-1.5341[.200]
LNL	-.092339	.11700	-7.8922[.474]
LNL(-1)	-.028921	.16783	-1.7233[.872]
LNL(-2)	1.5830	.25548	6.1962[.003]
LNL(-3)	-1.4043	.33238	-4.2250[.013]
LNL(-4)	.70955	.21447	3.3084[.030]
LNDIS4	.014609	.013823	1.0569[.350]
LNDIS4(-1)	-.094703	.022057	-4.2935[.013]
LNDIS4(-2)	.037853	.019852	1.9067[.129]
LNDIS4(-3)	-.057864	.015211	-3.8040[.019]
LNDIS4(-4)	.012578	.0077609	1.6207[.180]
LNOR	.0014595	.0036981	9466[.713]
LNOR(-1)	.0041301	.0038310	1.0781[.342]
LNOR(-2)	.016525	.0036652	4.5087[.011]
LNOR(-3)	.016944	.0053557	3.1637[.034]
C	-16.6794	2.1276	-7.8396[.001]
	= .99997	DW=2.3440	$F=6875.2[.000]R^2$
همبستگی		$CHSQ(1) = 1.0416[.307]*F(1, 3) =$	$.12038[.752]$
نرمالیتی		$CHSQ(2) =$	$.99124[.609]$
		$CHSQ(1) = .28509[.593]*F(1, 25) =$	$.26679[.610]$

ملاحظه می‌شود که بر اساس معیار SBC ، تعداد وقفه‌ی بهینه‌ی انتخاب‌شده توسط نرم‌افزار برای متغیر وابسته تولید ناخالص داخلی بدون نفت و متغیرهای توضیحی تبعیض بین منطقه‌ای و نیروی کار، چهار وقفه، برای متغیرهای موجودی سرمایه و درآمدهای نفتی، سه وقفه بوده است.

ضرایب الگوی پویای کوتاه‌مدت، تأثیرات مثبت و یا منفی هر یک از متغیرهای توضیحی با وقفه‌های مختلف را بر متغیر وابسته تولید ناخالص داخلی بدون نفت نشان می‌دهد.

همچنین، R^2 نشان می‌دهد که ۹۹.۹ درصد تغییرات متغیر وابسته، توسط متغیرهای مستقل توضیح داده شده است. اعداد داخل پرانتز مربوط به آزمون‌های همبستگی سریالی، نرمالیتی و ناهمسانی واریانس نشان می‌دهد که همه‌ی این ارقام بزرگ‌تر از سطح ۰.۰۵ هستند؛ بنابراین، فرضیه‌ی صفر قابل قبول و فرضیه‌ی مقابل رد می‌شود؛ بنابراین، هیچ‌یک از فروض کلاسیک عدم همبستگی سریالی، توزیع نرمال جملات پسماند و همسانی واریانس‌ها توسط مدل تخمین زده شده نقض نمی‌شود. قابل ذکر است که نتیجه حاصل از آماره $F=6875.2$ دلیلی بر معنی داری کلی رگرسیون می‌باشد.

۴-۲-۳- بررسی تأثیر تبعیض اقتصادی بین منطقه ای بر تولید ناخالص داخلی بدون نفت (نتایج حاصل از تخمین بلندمدت مدل)

جدول (۷): نتایج آزمون کرانه‌های همجمع (آزمون F) برای وجود رابطه بلندمدت (متغیر وابسته LNYNO)

مقادیر بحرانی پسران در سطح 95 درصد		مقادیر بحرانی نارایان در سطح 95 درصد		آماره F محاسبه شده در حالت 4 رگرسور
I(1)	I(0)	I(1)	I(0)	
4.01	2.86	4.4774	3.354	51.6746

مأخذ: نتایج تحقیق

چون آماره F آزمون متغیر LNYNO بزرگ‌تر از مقدار بحرانی کرانه بالا است می‌توان بدون توجه به درجه همجمعی متغیرها، فرض صفر مبنی بر عدم وجود ارتباط بلندمدت را رد نمود. پس از اطمینان از وجود رابطه بلندمدت میان متغیرها و عدم وجود رگرسیون کاذب با استفاده از مدل با عرض از مبدأ نامقید و بدون روند به برآورد مدل می‌پردازیم.

جدول (۸): نتیجه تخمین ضرایب بلندمدت برای متغیر وابسته LNYNO با
استفاده از ARDL(4,3,4,4,3) بر مبنای معیار SBC

متغیرهای توضیحی	ضریب	خطای استاندارد	آماره t (احتمال)
LNK	.99338	.060051	16.5425 [.000]
LNL	.41384	.10235	4.0434 [.016]
LNDIS	-.047226	.0090605	-5.2122 [.006]
LNOR	.021074	.0029799	7.0722 [.002]
C	-8.9994	.75511	-11.9180 [.000]

$$LNYNO = .99338*LNK + .41384*LNL - .047226*LNDIS + .021074*LNOR - 8.9994*C \quad (۳)$$

در بلندمدت تمامی ضرایب، از نظر آماری در سطح اطمینان ۹۵٪ معنی دارند. از آنجا که مدل به صورت لگاریتمی تصریح شده است، ضرایب به دست آمده کشش های بلندمدت تولید ناخالص داخلی بدون نفت را نسبت به هر یک از عوامل تأثیرگذار بر آن نشان می دهد. از این رو، افزایش ۱ درصدی شاخص تبعیض اقتصادی بین منطقه ای کاهش ۰.۰۴۷۲۲۶ درصدی در میزان تولید ناخالص داخلی بدون نفت را به دنبال داشته است. هر یک درصد افزایش (کاهش) در درآمدهای نفتی LNOR، باعث افزایش (کاهش) ۰.۰۲۱۰۷۴ درصدی در تولید ناخالص داخلی بدون نفت LNYNO می شود. این ارتباط مثبت را می توان به این شکل توجیه کرد که هر چند در طی سال های متفاوت میزان درآمدهای حاصله از صادرات نفت افزایش یافته و تأثیر مثبت بر تولید ناخالص داخلی بدون نفت دارد ولی تأثیر آن کم و حدود ۲.۱ درصد می باشد. همچنین افزایش ۱ درصدی متغیرهای موجودی سرمایه و نیروی کار به ترتیب باعث افزایش ۰.۹۹۳۳۸ و ۰.۴۱۳۸۴ درصدی در تولید ناخالص داخلی بدون نفت می گردد.

لذا در پاسخ به سوال اصلی تحقیق (تأثیر تبعیض اقتصادی بین منطقه ای بر رشد اقتصادی جمهوری اسلامی ایران چیست؟) می توان با استفاده از نتیجه حاصل از تخمین بلندمدت مدل توضیح داد که علاوه بر منفی بودن این تأثیر در سال های مورد مطالعه، ۴.۷ درصد تغییرات رشد اقتصادی جمهوری اسلامی ایران توسط تغییر مقدار تبعیض اقتصادی بین منطقه ای توجیه می شود.

۴-۲-۴- نتایج آزمون مدل تصحیح خطا (ECM)

نتایج الگوی تصحیح خطای ECM در جدول 9 ارائه شده است. از نتایج آزمون مدل تصحیح خطا ملاحظه می‌گردد که ضریب تصحیح خطای مدل -1.8534 بوده و از نظر آماری معنی‌دار می‌باشد؛ آنچه که مهم است این است که مقدار $ecm(-1)$ نباید مثبت باشد ولی در صورتی که منفی باشد ولی قدر مطلق آن بزرگتر از یک باشد (می‌تواند به طور معمول بین -2 تا 0 باشد) و این به علت وجود وقفه‌های زیادی که در متغیرهای مدل در الگوی پویای کوتاه‌مدت وجود داشته، می‌باشد و در تفسیر می‌توان گفت که مدل به سرعت و قبل از طی یک دوره به تعادل می‌رسد.

جدول(۹): نتایج الگوی تصحیح خطای ECM برای متغیر وابسته LNYNO با استفاده از ARDL(4,3,4,4,3) بر مبنای معیار SBC

متغیرهای توضیحی	ضریب	خطای استاندارد	آماره t (احتمال)
dLNYNO1	.92900	.061407	15.1287 [.000]
dLNYNO2	-.14618	.17335	-.84328 [.424]
dLNYNO3	.90301	.16797	5.3760 [.001]
dLNK	4.7048	1.0685	4.4031 [.002]
dLNK1	-2.1865	.32504	-6.7267 [.000]
dLNK2	.48281	.31472	1.5341 [.164]
dLNL	-.092339	.11700	-.78922 [.453]
dLNL1	-.88827	.12155	-7.3078 [.000]
dLNL2	.69473	.28135	2.4692 [.039]
dLNL3	-.70955	.21447	-3.3084 [.011]
dLNDIS4	.014609	.013823	1.0569 [.321]
dLNDIS41	.0074330	.011930	.62304 [.551]
dLNDIS42	.045286	.013928	3.2515 [.012]
dLNDIS43	-.012578	.0077609	-1.6207 [.144]
dLNOR	.0014595	.0036981	.39466 [.703]
dLNOR1	-.033469	.0082637	-4.0502 [.004]
dLNOR2	-.016944	.0053557	-3.1637 [.013]
dC	-16.6794	2.1276	-7.8395 [.000]
ecm(-1)	-1.8534	.12431	-14.9096 [.000]
	= .99786	DW_2.3440	F_103.4686 [.000] R ²

نتیجه گیری و پیشنهادات

به طور معمول، آنچه توسعه و رشد اقتصادی بر پایه آن بنا شده، شامل سرمایه طبیعی، سرمایه فیزیکی یا تولیدی و سرمایه انسانی است که به عنوان ثروت یک ملت شناخته می شود. این مسئله به تازگی معلوم شده است که این سه نوع سرمایه، فقط بخشی از فرایند رشد اقتصادی را تعیین می کنند؛ چرا که این ها از راهی که بازیگران اقتصادی با یکدیگر تعامل می کنند و به یکدیگر نظم می بخشند تا رشد و توسعه را فراهم آورند، چشم می پوشند. پس برای بررسی اختلاف رشد میان کشورهایی که از نظر آن سه دسته سرمایه، دارای وضعیت یکسانی هستند، باید در پی حلقه ای دیگر بود؛ آن حلقه مفقوده، سرمایه اجتماعی است. وجود تبعیض و نابرابری، علاوه بر افزایش انواع نابسامانی ها و آسیب های اجتماعی، فاصله اجتماعی بین افراد یک جامعه را افزایش داده و این امر نیز به نوبه خود باعث کاهش سرمایه اجتماعی می گردد. در عین حال پایین بودن سرمایه اجتماعی در یک جامعه، توانایی جامعه را برای رسیدن به توسعه اجتماعی پایدار و برقراری عدالت کاهش می دهد. این امر ممکن است منجر به بی ثباتی سیاسی و ناآرامی اجتماعی و در نهایت کاهش سرمایه گذاری و رشد اقتصادی گردد. یکی از انواع تبعیض ها که نظام اسلامی را می تواند ناکارآمد جلوه داده و پایه مشروعیت ارکان آن یعنی عدالت خواهی را زیر سوال برد، تبعیض در بهره برداری از منابع طبیعی و استفاده از درآمدهای ملی در سطح استان ها و توزیع فعالیت های اقتصادی میان استان ها و مناطق مختلف کشور- به طوری که هر منطقه فراخور نیازها و استعداد رشد خود سرمایه و امکانات لازم در دسترس داشته باشد- می باشد که رعایت این امر به کرات مورد تاکید اسناد بالادستی (قانون اساسی، فرمایشات امامین انقلاب، چشم انداز ۲۰ ساله جمهوری اسلامی ایران و سیاست های کلی اقتصاد مقاومتی) قرار گرفته است. گذشته از آثار منفی تبعیض اقتصادی در مخدوش نمودن چهره نظام، رشد اقتصادی در سال های مختلف نیز متأثر از این پدیده می باشد.

نتایج مدل پیشنهادی در بازه زمانی ۱۳۹۳-۱۳۶۷ نشان می دهد که در بلندمدت افزایش ۱ درصدی شاخص تبعیض اقتصادی بین منطقه ای کاهش ۰.۰۴۷ درصدی در میزان تولید ناخالص داخلی بدون نفت را به دنبال داشته است. مطابق مطالب بیان شده در مبانی نظری در خصوص تاثیر منفی تبعیض بر رشد اقتصادی، نتیجه بدست آمده از مدل ضمن تأیید این مبانی، منطبق با نتایج سایر مطالعات انجام گرفته در این زمینه نیز می باشد. همچنین هر یک درصد افزایش

(کاهش) در درآمدهای نفتی LNOR، باعث افزایش (کاهش) ۰.021 درصدی در تولید ناخالص داخلی بدون نفت LNYNO می‌شود. نتیجه مهم دیگر این تحقیق تاثیر منفی بالاتر تبعیض بین منطقه ای نسبت به تاثیر مثبت درآمدهای نفتی بر رشد اقتصادی کشور است. یعنی توزیع ناعادلانه بودجه بین مناطق می تواند نقش و اثر مثبت درآمدهای نفتی را بر تولید ناخالص داخلی بدون نفت خنثی نماید. نتایج مطالعات متعدد در خصوص پدیده نفرین منابع نشان می‌دهد کشورهایی که سهم زیادی از درآمد آنها را صادرات منابع طبیعی تشکیل می‌دهد، به‌نوعی دچار نفرین منابع شده اند. برخلاف نگرش کلاسیک که وفور منابع طبیعی سبب افزایش رشد قلمداد می‌شده است، مشاهدات جدیدتر وجود رابطه منفی بین رشد اقتصادی و وفور منابع را تایید می‌کند. برای توضیح این پدیده برخی از منظر اقتصاد کلان به مواردی نظیر بیماری هلندی، ضعف سرمایه انسانی، کمبود پس‌انداز و سرمایه‌گذاری فیزیکی و شوک‌ها و نوسانات درآمد منابع اشاره می‌کنند. اما برخی دیگر، دلایل مربوط به کاهش کیفیت نهادها را مورد توجه قرار می‌دهند. آنها درآمد منابع را سبب رانت‌جویی، فساد اداری، توزیع تبعیض آمیز درآمدهای نفتی و عدم توسعه سیاسی و کیفیت دولت‌ها و... برمی‌شمارند. از منظر دیدگاه دوم درآمدهای نفتی به عنوان شاخصی برای وفور منابع، به تنهایی برای رشد اقتصادی مضر نیستند. یعنی اثر مستقیم درآمدهای نفتی بر رشد اقتصادی مثبت است. اما هنگامی که متغیرهای توضیحی دیگر مانند فساد، تبعیض و ... را وارد مدل می‌کنیم، به دلیل اثر درآمدهای نفتی بر این متغیرها و سپس اثرگذاری غیر مستقیم بر رشد اقتصادی، اثر کل درآمدهای نفتی بر رشد اقتصادی، منفی برآورد می‌شود. این مقاله نشان می‌دهد اثر همزمان درآمدهای نفتی و تبعیض بین منطقه ای با توجه به توزیع ناعادلانه و تبعیض آمیز بودجه که سهم قابل توجهی از آن توسط درآمدهای نفتی تامین می‌شود منفی می‌باشد. لذا منابع طبیعی فی نفسه نمی‌تواند نفرین تلقی شود؛ بلکه نحوه مدیریت و توزیع درآمدهای حاصله هم بسیار مهم می‌باشد. لذا پیشنهاد می‌شود:

* با توجه به نتیجه اصلی این تحقیق که توزیع ناعادلانه بودجه بین مناطق می‌تواند نقش و اثر مثبت درآمدهای نفتی را بر تولید ناخالص داخلی بدون نفت خنثی نماید، اعضای کمیسیون برنامه و بودجه مجلس در بررسی بودجه ارسالی دولت دقت کافی را بر رعایت سهم استان‌ها از بودجه متناسب با ظرفیت‌ها و نیازهای آن‌ها بعمل آورند و از دخالت گرایش‌های قومی و منطقه‌ای در تصویب بودجه جلوگیری بعمل آورند.

* با عنایت به تاکید اصل چهل و هشتم قانون اساسی مبنی بر عدم تبعیض در بهره‌برداری از منابع طبیعی و استفاده از درآمدهای ملی در سطح استان‌ها به عنوان اصلی‌ترین سند بالادستی، شاخص عملیاتی تبعیض اقتصادی (تبعیض بین منطقه‌ای) بر پایه ظرفیت و نیاز استان‌ها می‌تواند مبنایی بر ارزیابی نحوه اختصاص عادلانه بودجه به استان‌ها در سال‌های گذشته و همچنین ملاکی برای اصلاح مبنای تخصیص در سال‌های آینده باشد. لذا پیشنهاد می‌گردد در تخصیص بودجه، معیارهای تشکیل دهنده این شاخص (معیار نیاز: آموزش، بهداشت و اشتغال (بیکاری) و معیار ظرفیت: ظرفیت تولید، ظرفیت منابع و ظرفیت انسانی) ملاک عمل قرار گیرد.

* با توجه به این که اطلاعات اغلب متغیرهای موثر در ساختن تبعیض اقتصادی بین منطقه‌ای حداکثر تا سال ۱۳۹۳ موجود است، در صورت تولید و ارائه اطلاعات این متغیرها در مراکز آماری رسمی کشور می‌توان این تحقیق را با وارد کردن اطلاعات سال‌های اخیر نیز بروز نمود. * همچنین به دلیل فقدان اطلاعات ارزش افزوده ماقبل سال ۱۳۷۸ برای کل استان‌ها موجود و حذف این متغیر در ارائه شاخص تبعیض اقتصادی بین منطقه‌ای و در قسمت ظرفیت مناطق، از سال ۱۳۷۸ به بعد می‌توان با کلیه متغیرهای تعریف شده برای شاخص تبعیض اقتصادی بین منطقه‌ای، این شاخص را محاسبه نموده و با وارد کردن مقدار آن مدل را دوباره برآورد کرد.

* تاثیر تبعیض اقتصادی بر رشد اقتصادی استان‌ها به صورت مجزا می‌تواند مورد بررسی تحقیق دیگری قرار بگیرد.

* شاخص سازی سایر اشکال تبعیض اقتصادی می‌تواند موضوعات تحقیقات دیگری باشد.

منابع

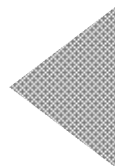
- الوانی و شیروانی، علیرضا (۱۳۸۲)، سرمایه اجتماعی اصل محوری توسعه، ماهنامه تدبیر، شماره ۱۴۷
- انوری، حسن (۱۳۸۲)؛ فرهنگ فشرده سخن، انتشارات سخن، چاپ اول
- بیانات مقام معظم رهبری از سایت: <http://farsi.khamenei.ir>
- تاجبخش، یحیی (۱۳۸۴)، سرمایه اجتماعی، اعتماد، دموکراسی و توسعه، ترجمه افشین خاکباز و حسن پویان، شیرازه.

- رحمانی، تیمور؛ کاوه، سپیده(۱۳۹۴)، آیا تبعیض جنسیتی عامل بازدارنده رشد اقتصادی کشورهاست؟، فصلنامه تحقیقات اقتصادی، شماره ۱۱۲، صص ۶۱۶-۵۹۳
- چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴ هجری شمسی از سایت: <http://rc.majlis.ir>
- شارع پور، محمود (۱۳۸۵)، مفهوم‌سازی، سنجش و دلالت‌های سیاست‌گذاری، ساری: سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان مازندران.
- صیدایی، سیداسکندر، احمدی شاپورآبادی، محمدعلی، معین‌آبادی، حسین (۱۳۸۸)، دیباچه‌ای بر سرمایه اجتماعی و رابطه آن با مؤلفه‌های توسعه اجتماعی در ایران، فصلنامه راهبرد یاس، شماره ۱۹، صص ۲۲۵-۱۸۸
- عزتی، مرتضی؛ سیف، اله‌مراد؛ ملکی شهریور، مجتبی(۱۳۹۲)، شاخص‌سازی «تبعیض اقتصادی» به عنوان زمینه‌ساز تهدید نرم و ارزیابی آن در جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه مطالعات راهبردی بسیج، سال شانزدهم، شماره ۶۱، صص ۱۵۰-۱۱۷
- عزتی، مرتضی؛ شهریار، لیلا؛ نجفی، محدثه؛ شفیعی، علی (۱۳۹۲)، برآورد اثر تبعیض اقتصادی بین منطقه‌ای بر رشد اقتصادی استان‌های کشور، فصلنامه پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی، پائیز ۱۳۹۲، دوره ۳، شماره ۱۲، صص ۵۶-۳۹
- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران از سایت: <http://rc.majlis.ir>
- متوسلی، محمود، بی‌نیاز، علی (۱۳۸۱)، رویکردی به ارزیابی سرمایه اجتماعی در اقتصاد ایران، مجله برنامه‌بودجه شماره ۷۵.
- نیک پی طبری، آتنا؛ میلا علمی، زهرا(۱۳۹۳)، اثر تبعیض جنسیتی در آموزش بر رشد اقتصادی کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا، فصلنامه سیاست‌گذاری پیشرفته اقتصادی، دوره ۲، شماره ۳، صص ۱۲۰-۹۵
- ALAM, ANWAR(2011). IMPACT OF GENDER DISCRIMINATION ON GENDER DEVELOPMENT AND POVERTY ALLEVIATION. Sarhad J. Agric. Vol.27, No.2, 329-339.
- Breuskin, Isabelle (20۱۲). " Social Capital and Governmental Institutions", Living Reviews in Democracy, Vol 3.
- CCPR General comment No .18: Non Discrimination; Adopted at the Thirty-seventh Session of the Human Rights Committee, on 10 November 1989,para .6

- Charles, Kerwin K., and Jonathan Guryan. (2007). "Prejudice and the Economics of Discrimination." Working Paper no. 13661, NBER, Cambridge, MA.
- Dollar, David, Gatti, Roberta (1999). "Gender Inequality, Income, and Growth: Are Good Times Good for Women?," The World Bank development Research Group/ Poverty Reduction and Economic Management Network, POLICY RESEARCH REPORT ON GENDER AND DEVELOPMENT Working Paper Series, No. 1.
- Ellen A. Ensher, Elisa J. Grant-Vallone, Stewart I. Donaldson(2001). Effects of Perceived Discrimination on Job Satisfaction, Organizational Commitment, Organizational Citizenship Behavior and Grievances HUMAN RESOURCE DEVELOPMENT QUARTERLY, vol. 12, no. 1, 53–72
- Esteve-Volart, B. (2004), "Gender Discrimination and Growth: Theory and Evidence from India", DEDPS 42.
- Frykman, Jonas. (2006). " DISCRIMINATION –A THREAT TO PUBLIC HEALTH Final report – Health and Discrimination Project ", National Institute of Public Health.
- Glen, G. Cain (1990). "The Uses and Limits of Statistical Analysis in Measuring Economic Discrimination." University of Wisconsin—Madison.
- Global Report under the follow-up to the ILO Declaration on Fundamental Principles and Rights at Work(2007). Equality at work: Tackling the challenges. Report I (B). 96th Session.
- Hakura, Dalia, Hussain, Mumtaz, Newiak, Monique, Thakoor, Vimal , and Yang, Fan (2016). Inequality, Gender Gaps and Economic Growth: Comparative Evidence for Sub-Saharan Africa, IMF Working Paper, African Department, WP/16/111.
- Hwang, W., Sharon, G. (2008). Cultural Diversity and Ethnic Minority Psychology, Vol. 14, No. 4, 326–335.
- Klasen, Stephan(1999). Does Gender Inequality Reduce Growth and Development? Evidence from Cross-Country Regressions, The World Bank Development Research Group/ Poverty Reduction and Economic Management Network POLICY RESEARCH REPORT ON GENDER AND DEVELOPMENT Working Paper Series, No. 7 .
- Klasen, S. (2002). Low Schooling for Girls, Slower Growth for All? Cross-Country Evidence on the Effect of Gender Inequality in Education on Economic Development, World Bank Economic Review, 16.3, 345-373.

- Konte, Maty (2015). Gender-based Financial Discrimination and Economic Growth in Developing Countries, African Economic Conference, Kinshasa, Democratic Republic of the Congo, 198–229.
- Messner, S.F. (1989), "Economic Discrimination and Societal Homicide Rates: Further Evidence on the Cost of Inequality", *American Sociological Review*, 54(4), pp. 597-611.
- Narayan, P. K. (2005a) The relationship between saving and investment for Japan, *Japan and the World Economy*, 17, 293–309.
- Ozer, G. and Mehmet G. (2010), "The Effects of Discrimination Perception and Job Satisfaction on Turkish Public Accountants' Turnover Intention", *African Journal of Business Management*, 4(8), pp. 1500-1509.
- Pahlavani, M., Wilson, E., & Worthington, A. C. (2005). "Trade-GDP nexus in Iran: An Application of the Autoregressive Distributed Lag (ARDL) Model." Faculty of Commerce Papers, University of Wollongong, Australia. <http://www.scipub.us/>; and <http://ro.uow.edu.au/Commpapers/144> Accessed 05.09.06.
- Pesaran, M. H. Shin, Y. and Smith, R. J. (2001) Bounds testing approaches to the analysis of level relationships, *Journal of Applied Econometrics*, 16, 289–326.
- Piazza, J.A. (2011), "Poverty, Minority Economic Discrimination and Domestic Terrorism", *Journal of Peace Research*, 48(3), pp.339-353 .
- Williams, D. R., and C. Collins(1995). "U.S. Socioeconomic and Racial Differences in Health: Patterns and Explanations." *Annual Review of Sociology* 21: 349–386.

تحلیلی بر برنامه‌های راهبردی دانشگاه‌های دولتی ایران^۱



غلامرضا شمس مورکانی^۲

زهرا معارفوند^۳

(تاریخ دریافت ۹۶/۹/۱۰ - تاریخ تصویب ۹۷/۱/۱۵)

چکیده

تحقیق حاضر با هدف تحلیلی بر برنامه‌های راهبردی و عملیاتی دانشگاه‌های دولتی ایران انجام شد. پژوهش از لحاظ هدف کاربردی و از لحاظ نحوه گردآوری داده به صورت کیفی انجام گردید. ابزار تحقیق اسناد و مدارک می‌باشد. جهت تحلیل اسناد از روش تحلیل محتوا به شیوه مقوله‌بندی استفاده شد. روش نمونه‌گیری به صورت نمونه در دسترس و نمونه پژوهش از ۹ سند (بیانیه‌های چشم انداز و اساسنامه دانشگاه‌های دولتی) تشکیل شد. تحلیل اسناد در قالب راهبردهای معطوف به کارکردهای اصلی دانشگاه و راهبردهای معطوف به عوامل توانمندساز انجام شد. راهبردهای معطوف به کارکردهای اصلی دانشگاه شامل مقولات فرعی: (راهبردهای آموزشی، فرهنگی و اجتماعی، پژوهشی، بین‌المللی) و راهبردهای معطوف به عوامل توانمندساز شامل مقولات فرعی: (مدیریت و نظام اداری دانشگاه‌ها، منابع مالی، نیروی انسانی،

۱- این مقاله مستخرج از طرح پژوهشی با عنوان "گونه‌شناسی دانشگاه‌های ایران نسبت به ماموریت و چشم‌اندازهای پیش رو" است. توضیحات بیشتر را در بخش یادداشت‌ها بخوانید.

۲- دانشیار مدیریت آموزشی دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه شهید بهشتی

۳- دکتری مدیریت آموزش عالی دانشگاه شهید بهشتی zn.maaref@yahoo.com

دانش آموختگان، خدمات و زیر ساخت‌ها) بوده و خرده مقولات مرتبط با هر یک از آنها نیز مشخص گردید.

واژگان کلیدی: برنامه، راهبرد، دانشگاه دولتی

مقدمه

آموزش عالی و علوم به نوعی دارای یک ارتباط ذاتی با کیفیت و تعالی هستند. به طوری که جستجو برای دانش علمی و اکتشافات تلاشی برای برتری می‌باشد (فدرکیل^۱، ۲۰۰۸). آموزش عالی دربرگیرنده مجموعه فعالیت‌هایی است که با هدف تولید علم و تشکیل سرمایه انسانی انجام می‌شود (ابطحی و ترابیان، ۱۳۸۹). دانشگاه‌ها مسلماً یکی از پیچیده‌ترین نهادهایی هستند که بشر تا به حال به وجود آورده است. این نهادها در طول قرن‌ها در تمامی کشورها و عمدتاً در اروپا، رشد و توسعه یافتند، تا این که در دهه طلایی ۱۹۶۰ در بسیاری از کشورهای جهان (به‌طور اعم در اروپا و به‌طور خاص در آمریکای شمالی) تبدیل به عناصر با اعتبار جامعه، چه به صورت دولتی و چه به صورت خصوصی گردیدند. این دانشگاه‌ها برای ادامه حیات خود باید نسبت به محیط بیرونی پاسخ‌گو باشند (آراسته، ۱۳۸۲: ۱۴). با این حال، دانشگاه نه به قدرت (دولت، طبقات، تکنولوژی، سرمایه‌داری) قابل تقلیل است و نه به فرهنگ؛ چه فرهنگ مسحیت باشد، چه فرهنگ بورژوائی، چه فرهنگ عوام و چه فرهنگ نخبگان. هم‌چنین دانشگاه را به علوم و فرهنگ‌های آکادمیک نمی‌توان تقلیل داد. بلکه دانشگاه فضای بازی است که قدرت، دانش و فرهنگ در آن با یکدیگر تلاقی پیدا می‌کنند. این مکان به منزله محل تولید دانش، کانون منازعه و کشمکش میان قدرت و فرهنگ بوده است. آلفرد نورث وایتهد در مقاله‌ای در مورد دانشگاه و کارکردهای آن می‌نویسد: «فلسفه وجودی دانشگاه آن است که این نهاد با متحد کردن جوانان و افراد مسن در چارچوب نگاهی تخیلی به یادگیری، میان دانش و میل به زندگی ارتباط برقرار و آن را حفظ کند. وایتهد^۲ می‌گوید دانشگاه وظیفه دارد که مردم را قادر سازد تا تصویری روشنفکرانه از جهان جدید خلق کنند و اطلاعات و تجربه را به هم پیوند بزنند. بر اساس این

۱- Federkeil

۲- Whitehead

سخن، دانشگاه نه تنها باید به تولید دانش بپردازد، بلکه باید با سطوح عمیق‌تر تجربه در ارتباط باشد. بر این اساس دانشگاه محل تلاقی میان دانش به مثابه علم (دانش آکادمیک) و شناخت فرهنگی است (بختیارزاده، ۱۳۸۶: ۲۱-۲۲). بقای امروز سازمان‌ها و به‌ویژه دانشگاه‌ها بستگی به این موضوع دارد که آن‌ها چگونه پذیرای تغییرات شوند و اقدامات و خدمات خود را بهبود بخشیده و توان رقابت‌پذیری خود را افزایش دهند (خمیس^۱، ۲۰۱۲). سیاست‌گذاران، سیاست‌گذاری و سیاست‌های برگرفته‌شده از آن نقش بسیار مهمی را در تعریف دانشگاه‌ها و کارویژه‌های آن بازی می‌کنند و بالعکس. فرایندی که از سوی سیاست‌گذاران انتخاب می‌شود و سیاست‌های دانشگاهی و دیگر حوزه‌های مربوط آموزش عالی بر اساس این فرایندها تدوین می‌شود. چشم‌انداز و ماموریت دانشگاه نمونه‌ای از نتایج این سیاست‌گذاری‌هاست که در هر دانشگاهی نتایج و آثار خاصی را به همراه داشته و هویتی متفاوت برای آن به ارمغان می‌آورد. مبنا قرار دادن این سیاست‌گذاری‌ها ویژگی‌های متفاوتی در حوزه‌های مختلف دانشگاه‌ها به وجود می‌آورد که نیازمند مطالعه و بررسی است. چنین انتظار می‌رود که فعالیت‌های مسئولین نظام آموزش عالی نیز در مسیر تحقق این چشم‌اندازها قرار گیرد. برنامه عملیاتی، برنامه‌ای جزئی‌تر و مشخص‌تر برای رسیدن به اهداف است که از راهبردها استفاده می‌گردد. بیانیه دانشگاه در واقع همان سند برنامه راهبردی یا بیانیه رسالت دانشگاه است که به صورت مکتوب و معمولاً به اختصار نتیجه‌ی نهایی برنامه آینده دانشگاه را پیش روی قرار می‌دهد (علانی، ۱۳۹۱: ۶۵). دانشگاه‌های معتبر جهان غالباً واجد برنامه‌ها و چشم‌اندازهای درازمدت هستند، تا بدین وسیله بتوانند به صورتی هدفمند به سوی آینده قدم بردارند. گرچه در گذشته این آینده‌نگری‌ها عموماً در قالب ایده‌ها یا گزارش‌هایی در ذهن یا قفسه مدیران قرار داشت، اما امروزه شاهد تدوین و ارائه گسترده آن‌ها هستیم. در دو دهه اخیر، بسیاری از دانشگاه‌های جهان، علاوه بر تدوین چشم‌انداز و اهداف آینده خود، آنها را در معرض رؤیت عموم نیز قرار داده‌اند. اینگونه به نظر می‌رسد که دانشگاه‌ها با مکتوب نمودن و در دسترس قرار دادن این بیانیه‌ها حداقل دو قصد عمده را دنبال می‌کنند. در وهله اول خود را ملزم به رسیدن به اهداف و چشم‌اندازهای تعیین شده نموده، زیرا که با اشاعه همگانی موضوع، امکان قضاوت در مورد عملکرد خود را مهیا کرده‌اند.

در وهله دوم، با معرفی بهتر خود امکان جذب دانشجویان یا اعضای هیئت علمی علاقه‌مند به فعالیت در موسسه‌ی آنان را داشته، پیدا نموده و با این انتخاب شرایط دستیابی بهتر به اهداف و چشم‌اندازهای خود را فراهم کرده‌اند (همان: ۶۳). گرچه سازمان‌های آموزشی هدف مشترکی دارند اما از لحاظ رسالت‌ها با هم متفاوتند و رسالت هر دانشگاه با درک وضعیت کلی دانشگاه مطرح می‌شود (یمینی، ۱۳۹۱). نظام آموزش عالی ایران به عنوان بخش تأثیرگذار، نیازمند تقویت مبانی، اصول و نظام کاری متناسب با آرمان‌های مطرح شده در سند چشم‌انداز و سند جامع علمی کشور و سیاست‌های مبتنی بر آنها خواهد بود (برنامه دوم دانشگاه تهران، ۱۳۹۰: ۱). آموزش عالی ایران همگام با تحولات جهانی همواره کوشیده است تا در قالب اهداف پنج‌ساله توسعه، به تقویت جایگاه نظام آموزش عالی در کشور مبادرت ورزد و پاسخ‌گوی نیازهای گوناگون و نوین جامعه باشد (اجتهادی و داودی، ۱۳۸۶). لیکن در ایران با بحران انتظارات از دانشگاه و وجود انتظارات چندگانه و متعارض از این نهاد روبه‌رو هستیم. به تعبیری ساده‌تر دانشگاه در ایران چه کار می‌کند و کار ویژه آن چیست؟ ماهیت و چیستی دانشگاه بیش از هر چیز به کارکرد این نهاد وابسته است (خوش‌سیما و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۱۷). از طرفی گرچه چشم‌اندازها و ماموریت‌های دانشگاه‌ها امروزه به صورت مکتوب تدوین شده و به عنوان راهنمای تدوین اهداف و راهبردهای دانشگاه‌ها در دسترس هستند ولی در عمل فرایندها و نتایج عملکردی متفاوت و بعضاً متناقضی را شاهد هستیم. دانشگاه‌ها مسیر متفاوتی را در حین عمل دنبال می‌کنند. چنانچه کمتر دانشجویی هدف اصلی نظام آموزش عالی یعنی توسعه دانش و پژوهش را دنبال می‌کند. بعد آموزشی بر بعد پژوهشی و توسعه علم احاطه داشته و دانشگاه تصویر روشنی از وضعیت برنامه‌ریزی توسعه خود ندارد و اکثر دانشگاه‌ها نیز فاقد برنامه‌های مشخص تدوین شده هستند. این وضعیت اجازه سازگاری اهداف روشن و پنهان دانشگاه را با دانشجویان نخواهد داد (یمینی، ۱۳۹۱: ۵۵). از این‌رو این پژوهش درصدد آمد تا با مطالعه اسناد بالادستی مربوط به دانشگاه‌های دولتی و بررسی برنامه‌های راهبردی و عملیات آنها به‌شناسایی مسیر و جهت حرکت دانشگاه‌ها بپردازد. لازم به ذکر است جهت شناسایی سیاست‌ها و برنامه‌های عملیاتی نظام آموزش عالی در دانشگاه‌های دولتی و دسته راهبردهای معطوف به کارکردهای اصلی دانشگاه و راهبردهای معطوف به عوامل توانمندساز در نظر گرفته شدند.

هر سازمانی دارای دو نوع کارکرد اصلی و پشتیبانی می‌باشد. کارکردهای اصلی کارکردهایی

هستند که وظیفه و ماموریت‌های اصلی دانشگاه را محقق می‌سازند و بر اساس یک دسته‌بندی، شامل فعالیت‌های آموزشی، فرهنگی، پژوهشی و بین‌المللی می‌باشند. در مقابل کارکردهای پشتیبانی به کارکردهایی اطلاق می‌شوند که به خودی خود هدف دانشگاه نیستند، اما انجام صحیح آنها به تحقق کارکردهای اصلی دانشگاه می‌انجامد و به عبارتی عوامل توانمندساز دانشگاه به شمار می‌روند. اعضای هیئت علمی و کارکنان آموزشی و پژوهش، دانشجویان، مدیران، خدمات و زیر ساخت‌ها از جمله عوامل توانمندساز دانشگاه هستند (سند تحول راهبردی دانشگاه شریف، ۱۳۹۴: ۳۰). بر اساس مطالب فوق، سوال اساسی پژوهش این است که سیاست‌ها و برنامه‌های عملیاتی نظام آموزش عالی در دانشگاه‌های دولتی چگونه هستند؟

روش شناسی

پژوهش از لحاظ هدف کاربردی و از لحاظ نحوه گردآوری داده به صورت کیفی انجام گردید. ابزار تحقیق بررسی اسناد و مدارک می‌باشد. جهت شناسایی سیاست‌ها و برنامه‌های عملیاتی نظام آموزش عالی با استفاده از روش نمونه گیری در دسترس ۹ برنامه عملیاتی دانشگاه‌های (تهران، شهید بهشتی، تربیت مدرس، صنعتی شریف، شاهرود، حکیم سبزواری، کاشان، علوم پزشکی قزوین و علوم پزشکی کرمان) مورد بررسی قرار گرفتند. اسناد گردآوری شده به روش تحلیل محتوا و مقوله بندی داده‌ها مورد تحلیل قرار گرفتند. راهبردهای ارائه شده در اسناد به دو دسته مقوله کلی (راهبردهای معطوف به کارکردهای اصلی دانشگاه و راهبردهای معطوف به عوامل توانمندساز) تقسیم بندی گردید. سپس در ذیل هر یک از این مقولات کلی، مقولات فرعی به ترتیب ذیل قرار گرفت: راهبردهای معطوف به کارکردهای اصلی دانشگاه شامل مقولات فرعی: (راهبردهای آموزشی، فرهنگی و اجتماعی، پژوهشی، بین‌المللی) و راهبردهای معطوف به عوامل توانمندساز شامل مقولات فرعی: (مدیریت و نظام اداری دانشگاه‌ها، منابع مالی، نیروی انسانی، دانش‌آموختگان، خدمات و زیر ساخت‌ها) تقسیم‌بندی شد و این راهبردها به عنوان مقولات فرعی در نظر گرفته شدند. سپس در مرحله بعد خرده مقولات مرتبط با هر یک از مقولات فرعی تعیین گردید.

یافته‌ها

برنامه‌های راهبردی و عملیاتی دانشگاه‌های داخل بر اساس راهبردهای معطوف به کارکردهای اصلی دانشگاه و راهبردهای معطوف به عوامل توانمندساز تحلیل شد که در ادامه به شرح آن پرداخته شده است. ابتدا به ارائه راهبردهای مطرح در هر یک از برنامه‌های عملیاتی موجود پرداخته و در پایان هر جدول، اشاره‌ای به راهبردهای مشابه در میان برنامه‌های عملیاتی گردید. یافته‌های مرتبط با تحلیل راهبردهای معطوف به کارکردهای اصلی دانشگاه به مقولات فرعی (راهبردهای آموزشی، فرهنگی و اجتماعی، پژوهشی، بین‌المللی) تقسیم می‌شود که در ادامه هر یک از این مقولات فرعی همراه با خرده مقولات مرتبط با آنها ارائه شده است.

راهبردهای آموزشی

نتایج تحلیل راهبردهای آموزشی به تفکیک دانشگاه‌های دولتی در جدول ذیل ارائه شده است.

جدول ۱. نتایج تحلیل در خصوص راهبردهای آموزشی دانشگاه‌ها

راهبردهای آموزشی	دانشگاه
<ul style="list-style-type: none"> ❖ ارتقای امکانات، محتوا، روش‌های آموزشی ❖ توسعه رشته‌های تحصیلات تکمیلی ❖ توسعه دوره‌های آموزش آزاد و مجازی ❖ ارتقا شاخص‌های آموزشی در ابعاد درونداد، فرایندها و برونداد سیستم آموزشی ❖ طراحی و کاربرد روش‌های مناسب برای جذب دانشجویان نخبه و توانمند به ویژه در مقاطع تحصیلات تکمیلی از دانشگاه‌های معتبر داخلی و خارجی ❖ ارتقای عملکرد مدیریت خدمات آموزشی ❖ ارتقاء سیستم ارزیابی آموزشی دانشگاه ❖ افزایش میزان رضایت دانشجویان، هیئت علمی، فارغ‌التحصیلان، کارکنان و مدیران در حوزه آموزش ❖ بهبود نظام جذب هیئت علمی ❖ ایجاد گروه‌های آموزشی و دانشکده‌های جدید مبتنی بر نیازسنجی ❖ توسعه آموزش‌های ملی و بین‌المللی 	حکیم سبزواری
<ul style="list-style-type: none"> ❖ افزایش توان علمی برخی رشته‌ها برای تبدیل شدن به قطب علمی در کشور ❖ افزایش جذابیت دانشگاه برای جذب و حفظ اعضای هیئت علمی و دانشجویان ❖ بازنگری نظام جامع آموزشی دانشگاه ❖ حفظ صیانت و حرمت ساحت علم ❖ اصلاح فرآیندهای اجرایی ❖ ارتقا جایگاه علمی دانشکده‌های علوم انسانی و هنر ❖ ایجاد شعب خودگردان برای دانشگاه 	تربیت مدرس

دانشگاه	راهبردهای آموزشی
	<ul style="list-style-type: none"> ❖ ایجاد دانشکده‌های جدید ❖ رایزنی برای تبدیل سند توسعه علمی کشور به قانون ❖ رایزنی با مراکز سیاستگذاری برای ایجاد سیستم نظارت، ارزیابی و اعتبارسنجی
شاهرود	<ul style="list-style-type: none"> ❖ ارتقای کیفیت آموزشی و بهبود شاخص‌ها ❖ گسترش کمی، تعدیل و بازنگری رشته‌های تحصیلی بر مبنای تقاضامحوری ❖ کارآمد کردن نظام ارزیابی و اعتبارسنجی علمی ❖ تقویت رشته‌های اولویت‌دار و تعدیل پذیرش دانشجو بر اساس طرح آمایش آموزش عالی ❖ توسعه آموزش بر مبنای پژوهش
صنعتی شریف	<ul style="list-style-type: none"> ❖ گسترش حوزه‌های غیر مهندسی و میان رشته‌ای در کنار حوزه‌های فنی مهندسی و تک رشته‌ای ❖ گسترش نظام برنامه‌ریزی بر اساس درخواست صنعت و یا دانشجو در کنار برنامه‌ریزی ترتیبی موجود ❖ تحول از ارائه محتواهای آموزشی منسوخ و حافظه‌محور به سوی ارائه محتواهای آموزشی به روز، مسئله محور و خلاقیت پرور ❖ گسترش دوره‌های بین‌المللی مشترک
کاشان	<ul style="list-style-type: none"> ❖ گسترش دسترسی به آموزش عالی با استفاده از فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی و روش‌های نوین ❖ شناسایی و جذب دانش‌آموزان ممتاز و نخبه‌ی منطبقه‌ای، ملی و بین‌المللی برای دوره‌های کارشناسی ❖ شناسایی و جذب دانشجویان ممتاز و نخبه‌ی منطبقه‌ای، ملی و بین‌المللی برای دوره‌های تحصیلات تکمیلی ❖ زمینه سازی برای پیشرفت و تحول در علوم انسانی بر اساس آموزه‌های اسلام
تهران	<ul style="list-style-type: none"> ❖ توسعه کرسی‌های نظریه پردازی خصوصا در حوزه علوم انسانی با تکیه بر تعالیم دین اسلام ❖ اصلاح و بهبود هرم دانشجویی از طریق گسترش دوره‌های تحصیلات تکمیلی ❖ ارتقا سطح کیفی علمی دانشگاه از طریق روزآمد نمودن مطالب و رشته‌های تحصیلی، توسعه آموزش-های بین رشته‌ای، تربیت دانشجویان چند گرايشی
شهید بهشتی	<ul style="list-style-type: none"> ❖ بهبود مستمر کیفیت آموزش در دانشگاه ❖ توسعه و توانمندسازی اعضای هیات علمی و به فعلیت در آمدن حداکثر پتانسیل ایشان ❖ ساماندهی (حذف، ایجاد، اصلاح و ترکیب) مستمر رشته‌های دانشگاه ❖ بهره‌گیری حداکثری از ظرفیت‌های دانشجویان
علوم پزشکی قزوین	<ul style="list-style-type: none"> ❖ توسعه آموزش تخصصی و فوق تخصصی در راستای اسناد بالادستی کشور
علوم پزشکی کرمان	<ul style="list-style-type: none"> ❖ ارتقا کیفیت برنامه‌های آموزشی بر اساس استانداردهای ملی و بین‌المللی ❖ توسعه و گسترش رشته‌های تحصیلات تکمیلی در گروه علوم پایه و بالینی ❖ تربیت نیروی انسانی کارآمد متناسب با نیاز جامعه ❖ توسعه بستر مناسب جهت بروز خلاقیت‌ها در کلیه رشته‌های آموزشی ❖ ارتقاء کیفی سطح علمی اعضای هیئت علمی ❖ تقویت انگیزه اعضای هیئت علمی، دانشجویان و کارکنان ❖ بهبود و اصلاح ساختار نظام آموزشی دانشگاه ❖ توسعه فن آوری و امکانات نوین آموزشی به منظور ارتقاء فرایندهای آموزشی

نتایج تحلیل راهبردهای آموزشی دانشگاه‌ها نشان می‌دهد که راهبردهایی نظیر "بهبود و ارتقاء وضعیت ارزیابی آموزشی دانشگاه‌ها، بهبود نظام جذب هیئت علمی؛ شناسایی و جذب دانشجویان ممتاز و نخبه؛ توسعه و بهبود رشته‌های علوم انسانی؛ روزآمد نمودن مطالب و محتوا و روش‌های آموزشی رشته‌های تحصیلی، توسعه آموزش‌های بین رشته‌ای؛ بهبود مستمر کیفیت آموزش در دانشگاه؛ ساماندهی (حذف، ایجاد، اصلاح و ترکیب) مستمر رشته‌های دانشگاه" در اکثر برنامه‌های عملیاتی دانشگاه‌ها مشترک بوده و به عنوان راهبردهایی اساسی مطرح هستند.

راهبردهای پژوهشی

نتایج تحلیل راهبردهای پژوهشی به تفکیک دانشگاه‌های دولتی در جدول ذیل ارائه شده است.

جدول ۲. نتایج تحلیل در خصوص راهبردهای پژوهشی دانشگاه‌ها

دانشگاه	راهبردهای پژوهشی
حکیم سبزواری	<ul style="list-style-type: none"> ✓ افزایش پژوهش‌های کاربردی منجر به تولید فناوری ✓ ایجاد مرکز رشد و توسعه کارآفرینی در دانشگاه ✓ برقراری و توسعه ارتباط سازنده دانشگاه با مراکز، انجمن‌ها و سازمان‌های علمی، صنعتی، فرهنگی و پژوهشی ✓ اصلاح فرایندهای تهیه، تصویب، اجرا و نظارت بر نشریات و طرح‌های پژوهشی ✓ تأمین منابع مالی مورد نیاز و صرفه‌جویی ✓ ارتقاء زیرساخت‌های فناوری اطلاعات و تسهیل دسترسی به آن
تربیت مدرس	<ul style="list-style-type: none"> ✓ بازنگری و بهبود نظام جامع پژوهشی دانشگاه ✓ افزایش تولیدات علمی دانشگاه ✓ تولید و ارائه فناوری‌های متناسب با نیاز جامعه ✓ تقویت، حفظ و یا حذف پژوهشکده‌ها و مراکز تحقیقاتی دانشگاهی ✓ توسعه ارتباط دانشگاه با صنعت و جامعه ✓ تولید و ارائه فناوری‌های متناسب با نیاز جامعه ✓ رایزنی برای تبدیل سند توسعه علمی کشور به قانون ✓ رایزنی با مراکز سیاستگذاری برای ایجاد سیستم نظارت، ارزیابی و اعتبارسنجی
شاهرود	<ul style="list-style-type: none"> ✓ توسعه پژوهش‌های محصول محور و تقویت تجاری سازی پژوهش ✓ توسعه فناوری‌های نوین ✓ توسعه پژوهش‌های تقاضامحور برای حل معضلات کشور ✓ توسعه فعالیت‌های پژوهشی و ارتقای رتبه علمی کشور
صنعتی شریف	<ul style="list-style-type: none"> ✓ تحول از پژوهش‌های فردی به سوی تشکیل و تقویت هسته‌های پژوهشی ✓ تحول از ارتباطات موردی و مقطعی با صنعت به سوی ایجاد همکاری‌های استراتژیک ✓ گسترش سرمایه‌گذاری ریسک پذیر بر ایده‌های نوآورانه ✓ ایجاد شبکه ارزش آفرین

دانشگاه	راهبردهای پژوهشی
کاشان	<ul style="list-style-type: none"> ✓ استقرار نظام پژوهشی انعطاف‌پذیر در چارچوب اولویت‌ها برای پیش‌بینی نیازهای جامعه و ارائه راهکار برای حل مسائل و مشکلات در سطح منطقه‌ای، ملی و بین‌المللی ✓ تعیین اولویت‌های فعالیت‌های پژوهشی متناسب با نیازهای موجود و آینده جامعه و قابلیت‌های دانشگاه و هدفمند کردن اعتبارات پژوهشی در راستای اولویت‌های پژوهشی ✓ حمایت ویژه از پژوهش‌های راهبردی به ویژه پژوهش‌های مرتبط با نیازها و مزیت‌های منطقه‌ای ✓ اصلاح ساختار، فرایندها و نظام ارتباط دانشگاه با جامعه، به ویژه بخش صنعت برای تسهیل فرایند تجاری‌سازی دستاوردهای پژوهشی و نوآوری‌ها ✓ شناسایی ابزارهای مالی مناسب برای توسعه پژوهش‌های تقاضامحور ✓ ارتقای توانمندی پژوهشگران و افزایش مشارکت متخصصان غیر دانشگاهی در فعالیت‌های پژوهشی ✓ ارتقای سطح کیفی امکانات و زیرساخت‌های پژوهشی نظیر آزمایشگاه‌ها، کتابخانه‌ها و ... ✓ حمایت از نشر نتایج پژوهشی و چاپ مقالات معتبر و کتب علمی
تهران	<ul style="list-style-type: none"> ✓ تولید نظریه‌ها و الگوهای پیشرفت علم مبتنی بر ارزش‌های اسلامی ✓ توسعه شرکت‌های دانش بنیان (گسترش پارک علم و فناوری و تعمیق رابطه آن با بدنه دانشگاه) ✓ توسعه شرکت‌های لنگر با محوریت اعضا هیئت علمی و کارکنان ✓ توسعه دوره‌های پیش‌رشد برای ارتقا توان نوآوری
شهید بهشتی	<ul style="list-style-type: none"> ✓ توسعه بازار پژوهش دانشگاه ✓ هدایت پژوهش‌های دانشگاه به سمت حل مشکلات جامعه و برآوردن نیازهای واقعی جامعه ✓ به‌سازی محیط (شامل مجموعه فعالیت‌های مستمر) به منظور افزایش بهره‌وری و استفاده حداکثری از ظرفیت‌های پژوهشی موجود
علوم پزشکی قزوین	<ul style="list-style-type: none"> ✓ توسعه کمی و کیفی مراکز خلق دانش ✓ انجام تحقیقات و تولید دانش ✓ توسعه انتشار و به اشتراک گذاری دانش تولید شده ✓ جهت‌گیری و مدیریت تحقیقات در راستای ارتقاء سلامت

نتایج تحلیل راهبردهای پژوهشی دانشگاه‌ها نشان می‌دهد که راهبردهایی نظیر "هدایت پژوهش‌های دانشگاه به سمت حل مشکلات جامعه و برآوردن نیازهای واقعی جامعه و توسعه پژوهش‌های تقاضامحور؛ افزایش تولیدات علمی دانشگاه؛ تولید و ارائه فناوری‌های متناسب با نیاز جامعه؛ توسعه ارتباط دانشگاه با صنعت و جامعه" در اکثر برنامه‌های عملیاتی دانشگاه‌ها مشترک بوده و به عنوان راهبردهایی اساسی مطرح هستند.

راهبردهای فرهنگی اجتماعی

نتایج تحلیل راهبردهای فرهنگی اجتماعی به تفکیک دانشگاه‌های دولتی در جدول ذیل ارائه شده است.

جدول ۳. نتایج تحلیل در خصوص راهبردهای فرهنگی اجتماعی دانشگاه‌ها

دانشگاه	راهبردهای فرهنگی اجتماعی
حکیم سبزواری	<ul style="list-style-type: none"> • نهادینه کردن آموزه‌های اخلاقی و رفتار اسلامی و معارف قرآن و اهل بیت در دانشگاه • حفظ عزت اسلامی و ایرانی صیانت و تقویت روحیه ایثار و شهادت • بهره‌گیری از ظرفیت استادان و کارکنان توانمند در حوزه فرهنگی، دینی و اجتماعی • توسعه و ارتقاء فعالیت‌های انجمن‌های علمی، کانون‌های فرهنگی و هنری و تشکل‌های دانشجویی در راستای اهداف فرهنگی و اجتماعی دانشگاه • ایجاد بستر مطالعاتی و پژوهش‌مدار نمودن برنامه‌های فرهنگی با مطالعه و آسیب‌شناسی پدیده‌های فرهنگی اجتماعی • ارائه آموزش‌های بنیادین و افزایش نقش و مشارکت دانشجویان در فعالیت‌های دینی، فرهنگی، هنری • توسعه و تعمیق نگرش‌های اجتماعی و سیاسی دانشگاهیان از طریق فعالیت‌های نهاد‌های فرهنگی دانشگاه • بسترسازی به منظور گسترش آموزش‌های غیرمستقیم فرهنگی و مدیریت فضای مجازی • توسعه فضاهای فرهنگی و ارتقاء تجهیزات و امکانات مورد نیاز • ایجاد سازوکارهایی در جهت جذب بودجه، درآمدهای و کاهش هزینه‌های فرهنگی • تقویت مدیریت فرهنگی و اجتماعی دانشگاه و توسعه فعالیت‌های کلان • ارزیابی و پایش مستمر فعالیت‌های فرهنگی • تقویت و نهادینه کردن همکاری‌های بین‌المللی در حوزه‌ی پژوهش، تجاری سازی و کارآفرینی • گسترش ورزش همگانی و قهرمانی • افزایش سطح سلامت روانی دانشجویان • ارتقا کیفی خدمات تغذیه دانشجویی • توسعه و نوسازی خوابگاه‌های دانشجویی در چارچوب سیاست‌های وزارت علوم، تحقیقات و فناوری • کاهش هزینه‌ها و شناسایی منابع اعتباری در راستای تحقق رفاه دانشجویان • ارتقای رویه‌های مدیریتی و اجرایی معاونت دانشجویی و تعامل با دانشجویان
تربیت مدرس	<ul style="list-style-type: none"> • ساماندهی امور دانشجویی و فرهنگی دانشگاه • افزایش جذابیت دانشگاه برای جذب و حفظ اعضای هیئت علمی و دانشجویان برتر، مومن و متعهد به نظام جمهوری اسلامی و ولایت فقیه
شاهرود	<ul style="list-style-type: none"> • گسترش و تقویت ایمان و اعتقاد اسلامی، تهذیب و تزکیه نفس و اعتلای عقلانی و علمی • تأکید بر قانون‌گرایی • حفظ همبستگی ملی و ایجاد همدلی • پرهیز از تندروری و عبور از تمایلات شخصی و گروهی در مقابل مصالح و منافع ملی • رعایت منزلت و کرامت انسانی • تقویت روحیه حقیقت‌جویی، نقادی، مشارکت‌جویی و احساس مسئولیت • پای بندی به اخلاق‌مداری و پرهیز از اغراض شخصی
	<ul style="list-style-type: none"> • افزایش کمی و کیفی گروه‌ها و تشکل‌های دانشجویی

دانشگاه	راهبردهای فرهنگی اجتماعی
صنعتی شریف	<ul style="list-style-type: none"> • توجه بیشتر به اهمیت سبک زندگی دانشجویان • عمق بخشی به محتوای ارائه شده در آموزش‌های اسلامی و انسانی • رشد فضای سالم و پویای فرهنگی
کاشان	<ul style="list-style-type: none"> • ارتقای فعالیت‌های فرهنگی برای تعمیق و گسترش آموزه‌های دینی، هویت ملی و ارزش‌های نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران • توسعه و ارتقای کیفیت خدمات دانشجویی و تأمین امکانات رفاهی مناسب برای دانشجویان از قبیل اسکان، تغذیه و بهداشت با تأکید بر کرامت انسانی آنان • ایجاد زمینه لازم برای رشد و شکوفایی خلاقیت، نوآوری و کارآفرینی دانشجویان • تقویت روح اخلاق و معنویت در دانشگاه و تبدیل دانشگاه به نمونه عملی از پیشرفت در عرصه معنویت در جامعه • ارتقای فضای نقد و پرسشگری دانشجویان، اعضای هیئت علمی و کارکنان با رویکرد جدال احسن • زنده نگه داشتن اندیشه دینی و سیاسی امام خمینی و ولایت فقیه • ارتقای سطح همکاری‌های هم‌افزا و مستمر با حوزه علمیه در راستای تحقق وحدت حوزه و دانشگاه
تهران	<ul style="list-style-type: none"> • تبیین مشخصه‌های دانشگاه اسلامی و تدوین نقشه فرهنگی دانشگاه • ارتقا فرهنگ و اخلاق حرفه‌ای
شهید بهشتی	<ul style="list-style-type: none"> • جامع نگری در سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی و اجرای برنامه‌های فرهنگی برای دانشگاه • پژوهش محور کردن سیاست‌ها، تصمیمات و اقدامات در حوزه فرهنگ
علوم پزشکی قزوین	<ul style="list-style-type: none"> • ارتقاء فعالیت‌های فرهنگی، دانشجویی و رفاهی • ارتقا فرهنگ سلامت و مداخلات محیطی

نتایج تحلیل راهبردهای فرهنگی اجتماعی دانشگاه‌ها نشان می‌دهد که راهبردهایی نظیر " توسعه و ارتقاء فضاهای فرهنگی؛ گسترش و تقویت ایمان و اعتقاد اسلامی و اعتلای عقلانی و علمی؛ افزایش کمی و کیفی گروه‌ها و تشکل‌های دانشجویی؛ ارتقاء و ساماندهی فعالیت‌های فرهنگی، دانشجویی و رفاهی؛ توسعه و ارتقای کیفیت خدمات دانشجویی و تأمین امکانات رفاهی مناسب برای دانشجویان از قبیل اسکان، تغذیه و بهداشت و..." در اکثر برنامه‌های عملیاتی دانشگاه‌ها مشترک بوده و به عنوان راهبردهایی اساسی مطرح هستند.

راهبردهای بین‌المللی

نتایج تحلیل راهبردهای بین‌المللی به تفکیک دانشگاه‌های دولتی در جدول ذیل ارائه شده است.

جدول ۴. نتایج تحلیل در خصوص راهبردهای بین‌المللی دانشگاه‌ها

دانشگاه	راهبردهای بین‌المللی
تربیت مدرس	<ul style="list-style-type: none"> • توسعه ارتباط دانشگاه با صنعت و جامعه • بهبود و توسعه روابط و تعاملات بین‌المللی دانشگاه • بازرینی و ارتقاء نظام روابط عمومی دانشگاه
صنعتی شریف	<ul style="list-style-type: none"> • جذب گسترده دانشجویان خارجی • گسترش پردیس‌ها و شعب دانشگاه در خارج از کشور
کاشان	<ul style="list-style-type: none"> • اصلاح ساختار و فرایندهای حوزه‌ی روابط بین‌الملل دانشگاه • توسعه همکاری‌های آموزشی، پژوهشی و فرهنگی با مراکز معتبر ملی و بین‌المللی و دانشمندان، متخصصان ایرانی خارج از کشور
تهران	<ul style="list-style-type: none"> • حضور فعال و گسترده در مجامع بین‌المللی جهت گسترش علم و دستیابی به دانش جهانی • ارتقا جایگاه علمی، آموزشی، پژوهشی و کارآفرینی دانشگاه تهران در جهان اسلام

نتایج تحلیل راهبردهای بین‌المللی دانشگاه‌ها نشان می‌دهد که "بهبود و توسعه روابط و تعاملات بین‌المللی دانشگاه؛" در اکثر برنامه‌های عملیاتی دانشگاه‌ها مشترک بوده و به عنوان راهبردی اساسی مطرح است.

راهبردهای معطوف به عوامل توانمندساز

یافته‌های مرتبط با تحلیل راهبردهای معطوف به عوامل توانمندساز دانشگاه به مقولات فرعی (راهبردهای مدیریت و نظام اداری دانشگاه‌ها، منابع مالی، نیروی انسانی، دانش‌آموختگان، خدمات و زیرساخت‌ها) تقسیم می‌شود که در ادامه هر یک از این مقولات فرعی همراه با خرده مقولات مرتبط با آنها ارائه شده است.

راهبردهای مدیریت و نظام اداری

نتایج تحلیل راهبردهای مدیریت و نظام اداری به تفکیک دانشگاه‌های دولتی در جدول ذیل ارائه شده است.

جدول ۵. نتایج تحلیل در خصوص راهبردهای مدیریت و نظام اداری دانشگاهها

دانشگاه	راهبردهای مدیریت و نظام اداری
حکیم سبزواری	<ul style="list-style-type: none"> طراحی نظام پایش مستمر محیط رقابتی و ارتقاء جایگاه رقابتی دانشگاه در رتبه‌بندی‌های ملی و بین‌المللی بازنگری و ارتقاء نظام روابط عمومی و اطلاع‌رسانی دانشگاه مستندسازی و بهبود فعالیت‌ها و فرایندهای دانشگاه در بخش‌های مختلف طراحی سیستم اطلاعاتی دانشگاه طراحی و اجرای چرخه بهره‌وری در دانشگاه بازنگری و اصلاح ساختار کلان و تفصیلی دانشگاه استقرار نظام برون‌سپاری فعالیت‌ها در برخی از بخش‌های دانشگاه بازنگری و طراحی نظام ارزیابی عملکرد کارکنان توسعه همکاری‌ها و تعاملات مؤثر دانشگاه با جامعه ترویج برنامه‌های مدیریت دانش در سطح واحدها استقرار نظام مدیریت مشارکتی در دانشگاه طراحی نظام جامع ارزیابی عملکرد دانشگاه افزایش دارایی و درآمدهای دانشگاه توانمندسازی منابع انسانی تدوین نظام بودجه‌ریزی عملیاتی
تربیت مدرس	<ul style="list-style-type: none"> بررسی و بازنگری نظام تصمیم‌گیری دانشگاه اصلاح فرآیندهای اجرایی
شاهرود	<ul style="list-style-type: none"> اهتمام به اجرای آیین‌نامه مدیریت و حاکم نمودن قانون به کارگیری خرد جمعی در تصمیم‌سازی و انجام امور بر مبنای کارشناسی فعال نمودن شوراهای تخصصی و کارشناسان پاسخگو نمودن سیستم و ارتقای احساس مسئولیت در انجام تعهدات شایسته‌سالاری در انتخاب مدیران تقسیم کار بر مبنای شرح وظایف و اختیارات مدیران بازنگری در روال موجود، تهیه شیوه‌نامه‌ها و چرخه‌های امور اجرایی اجتناب از درگیری و تداخل واحدها با شفاف‌سازی شرح وظایف و اختیارات مسئولین به کارگیری مؤثر اتوماسیون در مدیریت آموزش، پژوهش، اداری و مالی تعیین روال در اجرای امور و پرهیز از تصمیمات موردی ارتقای هماهنگی، نظارت و کنترل پیوسته توسعه روابط عمومی و بهبود ارتباطات مردمی اهتمام به برنامه‌ریزی در توسعه دانشگاه تکریم مراجعه‌کننده و تسریع در رسیدگی تشویق کارمند نمونه و مدیر نمونه
صنعتی شریف	<ul style="list-style-type: none"> افزایش تخصص‌گرایی در پست‌های مدیریتی ایجاد نظام تصمیم‌گیری چابک و متقن روان‌سازی و شفاف‌سازی فرایندهای اداری
	<ul style="list-style-type: none"> گسترش اختیارات و افزایش استقلال دانشگاه

راهبردهای مدیریت و نظام اداری	دانشگاه
<ul style="list-style-type: none"> • تقویت و بهره برداری از پتانسیل‌های دانشگاه از طریق گسترش دوره‌های مشترک بین‌المللی و گسترش واحدهای آموزش عالی خصوصی وابسته به دانشگاه • تقویت و گسترش همکاری با سایر نهادهای علمی، فنی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور • توسعه ارتباط با بازار کار و جهت‌گیری در راستای نیازهای علمی و پژوهشی جامعه از طریق افزایش فرصت‌های مطالعاتی داخلی و در صورت لزوم خارجی، جایگزینی دوره‌های کارورزی به جای کارآموزی، افزایش درصد پایان‌نامه‌های دارای حمایت مالی 	تهران
<ul style="list-style-type: none"> • حاکم کردن رویکرد چابک و چالاک سازی در ارائه خدمات • ایجاد و حفظ قدرت رقابتی در ارائه خدمات 	شهید بهشتی
<ul style="list-style-type: none"> • سیاستگذاری سلامت مبتنی بر شواهد در سطح استان • نظارت و پایش مستمر بر برنامه‌های راهبردی سلامت استان • تمرکز بر رویکرد سرمایه اجتماعی در سیاستگذاری، تصمیم‌گیری و اجرا • حمایت طلبی و جلب همکاری‌های بین‌بخشی برای توسعه عادلانه سلامت • استفاده از بسترهای موجود و حمایت از رویکرد جلب مشارکت‌های عمومی، شوراها و سازمان‌های مردم‌نهاد • مدیریت خدمات ادغام یافته آموزش، پژوهش و سلامت • تمرکز بر رویکرد پیشگیری و تأمین خدمات درمانی • نهادینه کردن رویکرد پاسخگویی به نیازهای جامعه تحت پوشش • استقرار نظام دیده بانی سلامت و کاهش بار بیماری‌ها • استقرار مدل‌های تعالی سازمانی و حاکمیت بالینی در کلیه سطوح خدمات 	علوم پزشکی قزوین
<ul style="list-style-type: none"> • توسعه مطالعات کاشان شناسی با رویکرد شناساندن تاریخ، تمدن، فرهنگ، هنر و مفاخر کاشان و بهره‌گیری از میراث غنی فرهنگی منطقه کاشان • تلاش برای ارتقای همبستگی و انسجام منطقه‌ای • تلاش برای هماهنگی متقابل بین سیاست‌های توسعه اقتصادی منطقه و سیاست‌های آموزشی، پژوهشی و فناوری • توجه خاص در فعالیت‌های آموزشی و پژوهشی به حل مسائل منطقه و ارتقای کیفیت زندگی مردم • ارتقای جاذبه‌ها و ویژگی‌های منحصر به فرد (برند) دانشگاه و شناساندن آنها با استفاده از شیوه‌های متنوع ارتباطی • ارتباط نظام‌مند با دانش‌آموختگان دانشگاه جهت ارتقای دانشگاه به عنوان یک دانشگاه برتر • برگزاری همایش‌ها، سمینارها و کارگاه‌های آموزشی و پژوهشی در سطح ملی و بین‌المللی جهت ارتقای دانشگاه به عنوان یک دانشگاه برتر • ارتقای نظام روابط عمومی دانشگاه جهت ارتقای دانشگاه به عنوان یک دانشگاه برتر 	کاشان

نتایج تحلیل راهبردهای مدیریت و نظام اداری دانشگاه‌ها نشان می‌دهد که راهبردهایی نظیر "بهبود و ارتقاء نظام روابط عمومی و اطلاع‌رسانی دانشگاه؛ توسعه همکاری‌ها و تعاملات مؤثر دانشگاه با جامعه؛ بررسی و بازنگری نظام تصمیم‌گیری دانشگاه؛ اصلاح فرآیندهای اجرایی؛ ایجاد و اصلاح و بهبود سیستم نظارت، ارزیابی و اعتبارسنجی؛ ارتقای احساس مسئولیت در انجام

تعهدات و پاسخگویی؛ روان سازی و شفاف سازی فرایندهای اداری؛ ایجاد و حفظ قدرت رقابتی در ارائه خدمات " در اکثر برنامه‌های عملیاتی دانشگاه‌ها مشترک بوده و به عنوان راهبردهایی اساسی مطرح هستند.

راهبردهای منابع مالی

نتایج تحلیل راهبردهای منابع مالی به تفکیک دانشگاه‌های دولتی در جدول ذیل ارائه شده است.

جدول ۶. نتایج تحلیل در خصوص راهبردهای منابع مالی دانشگاه‌ها

دانشگاه	راهبردهای منابع مالی
حکیم سیزواری	<ul style="list-style-type: none"> افزایش سرعت و شفافیت فرایندهای مالی دانشگاه پیاده سازی عملیاتی بودجه دانشگاه نظارت دقیق بر هزینه‌ها و درآمدهای دانشگاه بازنگری و اصلاح آیین نامه مالی و معاملاتی دانشگاه افزایش امکانات رفاهی کارکنان (شاغل و بازنشسته) اصلاح و بهبود آیین‌نامه‌ها و دستورالعمل اداری داخلی
تربیت مدرس	<ul style="list-style-type: none"> تلاش برای جذب منابع مالی ایجاد شعب خودگردان برای دانشگاه تولید و ارائه فناوری‌های متناسب با نیاز جامعه تقویت، حفظ و یا حذف پژوهشکده‌ها و مراکز تحقیقاتی دانشگاهی توسعه ارتباط دانشگاه با صنعت و جامعه
صنعتی شریف	<ul style="list-style-type: none"> تحول از وابستگی شدید به منابع مالی عمومی دولتی به سوی گسترش منابع مالی از طرق متنوع و پایدار
کاشان	<ul style="list-style-type: none"> ایجاد ساختار و سیستم مناسب مدیریت مالی بهبود و ارتقای توانمندی اقتصادی واحدهای مختلف دانشگاه از طریق سرمایه‌گذاری و راه اندازی فعالیت‌های اقتصادی با توجه به توانمندی‌های و دارایی‌های مشهود و نامشهود دانشگاه بهره‌مندی از سنت ارزشمند وقف و استفاده از سرمایه‌های افراد خیر اصلاح نظام تخصیص منابع بر اساس بهای تمام شده خدمات ارتقای بهره‌وری و کیفیت فعالیت‌های دانشگاه بر اساس صرفه‌ی اقتصادی در فعالیت‌های دانشگاه
تهران	<ul style="list-style-type: none"> کاهش هزینه سرانه تحصیلی از طریق کنترل و کاهش طول و هزینه دوره‌های آموزشی، ارائه بخشی از درس رشته‌های کارشناسی در قالب e-learning، استفاده از دانشجویان دکتری تخصصی در فعالیت‌های آموزشی
علوم پزشکی قزوین	<ul style="list-style-type: none"> تأمین و ارتقا منابع مالی مورد نیاز بسیج منابع مالی و فیزیکی استان در راستای ارتقاء سلامت، دانش و پژوهش بسیج منابع بخش صنعت و خدمات در راستای آموزش و تحقیقات بسیج امکانات موجود برای اجرا و استمرار طرح جامع سلامت
شاهرود	<ul style="list-style-type: none"> توسعه درآمدهای دانشگاه

نتایج تحلیل راهبردهای منابع مالی دانشگاه‌ها نشان می‌دهد که راهبردهایی نظیر "تلاش برای جذب منابع مالی و توسعه درآمدهای دانشگاه؛ ایجاد ساختار و سیستم مناسب مدیریت مالی" در اکثر برنامه‌های عملیاتی دانشگاه‌ها مشترک بوده و به عنوان راهبردهای اساسی قابل مطرح هستند.

راهبردهای نیروی انسانی

نتایج تحلیل راهبردهای نیروی انسانی به تفکیک دانشگاه‌های دولتی در جدول ذیل ارائه شده است.

جدول ۷. نتایج تحلیل در خصوص راهبردهای نیروی انسانی دانشگاه‌ها

دانشگاه	راهبردهای نیروی انسانی
تربیت مدرس	<ul style="list-style-type: none"> • بهبود و توسعه نظام نیروی انسانی (اعضای هیئت علمی) مؤمن و متعهد به نظام جمهوری اسلامی و ولایت فقیه در دانشگاه • بهبود و توسعه نظام نیروی انسانی (کارکنان) مؤمن و متعهد به نظام جمهوری اسلامی و ولایت فقیه در دانشگاه
صنعتی شریف	<ul style="list-style-type: none"> • جذب مناسب اعضای هیئت علمی و اجرای طرح بالندگی در مورد آنان • گسترش کمی و کیفی پژوهشگران غیر هیئت علمی • افزایش سهولت ادامه تحصیل در مقاطع تحصیلی بالاتر
کاشان	<ul style="list-style-type: none"> • برنامه‌ریزی برای جذب و استخدام اعضای هیئت علمی مستعد، خلاق، مؤمن و متعهد به نظام جمهوری اسلامی و ولایت مطلقه فقیه • جلب همکاری استادان ممتاز دانشگاه‌های داخل و خارج کشور • توانمندسازی پیوسته اعضای هیئت علمی با استفاده از فرصت‌های مطالعاتی، شرکت در کارگاه‌های دانش افزایی، سمینارها، کنفرانس‌ها و همایش‌های ملی و بین‌المللی • رسیدگی مطلوب به مسائل معیشتی و رفاهی اعضای هیئت علمی
تهران	<ul style="list-style-type: none"> • توجه به نقش تربیتی دانشجویان مبتنی بر آموزه‌های اسلامی
شهید بهشتی	<ul style="list-style-type: none"> • توسعه و توانمندسازی منابع انسانی
علوم پزشکی قزوین	<ul style="list-style-type: none"> • مدیریت رشد و توسعه نیروی انسانی
شاهرود	<ul style="list-style-type: none"> • بهبود رفاه کارکنان و اعضای هیئت علمی

نتایج تحلیل راهبردهای نیروی انسانی دانشگاه‌ها نشان می‌دهد که راهبردهایی نظیر "برنامه‌ریزی برای جذب و استخدام اعضای هیئت علمی مستعد، خلاق، مؤمن و متعهد به نظام جمهوری اسلامی و ولایت مطلقه فقیه؛ رسیدگی مطلوب به مسائل معیشتی و رفاهی کارکنان و اعضای هیئت علمی؛ توسعه و توانمندسازی منابع انسانی" در اکثر برنامه‌های عملیاتی دانشگاه‌ها مشترک

بوده و به عنوان راهبرد اساسی مطرح هستند.

راهبردهای دانش‌آموختگان

نتایج تحلیل راهبردهای دانش‌آموختگان به تفکیک دانشگاه‌های دولتی در جدول ذیل ارائه شده است.

جدول ۸. نتایج تحلیل در خصوص راهبردهای دانش‌آموختگان دانشگاه‌ها

دانشگاه	راهبردهای مرتبط با دانش‌آموختگان
کاشان	<ul style="list-style-type: none"> • استقرار نظام نیازسنجی و ارزیابی برای شناسایی نیازهای حوزه‌های مختلف فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی جامعه به نیروی کار متخصص • جذب دانشجویان در رشته‌های مختلف متناسب با نیازهای جامعه و بازار کار و ممانعت از انباشتگی غیر منطقی در برخی رشته‌های تحصیلی • بازنگری محتوا، متون و برنامه‌های درسی و فرایندها و شیوه‌های آموزشی و دوره‌های آموزشی دانشگاه با توجه به نیازهای بازار کار و انعطاف‌پذیری بیشتر دوره‌های آموزشی با توجه به نیازهای حرفه‌ای بازار کار • ایجاد هماهنگی میان محتوای آموزشی با اهداف نظام تربیتی اسلام، به ویژه رعایت استانداردهای اخلاقی در آموزش • استقرار نظام کارآموزی و کارورزی در حین تحصیل با رویکرد ارتقای سهم آموزش‌های مهارتی به ویژه در دوره‌های کارشناسی رشته‌های مختلف • حمایت ویژه از سرمایه‌گذاری در علوم منتخب با رویکرد ایجاد قطب علمی • تعامل و مشارکت فعال دانشگاه با دستگاه‌های دولتی و موسسات خصوصی برای سهم‌شدن در سیاست‌گذاری و اجرای برنامه‌های مربوط به مدیریت اشتغال و راهکارهای بهبود و توسعه آن

نتایج تحلیل راهبردهای مرتبط با دانش‌آموختگان نشان داد که دانشگاه کاشان جدای از سایر حوزه‌ها به طور اختصاصی به مسئله دانش‌آموختگان پرداخته و در این رابطه راهبردهایی را مطرح نموده است.

راهبردهای خدمات و زیرساخت‌ها

نتایج تحلیل راهبردهای خدمات و زیرساخت‌ها به تفکیک دانشگاه‌های دولتی در جدول ذیل ارائه شده است.

جدول ۹. نتایج تحلیل در خصوص راهبردهای خدمات و زیر ساخت‌ها دانشگاه‌ها

دانشگاه	راهبردهای خدمات و زیر ساخت‌ها
تربیت مدرس	<ul style="list-style-type: none"> • تقویت، حفظ و یا حذف پژوهشکده‌ها و مراکز تحقیقاتی دانشگاهی • بازنگری و اصلاح ساختار کلان و تفصیلی دانشگاه • ایجاد دانشکده‌های جدید • تجهیز دانشگاه به فناوری‌های نوین • توسعه فضای فیزیکی دانشگاه
صنعتی شریف	<ul style="list-style-type: none"> • انتقال دانشگاه از محل فعلی به اراضی منطقه ۲۲ • تقویت سطح خدمات رفاهی
کاشان	<ul style="list-style-type: none"> • ارتقای نظام فناوری اطلاعات • به روز کردن تجهیزات و امکانات کارگاه‌ها و آزمایشگاه‌ها و سایر خدمات پشتیبانی دانشگاه • توسعه زیرساخت‌های کالبدی دانشگاه با استفاده از فناوری‌های نوین در عرصه فرایندهای آموزشی، پژوهشی و خدمات پشتیبانی
تهران	<ul style="list-style-type: none"> • ارتقا سطح کمی و کیفی ساختمان‌ها و تجهیزات آموزشی و پژوهشی • توسعه نظام فراگیر کامپیوتری (زیرساخت و روساخت)
علوم پزشکی قزوین	<ul style="list-style-type: none"> • ارتقا زیرساخت IT دانشگاه • تقویت و بهینه سازی زیر ساخت‌های فیزیکی و تجهیزات دانشگاه • بهره‌گیری از امکانات آموزش مجازی

نتایج تحلیل راهبردهای خدمات و زیر ساخت دانشگاه‌ها نشان می‌دهد که راهبردهایی نظیر " تجهیز دانشگاه به فناوری‌های نوین؛ ارتقای نظام فناوری اطلاعات؛ ارتقا سطح کمی و کیفی ساختمان‌ها و تجهیزات آموزشی و پژوهشی" در اکثر برنامه‌های عملیاتی دانشگاه‌ها مشترک بوده و به عنوان راهبردهایی اساسی مطرح هستند.

بحث و نتیجه گیری

مدل‌های مختلفی جهت برنامه‌ریزی راهبردی وجود دارند که برخی از دانشگاه‌ها با در نظر گرفتن الزامات موجود در اسناد بالادستی نظیر قانون اساسی، سند چشم‌انداز ۲۰ ساله کشور، نقشه جامع علمی کشور برنامه پنجم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور، سند تحول فرهنگی آموزش عالی کشور، برنامه تحول نظام اداری کشور و سایر اسناد بالادستی مربوط به استان‌ها و استفاده از فونونی نظیر ماتریس برنامه‌ریزی راهبردی، تجزیه و تحلیل SWOT و ... به انتخاب مدل برنامه‌ریزی استراتژیک برای تدوین برنامه عملیاتی دانشگاه خود پرداخته‌اند. اکثر

برنامه‌های عملیاتی موجود از دانشگاه‌ها نشان می‌دهد که آنها ابتدا وضعیت موجود دانشگاه خود را نسبت به برخی شاخص‌های کلیدی نظیر معیارهای ارزیابی عملکرد، شاخص‌های برنامه پنجم توسعه، شاخص‌های رتبه بندی دانشگاه‌ها و... بررسی نموده‌اند و در مرحله بعد به تدوین چشم انداز، رسالت، اهداف کلان و وضعیت مطلوب با استفاده از ابزاری همچون پرسشنامه، مصاحبه و... پرداخته و برای تدوین اسناد راهبردی دانشگاه خود سعی نموده‌اند تا نقاط ضعف، قوت، تهدید و فرصت دانشگاه را نسبت به وضع موجود آن مورد بررسی قرار دهند. بر اساس یافته‌های به دست آمده از چنین تحلیل‌هایی، راهبردهای اساسی برنامه عملیاتی را تعیین نموده و مشخص می‌سازند که چگونه به استفاده بهینه از فرصت‌های محیطی، جریان ضعف‌های داخلی، روبرویی با تهدیدهای محیطی و استفاده از نقاط قوت داخلی خود پردازند.

برنامه عملیاتی، برنامه‌ای جزئی‌تر و مشخص‌تر برای رسیدن به اهداف است که از راهبردها استفاده می‌گردد. در تحلیل برنامه عملیاتی دانشگاه‌ها مشخص شد که هر یک از حوزه‌های مختلف دانشگاه‌ها نظیر حوزه پژوهش، حوزه آموزش، حوزه مالی و... با توجه به اهداف کلان دانشگاه و اهداف اختصاصی حوزه خود، به تدوین راهبردهای مناسب با توجه به نقاط ضعف، قوت، تهدید و فرصت پرداخته‌اند. در برخی موارد هم پس از بیان استراتژی‌های دانشگاه اهداف عملیاتی و اقدامات اجرایی راجع به هر یک از آنها ارائه شده است. برخی دانشگاه‌ها نیز در تدوین برنامه‌های راهبردی خود برنامه‌های کوتاه مدت و بلند مدتی را در نظر گرفته‌اند.

از آنجا که برنامه‌ی راهبردی و عملیاتی هر دانشگاهی مختص به خود دانشگاه و وضعیت و بافت موجود آن دانشگاه می‌باشد نمی‌توان انتظار تعمیم نتایج و وضعیت نقاط ضعف، قوت، تهدید و فرصت و راهبردها و استراتژی‌های اتخاذ شده آنها را به سایر دانشگاه‌ها داشت. اکثر برنامه‌های عملیاتی مورد بررسی گزارش‌هایی بودند که از دانشگاه‌هایی نظیر دانشگاه تهران، دانشگاه شهید بهشتی، دانشگاه تربیت مدرس، دانشگاه صنعتی شریف، دانشگاه شاهرود، دانشگاه حکیم سبزواری، دانشگاه کاشان و برخی دانشگاه‌های علوم پزشکی نظیر دانشگاه علوم پزشکی قزوین و علوم پزشکی کرمان به دست آمدند که همگی از جنس دانشگاه دولتی بوده و به لحاظ ماهیت و بافت خود، حتی قادر به تعمیم به سایر دانشگاه‌های دولتی هم نمی‌باشند. از طرفی در جستجوی برنامه‌های عملیاتی هیچ برنامه و سندی از دانشگاه‌های آزاد اسلامی، علمی کاربردی و پیام نور به دست نیامد. از این رو فقط به ارائه گزارشی نسبت به راهبردهای ارائه شده در برنامه‌های عملیاتی

در دسترس پرداخته شد. راهبردهای ارائه شده در اسناد به دو دسته راهبردهای معطوف به کارکردهای اصلی دانشگاه (راهبردهای آموزشی، فرهنگی و اجتماعی، پژوهشی، بین‌المللی) و راهبردهای معطوف به عوامل توانمندساز (منابع انسانی، مدیریت و نظام اداری، منابع مالی، خدمات و زیر ساخت‌ها) تقسیم‌بندی گردید. با توجه به نتایج مشخص شد که برخی خرده مقولات در برنامه عملیاتی دانشگاه‌های مورد بررسی یکسان بوده که شاید بتوان علت آن را به تأثیر شرایط کلان جامعه و سیاست‌های فرادستی بر برنامه‌ها و سیاست‌گذاری‌های دانشگاه‌های دولتی نسبت داد، برخی از راهبردها هم مختص به دانشگاه بوده و از شرایط و موقعیت فعلی آنها نشأت می‌گیرد. به طور کلی بررسی نظرات دست اندرکاران و مجریان این دانشگاه‌ها می‌توان اطلاعات کامل‌تر و منسجم‌تری نسبت به مسیر و برنامه عملیاتی فعلی دانشگاه‌ها به دست آورده و هم در واقعیت را نسبت به آنچه برای اجرا برنامه‌ریزی گردیده و آنچه که مانع اجرای درست این برنامه‌های عملیاتی می‌گردد جویا شد.

یادداشت‌ها

۱- مقاله با عنوان "تحلیلی بر برنامه‌های راهبردی دانشگاه‌های دولتی ایران" حاصل بخشی از طرح پژوهشی با عنوان "گونه‌شناسی دانشگاه‌های ایران نسبت به ماموریت و چشم‌اندازهای پیش‌رو" می‌باشد که با حمایت شورای عالی انقلاب فرهنگی انجام شده است. این پژوهش ابتدا با بررسی ۱۳ سند و تحلیل محتوای آن‌ها به شناسایی ماموریت‌ها، چشم‌انداز، اهداف و ارزش‌های جهت‌دهنده به نظام آموزش عالی ایران پرداخت. سپس با تحلیل ۹ برنامه عملیاتی دانشگاه‌های دولتی راهبردهای معطوف به کارکردهای اصلی و عوامل توانمندساز دانشگاه‌ها شناسایی شد و پس از آن به مصاحبه و اجرای پرسشنامه بین روسا و معاونین دانشگاه‌ها نسبت به عملیاتی نمودن سیاست‌ها و چشم‌اندازهای مدون پرداخته شد و در نهایت گونه‌های دانشگاهی نظام آموزش عالی ایران با توجه به مسیر عمل مشخص گردید.

یعنی مطابق با نظر داور محترم در کنار این مطالعه، با نظرسنجی و مصاحبه از یک نمونه قابل تعمیم در مورد مسائل و واقعیت‌های وضع موجود، نتایجی استخراج شد اما از آنجایی که ذکر مطالب و نتایج یافته‌های این طرح وسیع در این مقال نگنجید، بهتر دیدیم که بخشی از این طرح پژوهشی به صورت یک مقاله کامل با عنوان "تحلیلی بر برنامه‌های راهبردی دانشگاه‌های دولتی

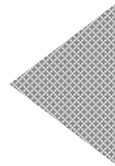
ایران" ارائه شود. این مقاله تصویر آرمانی از سیاست‌ها و برنامه‌های عملیاتی دانشگاه‌های دولتی ایران را ارائه کرده است و مشخص می‌سازد که در اسناد، برنامه راهبردی دانشگاه‌های دولتی به چه سمت و سویی است. چون ذکر مطالب در یک مقاله امکان پذیر نیست، انشالله در نظر است تا نتایج نظرسنجی و مصاحبه‌ها از چگونگی وضع موجود نیز در مقالات دیگر به سمع و نظر خوانندگان این حوزه برسد.

منابع

- آراسته، حمیدرضا (۱۳۸۲). نقش آموزش عالی در چشم‌انداز توسعه ایران ۱۴۰۴. رهیافت، شماره ۳۱، ۳۳-۴۲.
- ابطی، سیدحسین و ترابیان، محسن (۱۳۸۹). بررسی تحقق اهداف آموزش عالی براساس سند چشم-انداز بیست ساله کشور با روش فرایند تحلیل سلسله مراتبی. پژوهش در نظام‌های آموزشی، دوره ۴، شماره ۸، ۳۱-۶۰.
- اجتهادی، مصطفی و داودی، رسول (۱۳۸۶). آسیب‌شناسی ساختار نظام آموزش عالی در اجرای برنامه-های پنج‌ساله توسعه بخش آموزش عالی به منظور ارائه راهبردهای مناسب. دانش و پژوهش در علوم تربیتی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان، شماره ۱۵، ۲۴-۱.
- برنامه راهبردی دانشگاه تربیت مدرس. خلاصه گزارش مدیریتی (۱۳۸۶). قابل دسترس در: <http://modares.ac.ir>
- برنامه راهبردی معاونت آموزشی دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی کرمان. قابل دسترس در: <http://edc.kmu.ac.ir>
- برنامه راهبردی دانشگاه شاهرود. قابل دسترس در: <http://www.shahroodut.ac.ir>
- برنامه راهبردی دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی و درمانی قزوین دوره زمانی ۱۳۹۱-۱۳۹۶. قابل دسترس در: (<http://dme.behdasht.gov.ir>)
- خوش سیما، غلامرضا، ابراهیمی نژاد، مهدی و شاه‌حسینی، محمد علی (۱۳۹۰). نگاه به آینده و تدوین چشم‌انداز دانشگاه‌ها: مطالعه‌ی موردی در دانشگاه ولی عصر (عج) رفسنجان، مدیریت بازرگانی، دوره ۳، شماره ۹: ۱۳۰-۱۱۳.
- سند چشم‌انداز دانشگاه تهران در افق ۱۴۰۴ (۱۳۹۰). نشر دانشگاه تهران. قابل دسترس در: <http://ut.ac.ir>
- سند تحول دانشگاه صنعتی شریف. قابل دسترس در: <https://vpb.um.ac.ir>
- سند راهبردی دانشگاه شهید بهشتی. قابل دسترس در: (<http://sbu.ac.ir>)
- طرح راهبردی دانشگاه کاشان برای دوره ۱۳۹۳-۱۳۹۷.

- علائی، علی (۱۳۹۱). تحلیلی در محتوای بیانیه‌ی چشم‌انداز دانشگاه‌های جهان. فصلنامه انجمن آموزش عالی ایران، سال پنجم، شماره اول: ۶۳-۹۱.
- گزارش مدیریتی برنامه راهبردی پنج سال (۱۳۹۵-۱۳۹۱) دانشگاه حکیم سبزواری (۱۳۹۱). قابل دسترس در: <http://www.hsu.ac.ir/nezarat>
- یمنی دوزی سرخابی، محمد (۱۳۹۱). کیفیت در آموزش عالی. تهران: انتشارات سمت.
- A Khamis, A (2012). Academic staff's perceptions of characteristics of learning organization in a higher learning institution. *International Journal of Educational Management*; 26(1): 55-82.
- Federkeil, G.(2008). Rankings and Quality Assurance in Higher Education', *Higher Education in Europe*, 33: 2, pp. 219 – 231.

بررسی ویژگی‌های اجتماعی، اقتصادی و کالبدی سکونت‌گاه‌های غیر رسمی (مطالعه موردی: محله عینک شهر رشت)



مریم جعفری مهرآبادی^۱

مریم سجودی^۲

سیده فاطمه امامی^۳

(تاریخ دریافت ۹۶/۱۰/۱۵ - تاریخ تصویب ۹۷/۲/۱۸)

چکیده

سکونتگاه‌های غیررسمی غالباً معلول عواملی چون رشد و توسعه ناموزون و تراکم‌های خارج از اندازه هستند. این پدیده رو به رشد؛ محرومیت و عدم برخورداری سکونتگاه‌های غیررسمی از امکانات زندگی شهری در قیاس با دیگر نواحی شهری را سبب می‌گردد و سکونتگاه‌های غیر رسمی را به کانون مسائل بخرنج شهری و انسانی تبدیل می‌کند؛ شهر رشت به عنوان یکی از مهم‌ترین کانون‌های جمعیتی شمال کشور از جمله شهرهایی است که با پدیده اسکان غیر رسمی مواجه بوده است. هدف این تحقیق شناسایی چالش‌های محله عینک به عنوان یکی از سکونتگاه‌های غیررسمی در شهر رشت است. روش تحقیق توصیفی-تحلیلی و جمع‌آوری اطلاعات به شیوه میدانی و با استفاده از پرسشنامه بوده است. جامعه آماری شامل افراد ساکن در محله عینک

۱. استادیار گروه جغرافیا و برنامه ریزی شهری دانشگاه گیلان، jafarimehrabadi@gmail.com

۲. کارشناس ارشد جغرافیا و برنامه ریزی شهری دانشگاه گیلان، msejodi1@yahoo.com

۳. دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه ریزی روستایی دانشگاه گیلان f_emami22@yahoo.com

شهر رشت بوده است که به صورت تصادفی و با توجه به شناخت از محدوده مورد مطالعه ۱۰۰ نفر انتخاب شده اند تا با انتخاب حداقل نمونه امکان تعمیم یافته‌ها فراهم آید. تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم افزار SPSS انجام شده است. نتایج تحقیق نشان داده است که وضعیت محله عینک از نظر ویژگی‌های اجتماعی، کالبدی و اقتصادی پایین تر از حد متوسط قرار دارد. همچنین بین کیفیت کالبدی و کیفیت اجتماعی محله عینک، ارتباط معنادار و مثبت وجود دارد و شدت این ارتباط بسیار قوی است. نهایتاً بیشترین نارضایتی در بخش اقتصادی با میانگین رتبه ۲.۱۹، در رتبه اول و بخش اجتماعی با ۱.۹۶ در رتبه دوم و کم‌ترین نارضایتی متعلق به بخش کالبدی با میانگین رتبه ۱.۸۵ بوده است. همچنین ساکنین؛ وضعیت این محله را از نظر چالش‌هایی چون: دسترسی و راه ارتباطی ضعیف با شهر، عدم جمع‌آوری زباله، جاده‌های خاکی، دسترسی ناکافی با خدمات اصلی شهری، گسترش بحران‌های اجتماعی و فقر، ویرانی محیط زیست و... متوسط ارزیابی کردند.

واژگان کلیدی: سکونتگاه غیر رسمی، ویژگی‌های کالبدی، اجتماعی و اقتصادی، محله عینک، رشت.

مقدمه

امروزه توزیع مناسب جمعیت در پهنه فضاهای جغرافیایی از اهمیت بسیار زیادی در عرصه سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی در جهان برخوردار است. بسیاری از کشورهای در حال توسعه دارای تمرکز و تراکم بیش از اندازه جمعیت در چند نقطه شهری هستند. چنین وضعیتی به مشکلات زیادی در مدیریت شهری بویژه: تأمین زیرساخت‌های شهری (Drakakis-Smith, 1997: 69) و افزایش اراضی بلا استفاده، سهم بالای فضاهای باز، کاهش تراکم جمعیت، گسستگی بخش‌های شهری و جدایی‌گزینی اجتماعی دامن می‌زند (Hess, 2001: 2). در واقع یکی از مهم‌ترین مشکلات در این زمینه پیدایش سکونتگاه‌های غیر رسمی می‌باشد. رشد و توسعه بی‌تناسب شهرها و تراکم‌های خارج از اندازه، منجر به پدیده‌هایی مانند سکونتگاه‌های غیررسمی شده است (شيعه، ۱۳۸۰: ۲۴). سکونتگاه‌های غیر رسمی یا سکونتگاه‌های خودرو از مشکلات پیش روی شهرهای کنونی به خصوص در سطوح محلی می‌باشد. سکونتگاه‌های غیر

رسمی غالباً چون هاله ای گرداگرد شهر را در بر می گیرند. که این نقاط پیراشهری بیشترین نقش را در از دست رفتن محصولات کشاورزی و بیکاری روستایی دارند که این دو مساله عمده خود به وجود آورنده مشکلات دیگری است (Allen, 2003: 2). این مشکلات به صورت مولفه هایی چون: فقر، کمبود فرصت های اقتصادی، محرومیت اجتماعی، کاستی در امکانات عمومی، فقدان آزادی های سیاسی و... " نمود می یابند (مصلی نژاد، ۱۳۸۴: ۱۳). لازم به ذکر است که این ادغام و در همتیدگی در شهر رشت بحرانی تر از بسیاری مناطق دیگر است چرا که گستره ی شهر در محیطی جلگه ای پتانسیل ویژه ای را جهت این توسعه یافتگی فراهم کرده است و نقش موانع طبیعی را به حداقل ممکن رسانده است. در واقع اثرات گسترش فیزیکی مادر شهر رشت را می توان در طیف های وسیعی از شکل ها و روابط انسان با محیط مشاهده کرد، با گسترش کالبدی فضایی شهر رشت، نه تنها نواحی حاشیه ی شهر، بلکه مناطق پیرامونی در سطح ناحیه تحت تأثیر این گسترش قرار گرفته اند؛ از جمله: به هم خوردن نظام سلسله مراتب شهری با افزایش تعداد جمعیت و اندازه شهر، ادغام روستاهای متعدد به داخل بافت شهر در دهه های گذشته با توسعه فیزیکی شهر رشت، تغییر کاربری اراضی از کشاورزی به کاربرهای خدماتی با توسعه فیزیکی شهر اراضی کشاورزی به کاربری های تجاری، مسکونی و خدماتی تغییر یافته و حتی اراضی وسیعی از فعالیت کشاورزی خارج شده و به انتظار گذاشته می شود، تغییر در چشم اندازهای طبیعی گسترش روزافزون شهر سبب پیدایش مشاغل متعدد خدماتی، به ویژه در مدخل های ورودی و خروجی شهر شده و منظر شهری را به شکل نامناسب جلوه می کند؛ تغییر اشتغال با توسعه کالبدی شهر، تبدیل شهر گرایی به شهرنشینی؛ تمرکز خدمات؛ تمرکز فعالیت های اقتصادی و اجتماعی به دنبال خود تمرکز جمعیت را نیز سبب می شود؛ تغییرات جمعیتی؛ با افزایش روزافزون جمعیت و تمرکز فعالیت های انسانی حوزه ی نفوذ و دامنه ی کشش کلانشهر رشت در سطح منطقه دائماً رو به افزایش است (پورشیخان و نظریان، ۱۳۸۹: ۴۷-۴۸). در واقع با مطالعه نقشه کنونی مرکز شهر رشت و آنچه در زمان قاجاریه بوده است درمی یابیم که اسکلت بندی آن تقریباً دست نخورده باقی مانده است که این یعنی عدم مغایرت ساختار شهر با تمامی نیاز های فعلی شهر و شهروندان.

حال این پژوهش محله عینک در شهر رشت را به عنوان یکی از سکونتگاه های غیر رسمی شهر مورد بررسی قرار داده است. این پژوهش بر آن است تا در وهله ی اول چالش های محله عینک

به عنوان یک سکونتگاه غیر رسمی را مورد بررسی قرار دهد و پس از آن به سوالات زیر پاسخ دهد و نهایتاً به ارائه راهکارهای توانمند سازی آن بپردازد.

سوالات پژوهش

۱. محله عینک از نظر ویژگی‌های اجتماعی - کالبدی و اقتصادی چگونه است؟
۲. آیا بین کیفیت کالبدی و کیفیت اجتماعی محله رابطه معناداری وجود دارد؟
۳. در میان شاخص‌های اقتصادی، اجتماعی و کالبدی کدام شاخص کم‌ترین رضایتمندی را در ساکنان محله عینک کسب کرده‌اند؟

مبانی نظری

سکونتگاه‌های غیر رسمی و دلایل پیدایش آنها

حاشیه‌نشینی و تبلور آن در قالب گروه‌های نژادی، مذهبی و جز این‌ها ریشه در تاریخ دارد، اما چنین پدیده‌ای به شکل امروزی آن ناشی از تغییر در روابط و مناسبات سنتی انسان‌ها است. در ریشه‌یابی حاشیه‌نشینی در مقیاس وسیع نیز باید به خاستگاه اصلی آن یعنی اروپا برگشت. از آغاز دوران انقلاب صنعتی به بعد اراضی زراعی به صاحبان قدرت درآمد و به تبع آن اقتصاد روستا مختل شد و روستاییان به فکر یافتن راه دیگری برای گذراندن زندگی خود افتادند. آنان ناگزیر راه شهر را در پیش گرفتند. در آن زمان کارگاه‌ها و کارخانه‌هایی که ایجاد شده بودند به نیروی کار ساده متکی بودند. با کاهش دستمزدها، زنان و کودکان نیز به کار گرفته شدند و سرانجام وضعی پیش آمد که مردان، زنان و کودکان از سپیده صبح از روستا به شهرها روانه می‌شدند و تا دیرگاه در کارگاه‌ها کار می‌کردند و دوباره با پای پیاده به روستاهای خود بر می‌گشتند (حاتمی نژاد، ۱۳۸۲: ۴۵). از طرفی سکونتگاه غیر رسمی یا غیر قانونی، در واقع منطقه‌ای مسکونی است که بدون مطالبه‌ی قانونی برای دریافت زمین و یا اجازه از سوی مقامات ذیربط برای ساختن خانه شکل گرفته است. سرویس‌ها و خدمات و تسهیلات زیربنایی در این شکل غیر قانونی ساخت و ساز نامناسب و ناکافی است (قاسمی خوزانی، ۱۳۸۱: ۶۱). به عبارتی روند توسعه کالبدی فضایی شهرها بازتاب تحولات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی است (مهدیزاده، ۱۳۸۱: ۵۴). به طور کلی فعالیت‌های اقتصادی موجب اشتغال و جذب جمعیت به این گونه مراکز می‌شوند. پس می‌توان گفت اقتصاد یک شهر، عامل موثری برای توسعه اراضی می‌باشد (شیعه، ۱۳۷۹: ۸۶). که مواردی چون: انتقال تکنولوژی و آینده‌ی شهر، انرژی، محیط

پایدار و برنامه ریزی کاربری اراضی، امکان تداوم بخشی به ساختارهای شهری و ناحیه ای، رد و نقض شهرهای فشرده، استفاده از انرژی حمل و نقل و الگوهای استقرار و اسکان ... را مد نظر دارد (۳-۲، ۱۹۹۶، breheny) همچنین با توجه به اهمیت عوامل اقتصادی به جرأت می توان گفت که در کنار آن عوامل اجتماعی و جمعیت مهمترین عوامل به وجود آورنده توسعه سریع شهری هستند. به طوری که توسعه شهر در ارتباط تنگاتنگ با میزان رشد جمعیت شهری می باشد و در این رابطه افزایش طبیعی جمعیت شهری، میزان مهاجرت خالص به شهر، انتقال ساخت جمعیتی جوامع غیر شهری به شهر و ساخت جمعیت شهر از عوامل اساسی به شمار می روند (عزیز پور، ۱۳۷۵: ۵۶). در واقع اسکان غیر رسمی، ناظر بر محل اسکان بخشی از جمعیت شهری در جهان سوم است که خارج از بازار رسمی زمین و مسکن و بر پایه قواعد و قول و قرارهای خاص خود، به دست ساکنان این گونه مکان ها ساخته شده است (پیران، ۱۳۸۱: ۸). که به مثابه پدیده ای پیچیده بر بستری از تعاملات ناشی از تاثیر و تأثرات مولفه های متعدد بروز می یابد، که بعضاً تشخیص تقدم و تاخر آنها نسبت به یکدیگر دشوار است و ما را در دریافت و شناخت راه حل های مناسب برای برون رفت از این وضعیت مواجه با خطا می کند (امکچی، ۱۳۸۱: ۵۷). در واقع برآیند این کاستی ها، ناتوانی فضاهای شهری در پاسخگویی به نیازهای شهرنشینی شتابان است. عموماً این توسعه نامتعادل شهری در اراضی آماده سازی نشده ی شهرها شکل می گیرد (Lungo, 2001:123). که می توان با جایگزینی منابع و نوسازی آنها، اتخاذ سیاست کاربری صحیح و محافظت از زمین بالا می رود و ثاباً با توجه به برنامه ریزی شهری و ناحیه ای و ساماندهی فضا (Herbert, ۱۷۷-۱۹۹۲، ۱۸۱) وضعیت این محلات را تا حد بسیار بالایی بهبود بخشید. در واقع می توان گفت از همان ابتدای پیدایش سکونتگاه های غیر رسمی با توجه به شرایط حاکم بر جامعه و طرز تلقی از این سکونتگاه ها نگرش ها و دیدگاه های متفاوتی نسبت به سکونتگاه های غیر رسمی بیان گردید، که هر یک با توجه به برداشت خود از سکونتگاه های غیر رسمی معیارهای متفاوتی را از این سکونتگاه ها ارائه نمودند. که بیشترین نظریه پردازی در حوزه سکونتگاه های غیر رسمی پیرامون روند و چرایی تشکیل آن متمرکز شده است.

جدول شماره ۱- شاخص‌ها و معیارهای شکل‌گیری محله‌های فقر‌نشین
(سکونتگاه‌های غیر رسمی)

دیدگاه‌ها	شاخص‌ها و معیارهای شکل‌گیری محله‌های فقیرنشین	منابع
دیدگاه اکولوژی	تغییر در نحوه استفاده از زمین (تغییر کاربری) کمبود مسکن و عدم تعمیر و نگهداری صحیح آن مهاجرت کارگران روستایی به شهر	شکویی، ۱۳۷۲، زاهد زاهدانی، ۱۳۶۹، ممتاز، ۱۳۸۸، جواهری پور، ۱۳۸۲، هیراسکار، ۱۳۸۶
دوره تسلسل فقر و حاشیه‌نشینی	عدم سرمایه‌گذاری به منظور توسعه اشتغال مهاجرت روستاییان به شهرها	شیخی، ۱۳۸۰، هیراسکار، ۱۳۸۶، ربانی، ۱۳۸۹.
دیدگاه نیازهای اساسی	عدم برآورده شدن نیاز اجتماعی مهاجرت روستاییان به شهرها عدم امکان تأمین مسکن توسط فقرای شهری ناکارآمدی بازارهای رسمی زمین و مسکن	شبیک، ۱۳۸۳، شیخی، ۱۳۸۲، صرافی، ۱۳۸۲.
دیدگاه لیبرال	جمعیت زیاد خانوارهای فقیرنشین بیانگیزگی، جبری‌گری، رضایت‌مندی‌آنی و بی‌نظمی اجتماعی در میان فقیرنشینان شهری مهاجرین نرسیده به منظور یافتن شغل گسترش شکاف فقر و عوامل کلان اقتصادی نبود نظارت و شرایط کار در جامعه صنعتی	شکویی، ۱۳۸۵، شکویی، ۱۳۸۶، حاج یوسفی، ۱۳۸۲، ایران‌دوست، ۱۳۸۹، ایران‌دوست و صرافی، ۱۳۸۶، پیران، ۱۳۷۳، قرخلو، ۱۳۸۸.
دیدگاه رادیکال	شکاف زیاد بین فقیر و غنی در شهر به دلیل ضعف نظام نامتعادل سرمایه‌داری سطح پایین دستمزدهای کارگران اراده‌ی سرمایه‌داری برای مقابله با گرایش فزاینده‌ی کاهش سطح مصرف در اقتصاد سرمایه‌داری کاهش سرمایه‌گذاری در تجهیزات و امکانات زیربنایی	ایران‌دوست، ۱۳۸۹، شکویی، ۱۳۸۵، پیران، ۱۳۷۰، پیران، ۱۳۸۴.
مکتب وابستگی	وابستگی مرکز به پیرامون افزایش شهرنشینی و رشد شهرها	ازکیا، ۱۳۸۸، ایران‌دوست، ۱۳۸۹، پیران، ۱۳۷۰.
دیدگاه اقتصاد سیاسی فضا	روابط بین طبقات اجتماعی با به بیان دیگر بهره‌کشی از طبقات پایین تجمع ثروت و قدرت در یک شهر و یا بخش خاصی از شهر جابه‌جایی‌های عظیم و مهاجرت روستاییان به شهر	پیران، ۱۳۷۰، شبیک، ۱۳۸۳، پیران، ۱۳۷۳، شکویی، ۱۳۸۵، پیران، ۱۳۸۰.
دیدگاه لیبرال جدید	دیدگاه‌های استعماری نسبت به شهرها و سلب مالکیت مشکل قوانین و مقررات که سبب به حاشیه‌رانده شدن اقتصاد و در پی آن کارگران می‌شود هزینه‌های زیاد رسمی شدن	UN-HABITAT,2003- HABITAT,2007- و ایران‌دوست، ۱۳۸۹.

منبع: ایران‌دوست، ۱۳۸۸

ویژگی های سکونتگاه های غیر رسمی

ویژگی های سکونتگاه های غیر رسمی را می توان در ۳ دسته کالبدی، اقتصادی و اجتماعی تقسیم بندی نمود که در ادامه به توضیح هر کدام پرداخته می شود.

- **خصوصیات کالبدی سکونتگاه های غیر رسمی:** بررسی منابع گوناگون حاکی از آن است که تعداد بی شماری از ساکنین شهرهای بزرگ در کشورهای در حال رشد (جهان سوم) در سکونتگاه های خودرو زندگی می کنند. تحقیقی که توسط انستیتو منابع جهانی در سال ۱۹۹۰ انجام گرفته حدود چهل و دو درصد از کل جمعیت شهرنشینی جهان سوم را ساکن سکونتگاه های غیر رسمی می داند (پیران، ۱۳۷۰: ۷۷). هر چند شکل گیری این گونه نواحی را عمدتاً می توان انتقادی بر استراتژی مدیریت رشد توسعه شهری نامید، اما در هر حال واقعیتی انکارناپذیر، موجود و ادامه دار است. این سکونتگاه ها به طور گوناگونی توصیف شده اند، تعاریف زیر از این دسته توصیف ها هستند.

مناطق برخوردار فضایی بین شهر و منطقه اش، مناطق مسکونی بین قطب های شهری آماده شده مشخص، مناطق فقر، روستاهای کلان شهر، کمربند فقر، زاغه های یأس، مساکن نابهنجار، مناطق نه شهری و نه روستا، مراکز سنتی برنامه ریزی نشده (همان منبع). واضح است که تفاوت های بسیاری در ترکیب عملکرد، سیما و روحیه ی سکونتگاه های غیررسمی، خصوصاً با توجه به شرایط اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی حاکم بر کشورهای مختلف مشاهده خواهد شد. برودر و همکارانش در خصوص حاشیه کلان شهرها، با توجه به خصیصه ی زمانی و مکانی شکل گیری آن ها، چنین توصیفی را ارائه می کنند: «مرز بیرونی حاشیه شهری به عنوان حد نهایی ناحیه ی ساخته شده ی مرکزی کلان شهر تعریف شده بود. حاشیه آن طور که ما آن را تعریف می کنیم، شامل نواحی مسکونی همگن با عمری کمتر از پانزده سال خواهد بود». وی تشخیص منظر حاشیه کلان شهر ها را نیز با تفاوت کاربری های اراضی ممکن می داند (داوود پور، ۱۳۸۱: ۲۴).

تعریف فوق تعریف مبتنی بر خصوصیات مربوط به محدوده ها می باشد. حاشیه کلان شهرها همچنین با خصوصیات کالبدی مختلفی که دارند توسط صاحب نظران گوناگون مورد توجه قرار گرفته است. دکتر شکویی این مناطق را دارای خصوصیات زیر می داند (شکویی، ۱۳۷۳: ۵۶).

✓ منطقه واحدهای مسکونی روبه ویرانی و فرسوده با تجهیزات ناقص در حاشیه شهرها.

✓ تسلط فرهنگ فقر در منطقه.

- ✓ جدایی‌گزینی توده‌ای از مردم روستایی از جامعه شهری.
- ✓ شهرک‌های چسبیده به شهر با مواد و مصالح کم دوام.
- ✓ گوشه‌گیری مردم منطقه از زندگی شهری.
- ✓ مهاجرت و سکونت بخشی از مردم روستاها در حاشیه شهرها.
- ✓ ایجاد فضایی که در آن بسیاری از رفتارهایی که در فرهنگ حاکم جامعه ناهنجار و یا غیر عادی تلقی می‌شود در این مکان‌ها عادی است.

وی اجتماع زاغه و آلونک شهری را دارای خصوصیات زیر می‌داند:

در برگیرنده مکان جغرافیایی مشخص اند. منافع مشترکی ساکنین را به هم پیوند می‌دهند. الگوهای مشترک بر روابط اجتماعی-اقتصادی ساکنین آن‌ها حاکم است. تجانس گروهی و همبستگی نسبتاً بالایی، خاصه در مواجهه با مسائل مشترک و افراد خارج از اجتماع از خود بروز می‌دهند. نهادهای خاص خود پدید آورده اند. یکدیگر را کنترل می‌کنند.

دلیر، حاشیه‌نشینی را به شیوه‌ای از زندگی اتلاق می‌کند که نسبت به سه شیوه رایج زندگی یعنی شهری، روستایی و ایلاتی متفاوت بوده و با ویژگی‌های اجتماعی و اقتصادی خاص خود بافت فیزیکی معینی را به وجود می‌آورد. آبرامز، کارشناس معروف مسکن از مفهوم زاغه‌ها و مناطق حاشیه‌نشین تعبیری به این شرح ارائه می‌دهد: ساختمان و یا بخشی از شهر که در آن ویرانی، نارسایی خدمات درمانی، تراکم زیاد جمعیت در واحدهای مسکونی، فقدان آسایش لازم و خطرات ناشی از عوامل طبیعی دیده می‌شود (داوود پور، ۱۳۸۴: ۳۴). در واقع به دلیل این سو مدیریت‌ها، در بسیاری از موارد هزینه‌های سنگینی را از جمله: تولید آلودگی، تخریب محیط زیست و از بین بردن منابع طبیعی به ویژه منابع جدید ناپذیر، بر پیکره محیط زیست تحمیل کرده اند (۳، ۱۹۷۶، Stretton).

- خصوصیات اقتصادی و اجتماعی سکونتگاه‌های غیر رسمی

در خصوص حاشیه‌نشینان، نظریات متفاوتی ارائه شده است و افراد مختلف با دیدگاه‌های گوناگون به موضوع توجه داشته‌اند و تعاریف متفاوتی با توجه به ابعاد اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی آن‌ها بر شمرده‌اند که برخی از آن‌ها در این بخش مورد توجه قرار خواهد گرفت. این تعاریف در برخی موارد دارای مشترکاتی است و بعضاً نیز وجوه تمایز در دیدگاه‌ها قابل مشاهده است.

معمولا فقر و حاشیه نشینی مترادف با یکدیگر به کار می روند و در توجیحات جدیدی که نسبت به این موضوع در جهان مرسوم شده نیز چنین عنوان می شود که اصلح است دیدگاه های بررسی کنندگان نسبت به مشکلات گروه های درگیر با توجه بیشتر به واقعیت های موجود، تعدیل شود و نگرش گروه درگیر نیز مورد توجه قرار گیرد. «آتال» در مقاله ای تحت عنوان درگیر ساختن مردم فقیر می نویسد: فقر می تواند به یک «شیوه زندگی» و یک «فرهنگ» مبدل شود و مردمی که با این فرهنگ زندگی می کنند شاید تا زمانی که در معرض شرایط دیگری که نسبتا توام با رفاه باشد، قرار نگرفته باشند و شروع به مقایسه نکنند، فشار فقر را احساس نکنند (تقی زاده، ۱۳۷۹: ۳۲). در واقع در این بین آنچه که این شهر را آسیب پذیر تر می کند، عامل فقر است و با توجه به این که فقر دارای ابعاد گوناگونی است اما جنبه اقتصادی آن از نمود بیشتری برخوردار است (ازکیا، ۱۳۸۳: ۲۱۳). چرا که جمعیت روستایی زیادی در شهر های کوچک و میانی زندگی می کنند و این شهر ها میزان فعالیت های غیر کشاورزی بسیاری نیز می باشند. بنابراین، فرصت های اشتغال در دسترس و استاندارد زندگی، ابعاد مهم اقتصاد محلی هستند (1، 2003، Satterth and Tacoli).

به عبارت دیگر شاید بتوان گفت: برداشت گروه های بررسی کننده از سکونتگاه های غیررسمی و ساکنین آن ها به مثابه ی قضاوتی از خارج است، لذا می تواند بررسی کنندگان را دچار سوء تفاهماتی نماید. در اینجا به نظریاتی که در خصوص ساکنین سکونتگاه های غیررسمی در منابع مختلف ارائه شده است اشاره می شود. زاهدانی، مفهوم حاشیه نشینی را به معنای اعم، شامل تمام کسانی می داند که در محدوده اقتصادی شهر ساکن هستند ولی جذب اقتصاد شهر نشده اند. جاذبه ی شهر و رفاه شهری، این افراد را از زادگاه خویش کنده و به سوی قطب های صنعتی و بازارهای کار می کشاند و ایشان اکثرا مهاجران روستایی هستند که به منظور گذراندن بهتر زندگی راهی شهرها می شوند (احمدی، ۱۳۷۷: ۲۵). همان گونه که ملاحظه می شود در این تعریف محدوده کالبدی، مدنظر نبوده بلکه ورود به محدوده اقتصادی و جذب به سوی مناطق اشتغال مدنظر می باشد. به عبارت دیگر دلایل اقتصادی و نیز گذراندن زندگی بهتر با استفاده از خدمات رفاهی موجود در شهرها، از دلایل مهاجرت و به تبع آن حاشیه نشینی می باشد. در کوش، لغت حاشیه نشین را به کسی اتلاق می کند که در شهر سکونت دارد ولی به دلایل گوناگون نتوانسته است جذب چرخه اقتصادی و اجتماعی شهر شود و از خدمات شهری استفاده

کند. وی معتقد است گرچه ریشه‌ی اصلی حاشیه‌نشینی را باید در عواملی که موجب مهاجرت افراد از روستا به شهر می‌شود جست و جو کرد، ولی تمام حاشیه‌نشینان از مهاجرین تشکیل نشده‌اند، بلکه بخشی از آنان افرادی هستند که از ساکنین همیشگی شهر بوده‌اند، ولی به علت فقر اقتصادی در واحدهای مسکونی غیر استاندارد زندگی می‌کنند و جزء حاشیه‌نشینان محسوب می‌شوند (همان منبع). از نقاط اشتراک دو تعریف فوق می‌توان عدم جذب ساکنین سکونتگاه‌های غیر رسمی را به اقتصاد شهری برشمرد که زاهدانی و درکوش، مشترکا بر آن تأکید دارند. علاوه بر آن «درکوش» تنها مشخصه‌ی مهاجرین را ریشه‌ی روستایی نمی‌داند و گروهی از آن‌ها را فرافکننده شدگان زندگی شهری بر می‌شمرد. پیران خصوصیات ساکنین سکونتگاه‌های غیررسمی را از ابعاد مختلف چنین توصیف می‌کند: مفهوم (Squatter) از نظر لغوی، ساکنین مسکن‌های نابهنجار را در بر می‌گیرد و به شخصی اطلاق می‌شود که بدون اجازه بر زمین افراد دیگر یا موسسات و دولت‌ها سرپناهی در مدت کوتاهی (یک‌شبه) بر پا می‌کند و در آن سکنی‌گزیند (همان منبع). وی مشتریان مشتریان زمین‌ها در حاشیه شهرها را افرادی می‌داند که:

✓ توان مالی ورود به بازار رسمی زمین و مسکن را ندارند.

✓ به سختی طالب سرپناه هستند.

✓ آماده‌ی پذیرش خطرات دریافت زمین به شکل غیر قانونی هستند.

همچنین پیران از نظر اقتصادی، مفهوم «انسان حاشیه‌ای» را مربوط به تحولات صنعتی و رشد تکنولوژی می‌داند و معتقد است انسان حاشیه‌ای مفهومی است بر گرفته از مفهوم کارگران حاشیه‌ای که در حاشیه اقتصاد سرمایه‌داری به مشاغل پرازیت روی می‌آورند و این مشاغل نه با ثبات شغلی همراه هستند و نه با دستمزد معین و مرتب. از دیدگاه وی، انسان حاشیه‌ای از نظر اقتصادی دارای خصایص زیر است: ۱- بیکار یا بیکار پنهان ۲- فاقد درآمد ثابت ۳- معمولاً دارای پایین‌ترین گروه درآمدی شهری (پیران، ۱۳۷۰: ۵۳). پیران، از نظر فرهنگی حاشیه‌نشینان را شخصیت‌هایی می‌داند که از حاصل برخورد با پیوند دو نظام فرهنگی متفاوت و احیانا متخاصم ظهور می‌کنند. وی معتقد است چنین موجود دورگه‌ای به طور همزمان نسبت به هر دو نظام فرهنگی احساس تعلق و وابستگی دارد و در عین حال خود را نسبت به هیچکدام کاملاً متعلق و متمایل نمی‌داند. در تعاریف پیران نوعی مثبت‌نگری نسبت به حاشیه‌نشینان قابل

مشاهده است. وی بیشتر بر جنبه های اقتصادی آن ها از لحاظ نوع مشاغل و نیز مسائل مالی مسکن توجه دارد. در تعریفی که پیران از (Squatter) ارائه می دهد، ایشان را ساکنین مساکن نابهنجار می نامد (همان منبع). آن ها غالباً در زمینه های تخصص و مهارت، دارایی های فیزیکی یا مالی مزیت چندانی نداشته اند، که این امر در ایجاد مشکلات شهری بسیار موثر بوده است. وجود راهبردی برای تقویت دارایی های مردم فقیر، به طور همزمان با فقر روستایی مقابله می کند و موجب جهت گیری جامع و فراگیر در تکامل نهادی می شود. و مهاجران را برای تبدیل شدن به شهرنشینان مولد آماده خواهند کرد. در واقع نواحی روستایی که در نقاط پیرامونی شهرها قرار گرفته اند، به صورت چشمگیری از فرصت های ایجاد شده در اقتصاد شهری بهره خواهند جست" (یاسوری، ۱۳۸۶: ۵۴). چنین آزادسازی نیازمند فرهنگ بازی است، که تبعیض قائل نشود و افراد را به جایگاه ویژه ای مجبور نسازد. هم چنین به ما اجازه دهد که خودمان باشیم و به اشکال مختلف به خانواده و هویت انسانی اعتبار بخشیم (Florida, 2005, 6).

پیشینه ی تحقیق

ویکیسا^۱ و همکاران در پژوهشی تحت عنوان «بررسی ویژگی های فیزیکی و اجتماعی و اقتصادی و مداخله گر در سکونتگاه های غیررسمی» (۲۰۱۱)، به بررسی میلیون ها نفر از ساکنان شهری فقیر در کشورهای در حال توسعه که به منظور ارائه سرپناه منجر به ایجاد سکونتگاه های غیر رسمی شده پرداخته اند و همچنین به بررسی ویژگی های فیزیکی، اجتماعی و اقتصادی و عوامل منسوب به تکثیر سکونتگاه های غیر رسمی منجر می گردد پرداخته شده است. هدف اصلی پژوهش نیز بهبود هر چه بیشتر این سکونتگاه ها و بالا بردن سطح کیفیت زندگی مردم در این مناطق بوده است. به این منظور به این نتیجه رسیده اند که با افزایش فناوری، بهبود اوضاع اقتصادی، اجتماعی و سیاسی در سطح این مناطق می توان به افراد ساکن در این مناطق کمک نمود تا به ارتقای سطح زندگی خود بپردازند (Wekesa et al, 2011, 1).

نیوورث تی^۲ (۲۰۰۶) در نوشتاری تحت عنوان «در سایه ی شهرها: یک میلیارد ساکن غیر

۱ - Wekesa

۲ - Neuwirth T

قانونی» (۲۰۰۶)، در باب وضعیت ساکنان محلات غیر قانونی معتقد است: مدیران و سیاست‌گذاران شهری ناچار خواهند بود در برنامه ریزی‌های شهری و در طراحی برنامه‌های جامع مسکن برای بافت‌های حاشیه‌ای و مسکن‌های رسمی جایگاهی جدید در نظر گرفته و با استفاده از تجارب جهانی برای برخوردار با این پدیده و با تکیه بر توانمندسازی به همراه ارتقا و بهسازی که مورد تاکید کمیته‌ی اسکان سازمان ملل متحد می‌باشد چاره‌اندیشی نماید (Neuwirth, 2006: 310).

میزن^۱ و همکاران (۱۹۹۷)، در پژوهشی تحت عنوان «سیستم‌های پشتیبانی تصمیم فضایی برای مدیریت اسکان غیررسمی سکونتگاه‌های غیررسمی» به بررسی بهبود شرایط زندگی در سکونتگاه‌های غیر رسمی پرداخت. وی در این مقاله تعدادی از روند امیدوار کننده در قلمرو اطلاعات مکانی و سهم هر یک را جهت برنامه‌ریزی و مدیریت درست در مناطق غیر رسمی بررسی کرده است. نتایج تحقیق نشان‌دهنده افزایش نقش داده‌های اطلاعات مکانی و بخصوص GIS را در بهبود روند مکان‌یابی از لحاظ اقتصادی، اجتماعی و سایر خصیصه‌های مربوط به مدیریت و برنامه‌ریزی بهتر جهت مدیریت شهری برای سکونتگاه‌های غیر رسمی است (2, Mason et al, 1997).

در ادامه با توجه به اهمیت پدیده سکونتگاه‌های غیر رسمی به برخی از مطالعات صورت گرفته در داخل کشور نیز اشاره می‌گردد:

قنبری و همکاران (۱۳۹۵) در مقاله‌ای تحت عنوان «ارزیابی و تحلیل سطوح پایداری شهری در سکونتگاه‌های غیررسمی مهاباد» به ارزیابی و تحلیل سطوح پایداری و ناپایداری شهری در سکونتگاه‌های غیررسمی شهر مهاباد و تلاش برای ارائه راهکارهایی برای ساماندهی آن‌ها پرداخته‌اند. در این پژوهش با تعیین متغیرهایی در هر یک از مؤلفه‌های سه‌گانه «اقتصادی»، «اجتماعی-فرهنگی» و «زیست محیطی» پایداری شهری مانند کیفیت و قدمت ساختمان، نوع مصالح و میزان دوام، سرانه کاربری، شیب، درصد باسوادی، بعد خانوار، تعداد خانوار، اوقات فراغت، خانوارهای بهره‌مند از امکانات، بیکاری، نوع شغل، بارتکفل، درآمد سرپرست خانوار به تفکیک محلات غیررسمی مورد تحلیل قرار گرفت. نتایج تحقیق نشان

می دهد؛ میزان پایداری در تمامی متغیرهای انتخاب شده بسیار پایین است؛ اما در حالت کلی محله های سنجان آباد، کوی دانشگاه و شهرک کارمندان غربی شرایط مطلوب تر و وضعیت برخوردارتری را به لحاظ پایداری شاخص ها به نسبت سایر محلات دارا می باشند. در مقابل محلات پشت تپ، باغ شایگان و کانی صوفی طه از وضعیت نامساعدتر و محروم تری برخوردار می باشند (قنبری و همکاران، ۱۳۹۵، ۹۷-۹۸).

علیتاجر و همکاران (۱۳۹۵) در مقاله ای تحت عنوان «نقش عوامل کالبدی در اجتماع پذیری سکونتگاه ای غیررسمی (نمونه موردی: محله های حصار امام خمینی و دیزج همدان)» به مقایسه دو سکونتگاه غیر رسمی شهر همدان یعنی محله حصار امام خمینی و دیزج پرداخته اند. با توجه به نتایج پژوهش چنین به نظر می رسد که روحیه ای اجتماع پذیری در بین ساکنان سکونتگاه های غیر رسمی با عوامل کالبدی شکل دهنده آن محیط رابطه معنی داری دارد؛ که رابطه بین هر یک از مفاهیم و متغیرهای کالبدی موثر بر اجتماع پذیری فضا با یکدیگر مورد بررسی قرار گرفته است که خود بیان گر بستری مطلوب جهت بهبود مولفه های کالبدی تسهیل گر اجتماع پذیری است. نتایج نشان می دهد که محله حصار از وضعیت کالبدی مطلوب تری نسبت به محله دیزج برخوردار است که به نظر می رسد این عامل یکی از دلایل اجتماع پذیرتر بودن این محله نسبت به محله دیزج است و فاکتورهای کالبدی شامل: وجود عناصر مکث و توقف، تابلوهای آگاهی دهنده هنری، معماری و تبلیغاتی در بین سایر عوامل کالبدی بیشترین نقش را در اجتماع پذیری فضا از نظر ادراکات ذهنی مردم دارند (علیتاجر و همکاران، ۱۳۹۵، ۶۱).

ایراندوست (۱۳۹۱) در مقاله ای تحت عنوان «فقر، سکونتگاه های غیررسمی و امنیت شهری» بیان می دارد؛ از آنجا که سکونتگاه های غیررسمی مسکن بخش عمدتاً از فقرای شهری را تدارک می بیند و زمینه ای اشتغال آنان را فراهم می سازد، در مواردی به مثابه فرصتی در توسعه شهری نگریسته می شود، اما در عین حال در بر دارنده مشکلاتی هستند که پایداری شهرها را تهدید می کند؛ امنیت شهری از جهاتی با ویژگی ها و شرایط سکونتگاه های فقیرنشین شهری ارتباط تنگاتنگی دارد. این بررسی نشان می دهد که امنیت و سکونتگاه های غیررسمی رابط های دو سویه دارند که با امنیت کل شهر و نیز ساکنان سکونتگاه های غیررسمی ارتباط پیدا می کند. فقر، امنیت سکونت، بلایای طبیعی و انسان ساز، خشونت ها و

شورش‌های شهری مسائل اصلی امنیتی سکونتگاه‌های غیررسمی هستند. در این میان تولد و رشد نسل دوم و سوم ساکنان این محلات با انتظارات و آمال‌های جدید و متفاوت از پدران خود، در صورت عدم پاسخگویی صحیح، نکت‌های عمده است که می‌تواند به مشکلاتی اجتماعی و امنیتی بیانجامد. این پژوهش تأکید دارد که گرفتار آمدن فقرا در چرخه تولید و باز تولید فقر و محرومیت نسبی و نابرابری‌های قومی و نژادی، دامنه سلب امنیت دو سویه را در محلات فقیرنشین و شهر را هرچه گسترده‌تر خواهد کرد (ایراندوست، ۱۳۹۱، ۱۵۹).

روش تحقیق

رویکرد حاکم بر این پژوهش، توصیفی-تحلیلی بوده و از نظر هدف، کاربردی و در حوزه مطالعات پیمایشی است. در ابتدا با استفاده از روش کتابخانه‌ای و اسنادی به معرفی و تشریح شاخص‌های سکونتگاه‌های غیررسمی پرداخته شده است. سپس برای بررسی چالش‌های محله عینک به عنوان یک سکونتگاه غیررسمی، از روش پیمایشی و ابزار پرسشنامه استفاده شده است، به گونه‌ای که پرسشنامه‌ها به طور تصادفی در بین ۱۰۰ نفر از اهالی محله مذکور در شاخص‌های اقتصادی، اجتماعی و کالبدی توزیع و تکمیل گردید. روایی پرسشنامه بر اساس اعتبار صوری و پایایی آن با آلفای کرونباخ مورد بررسی قرار گرفته است که برابر ۰.۸۵ بوده است که نشان از پایایی بسیار مطلوب پرسشنامه است. جامعه آماری تحقیق کلیه ساکنین محله عینک بوده است. تکمیل پرسشنامه در تابستان سال ۱۳۹۴ انجام گرفته است. برای تجزیه و تحلیل یافته‌ها برای پاسخ‌گویی به سوال اول پژوهش «وضعیت محله عینک از نظر ویژگی‌های اجتماعی - کالبدی و اقتصادی» از آزمون T-test و برای «سنجش کیفیت کالبدی و کیفیت اجتماعی محله» از ضریب همبستگی و در سومین سوال که هدف «سنجش کمترین رضایتمندی مردم در شاخص‌های اقتصادی، اجتماعی و کالبدی» بوده است با استفاده از آزمون خی دو در نرم افزار Spss استفاده شده است.

در جدول زیر عوامل مد نظر هر کدام از شاخص‌های اقتصادی، اجتماعی و کالبدی بیان شده است:

جدول شماره ۲- شاخص های اقتصادی، اجتماعی و کالبدی مورد نظر در محله عینک

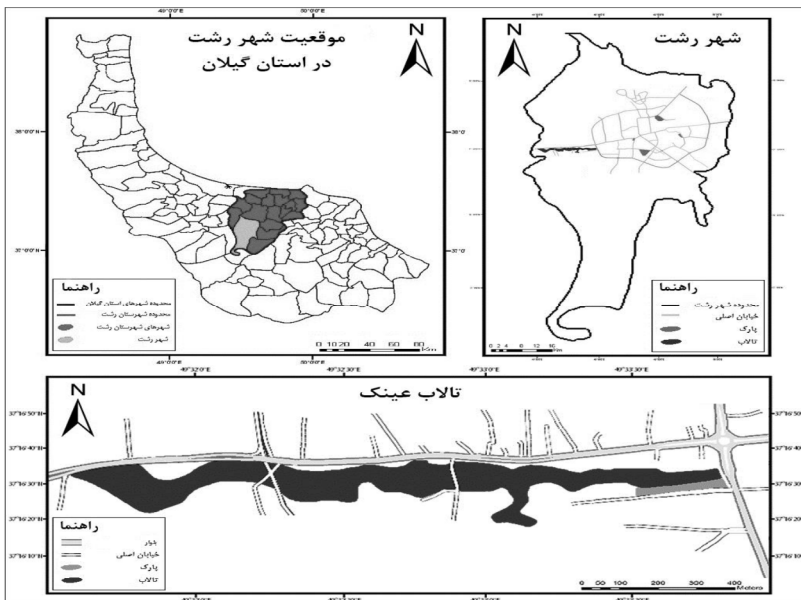
اقتصادی	استفاده از تسهیلات بانکی در ساخت مسکن، بررسی تأمین مایحتاج زندگی، رضایتمندی از درآمد توزیع عادلانه خدمات، عدم کفایت مدیریت شهری در کنترل محله، توانایی پرداخت هزینه های درمانی، کیفیت شغلی و خود اشتغالی زنان
اجتماعی	رفتارهای غیر بهداشتی در محله، میزان دسترسی به خدمات، دسترسی، دلیل اقامت، رضایت از شرایط فعلی، امنیت محله، میزان جرم و جنایت در محله، میزان مشارکت افراد و احتیاج به کار فرزندان.
کالبدی	امنیت زنان و کودکان، استفاده از مصالح بادوام، امکانات جهت اوقات فراغت، وضعیت دسترسی و راه مناسب، سامانه ی جمع آوری زباله، وضعیت دسترسی، وضعیت روشنایی، سلامت محیط زیست

محدوده مورد مطالعه

استخر عینک در غرب شهر رشت قرار دارد. استخر عینک یا مرداب عینک رشت یک آبگیر طبیعی است که در دل شهر رشت در بخش غربی در مسیر جاده رشت به فومن و در بلوار شهید افتخاری واقع گردیده است. تالاب عینک به طول ۲۶۳۰ متر و عرض متوسط ۱۲۰ متر که قدمت محله های شلوغ اطراف آن به نیم قرن می رسد. این استخر از میدان شهدای گمنام تا فلکه یخ سازی امتداد دارد. روبروی آن در ضلع شرقی جاده جنگلی وجود دارد که داخل آن یخچال طبیعی قدیمی (یخ دان) وجود دارد. در داخل آن چشمه ای به نام آب چشمه چمارسرا که آب نوشیدنی دارد و مردم از آن استفاده می کنند قرار دارد رسیم. در وسط باغ جنگلی گودالی به عمق حدوداً ۸ متر احداث شده که در قدیم بعد از بارش های زمستانی برف ها در رشت، از باغات اطراف جمع آوری و در داخل این گودال ذخیره می کردند و در فصل گرم تابستان مورد بهره برداری قرار می گرفت. این باغ در قدیم با نام باغ سالار معروف بوده است آب استخر عینک رشت توسط چشمه های جوشان کف آبگیر تأمین می شود استخر عینک رشت از گذشته های دور یکی از مراکز ماهیگیری در شهر رشت محسوب می شده و هنوز هم با وجود آلودگی های ناشی از ورود فاضلاب گاهی ماهی در آن یافت می شود. دریاچه عینک به وسیله دو معبر ماشین رو که هر کدام ۱۴۳ متر طول دارند به سه قسمت مجزا شامل: آبگیر شرقی، میانی و غربی تقسیم می گردد. این آبگیر ها به وسیله لوله سیمانی به هم متصل می شوند. عمق آبگیرها متفاوت بوده و بین حداکثر چهار و حداقل ۱.۶۰ متر می باشد و دارای جریانی با جهت غربی و شرقی است. ابعاد مرداب عینک - استخر عینک رشت در طول فصول سال و سال های مختلف

با توجه به میزان بارندگی سالانه، فصلی و ماهانه متغیر می باشد. آبرگیرهای موجود دارای عملکرد ذخیره سازی آب به منظور فعالیت های کشاورزی است که در وضع موجود کمابیش نقش خود را حفظ کرده است و در طول چند ساله اخیر به دلیل ساخت و سازهای بی رویه و تبدیل اراضی کشاورزی به مسکونی این نقش مورد تعرض قرار گرفته است. با وجود توانهای بالقوه این آبرگیر طبیعی بسیار زیبا برای تبدیل شدن به یک مرکز گردشگری - تفریحی در شهر رشت که می تواند کاربرد ملی و حتی فراملی داشته باشد در طول سالیان دراز از گذشته های دور هنوز برنامه مدونی برای تبدیل کردن این منطقه به یکی از قطب های گردشگری شمال ایران در دست نیست و با وجود انبوهی از طرح ها هنوز هیچکدام به مرحله اجرا نرسیده که دلایلش از این مجال خارج است. در واقع با توجه به ویژگی های منحصر به فرد این تالاب، طبیعت بکر و زیبا، امکانات بالقوه ی تفریحی و زیست محیطی و نیاز جمعیت شهری، منطقه ای و فرامنطقه ای، مطابق طرح جامع مصوب ۱۳۶۹، مقرر شده است که تالاب عینک رشت به مجموعه ای تفریحی و توریستی و زمین های اطراف آن به کاربری جهانگردی- پذیرایی اختصاص یابد (برگرفته از طرح جامع شهر رشت، شرکت مهندسی طرح و کاوش، ۱۳۸۶).

نقشه ۱- موقعیت جغرافیایی تالاب عینک در شهر رشت (منبع: طرح جامع رشت، ۱۳۸۶)



یافته های تحقیق

آمار توصیفی

بررسی وضعیت منطقه

طبق بررسی های صورت گرفته از وضعیت کلی منطقه تعداد خانوار و زن و مرد و همچنین سن سرپرست خانوار از جدول شماره ۲ می توان به این نتیجه رسید که میانگین تعداد افراد خانوار چیزی حدود ۴/۸ نفر در خانواده است و همچنین تعداد زنان و مردان نیز تقریباً برابر است. کم ترین تعداد خانوار در این منطقه ۱ نفره است و بیشترین تعداد خانوار ۹ عضو دارد. میانگین سن خانوار در این تحقیق ۴۱/۰۴ سال است. از این میان کم ترین عضو در خانوار ۲۱ سال و بیشترین سن را در خانوار افراد ۶۹ ساله به خود اختصاص داده است.

جدول ۳- وضعیت جمعیتی منطقه

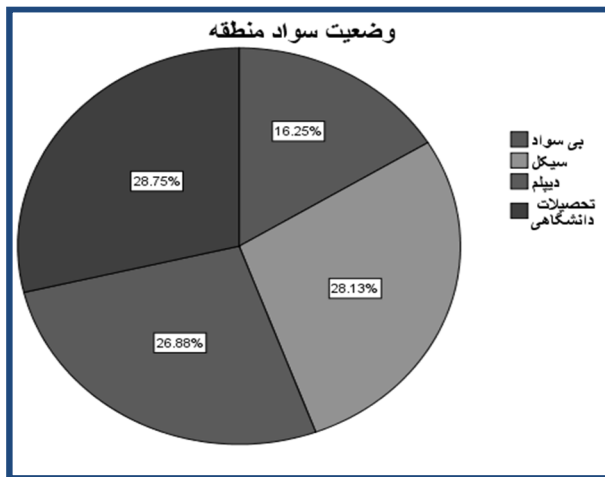
شرح	تعداد خانوار	تعداد زن	تعداد مرد	سن سرپرست خانوار
میانگین	۴/۸۳	۲/۳۱	۲/۴۳	۴۱/۰۴
مینیمم	۱	۱	۱	۲۱
ماکسیمم	۹	۶	۵	۶۹

وضعیت سواد خانوار

طبق جدول شماره ۴ وضعیت سواد افراد را در سطح نمونه مورد نظر نشان می دهد بر اساس نتایج صورت گرفته بیشترین فراوانی مربوط به افراد با درجه سواد تحصیلات دانشگاهی (۲۸/۸ درصد) می باشند. کم ترین درصد هم مربوط به افراد بی سواد (۱۶/۳ درصد) با تعداد ۲۶ نفر هستند. از این میان حدود ۲۸/۱ درصد افراد دارای مدرک سیکل و ۲۶/۹ درصد دیگر دارای مدرک تحصیلی دیپلم هستند.

جدول ۴- وضعیت سواد افراد منطقه

وضعیت سواد	فراوانی	درصد	درصد ارزش ها	فراوانی جمعی
بی سواد	۲۶	۱۶/۳	۱۶/۳	۱۶/۳
سیکل	۴۵	۲۸/۱	۲۸/۱	۴۴/۴
دیپلم	۴۳	۲۶/۹	۲۶/۹	۷۱/۳
تحصیلات دانشگاهی	۴۶	۲۸/۸	۲۸/۸	۱۰۰

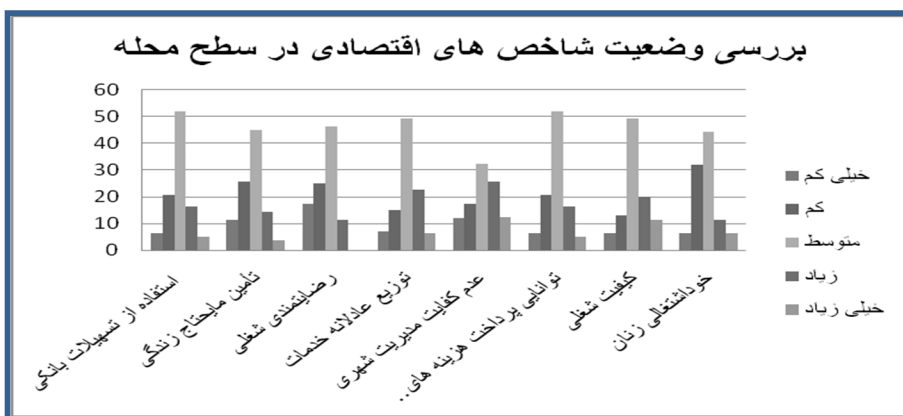


همچنین طبق بررسی‌های صورت گرفته و با توجه به پرسشنامه جمع آوری شده در بررسی شاخص‌های اقتصادی محله ۸ شاخص عمده استفاده از تسهیلات بانکی در ساخت مسکن، بررسی تأمین مایحتاج زندگی، رضایتمندی از درآمد توزیع عادلانه خدمات، عدم کفایت مدیریت شهری در کنترل محله، توانایی پرداخت هزینه‌های درمانی، کیفیت شغلی و خود اشتغالی زنان تدوین گشت که از این میان در شاخص اول که استفاده از تسهیلات بانکی است طبق جدول ۱، ۵۱/۹ درصد در پاسخ به طور متوسط از تسهیلات بانکی در ساخت مسکن استفاده نمودند و حدود ۱۶/۳ درصد زیاد و ۶/۳ درصد خیلی کم را انتخاب نمودند. در بررسی تأمین مایحتاج زندگی و اینکه افراد چقدر قدرت این را دارند که مایحتاج ماهیانه‌شان را تأمین کنند به نظر می‌رسد که با پاسخ دادن ۴۵ درصد افراد به گزینه متوسط، یعنی حدود ۴۵ درصد افراد در این محله قشر متوسط را تشکیل می‌دهند. در مورد سایر گزینه‌ها نیز از این قرار است که پاسخ دهندگان به طور کل با چند درصد بالا و پایین گزینه متوسط را انتخاب نمودند. تنها عده محدودی از افراد بودند که گزینه‌های خیلی کم و خیلی زیاد را انتخاب نمودند.

جدول ۵- بررسی وضعیت شاخص های اقتصادی در محله عینک

نوع	تسهيلات بانكي استفاده از	تامين مايحتاج زندگي	رضايتمندي شهلي	خدمات توزیع عادلانه	مدیریت شهری عدم کفایت	های درآمدی پرداخت هزینه توانایی	کیفیت شهلي زنان	خوداشتغالی زنان
خیلی کم	۶۳	۱۱۳	۱۷۵	۶۹	۱۱۹	۶۳	۶۳	۶۳
کم	۲۰۶	۲۵۶	۲۵	۱۵	۱۷۵	۲۰۶	۱۳۱	۳۱۹
متوسط	۵۱۹	۴۵	۴۶۶	۴۹۴	۳۲۵	۵۱۹	۴۹۴	۴۴۴
زیاد	۱۶۳	۱۴۴	۱۱۳	۲۲۵	۲۵۶	۱۶۳	۲۰	۱۱۳
خیلی زیاد	۵	۳۸	۰	۶۳	۱۲۵	۵	۱۱۳	۶۳

نمودار ۱- بررسی وضعیت شاخص های اقتصادی در سطح محله عینک



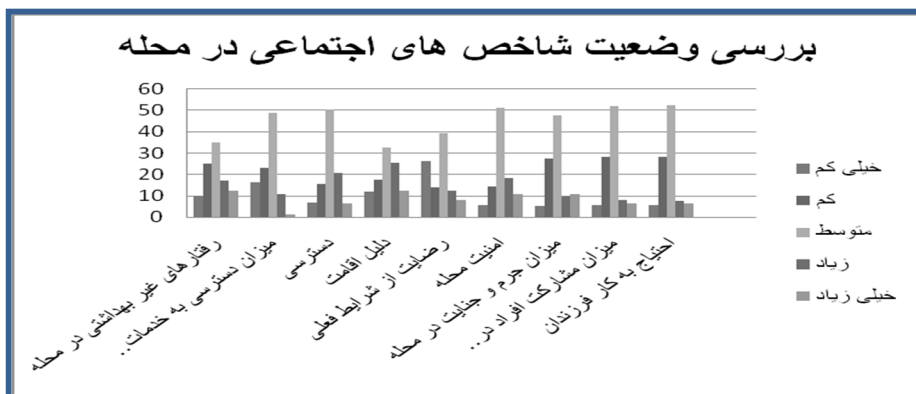
در بررسی شاخص های اجتماعی سطح محله نیز ۱۰ گویه به نام های رضایتمندی از خدمات دولت که نشانگر رضایتمندی متوسط از خدمات بود را نشان می دهد. به این منظور دولت توانسته بود چند مکان تفریحی جهت رفاه افراد و ورزش افراد فراهم نماید. گویه بعدی رفتارهای غیر بهداشتی در محله بود ۳۵ درصد افراد رضایت داشته اما با توجه به اینکه در این مکان فضاهای باز زیاد و همچنین از مرکز اصلی شهر کمی دور بوده شاهد این موضوع نیز بوده که در یک مکان بسیاری از افراد جمع شده و به مصرف مواد مخدر و به دنبال آن جرم و جنایت را به همراه داشته است. مورد بعدی میزان دسترسی به خدمات آموزشی است، طبق بررسی های صورت گرفته حدود ۵۵ درصد افراد محله از خدمات آموزشی در آن محله محرومند ولی برای

کلاس‌های تقویتی فرزندان و سایر کلاس‌های آموزشی مجبورند از محله خارج و به سطح شهر بروند. در مورد وضعیت دسترسی افراد برای حمل و نقل و رفتن به مرکز شهر ۵۰ درصد افراد رضایت داشته و با گذاشتن سرویس‌های شهری و اتوبوس‌های حمل و نقل این امکان برای افراد فراهم آوردند. در مورد رضایت از شرایط فعلی تنها ۸/۱ درصد افراد خیلی زیاد از این شرایط راضی بودند و ۲۶/۳ درصد دیگر خیلی کم.

جدول ۶- بررسی شاخص‌های اجتماعی در محله

میزان مشارکت افراد در امور محله	میزان جرم و جنایت در محله	امنیت محله	رضایت از شرایط فعلی	دسترسی	میزان دسترسی به خدمات آموزشی	رفقارهای غیر بهداشتی در محله	رضایتی از خدمات دولت	نوع
۵۶	۵	۵۶	۲۶.۳	۶.۹	۵۵	۱۰	۸.۱	خیلی کم
۲۸.۱	۲۷.۵	۱۴.۴	۱۳.۸	۱۵.۶	۳۳	۲۵	۱۸.۸	کم
۵۲.۵	۴۷.۵	۵۱.۳	۳۹.۴	۵۰.۶	۱۰	۳۵	۴۶.۹	متوسط
۷.۵	۹.۴	۱۸.۱	۱۲.۵	۲۰.۶	۳	۱۶.۹	۱۴.۴	زیاد
۶.۳	۱۰.۶	۱۰.۶	۸.۱	۶.۳	۱.۳	۱۲.۵	۱۱.۹	خیلی زیاد

نمودار ۲- بررسی وضعیت شاخص‌های اجتماعی در سطح محله عینک

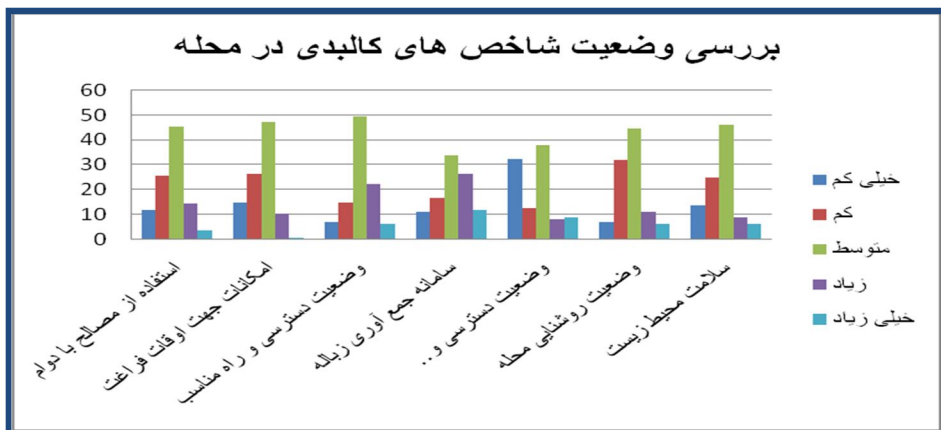


همچنین طبق جدول شماره ۷ که شاخص های کالبدی را نشان می دهد؛ تنها ۳/۸ درصد افراد از مصالح با دوام در سطح محله استفاده نمودند و ۱۲ درصد مابقی خیلی کم، در مورد امکانات جهت اوقات فراغت نیز با توجه به اینکه از طرف مدیریت شهری به تعداد پارک و دستگاه های ورزشی احداث گشت حدود ۴۹/۴ درصد به طور متوسط راضی بودند. مورد بعدی وضعیت دسترسی راه مناسب بوده با توجه به اینکه راه این محله آسفالتی بوده و تنها در انتهای محله به جاده خاکی برخورد کرده تنها ۹/۶ درصد افراد خیلی کم از وضعیت جاده ناراضی بودند. در مورد سامانه جمع آوری زباله نیز به طور متوسط ۳۳/۸ درصد افراد از وضعیت راضی بوده در مورد آب آشامیدنی نیز وضعیت همین گونه بود.

جدول ۷- بررسی شاخص های کالبدی در محله

وضعیت	امکانات جهت اوقات فراغت	مصالح با دوام استفاده از	وضعیت دسترسی و راه مناسب	آوردی زباله سامانه جمع	محله از آب دسترسی و برخورداری	روشنایی محله وضعیت	سلامت محیط زیست
خیلی کم	۱۵	۱۲	۶.۹	۱۱.۳	۳۲.۵	۷	۱۳.۸
کم	۲۶.۳	۲۵.۹	۱۵	۱۶.۹	۱۲.۵	۳۱.۹	۲۵
متوسط	۴۷.۵	۴۵.۳	۴۹.۴	۳۳.۸	۲۸.۱	۴۴.۹	۴۶.۳
زیاد	۱۰.۶	۱۴.۴	۲۲.۵	۲۶.۳	۸.۱	۱۱.۳	۸.۸
خیلی زیاد	۰.۶	۳.۸	۶.۳	۱۱.۹	۸.۸	۶.۳	۶.۳

نمودار ۳- بررسی وضعیت شاخص های کالبدی در سطح محله عینک



تجزیه و تحلیل یافته‌ها

در این پژوهش برای سه سوالی که در بخش طرح مساله به آن‌ها اشاره شد؛ سه فرضیه مطرح می‌شود که عبارتند از:

فرضیه اول: سطح شاخص‌های کالبدی، اقتصادی و اجتماعی در سطح متوسط نیست.

فرضیه دوم: بین کیفیت کالبدی و کیفیت اجتماعی محله رابطه معناداری وجود دارد.

فرضیه سوم: میان شاخص‌های اقتصادی، اجتماعی و کالبدی رضایتمندی ساکنان محله عینک یکسان است.

که در ادامه هر کدام از فرضیات به تفکیک مورد بررسی قرار داده می‌شود.

آزمون فرضیه اول:

برای پاسخ به پرسش اول پژوهش که عبارت بود از «محله عینک از نظر ویژگی‌های اجتماعی - کالبدی و اقتصادی در چه سطحی است؟» به بررسی سوال تحقیق تحقیق پرداخته شده است. از آنجایی که هدف سوال مزبور سنجش سطح شاخص‌های کالبدی، اجتماعی و اقتصادی می‌باشد؛ لذا با مفروض داشتن مقدار مورد آزمون ۳ و با کمک آزمون one sample t test به سوال اول پاسخ داده خواهد شد. علت انتخاب مقدار مورد آزمون ۳ به دلیل ارزیابی هر یک از گویه‌ها بر حسب طیف لیکرت می‌باشد. به عبارتی در طیف لیکرت مقدار امتیازات در دامنه اعداد از ۱ تا ۵ جریان دارد. عدد ۳ بیان‌گر حد وسط اثر گذاری می‌باشد، به عبارتی در صورتی که سطح معناداری اختلاف معنادار بین میانگین مشخصه مورد نظر با عدد ۳ را نشان دهد و علاوه بر آن میانگین این شاخص بیشتر از عدد ۳ باشد اثر گذاری و وجود رابطه بین مشخصه مورد نظر و خرید اینترنتی تأیید خواهد شد.

در فرضیات تحقیق، فرض صفر و فرض مقابل به صورت زیر خواهد بود:

H_0 : سطح شاخص‌های مزبور در سطح متوسط است.

H_1 : سطح شاخص‌های مزبور در سطح متوسط نیست.

$$H_0: \mu \leq 3$$

$$H_1: \mu > 3$$

جدول ۸- وضعیت محله عینک از نظر ویژگی های اجتماعی - کالبدی و اقتصادی

شاخص	میانگین	انحراف معیار	t	درجه آزادی	سطح معناداری	اختلاف میانگین	فاصله اطمینان ۹۵٪	
							کران بالا	کران پایین
اقتصادی	۲.۹	۰.۶	-۲.۰۱۷	۱۵۹	۰.۰۴۵	-۰.۰۹۶	-۰.۱۹	-۰.۰۰۲
اجتماعی	۲.۸۳	۰.۵۴	-۳.۷۹	۱۵۹	۰.۰۰	-۰.۱۶	-۰.۲۵	-۰.۰۷۸
کالبدی	۲.۸۴	۰.۵۴	-۳.۷۴	۱۵۹	۰.۰۰	-۰.۱۶	-۰.۲۴	-۰.۰۷۵

در جدول مربوط به آزمون تی برای شاخص اقتصادی، ملاحظه می کنیم که میانگین امتیاز اختصاص یافته به شاخص اقتصادی، برابر ۲.۰۱۷ شده است که به میزان ۰.۰۹۶- از مقدار مورد آزمون (۳) کوچکتر است و آماره آزمون تی برابر ۲.۰۱۷- شده و سطح معناداری آزمون برابر ۰.۰۴۵ شده است و از آنجا که این آزمون با خطای ۵٪ و ضریب اطمینان ۹۵٪ انجام می گیرد و فرض صفر رد شده و اذعان می شود که شاخص اقتصادی در محله عینک در سطح پایین تر از مطلوبیت متوسط قرار دارد. برای شاخص اجتماعی، ملاحظه می کنیم که میانگین امتیاز اختصاص یافته به شاخص اجتماعی، برابر ۲.۸۳ شده که به میزان ۰.۱۶۴- از مقدار مورد آزمون (۳) کوچکتر است و آماره آزمون تی برابر ۳.۷۹- شده و سطح معناداری آزمون برابر ۰.۰۰ شده است و از آنجا که این آزمون با خطای ۵٪ و ضریب اطمینان ۹۵٪ انجام می گیرد و فرض صفر رد شده و اذعان می شود که شاخص اجتماعی در محله عینک در سطح پایینتر از مطلوبیت متوسط قرار دارد و در نهایت شاخص کالبدی، ملاحظه می کنیم که میانگین امتیاز اختصاص یافته به شاخص کالبدی، برابر ۲.۸۳ شده که به میزان ۰.۱۶- از مقدار مورد آزمون (۳) کوچکتر است و آماره آزمون تی برابر ۳.۷۴- شده و سطح معناداری آزمون برابر ۰.۰۰ شده است و از آنجا که این آزمون با خطای ۵٪ و ضریب اطمینان ۹۵٪ انجام می گیرد و فرض صفر رد شده و اذعان می شود که شاخص کالبدی در محله عینک در سطح پایین تر از مطلوبیت متوسط قرار دارد.

آزمون فرضیه دوم:

برای پاسخگویی به پرسش دوم پژوهش که عبارت است از «آیا بین کیفیت کالبدی و کیفیت

اجتماعی محله رابطه معناداری وجود دارد؟»

با توجه به نوع سوال که از رده بررسی وجود رابطها عدم وجود رابطه بین دو فاکتور می باشد از روش محاسبه ضریب همبستگی استفاده شده است. ضریب اطمینان برابر ۹۵٪ و مقدار خطا برابر ۵٪ در نظر گرفته می شود. معادل ریاضی فرضیات بالا، عبارات زیر می باشد؛

H_0 : بین کیفیت کالبدی و کیفیت اجتماعی محله رابطه معناداری وجود ندارد.

H_1 : بین کیفیت کالبدی و کیفیت اجتماعی محله رابطه معناداری وجود دارد.

$$H_0: \rho = 0$$

$$H_1: \rho \neq 0$$

جدول ۹- بررسی رابطه کیفیت کالبدی و کیفیت اجتماعی محله

شرح	کیفیت کالبدی	نتیجه
کیفیت اجتماعی	ضریب همبستگی = ۰.۹۹۱	همبستگی بسیار قوی
	سطح معناداری = ۰.۰۰۰	تایید رابطه معنادار
کیفیت اقتصادی	ضریب همبستگی = ۰.۹۴	همبستگی بسیار قوی
	سطح معناداری = ۰.۰۰۰	تایید رابطه معنادار

با توجه به مقدار ضریب همبستگی، ملاحظه می شود که بین دو عامل کیفیت کالبدی و کیفیت اجتماعی. به میزان ۰.۹۹ همبستگی از نوع مثبت وجود دارد و سطح معناداری آزمون برابر ۰.۰۰ و کمتر از خطای ۵٪ می باشد، لذا نتیجه می گیریم که فرضیه صفر رد شده و با احتمال ۹۵٪ بین کیفیت کالبدی و کیفیت اجتماعی محله عینک، ارتباط معنادار و مثبت دارد و شدت این ارتباط بسیار قوی است. همچنین رابطه کیفیت اقتصادی و کالبدی نیز ارزیابی شد که نتایج گویای این مطلب است که؛ مقدار ضریب همبستگی، ملاحظه می شود که بین دو عامل کیفیت کالبدی و کیفیت اقتصادی. به میزان ۰.۹۴ همبستگی از نوع مثبت وجود دارد و سطح معناداری آزمون برابر ۰.۰۰ و کمتر از خطای ۵٪ می باشد، لذا نتیجه می گیریم که فرضیه صفر رد شده و با احتمال ۹۵٪ بین کیفیت کالبدی و کیفیت اقتصادی محله عینک، ارتباط معنادار و مثبت دارد.

آزمون فرضیه سوم:

برای پاسخ به پرسش سوم پژوهش حاضر با عنوان «در میان شاخص های اقتصادی، اجتماعی و

کالبدی کدام شاخص ها کم ترین رضایتمندی را در پاسخ گویان کسب کرده اند؟» فرض صفر و مقابل به صورت زیر است:

H_0 : میان شاخص های اقتصادی، اجتماعی و کالبدی رضایتمندی ساکنان محله عینک یکسان نیست.

H_1 : میان شاخص های اقتصادی، اجتماعی و کالبدی رضایتمندی ساکنان محله عینک یکسان است.

آزمون خی دو جهت اولویت بندی

آماره χ^2	درجه آزادی	sig
۱۰۰۰۸۱	۲	۰.۰۰۶

همان طور که در جدول مشاهده می شود، در سنجش اولویت ها، مقدار آماره χ^2 با درجه آزادی ۲ برابر ۱۰۰۰۸۱ شده و سطح معناداری آزمون برابر ۰.۰۰۶ می باشد؛ به عبارتی داریم:

$$\text{sig} = 0.006 < \alpha = \%5$$

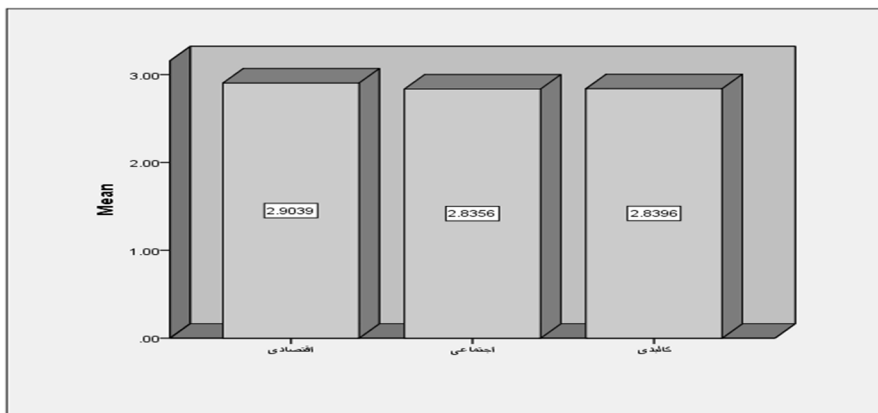
بنابراین فرض صفر مبنی بر یکسان بودن رضایتمندی پاسخ گویان از شاخص های اقتصادی، اجتماعی و کالبدی رد می شود و تفاوتی معنادار در رضایت مندی از فاکتورها مشاهده می شود؛ اولویت به ترتیب با روند نزولی در جدول زیر قابل ملاحظه می باشد:

جدول ۱۰- اولویت بندی رضایتمندی پاسخ گویان از شاخص های اقتصادی، اجتماعی و کالبدی

شاخص ها	میانگین رتبه
۱ اقتصادی	۲.۱۹
۲ اجتماعی	۱.۹۶
۳ کالبدی	۱.۸۵

جدول بالا اولویت عوامل موثر را بر حسب روند نزولی نشان می دهد. این تفسیر در نمودار زیر قابل ملاحظه است.

نمودار ۴- مقایسه رضایت‌مندی پاسخ‌گویان از شاخص‌های اقتصادی، اجتماعی و کالبدی



نتیجه گیری

مسائل عدیده سکونتگاه‌های غیر رسمی سبب بروز مشکلات بسیاری برای مناطق شهری گردیده است. در این میان شهر رشت نیز یکی از شهرهای است که در سال‌های اخیر با پدیده اسکان غیر رسمی مواجه بوده است. بنابراین این پژوهش بر آن بوده است تا چالش‌های محله عینک به عنوان یکی از سکونتگاه‌های غیررسمی را در شاخص‌های اقتصادی، اجتماعی و کالبدی مورد بررسی قرار دهد و همچنین ارائه راهکارهایی جهت توانمندسازی این محله بپردازد. بدین منظور برای هر شاخص زیر شاخص‌هایی که دید جامعی از وضعیت شاخص مربوطه را نشان دهد انتخاب گردید؛ در شاخص اقتصادی به مواردی چون استفاده از تسهیلات بانکی در ساخت مسکن، بررسی تأمین مایحتاج زندگی، رضایتمندی از درآمد توزیع عادلانه خدمات، عدم کفایت مدیریت شهری در کنترل محله، توانایی پرداخت هزینه‌های درمانی، کیفیت شغلی و خوداشتغالی زنان توجه گردید که یافته‌های حاصل از تکمیل پرسشنامه بیان‌گر وضعیت متوسط محله در برخورداری از آن‌ها بوده است. در شاخص اجتماعی نیز زیر شاخص‌های: رضایتمندی از خدمات دولت، رفتارهای غیر بهداشتی در محله، میزان دسترسی به خدمات آموزشی، دسترسی، رضایت از شرایط فعلی، امنیت محله، میزان جرم و جنایت در محله، میزان مشارکت افراد در امور محله و احتیاج به کار فرزندان مورد بررسی قرار گرفت که در این بخش نظرات جامعه پاسخ‌گو به وضعیت متوسط و پس از آن برخورداری کم اشاره داشت. نهایتاً در شاخص

کالبدی نیز زیر شاخص های استفاده از مصالح با دوام، امکانات جهت اوقات فراغت، وضعیت دسترسی و راه مناسب، سامانه جمع آوری زباله، وضعیت دسترسی و برخورداری محله از آب آشامیدنی، وضعیت روشنایی محله و سلامت محیط زیست مورد بررسی قرار گرفتند که در این بخش نیز پاسخ ها به برخورداری متوسط و کم از منابع موجود میل داشت. همچنین وضعیت محله عینک از نظر ویژگی های اجتماعی - کالبدی و اقتصادی نشان داد که از هر سه نظر پایین تر از حد متوسط قرار دارد. همچنین بین کیفیت کالبدی و کیفیت اجتماعی محله عینک، ارتباط معنادار و مثبت دارد و شدت این ارتباط بسیار قوی است. نهایتاً بیشترین نارضایتی در بخش با میانگین رتبه ی ۲.۱۹، در رتبه ی اول و بخش اجتماعی با رتبه ی ۱.۹۶ در رتبه ی دوم و کم ترین نارضایتی متعلق به بخش کالبدی بوده است که میانگین رتبه ی آن ۱.۸۵ بوده است.

حال با توجه به اهمیت محله عینک در شهر رشت؛ پژوهش های دیگری نیز ابعاد و زوایای دیگری از مساله را مورد توجه قرار داده اند. به عنوان مثال در مقاله ای که به دنبال تاثیر تالاب عینک بر قیمت مسکن بوده است؛ این نتیجه به دست آمده است که تالاب عینک (به عنوان یک عامل محیطی) تأثیر منفی بر قیمت واحدهای مسکونی منطقه داشته است و با افزایش فاصله از تالاب قیمت مسکن افزایش می یابد. همچنین متغیرهای مساحت زمین، نوع منزل، نوع اسکلت و دسترسی به مراکز بهداشتی، تأثیر مثبتی بر قیمت مسکن داشته اند؛ در حالی که متغیرهای فاصله تا خیابان اصلی، فاصله تا مرکز شهر و دسترسی به پارک، تأثیر منفی بر قیمت مسکن در منطقه ی مورد مطالعه داشتند. همچنین از بین این عوامل، متغیر فاصله تا تالاب عینک، بیشترین تأثیر را بر متغیر وابسته داشته است (امیر نژاد، نبی زاده ذوالپیرانی و حیدری کمال آبادی، ۱۳۹۵، ۳۷). همچنین در پژوهشی که به دلایل کمبود امکانات در داخل مساکن خودرو محله استخر عینک شهر رشت پرداخته است؛ معتقد است که مساکن خودرو در این محله نسبت به مساکن سایر قسمت های شهر دارای امکانات کمتری هستند و از سویی دیگر مشکلات شان به راحتی به قسمت رسمی شهر تسری می یابد. بنابراین شناخت و رفع این مشکلات می بایست یکی از اولویت های برنامه ریزی شهری باشد. یکی از مشکلات محله استخر عینک کمبود امکانات در داخل مساکن است. یافته های این پژوهش نیز حاکی از آن است که سطح پایین سواد، اشتغال نامناسب و درآمد پایین از دلایل اصلی کمبود امکانات در این محله است (شریف نیا و گلین مقدم، ۱۳۸۹، ۱). همان گونه که مشاهده می شود، در شرایط فعلی به دلایل مشکلاتی که

در محله عینک و به ویژه شرایط نامساعد زیست محیطی بخش‌های نزدیک تر به تالاب عینک وجود دارد، سبب شده است آثار و تبعات منفی بسیاری بر دیگر ابعاد و زوایای وضعیت زیست منطقه بر جای گذاشته است. این امر را می‌توان به وضوح در بافت و بدنه‌ی کالبدی، اقتصادی و اجتماعی منطقه مشاهده نمود

در مجموع با توجه به بررسی وضعیت محله عینک در شاخص‌های اقتصادی، اجتماعی و کالبدی راهکارهایی جهت بهبود و ارتقا محله در شاخص‌های فوق پیشنهاد می‌گردد.

- بهبود وضعیت دریافت تسهیلات بانکی جهت ساخت و مرمت مسکن.
- کمک به افزایش اشتغال محلی؛ که این موارد می‌تواند منجر به افزایش سطح درآمد گردد.
- بهره‌مندی از سامانه‌ی جمع‌آوری زباله جهت کاهش مشکلات زیست محیطی که به این علت به وجود آمده است.

- بهبود در وضعیت پرخورداری از سرانه‌های آموزشی، بهداشتی، درمانی و... در محله.
- مردم محلات حاشیه‌ای در مرحله‌ی بررسی راه حل‌ها و تصمیم‌گیری، برنامه‌ریزی، اجرای کارها و ارزشیابی آن‌ها درگیر شوند و هم‌چنین از نتایج مشارکت بهره‌مند شوند.
- استفاده از پتانسیل‌های موجود در حوزه مورد ساخت و سازهای ساختمانی.
- گسترش و تجهیز شبکه‌های زیربنایی با اولویت شبکه‌های ارتباطی سریع و مطمئن.
- تجهیز سلسله‌مراتبی شبکه‌ای از شهر.

- توسعه عمودی شهر و جلوگیری از توسعه افقی شهری و تأکید بر اختصاص صرفاً زمین‌های غیرقابل کشت برای ایجاد شهرک‌ها و نواحی صنعتی و توسعه شهری.
- ریشه‌کنی فقر و بهره‌مندی همگانی از مواهب توسعه اقتصادی و اجتماعی.
- ساماندهی حاشیه شهر و اجرای کمربند سبز زراعی جهت جلوگیری از پدیده‌ی حاشیه‌نشینی.
- امکان دادن به فعال‌تر شدن حوزه نفوذ شهر.

منابع

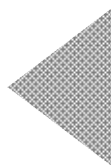
- از کیا مصطفی، غفاری غلام رضا، (۱۳۸۳)، توسعه روستایی با تأکید بر جامعه روستایی ایران، تهران، نشر نی.
- از کیا، مصطفی (۱۳۸۸)، جامعه‌شناسی توسعه و توسعه نیافتگی روستایی در ایران، تهران، انتشارات اطلاعات.

- احمدی ترشیزی، میترا (۱۳۷۷)، شهر پایدار: شناسایی مکانیزم های برقرار کننده تعادل زیستی در ساختار کالبدی، پایان نامه کارشناسی ارشد شهرسازی، دانشکده هنرهای زیبا، تهران.
- امکچی، حمیده (۱۳۸۱)، ابزارهای حقوقی و قانونی موثر بر برون فکلی جمعیت و بروز حاشیه نشینی در برنامه های پنج ساله توسعه اقتصادی-اجتماعی کشور، هفت شهر، سال سوم، شماره ۹ و ۱۰.
- ایراندوست، کیومرث، (۱۳۹۱)، فقر، سکونتگاه های غیر رسمی و امنیت شهری، فصلنامه ره نامه سیاستگذاری، سال سوم، شماره اول، صفحات ۱۸۱-۱۵۹.
- ایراندوست، کیومرث (۱۳۸۸)، سکونتگاه های غیر رسمی و اسطوره حاشیه نشینی، تهران، انتشارات سازمان فناوری اطلاعات و ارتباطات شهرداری تهران.
- ایراندوست، کیومرث، صرافی، مظفر (۱۳۸۶)، یأس و امید در سکونتگاه های غیر رسمی، نمونه موردی شهر کرمانشاه، فصلنامه علمی و پژوهشی رفاه اجتماعی، سال هفتم، شماره ۲۶.
- امیرنژاد، حمید؛ نبی زاده ذوالپیرانی، مجتبی؛ حیدری کمال آبادی، رضا (۱۳۹۵)، تاثیر تالاب عینک شهر رشت بر قیمت مسکن منطقه با استفاده از روش قیمت گذاری هدانیک، فصلنامه ی علمی پژوهشی اقتصاد و مدیریت، سال چهارم، شماره چهارم، صفحات ۳۷-۵۳.
- پیران، پرویز (۱۳۷۰)، آلونک نشینی در ایران، بخش پایانی، مجله اطلاعات سیاسی و اقتصادی، شماره های ۹۵ و ۹۶.
- پیران، پرویز (۳۸۰)، اجتماعات آلونکی، پدیده ای فراتر از شهرنشینی، ماهنامه ی شهرداریها، شماره ۳۲.
- پیران، پرویز (۱۳۸۷)، از اسکان غیر رسمی تا اسکان نایابی، فصلنامه هفت شهر، شماره ۲۳ و ۲۴.
- پوروشیخان، علیرضا؛ نظریان، اصغر (۱۳۸۹)، پیدایش منطقه ی کلاشهری و بازتاب فضایی آن، مطالعه ی موردی شهر رشت، فصلنامه ی جغرافیایی سرزمین، سال هفتم، شماره بیست و هفت، صفحات ۳۳-۵۱.
- تقی زاده، محمد (۱۳۷۹)، رابطه هویت با مدرنیسم، مجله هنرهای زیبا، شماره ۷.
- جواهری پور، مهرداد (۱۳۸۲)، ساختیابی اقتصادی- اجتماعی اسکان غیر رسمی، مجموعه مقالات حاشیه نشینی و اسکان غیر رسمی، دانشگاه علوم بهزیستی و توان بخشی.
- حاج یوسفی، علی (۱۳۸۲)، پدیده حاشیه نشینی شهری قبل از انقلاب، مجموعه مقالات حاشیه نشینی و اسکان غیر رسمی، دانشکده علوم بهزیستی و توانبخشی.
- حاتمی نژاد، حسین (۱۳۸۲)، اسکان غیر رسمی در جهان، ماهنامه شهرداری ها، شماره ۵۰، تهران.
- داوود پور، زهره (۱۳۸۴)، کلان شهر تهران و سکونتگاههای خودرو، مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی شهرسازی و معماری.
- داوود پور، زهره (۱۳۸۱)، سکونتگاههای نامتعارف پیامد و برنامه ریزی ناکارا، گفت و گو با ماهنامه شهرداری ها، شماره ۳۹.
- ربانی، رسول (۱۳۸۹)، جامعه شناسی شهری، انتشارات دانشگاه اصفهان.
- زاهد زاهدانی، سعید (۱۳۶۹)، حاشیه نشینی، انتشارات دانشگاه شیراز.

- شکویی، حسین (۱۳۸۵)، دیدگاه‌های نو در جغرافیای شهری، جلد ۱، تهران، انتشارات سمت.
- شکویی، حسین (۱۳۷۲)، جغرافیای اجتماعی شهر، انتشارات جهاد دانشگاهی.
- شبیک، عسی (۱۳۸۳)، حاشیه نشینی و پیامدهای کالبدی، اجتماعی- اقتصادی از آن، مورد: شیرآباد زاهدان، پایان نامه دوره کارشناسی ارشد در دانشگاه سیستان و بلوچستان.
- شریف نیا، فاطمه؛ گلین مقدم، خدیجه (۱۳۸۹)، دلایل کمبود امکانات در داخل مساکن خودرو، نمونه موردی: محله استخر عینک شهر رشت، دومین همایش علمی سراسری دانشجویی جغرافیا، تهران، دانشگاه تهران.
- شیخی، محمد (۱۳۸۲)، سکونتگاه های خودرو، گذر از حاشیه نشینی به الگویی از سکونتگاه های پیرامون کلان شهر های ایران، مجموعه مقالات حاشیه نشینی و اسکان غیر رسمی، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی.
- شیخی، محمد تقی (۱۳۸۰)، جمعیت شناسی اقتصادی و اجتماعی، شرکت سهامی انتشار.
- شیعه، اسماعیل، (۱۳۷۹)، بررسی آثار اجرای برنامه های صنعتی در ساختار کالبدی- فضایی شهرهای ایران: نمونه: اراک (۷۵-۱۳۴۰)، رساله دکتری، دانشگاه تهران، دانشکده هنرهای زیبا.
- صرافی، مظفر (۱۳۸۲)، به سوی تدوین راهبرد ملی ساماندهی اسکان غیر رسمی- از پراکنده کاری گزینشی تا همسویی فراگیر، هفت شهر، شماره ۹ و ۱۰.
- عزیز پور، محمد (۱۳۷۵). توان سنجی محیط طبیعی و توسعه فیزیکی شهر تبریز، دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، رساله دکتری در رشته جغرافیا و برنامه ریزی شهری.
- علیتاجر، سعید؛ سجاده، حسن؛ سعادت‌ی و قار، پوریا؛ شهبازی، مهرداد، ۱۳۹۵، نقش عوامل کالبدی در اجتماع پذیری سکونتگاههای غیر رسمی (نمونه موردی: محله های حصار امام خمینی و دیزج همدان)، نشریه پژوهش و برنامه ریزی شهری، سال هفتم، شماره بیست و چهارم، صفحات ۸۲-۶۱.
- قنبری، ابوالفضل؛ احمدی، مظهر؛ مصطفوی صاحب، سوران، ۱۳۹۵، ارزیابی و تحلیل سطوح پایداری شهری در سکونتگاه های غیررسمی مهاباد، فصلنامه علمی پژوهشی فضای جغرافیایی، سال شانزدهم، شماره ۵۳، صفحات ۹۷-۱۲۱.
- قاسمی خوزانی، محمد (۱۳۸۱)، اسکان غیر رسمی و بهسازی محله های فقیر نشین شهری، تهران، ماهنامه شهرداری ها، شماره ۴۵.
- قرحلو، مهدی و عبدالنبی شریفی (۱۳۸۳)، پیدایش، تکامل فیزیکی و وضعیت اجتماعی- اقتصادی حاشیه نشینی (مطالعه موردی: محله عین ۲ اهواز) مجله پژوهش های جغرافیایی، شماره ۵۰، زمستان ۱۳۸۳.
- مصلی نژاد، غلامعباس (۱۳۸۴)، دولت و توسعه اقتصادی در ایران، تهران، انتشارات قومس.
- ممتاز، فریده (۱۳۸۸)، جامعه شناسی شهر، شرکت سهامی انتشار.
- مهدیزاده، جعفر، (۱۳۸۱)، برنامه ریزی راهبردی توسعه شهری، وزارت مسکن و شهرسازی.

- هیراسکار، جی، کی (۱۳۸۶)، درآمدی بر مبنای برنامه ریزی شهری، ترجمه محمد سلیمانی و احمدرضا یگانی فرد، جهاد دانشگاهی تربیت معلم.
- یاسوری، مجید، (۱۳۸۶)، مقدمه ای بر اقتصاد روستایی (با تاکید بر بخش کشاورزی)، مشهد، آستان قدس رضوی.
- Allen, adriana, 2003, "Environmental planning and management of the peri-urban interfact: perspective on emerging field, vol 15, NO1.
- Brehny ,Mj ,۱۹۹۶, sustainable development and urban form ,London (earth scan pub
- Drakakis-smith, D. (1997) Third World Cities, Second Edition, Reprinted, Methuen & co. Ltd.
- Florida, Richard(2005)cities and creative class, Routledge, New York-London.
- Herbert ,giradet ,new pirection for sustainable urban living ,Gaia books ,limited
- Hess, G.R; 2001, "Just what is Sprawl, Anyway?", www4.ncsu.edu/~grhess.
- Lungo, M; 2001, "Urban Sprawl and Land Regulation in Latin America", Land Lines, Vol.13, No.2.
- Mason, S. Baltsavias, P. Bishop, I. (1997). spatial decision support system for the management of informal settlements, Computer, Environment and Urban System, Volume21, Issues3-4, 189-208.
- Robert ,Neuwirth., 2005, Shadow Cities: A Billion Squatters, A New Urban World, Routledge.
- Satterthwait, Daivid and Tacoli. Cecilia.2003"The Role of Small and Intermediate Urban Centers in Rural and Regional Development and Poverty Reduction" International Institute for Environment and Development.
- Stretton-H.(1976) capitalism-socialism and Environment (cambridge-cambridge University Press)
- UN-HABITAT(2003), THE CHALLENGE OF SLUMS, Global Report on Human Settlement, in: www.unhabitat.org.
- UN-HABITAT(2007), Habitat Debate, Financing for the urban poor, in: www.unhabitat.org.
- Wekesa, B.W. Steyn, G.S, F.A.O. Otieno, F. (2011) A review of physical and socio-economic characteristics and intervention approaches of informal settlements, Habit International, Volume35, Issue 2: 238-245.

رویکردی بر علل نابرابری توسعه در شهرستان های استان چهارمحال و بختیاری به تفکیک بخش های اقتصادی و اجتماعی با استفاده از تکنیک تاپسیس



احمد حجاریان^۱

یوسف قنبری^۲

(تاریخ دریافت ۹۶/۸/۵ - تاریخ تصویب ۹۷/۱/۱۵)

چکیده

برنامه ریزی منطقه ای با هدف توسعه و کاهش نابرابری منطقه ای، از موضوعات مهم در کشورهای در حال توسعه به حساب می آید. لازمه برنامه ریزی منطقه ای، شناسایی جایگاه مناطق نسبت به یکدیگر از لحاظ توسعه است. هدف از تدوین این مقاله، سطح بندی و تعیین میزان نابرابری موجود میان شهرستان های استان چهارمحال و بختیاری می باشد. برای این منظور تعداد ۸۴ شاخص انتخاب گردید. روش تاپسیس که یکی تکنیک های خانواده تصمیم گیری چند معیاره محسوب می شود از اصلی ترین مدل های مورد استفاده در این تحقیق است.

نتایج تحقیق نشان داد که، شهرستان شهرکرد با ضریب اولویت ۰/۵۲۸ دارای رتبه اول از نظر میزان توسعه یافتگی می باشد. این شهرستان به دلیل مرکزیت اداری و اقتصادی به عنوان یک مکان جذب سرمایه امکانات و خدمات، نیروی انسانی متخصص و ... موجب این برتری بر سایر مناطق استان شده است. همچنین شهرستان کوهرنگ با ضریب اولویت ۰/۲۷۳ در آخرین مرتبه

۱- دانشجوی دکتری دانشکده جغرافیا و برنامه ریزی دانشگاه اصفهان، a.hajarian@ltr.ui.ac.ir.

۲- دانشیار دانشکده جغرافیا و برنامه ریزی دانشگاه اصفهان

توسعه یافتگی در استان قرار گرفته است. ضریب پراکندگی به دست آمده ۰/۳۶ می باشد که نشانگر وجود تفاوت و شدت نابرابری در میزان بهره مندی از امکانات و شاخص های توسعه است.

واژه های کلیدی: توسعه یافتگی، نابرابری، مدل تاپسیس، استان چهارمحال و بختیاری.

مقدمه

توسعه به مفهوم افزایش توانایی های انسان در بهره برداری از محیط خویش است. بهره برداری عقلانی به ویژگی های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی وابسته است. بنابراین هرگونه شرايطی که در افزایش توانایی در مناطق مؤثر واقع شود، موجب فراهم شدن زمینه های توسعه می گردد. مهاجرت، فقر، پایین بودن تولید و بهره وری، بیکاری و ... در مناطق مختلف کشور، نتیجه ی عملکرد ناکارای نهادهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، رکود کشاورزی، رشد بی رویه جمعیت و سیاست های تبعیضی شهر و روستا و برخوردار نبودن از امکانات زیربنایی، رفاهی و تولیدی است. هرچند واژه ی توسعه دارای تعابیر و مفاهیم مختلفی است، اما در بیشتر تعابیر به افزایش تولید، افزایش بازدهی، ارتقای سطح زندگی، رفع فقر و محرومیت، ارتقای سطح برخورداری از امکانات آموزشی و بهداشتی، کاهش بیکاری و تأمین نیازمندی های اقتصادی و اجتماعی تأکید شده است (حسینی، ۱۳۷۰: ۱۵).

توجه به رهیافت تعادل و توازن منطقه ای، کاهش ناهمگونی و نابرابری های منطقه ای و بخشی، سیاستگذاری و برنامه ریزی منطقه ای برای توزیع هدف هایی که برحسب ویژگی های ساختاری، امکانات و محدودیت های هر منطقه تغییر می کند، مستلزم مطالعه و شناخت اهمیت خصوصیات هر منطقه با توجه به جایگاه آن در کل سیستم منطقه ای می باشد. علمای توسعه شکاف عظیم درآمدی بین طبقات پایین و بالای جامعه در کشورهای در حال توسعه را نه تنها به عنوان یک مزیت اقتصادی نمی دانند، بلکه آن را مانعی بر سر راه رشد و توسعه اقتصادی ذکر می کنند (روزبهان، ۱۳۷۸: ۴۳). و استفاده نکردن از ظرفیت ها و توان های هر منطقه را بی عدالتی می دانند و بدین جهت فقر باید به عنوان محرومیت از قابلیت های اساسی تعریف شود، نه فقط کمبود درآمد که معیار متعارف استاندارد برای شناسایی فقر است (سن، ۱۹۹۸: ۱۰۷).

درک و شناخت بهتر میزان توسعه یافتگی مناطق نسبت به یکدیگر، نه تنها باعث توجه خاص از

نظر اقتصادی به آنها می شود، بلکه موجب شناخت نقاط قوت و ضعف، توان ها و کمبودهای آن ها و در نهایت موجب توفیق برنامه ریزی منطقه ای می شود. در اکثر کشورهای در حال توسعه یک یا دو منطقه و در نهایت چند منطقه، وضعیت مناسب خدمات عمومی و بالطبع شکوفایی اقتصادی، اجتماعی دارند و نقش عمده ای را در ایجاد درآمد و تولید ملی ایفا می کنند. این امر به بهای عقب ننگه داشتن مناطق دیگر و افزایش شکاف و نابرابری بین مناطق و نواحی است. می توان به جرئت اظهار کرد که چنین وضعیتی بر اکثر قریب به اتفاق مناطق و استان های مختلف ایران حاکم است (زیاری، ۱۳۸۹: ۱۸). استان چهارمحال و بختیاری نیز از این قاعده مستثنی نیست. با توجه به ساختار تصمیم در تحقیق حاضر، یا به عبارت دیگر هدف اصلی این پژوهش مبنی بر وجود معیارهای چندگانه در ارزیابی گزینه های راهکار (شهرستان ها)، به نظر می رسد خانواده تکنیک های تصمیم گیری چند معیاره^۱ (MCDM) و از بین آنها تکنیک تاپسیس^۲ می تواند به بهترین شکل هدف این پژوهش را که رتبه بندی شهرستان های استان چهارمحال و بختیاری در بخش های مختلف توسعه، و در قالب شاخص های تلفیقی انتخابی بر مبنای معیارهای علمی توسعه یافتگی است، برآورده سازد، و در نهایت به مقایسه نسبی شهرستان ها با یکدیگر پردازد. این تکنیک با دارا بودن منطقی ریاضی در رتبه بندی می تواند با استفاده از داده های موجود، هدف یاد شده را تحقق بخشد.

مبانی نظری

نظریه های ارائه شده درباره ی دستیابی به توسعه اقتصادی را می توان به دو گروه عمده نظریه رشد نامتعادل^۳ و نظریه رشد متعادل^۴ تقسیم کرد:

الف) پرو (Francios Perroux)، هیرشمن (Hirschman)، سینگر (Singer)، کیندلبرگر (Kindleberger)، استریتن (Streeten)، روستو (Rostow) از پیروان دکترین رشد نامتعادل هستند که در آن، نظریه قطب رشد متجلی می شود.

۱ - Multi Criteria Decision Making

۲ - Technique for Order Preferences by Similarity to Ideal Solution (TOPSIS)

۳ - Unbalanced Growth Theory

۴ - Balanced Growth Theory

نظریه قطب رشد پویا بر دو اثر استوار است: یکی اثرات تمرکز^۱ و دیگری اثرات پخش^۲؛ بدین صورت که رشد همزمان در همه جا اتفاق نمی افتد بلکه در نقاط با قطب های توسعه اتفاق می افتد که از قدرت جاذبه ی بالایی برخوردارند (اثر تمرکز). این نقاط، توسعه را در کانال هایی پخش می کنند که کل اقتصاد را تحت تأثیر قرار می دهد (اثر پخش) (کلانتری، ۱۳۸۰: ۷۰-۶۰).

ب) طرفداران نظریه قطب رشد معتقدند که گسترش شهرها منجر به توسعه اجتماعی و اقتصادی روستاها می گردد و در نتیجه باید به دنبال گسترش و رشد صنایع در شهرهای بزرگ بود. میردال (Myrdal)، هاریسن (Harrison)، دویر (Dwyer)، دان فورد (Down Fored) و میسرا (Misra) معتقدند که تئوری قطب رشد نتوانسته است نابرابری و عقب ماندگی بین مناطق مختلف را در کشورهای توسعه نیافته از بین ببرد، بلکه باعث تشدید نابرابری منطقه ای شده است و لذا الگوی مناسبی برای کشورهای توسعه نیافته نمی باشد.

مطالعات تجربی ذیل مؤید انتقادات وارده بر تئوری قطب رشد می باشد: فدرو (Fedorov) رشد نابرابری منطقه ای روسیه را در دهه ی ۱۹۹۰ برجسته نشان داده است.

واندرپویی و اورگل (Vander Puye & Orgle) رشد و افزایش نابرابری منطقه ای در غنا را خاطرنشان می سازد. کیم و وی (Kim & Wei) افزایش نابرابری منطقه ای چین را دلیلی بر مشکلات منطقه ای موجود در چین و یک مانع برای توسعه آن مناطق می دانند.

درز و سن (Dreze & Sen) پراکندگی توسعه اقتصادی و اجتماعی میان ایالت های هند را از عوامل عمده فقر در این کشور می دانند. گزارش توسعه انسانی در ایران تفاوت منطقه ای گسترده ای را میان ۲۶ استان از نظر درجه توسعه انسانی نشان می دهد. بنابراین گزارش، نه تنها آن طور که نظریه همگرایی بیان داشته است، عدم تعادل منطقه ای کاهش نیافته بلکه ضریب پراکندگی بین واحدهای تحت مطالعه نیز افزایش یافته است (PBOUNDP, 1999, 23).

امروزه اقتصاد دانان نظریه رشد متوازن در مناطق مختلف، ضرورت برنامه ریزی منطقه ای صحیح را برای رسیدن به توسعه متوازن مطرح می کنند و معتقدند که توسعه متعادل ناحیه ای برای آن

۱ - Polarization Effects

۲ - Spread Effects

است که بهترین شرایط و امکانات را برای توسعه جامع همه نواحی فراهم آورد، تفاوت های کیفیت زندگی بین ناحیه ای و درون ناحیه ای را به حداقل رساند و نهایتاً از بین ببرد. برای درک ساختار فضایی مناطق و پیش بینی تغییر و تحولات روند توسعه، فریدمن الگوی مرکز- پیرامون^۱ را عرضه می دارد. فریدمن می گوید «هر نظام جغرافیایی شامل دو زیر نظام فضایی است: یکی مرکز که قلب پیشتاز و پویایی نظام است و دیگری پیرامون که می توان آن را بقیه نظام به حساب آورد و در حالت وابستگی یا سلطه پذیری نسبت به مرکز قرار دارد» رابطه مرکز- پیرامون را اصولاً می توان رابطه ای استعماری دانست. معمولاً بروز ساختاری قطبی شده، با جابجایی برخی عوامل اصلی تولید از حاشیه به مرکز همراه است (پاپلی یزدی، سناجردی، ۱۳۸۲، ۲۰۴). با توجه به چارچوب نظری بیان شده، وجه اشتراک همه آنها توجه به نابرابری های ناحیه ای و همچنین توجه به رشد و توسعه نواحی کمتر توسعه یافته است. طبق نظریه های مطرح شده، نظریه های قطب رشد و مرکز- پیرامون، علت اصلی نابرابری های موجود میان نواحی را عوامل داخلی دانسته اند. این در حالی است که نظریه اقتصاد پایه در ریشه یابی علل توسعه یافتگی بر عوامل خارجی تأکید دارد و عوامل خارجی را دارای نقش اصلی و تعیین کننده در ایجاد نابرابری های موجود میان نواحی می داند.

پیشینه تحقیق

نوربخش (Noorbakhsh, 2003) به بررسی تفاوت های منطقه ای و همگرایی بین ایالت های هند پرداخته است. وی با استفاده از روش تحلیل عاملی از شاخص های اقتصادی- اجتماعی برای به دست آوردن یک شاخص ترکیبی استفاده نموده و مناطق مورد مطالعه را با توجه به آن رتبه بندی نموده است. او برای تعیین وزن و درجه اهمیت شاخص ها از روش های تحلیل مؤلفه های اصلی، ضریب نابرابری و ترکیبی از آن استفاده نموده است؛ سپس با تحلیل رگرسیونی بین سه شاخص به دست آمده و شاخص توسعه انسانی، به آزمون نتایج پرداخته و در انتها ایالت های هند را براساس شاخص های اقتصادی- اجتماعی مورد مطالعه رتبه بندی نموده است. باهاتیا و رای (Bhatia & Rai, 2004) با استفاده از ۲۳ شاخص به کمک روش های تحلیل

عاملی و تاکسونومی عددی به تعیین سطح توسعه ۳۸۰ بلوک در ۳۲ منطقه از هند در سال ۲۰۰۱ پرداخته اند. در این پژوهش، یک بار با کل ۳۲ شاخص، سطح توسعه بلوک ها تعیین شده، به طوری که ۴۳ بلوک توسعه یافته، ۱۸۷ بلوک نسبتاً توسعه یافته، ۱۱۸ بلوک کمتر توسعه یافته و ۳۲ بلوک توسعه یافته شناخته شده اند. سپس بار دیگر با ۱۲ شاخص مربوط به بخش خدمات و رفاه اجتماعی این بخش را به لحاظ توسعه، رتبه بندی نموده اند. نتایج به دست آمده حاکی از آن است که ۵۶ بلوک توسعه یافته، ۱۵۶ بلوک نسبتاً توسعه یافته، ۱۱۶ بلوک کمتر توسعه یافته و ۵۲ بلوک توسعه نیافته معرفی شده اند. در پایان تحقیق، علل توسعه نیافتگی مناطق شناسایی شده و پیشنهاداتی برای توسعه این مناطق ارائه گردیده است.

جو و همکارانش (Joae, et al, 2001) یک روش برای طبقه بندی مناطق مختلف کشور بلژیک به منظور حمایت از سیاست توسعه منطقه ای ارائه داده اند. این رتبه بندی با استفاده از تکنیک های آماری چند متغیره ی تحلیل عاملی و تحلیل خوشه ای و با استفاده از ۳۳ شاخص های اقتصادی، بهداشتی، آموزشی، فرهنگی و غیره انجام شده است. در این بررسی به منظور ارزیابی مناسب داده ها، از آزمون هایی به نام آزمون کیسر^۱ و آزمون بارتلت^۲ استفاده شده است و برای تصمیم گیری در مورد تعداد عامل های استخراج شده، از آزمون هایی به نام تست اسکری^۳، معیار درصد واریانس و تست مقدار ویژه استفاده شده است. نتایج این آزمون ها صحت رتبه بندی مناطق را از لحاظ درجه توسعه یافتگی مورد تأیید قرار داده است.

نقدی (۱۳۸۲) در کتاب خود تحت عنوان درآمدی بر جامعه شناسی شهر، انسان و شهر با استفاده از شاخص های توسعه عمومی و از طریق تکنیک تحلیل عاملی، ۲۴ استان کشور را از نقطه نظر شاخص های توسعه فرهنگی، اقتصادی و شهری در سال ۱۳۷۵ رتبه بندی نموده است و بدین وسیله درجه توسعه یافتگی استان ها را مورد مطالعه و مقایسه قرار داده است.

زیاری و همکاران (۱۳۸۹) در مقاله خود با استفاده از تکنیک تاپسیس به تعیین درجه توسعه یافتگی شهرستان های استان خراسان رضوی پرداخته اند و بیان کرده اند که در بین ۱۹

۱ - Kaiser

۲ - Bartlett

۳ - Scree test

شهرستان موجود، شهرستان مشهد با رتبه ۱ و شهرستان خلیل آباد با رتبه ۱۹ در سطوح توسعه یافتگی قرار دارند که ضریب پراکندگی در این رتبه بندی ۰/۳ بوده است. تقوایی (۱۳۸۶) در مقاله خود با استفاده از روش شاخص مرکزیت به چگونگی توزیع امکانات و خدمات در دهستان های استان چهارمحال و بختیاری پرداخته است و نتیجه گرفته است که برخوردارترین دهستان ها مربوط به مناطق شهرکرد، بروجن و سامان و کمترین مربوط به میانکوه موگویی، دوآب و بازفت می باشد.

نسترن و همکاران (۱۳۸۹) در مقاله خود با استفاده از تکنیک تاپسیس به تحلیل و اولویت بندی توسعه پایدار مناطق شهری اصفهان پرداخته است. وی در این تحقیق با استفاده از ۲۱ شاخص سطوح توسعه را برای شهر اصفهان بررسی کرده است.

روش تحقیق

روش بررسی این پژوهش مبتنی بر رویکرد توصیفی- تحلیلی است. در زمینه جمع آوری اطلاعات مورد نیاز از روش کتابخانه ای استفاده شده است. به منظور تعیین درجه توسعه یافتگی شهرستان های استان مورد مطالعه، با توجه به اهمیت شاخص ها و همچنین محدودیت دسترسی به آنها، ۸۴ متغیر در قالب شاخص های زیربنایی، بهداشتی، فرهنگی، توسعه روستایی، جمعیتی، مسکن، کشاورزی، شاخص کلی (اقتصادی) و شاخص های آموزشی جمع آوری شده است که از سالنامه سال ۱۳۹۵ مرکز آمار استخراج گردیده است. آن گاه با بهره گیری از مدل تاپسیس رتبه شهرستان ها ابتدا در هر یک از بخش های توسعه و نهایتاً در قالب شاخص های تلفیقی تعیین گردیده و سپس نتایج به دست آمده مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است. تکنیک تاپسیس به عنوان یکی از اعضای خانواده MCDM یا تکنیک های تصمیم گیری چند معیاره، امروزه در رتبه بندی مفاهیم مختلف در علوم گوناگون جایگاه ویژه ای یافته است که مهمترین دلیل آن را می توان منطق ریاضی و شفاف و نیز عدم مشکلات اجرایی آن دانست. استفاده از پاره ای از فنون در این خانواده (مانند تحلیل سلسله مراتبی داده ها) نیازمند تعدیلاتی در رفت و برگشت و تبادل داده با متخصصان است که عموماً به علت دسترسی نداشتن به اطلاعات منجر به عدم روایی و پایایی تحقیقات می گردد. اما روش تاپسیس به خاطر عدم مقایسه زوجی و استفاده از رتبه های دقیق کمی، این مشکل را مرتفع می سازد. به علاوه، تعدد معیارهای واحدهای مورد مقایسه نیز

منجر به مشکلاتی در تصمیم گیری به وسیله عموم تکنیک ها می شود، که به هر حال اینها در تکنیک تاپسیس بروز نمی کنند. در نهایت جبرانی بودن این تکنیک با هدف ارائه رتبه بندی معقول و متناسب با برداشت ذهنی متخصصان، توجه کننده استفاده از این تکنیک قدرتمند است.

جدول (۱): شاخص های مورد استفاده در تحقیق

شاخص های مورد استفاده	
تراکم نسبی جمعیت، معکوس میزان یا درصد مرگ و میر در شهرستان، معکوس درصد باروری در شهرستان و متوسط رشد جمعیت.	جمعیتی
نسبت معلم به دانش آموز در مقطع ابتدایی، نسبت معلم به دانش آموز در مقطع راهنمایی، نسبت معلم به دانش آموز در متوسطه، نسبت کلاس به دانش آموز در مقطع ابتدایی، نسبت کلاس به دانش آموز در راهنمایی، نسبت کلاس به دانش آموز در متوسطه، تعداد دانش آموزان به کل جمعیت، تعداد دانش آموزان به جمعیت بالای ۱۰ سال شهرستان، نسبت دانش آموزان دختر به پسر شهرستان، درصد شاغلان شهرستان برطبق سواد، درصد باسوادان شهرستان، نسبت باسوادان با تحصیلات عالی به کل باسوادان و درصد زنان باسواد.	آموزشی
سرانه پزشک برای هر ۱۰۰۰ نفر جمعیت، سرانه دندانپزشک برای هر ۱۰/۰۰۰ نفر جمعیت، سرانه آزمایشگاه برای هر ۱۰/۰۰۰ نفر جمعیت، سرانه تخت بیمارستان برای هر ۱۰/۰۰۰ نفر جمعیت، سرانه شاغلان بخش بهداشت و درمان برای هر ۱۰/۰۰۰ نفر جمعیت، سرانه داروساز برای هر ۱۰/۰۰۰ نفر جمعیت، سرانه پیراپزشک برای هر ۱۰/۰۰۰ نفر جمعیت، سرانه داروخانه برای هر ۱۰/۰۰۰ نفر جمعیت، سرانه کارشناس برای هر ۱۰/۰۰۰ نفر جمعیت، سرانه روانشناس برای هر ۱۰/۰۰۰ نفر جمعیت، سرانه جمعیت.	بهداشتی - درمانی
درصد مسکن های بادوام، معکوس مسکن های کم دوام، نسبت پروانه های ساختمانی دو طبقه و بیشتر به کل پروانه های صادر شده، معکوس مسکن های دارای ۱ اتاق، نسبت مسکن های دارای چهار اتاق و بیشتر، نسبت واحدهای مسکونی تک خانواری و معکوس واحدهای مسکونی چهارخانواری.	مسکن
درصد باسوادی شاغلان بخش کشاورزی، نسبت سطح زیر کشت به مساحت شهرستان، عملکرد در هکتار گندم آبی، عملکرد در هکتار جو آبی، عملکرد در هکتار گندم دیم، عملکرد در هکتار جو دیم، نسبت سطح زیر کشت آبی به کل سطح زیر کشت، سرانه ماکیان به ازای هر بهره بردار، تعداد تراکتور برای هر صد هکتار کشت، تعداد دروگر برای هر هزار هکتار سطح زیر کشت، نسبت سطح زیر کشت به مساحت شهرستان، نسبت سطح زیر کشت آبی به بهره بردار.	کشاورزی
نسبت کل راه ها به مساحت شهرستان، نسبت راه های آسفالت به کل راه های شهرستان، نسبت راه های آسفالت به مساحت شهرستان، نسبت کل راه ها برای هر ۱۰/۰۰۰ نفر جمعیت، نسبت راه های آسفالت برای هر ۱۰/۰۰۰ نفر جمعیت، نسبت راه های شهرستان به مساحت استان، نسبت راه های جاده ای به مساحت شهرستان.	زیر بنایی
میزان یا درصد باسوادی در مناطق روستایی شهرستان، میزان باسوادی زنان روستایی، درصد روستاهای برق رسانی شده، درصد روستاهای گاز رسانی شده، نسبت کل راه های روستایی به کل راه های شهرستان، نسبت	توسعه و عمران روستایی

شاخص های مورد استفاده	
راه های روستایی آسفالت به کل راه های روستایی، نسبت کل راه های روستایی به مساحت شهرستان.	
شاخص های درصد اشتغال، میزان فعالیت، معکوس بار تکفل، نسبت مساحت شهرستان به مساحت استان، درصد اشتغال زنان، نسبت شاغلان بخش صنعت به کل شاغلان.	اقتصادی
نسبت کتابخانه به ازای هر ۱۰/۰۰۰ نفر جمعیت، تعداد کتاب ها به جمعیت باسواد شهرستان، نسبت اعضای کتابخانه به جمعیت باسواد شهرستان، نسبت مساجد و حسینیه ها به ازای هر ۱۰/۰۰۰ نفر جمعیت شهرستان، نسبت تماشاگر سینما و تئاتر به کل جمعیت، سرانه سینما و تئاتر برای هر ۱۰/۰۰۰ نفر جمعیت شهرستان، درصد باسوادی زنان در شهرستان، نسبت زنان دارای تحصیلات عالی به مردان دارای تحصیلات عالی.	فرهنگی

تکنیک تاپسیس

برای رتبه بندی بخش های مختلف اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی روش های مختلفی وجود دارد که الزاماً جواب های یکسانی در پی ندارند. یکی از این روش های رتبه بندی که دارای قدرت بالایی در تفکیک گزینه هاست، «تکنیک رتبه بندی ترجیحات براساس شباهت شان به راه حل ایده آل ۱» است که به صورت اختصار با نام تاپسیس شناخته می شود. این روش از جمله روش های فاصله محور است که اولین بار هوانگ و یون^۲ (۱۹۸۱) آن را ارائه کردند. مفروضات زیربنایی این روش عبارتند از:

۱. برای هر شاخص می بایست همواره مقادیر بالاتر، بهتر باشند و مقادیر پایین تر، بدتر، یا برعکس؛ به این معنی که مطلوبیت هر شاخص با افزایش مقدار، به طور یکنواخت افزایش و یا کاهش یابد.
۲. فاصله هر گزینه از ایده آل (یا از ایده آل منفی) ممکن است به صورت فاصله اقلیدسی (از توان دوم) یا به صورت مجموع قدر مطلق از فواصل خطی (معروف به فواصل بلوکی) محاسبه گردد، که این امر بستگی به میزان تبادل و جایگزین در بین شاخص ها دارد (اصغرپور، ۱۳۸۱: ۲۶۰-۲۶۲).

۱ - Technique for Order Preferenes by Similarity to Ideal Solution

۲ - Hwang and Yoom

الف) الگوریتم تکنیک تاپسیس

قدم یکم - تبدیل ماتریس تصمیم گیری موجود به ماتریس «فاقد مقیاس» با استفاده از فرمول:

$$n_{ij} = \frac{r_{ij}}{\sqrt{\sum_{i=1}^m r_{ij}^2}}$$

قدم دوم - ایجاد ماتریس «فاقد مقیاس موزون». برای این کار ماتریس ایجاد شده در مرحله پیشین در وزن هر کدام از معیارها (بردار W) ضرب می شود تا ماتریس فاقد مقیاس موزون به دست آید. بدین

$$v = N_{DW_{n \times n}} = \begin{vmatrix} V_{11}, \dots & V_{1j}, \dots & V_{1n} \\ \vdots & \vdots & \vdots \\ V_{m1}, \dots & V_{mj}, \dots & V_{nm} \end{vmatrix} W = \{w_1, w_2, \dots\} \approx$$

ترتیب:

(DM

از

(مفروض

ب) ماتریس بی مقیاس شده وزین

در واقع N_D ماتریسی است که امتیازات شاخص های در آن، «بی مقیاس» و قابل مقایسه شده است، و $W_{n \times n}$ ماتریسی است قطری که فقط عناصر قطر اصلی آن غیر صفر خواهند بود. قدم سوم - مشخص کردن راه حل ایده آل و راه حل ایده آل منفی:

برای گزینه ایده آل A^+ و برای گزینه ایده آل منفی A^- را تعریف می کنیم:

$$A^+ = \left\{ (\max_{ij} v_{ij} \mid j \in J), (\min_{ij} v_{ij} \mid j \in J') \mid i = 1, 2, \dots, m \right\}$$

$$= \{v_1^+, v_2^+, \dots, v_j^+, \dots, v_n^+\}$$

$$A^- = \left\{ (\min_{ij} v_{ij} \mid j \in J), (\max_{ij} v_{ij} \mid j \in J') \mid i = 1, 2, \dots, m \right\}$$

$$= \{v_1^-, v_2^-, \dots, v_j^-, \dots, v_n^-\}$$

قدم چهارم - محاسبه اندازه جدایی (فاصله):

فاصله گزینه i ام با ایده آل، با استفاده از روش اقلیدسی بدین قرار است:

$$d_{i+} = \left\{ \sum_{i=1}^n (v_{ij} - v_j^+)^2 \right\}^{0/5}; i = 1, 2, \dots, m$$

$$d_{i-} = \left\{ \sum_{i=1}^n (v_{ij} - v_j^-)^2 \right\}^{0/5}; i = 1, 2, \dots, m$$

قدم پنجم - محاسبه نزدیکی نسبی A_i به راه حل ایده آل:

این نزدیکی نسبی بدین صورت تعریف می شود:

$$cl_{i+} = \frac{d_{i-}}{d_{i+} + d_{i-}}; 0 \leq cl_{i+} \leq 1; i = 1, 2, \dots, m$$

ملاحظه می شود که چنانچه $A_i = A^+$ شود، آن گاه $d_i = 0$ است و خواهیم داشت:

$cl_{i+} = 1$ و در صورتی که $A_i = A^-$ ، آن گاه $d_i = 0$ و $cl_{i+} = 0$ خواهد شد. بنابراین

هر اندازه گزینه A_i به راه حل ایده آل (A^+) نزدیک تر باشد، ارزش cl_{i+} به واحد نزدیک تر خواهد بود.

قدم ششم - رتبه بندی گزینه ها:

بر اساس ترتیب نزولی می توان گزینه های موجود را از مسئله مفروض رتبه بندی کرد.

ج) روش ضریب پراکندگی

یکی از روش های اساسی برای به دست آوردن نابرابری منطقه ای، روش ضریب پراکندگی است. با استفاده از این روش می توان مشخص نمود که هر شاخص تا چه حد به طور نامتعادل در بین مناطق توزیع شده است. ساختار کلی فرمول بدین شرح است (کلاتری، ۱۳۷۷: ۱۲۹).

$$CV = \frac{\sqrt{\sum_{i=1}^n (x_i - \bar{x})^2}}{\sum_{i=1}^n x_i}$$

در رابطه ذکر شده،

CV: ضریب پراکندگی،

\bar{x}_i : برابر با مقدار یک متغیر در منطقه ای خاص،

\bar{x} : برابر است با مقدار متوسط همان متغیر،

n: تعداد مناطق.

مقدار بالای ضریب پراکندگی (CV) نشان دهنده نابرابری بیشتر در توزیع شاخص ها در بین مناطق است.

شناخت محدوده مورد مطالعه

استان چهارمحال و بختیاری ۱۶۴۰۳ کیلومتر مربع وسعت دارد و ۰/۸ درصد از خاک کشور ایران را در بر می گیرد. این استان در ۳۱ تا ۳۳ درجه عرض شمالی و ۴۹ تا ۵۱ درجه طول شرقی از نصف النهار گرینویچ واقع شده است. به موجب سرشماری سال ۱۳۹۵ جمعیت این استان ۸۷۷۹۱۰ نفر برآورد شده است که متوسط نرخ رشد جمعیت ۱/۱ نفر می باشد. استان چهارمحال و بختیاری به مرکزیت شهر، شهرکرد دارای ۶ شهرستان، ۱۷ بخش، ۲۶ شهر و ۳۹ دهستان دارد.

یافته های تحقیق

جدول ۲، رتبه بندی شهرستان ها را در بخش های مختلف با توجه به شاخص اولویت (Ci) و درجه توسعه یافتگی در سال ۱۳۹۵ نشان می دهد. همانگونه که ملاحظه می شود، براساس داده های آماری شاخص های مختلف سال ۱۳۸۵ در خصوص بخش های آموزشی، زیربنایی، کشاورزی، اقتصادی، توسعه روستایی، فرهنگی، بهداشتی، مسکن و جمعیتی، شهرستان شهرکرد رتبه ۱ را کسب کرد. همچنین در انتهای طیف رتبه بندی روش TOPSIS، شهرستان کوهرنگ قرار می گیرد.

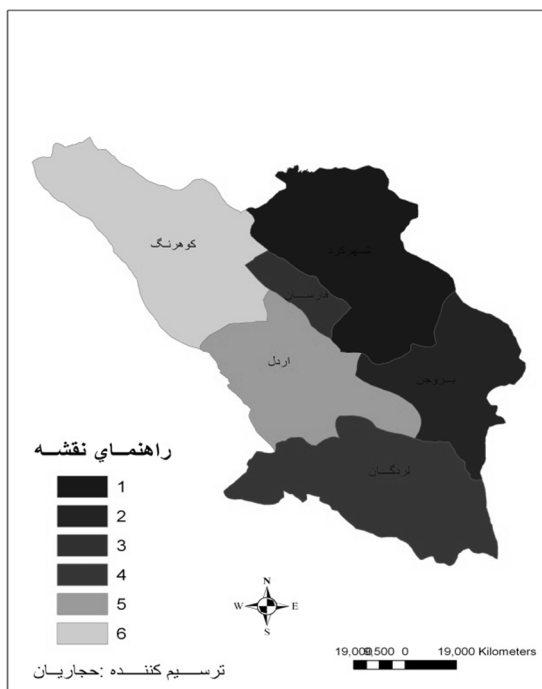
جدول (۲) رتبه بندی شهرستان های استان چهارمحال و بختیاری در شاخص های تلفیقی براساس شاخص اولویت

رتبه	شهرستان	فاصله از ایده آل مثبت	فاصله از ایده آل منفی	شاخص اولویت
۱	شهرکرد	۰/۲۵۷	۰/۰۲۵۹۲	۰/۵۱۸
۲	بروجن	۰/۰۲۷۵۲	۰/۰۲۰۹۱۸	۰/۴۷۸
۳	فارسان	۰/۰۲۵۱۳	۰/۰۲۰۸۱۵	۰/۴۳۸
۴	لردگان	۰/۰۲۴۴۹۸	۰/۰۱۹۵۲۱	۰/۴۳۱
۵	اردل	۰/۰۲۰۱۶۲	۰/۰۱۳۴۵۱	۰/۳۹۳
۶	کوهرنگ	۰/۰۱۸۶۷۳۴	۰/۰۱۰۵۲۱	۰/۲۹۳

مطابق جدول ۲، با توجه به اینکه رتبه بندی براساس شاخص های تلفیقی در بخش های مختلف توسعه صورت گرفته است، شهرستان شهرکرد رتبه ۱ و شهرستان کوهرنگ رتبه ۶ را در بین شهرستان های استان دارد. در بین شهرستان های محدوده مورد مطالعه، نابرابری و ناهمگنی از

نظر شاخص های انتخابی کاملاً مشهود است. بدیهی است که برخی از شهرستان ها به لحاظ منابع حیاتی، نقاطی مستعد با پتانسیل هایی جدی و فراوان اند، اما به دلیل برنامه ریزی های گاه غیر اصولی و تخصیص ناعادلانه اعتبارات و امکانات توسعه، در انتهای طیف رتبه بندی قرار گرفته اند. بنابراین دلیل اصلی آن به کارگیری الگوهای توسعه با نگاه و رویکرد مرکزگرا است، به نحوی که در برنامه ریزی های منطقه ای، سکونتگاه های پیرامونی صرفاً نقش ناظر رشد و توسعه مرکز را ایفا می کنند. به عبارتی دیگر، سهم عظیمی از سرمایه گذاری ها را مرکز استان (شهرستان شهرکرد) به خود اختصاص داده است و مقدار اندکی از سرمایه گذاری ها و منابع توسعه نصیب سکونتگاه های پیرامونی شده است.

نقشه شماره (۱) توزیع نابرابری شهرستان های استان چهارمحال و بختیاری



افزون بر اینها، رتبه شهرستان ها در بخش های مختلف توسعه نیز یکسان نیست، به طوری که ضریب پراکندگی به دست آمده در بخش اقتصادی و مسکن به ترتیب با مقادیر ۰/۱۴ و ۰/۱۵ کمترین و بخش های آموزشی و کشاورزی با مقادیر ۰/۵۱۶ و ۰/۴۲۸ بیشترین ضریب پراکندگی

را به خود اختصاص داده که بیانگر وجود نابرابری و تفاوت در شاخص های متعدد بخش های مختلف به صورت مجزاست. (جدول شماره ۳)

جدول (۳) ضریب تغییرات شاخص های ۹ گانه در شهرستان های استان چهارمحال و بختیاری

شاخص ها	ضریب تغییر	شاخص ها	ضریب تغییر	شاخص ها	ضریب تغییر
آموزشی	۰/۵۱۸	جمعیتی	۰/۲۱۶	فرهنگی	۰/۲۲۵
زیربنایی	۰/۲۵۳	مسکن	۰/۲۱	بهداشتی	۰/۱۵۹
کشاورزی	۰/۴۲۸	اقتصادی	۰/۲۱۹	توسعه روستایی	۰/۱۴۷

جدول (۴): رتبه بندی شهرستان های چهارمحال و بختیاری در بخش های مختلف در سال ۱۳۹۳

رتبه	شهرستان	آموزشی		زیربنایی		کشاورزی		فرهنگی		بهداشتی		توسعه روستایی		جمعیتی		مسکن		اقتصادی			
		رتبه	شاخص اولویت	رتبه	شاخص اولویت	رتبه	شاخص اولویت	رتبه	شاخص اولویت	رتبه	شاخص اولویت	رتبه	شاخص اولویت	رتبه	شاخص اولویت	رتبه	شاخص اولویت	رتبه	شاخص اولویت	رتبه	شاخص اولویت
۱	بروجن	۳	۰/۳۳۵	۲	۰/۵۳۲	۴	۰/۲۹۹	۲	۰/۲۷۸	۲	۰/۴۱۲	۲	۰/۴۰۱	۲	۰/۶۱۲	۳	۰/۴۹۷	۲	۰/۴۸۹	۲	۰/۴۸۹
۲	شهرکرد	۱	۰/۵۱۳	۱	۰/۶۷۵	۱	۰/۵۵۳	۱	۰/۲۹۳	۱	۰/۴۱۳	۱	۰/۴۲۹	۱	۰/۷۶۱	۱	۰/۵۳۳	۱	۰/۵۲۶	۱	۰/۵۲۶
۳	فارسان	۴	۰/۳۳۳	۳	۰/۴۹۲	۲	۰/۲۰۱	۵	۰/۱۷۵	۵	۰/۳۶۵	۵	۰/۲۹۸	۵	۰/۵۳۳	۴	۰/۴۲۹	۴	۰/۳۸۰	۵	۰/۳۸۰
۴	لردگان	۵	۰/۲۹۹	۴	۰/۴۵۱	۳	۰/۵۲۲	۳	۰/۳۳۵	۳	۰/۴۲۹	۳	۰/۳۲۷	۴	۰/۶۶۳	۲	۰/۳۸۱	۵	۰/۴۵۱	۴	۰/۴۵۱
۵	اردل	۲	۰/۴۱۷	۵	۰/۳۹۱	۴	۰/۳۱۶	۴	۰/۱۹۸	۴	۰/۳۷۷	۴	۰/۳۵۲	۳	۰/۳۱۵	۵	۰/۴۸۵	۳	۰/۴۲۲	۳	۰/۴۲۲
۶	کوهرنگ	۶	۰/۲۳۱	۶	۰/۳۲۵	۵	۰/۲۵۵	۶	۰/۱۴۲	۶	۰/۲۹۹	۶	۰/۲۳۱	۶	۰/۲۷۹	۶	۰/۳۵۲	۶	۰/۲۶۳	۶	۰/۲۶۳

نتیجه گیری

امروزه اقتصاددانان طرفدار رشد متوازن در مناطق مختلف کشور، معتقدند که نظریه قطب رشد پویا نه تنها در کاهش و رفع نابرابری های منطقه ای کشورهای توسعه نیافته موفق نبوده، بلکه باعث تشدید آن نیز شده است. از این روست که ضرورت برنامه ریزی منطقه ای صحیح به منظور رسیدن به توسعه متوازن توصیه می شود. مطابق دیدگاه این دسته از اقتصاد دانان، هدف از توسعه متعادل باید ایجاد بهترین شرایط و امکانات برای توسعه جامعه در همه نواحی باشد و تفاوت های زندگی بین ناحیه ای بایستی به حداقل برسد و نهایتاً از بین رود. نخستین قدم در برنامه ریزی منطقه ای شناسایی وضع موجود آن مناطق است؛ و این شناسایی خود مستلزم تجزیه و تحلیل بخش های مختلف اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی است. برای تخصیص اعتبارات و منابع میان مناطق مختلف، شناسایی جایگاه منطقه در بخش های مربوط، و رتبه بندی سطوح بهره مندی از مواهب توسعه، ضروری است.

برای رتبه بندی بخش های مختلف اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی، روش های مختلفی وجود دارد که الزاماً جواب های یکسانی در پی ندارند. یکی از این روش های رتبه بندی، روش تاپسیس است. در این تحقیق با به کارگیری این تکنیک، شهرستان ها با توجه به شاخص های متعدد آموزشی، فرهنگی، جمعیتی، مسکن، زیربنایی، توسعه روستایی، کشاورزی و بهداشتی به صورت مجزا و ترکیبی از لحاظ توسعه یافتگی رتبه بندی شدند و سپس میزان نابرابری در توزیع امکانات و منابع از طریق روش ضریب پراکندگی مشخص گردید. بنابراین در وهله اول هدف اصلی مقاله حاضر استفاده از تکنیکی نو به منظور رتبه بندی است. اما در وهله بعد چه بسا برتری شهرکرد را به نحوی بتوان با استفاده از داده ها تشخیص داد، اما همواره در تمامی سال ها و نیز در تمامی استان ها وضعیت بدین صورت نخواهد بود.

در موارد دیگری که فاصله ها ناچیز باشند، به گونه ای که امکان تشخیص وجود نداشته باشد، این تکنیک در واقع راهگشای رتبه بندی است. همچنین در رتبه بندی توالی چیدمان تمامی واحدهای مورد بررسی (در اینجا شهرستان) اهمیت می یابد. در اینجا هر چند ممکن است تفوق شهرکرد پیش بینی شدنی باشد، اما رتبه تمامی شهرستان ها در نگاه غیر روش شناسانه تبیین شدنی نیست و این امر تنها با استفاده از روش هایی مانند روش استفاده شده در این تحقیق انجام پذیر است. نتایج به دست آمده از تحقیق حاکی از آن است که شهرستان شهرکرد رتبه ۱ و

شهرستان کوهرنگ رتبه ۶ را بین ۶ شهرستان استان چهار محال و بختیاری کسب کرده و ضریب پراکندگی به دست آمده ۰/۳۶ بوده است، که خود بیانگر وجود تفاوت و شدت نابرابری در میزان بهره مندی از مواهب توسعه است.

در مجموع می توان گفت که شهرستان شهرکرد (مرکز استان)، از طریق جذب فرصت های اقتصادی و اجتماعی، امکانات، رفاه و ثروت، نیروی انسانی ماهر و متخصص از نواحی پیرامونی، توسعه و گسترش فراوانی یافته است و تأثیرات پراکنشی و فضایی مفیدی را بر توسعه نواحی پیرامونی از لحاظ توسعه نداشته و چه بسا حتی بر محرومیت نواحی محروم نیز به نوعی افزوده است. به بیان دیگر، به موازات رشد و توسعه مرکز، نواحی پیرامونی آن روند معکوسی را دنبال می کنند، به گونه ای که نوعی واگرایی و عدم تجانس بین نواحی در ساختار توسعه فضایی استان چهارمحال و بختیاری به چشم می خورد. بنابراین در نهایت می توان اذعان کرد که الگوی حاکم بر ساختار فضایی استان چهارمحال و بختیاری تابع نظام «مرکز - پیرامون» است و با ادامه این روند، شکاف و نابرابری کنونی عمیقتر هم می شود. بدین ترتیب، توجه به برنامه ریزی فضایی، مطالعه شهرستان ها به لحاظ سطح توسعه یافتگی و شناسایی نقاط سکونت گاه های محروم به منظور برنامه ریزی اصولی و ارائه راهبردهای صحیح و اجرایی با هدف نیل به توسعه و پیشرفت متعادل منطقه ای، ضرورتی اجتناب ناپذیر به شمار می آید.

منابع

- پاپلی یزدی، محمدحسین و رجب سناجردی (۱۳۸۲)، **شهر و تئوری های شهری**، انتشارات سمت، تهران.
- تقوایی، مسعود و اصغر نوروزی (۱۳۸۶) **تحلیلی بر نحوه توزیع فضایی امکانات و خدمات روستایی و سطح بندی دهستان های استان چهارمحال و بختیاری**، مجله پژوهشی دانشگاه اصفهان، شماره ۳.
- سن، آماریتا (۱۹۹۸)، **توسعه به مثابه آزادی**، ترجمه ی وحید محمودی، دانشگاه تهران.
- حسینی، میرعبداله (۱۳۷۰) **مقایسه درجه توسعه یافتگی روستایی استان های کشور با استفاده از روش طبقه بندی تاکسونومی**، ماهنامه جهاد، شماره ۱۸۴-۱۸۵، وزارت جهاد سازندگی.
- روزبهان، محمود (۱۳۷۸)، **مبانی توسعه اقتصادی**، انتشارات تابان.

- زیاری، کرامت اله و دیگران (۱۳۸۹)، بررسی و رتبه بندی درجه توسعه یافتگی شهرستان های استان خراسان رضوی با استفاده از تکنیک تاپسیس، مجله پژوهش های جغرافیای انسانی، شماره ۷۷.
- کلاتری، خلیل (۱۳۸۰)، برنامه ریزی توسعه منطقه ای (تئوری ها و تکنیک ها)، تهران، انتشارات خوشبین.
- مرکز آمار ایران (۱۳۹۵)، سالنامه آماری استان چهارمحال و بختیاری.
- معاونت برنامه ریزی استانداری (۱۳۸۵)، دفتر آمار و اطلاعات استان چهارمحال و بختیاری.
- نسترن، مهین و همکاران (۱۳۸۹) کاربرد تکنیک تاپسیس در تحلیل و اولویت بندی توسعه پایدار مناطق شهری، مطالعه موردی مناطق شهری اصفهان، مجله جغرافیا و برنامه ریزی محیطی، شماره ۳۸.
- Bhatia, V.K. & Rai, S. C. (2004), **Evaluation of Socio-Economic Development in Small Areas**, New Dehli.
- Dreze, J. & A. Sen. (1995), **India: Economic Development and Social opportunity**, Oxford University Press.
- Fedorov, L. (2002), **Regional Inequality and Reginal Polarization in Russia**, 1990-99, *World Development*, 30 (3).
- Joao, Oliveria Soares; Manuela Lourenco Marques; Carloesw Manuel & Ferreira Monterio (2001), **A Multivaiate to Uncover Regional Disparities: A Contribution to Improve European Union and Governmental Decisions**.
- Noorbakhsh, F (2003), **Human Development and Regional Disparity in India**, University of Glasgow.
- PBOUNDP, (1999), **Human Development Report of the Islamic Republic of Iran 1999, Plan and Budget Organization of the Government of Iran and the United Nation**, Tehran.

بررسی و تحلیل نقش ترویج و آموزش کشاورزی در توسعه پایدار روستایی

مطالعه موردی: نواحی روستایی استان چهارمحال و بختیاری

دکتر اصغر نوروزی^۱

دکتر داوود مهدوی^۲

خدابخش توکلی^۳

(تاریخ دریافت ۹۶/۱۰/۳۰ - تاریخ تصویب ۹۷/۲/۱۶)

چکیده

در دهه‌های اخیر کاهش شدید جمعیت روستایی کشور و از طرفی تداوم توسعه نیافتگی و در عین حال ناپایداری در ابعاد توسعه رایج، قابل مشاهده است. این در حالی است که نقش و اهمیتی که نواحی روستایی در اشتغال، تولید، صادرات و نهایتاً توسعه ملی دارند، بر کسی پوشیده نیست و ارائه راهبردهای مناسب جهت تحقق توسعه پایدار روستایی اجتناب‌ناپذیر است. از جمله این راهبردها، آموزش و ترویج است که مورد تأکید اندیشه‌های توسعه پایدار نیز می‌باشد. لذا پژوهش حاضر که توصیفی-تحلیلی و مبتنی بر پیمایش است، به بررسی و تحلیل اثرات آموزش‌های ترویجی بر توسعه پایدار روستایی از دیدگاه آموزش‌دیدگان و کارشناسان فعال در این زمینه در استان چهارمحال و بختیاری پرداخته است. جامعه آماری شامل ۵۰۰۰۰ نفر شرکت‌کنندگان در دوره‌های آموزشی و تعداد ۵۲ نفر کارشناسان مرتبط می‌باشد که با استفاده

۱- استادیار گروه جغرافیا دانشگاه پیام نور. تهران- ایران norouzi_1386@yahoo.com

۲- استادیار گروه جغرافیا دانشگاه پیام نور. تهران- ایران dmahdavi@pnu.ac.ir

۳- کارشناس ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی دانشگاه پیام نور Pnu.geo90@yahoo.com

از فرمول کوکران ۳۸۱ نفر از آموزش دیدگان و ۳۱ نفر از کارشناسان به‌عنوان نمونه انتخاب گردید. اطلاعات موردنیاز از طریق پرسشنامه جمع‌آوری و با استفاده از آمار توصیفی و استنباطی تجزیه و تحلیل شده است. نتایج نشان داد که از دیدگاه دو گروه بیشترین اثر مثبت آموزش‌های ترویج کشاورزی بر مجموع شاخص‌های بعد زیست‌محیطی و کمترین تأثیر آن بر گویه‌های بعد اجتماعی توسعه پایدار روستایی بوده است. از نظر آموزش دیدگان کل گویه‌های زیست‌محیطی با میانگین ۳/۳۸ و اقتصادی با ۳/۱۶ در وضعیت تأثیرپذیری بالا و گویه‌های اجتماعی با میانگین ۳/۱۴ در حد متوسط بوده‌اند. از نظر کارشناسان نیز گویه‌های زیست‌محیطی با میانگین ۳/۵۸ تأثیرپذیری بالا، اقتصادی با ۳/۱۵ و اجتماعی با میانگین ۳/۰۵ در وضعیت متوسط قرار دارند.

واژه‌های کلیدی: ترویج و آموزش کشاورزی، توسعه، توسعه پایدار، روستا، چهارمحل و بختیاری

مقدمه و بیان مسئله

اهمیت توسعه روستایی نه تنها به دلیل زندگی گروه عظیمی از جمعیت در این نواحی، بلکه به لحاظ تولید، تأمین نیروی انسانی، اشتغال، صادرات و ارزآوری محصولات و نتیجتاً تحقق توسعه ملی است. از نگاهی دیگر امروزه با توجه به اینکه بسیاری از فقرا در روستاها زندگی می‌کنند و در حالی از بیکاری، نابرابری، عدم دسترسی به خدمات و امکانات، مهاجرت و ... به سر می‌برند و در ارتباط نزدیک با محیط قرار دارند، لزوم توسعه پایدار روستایی نمایان است (پارک^۱ و همکاران، ۲۰۰۸). در این راستا توسعه پایدار روستایی یکی از شقوق توسعه پایدار است که مفهومی چندبعدی و هماهنگ با روندهای جدید اقتصادی و برنامه‌ریزی دارد و بر یکپارچگی محیط طبیعی، ساختارهای اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی در مناطق روستایی تمرکز می‌کند (هیلیگ^۲، ۲۰۰۴: ۱۳۳). همچنین این مفهوم (توسعه پایدار) به عنوان رهیافتی است که در آن «کارآیی، عدالت و پایداری» با هم تلفیق شده‌اند (مسلمی، ۱۳۸۵: ۱۳۳). در این میان راهبردهای مختلفی از جمله برنامه‌ریزی در جهت ترویج و آموزش کشاورزی در زمینه تحقق اهداف توسعه

1 - Park

2 - Heilig

پایدار مطرح شده است. راهبردی که از بدو خلقت همواره از شکل ابتدایی تا پیشرفته امروزی آن همراه بشر بوده و تداوم حیات بر کره زمین را برای او میسر ساخته است.

فلسفه مکتب آموزش ترویج در فرآیند پرورش فرد روستایی، بر سه رکن: تداوم آموزش مؤثر و مفید، تحکیم اراده خودیاری و پرورش حس همیاری در افراد هدف برنامه استوار است. به عبارت دیگر ترویج یک فعالیت آموزشی به منظور انتقال دانش و مهارت‌های تکامل یافته و مفید و مؤثر از منابع بررسی و تحقیق به جوامع روستایی، عشایری و کارگری است. در فرایند ترویج روستایی هدف اصلی تکامل و تعالی روستائیان است و به تبع آن هدف ترویج در بخش کشاورزی فراهم آوردن موجبات ارتقاء سطح زندگی کشاورزان و تأمین رفاه اقتصادی و اجتماعی از طریق آموزش‌های مستمر ترویجی است (شهبازی، ۱۳۸۴). در واقع هدف نهایی آموزش ترویجی، توسعه همه‌جانبه روستائیان بوده (چوهان^۱، ۲۰۰۷) و بر این اساس همه جمعیت روستایی جهان، جامعه هدف آن است (مالکی، ۱۳۹۴: ۱۳۲). با این وجود اگرچه گاهی برنامه‌های آموزش و ترویج کشاورزی را ناکارآمد و نامطلوب تلقی می‌کنند؛ اما نمی‌توان آن را در حال و آینده توسعه نواحی روستایی نادیده گرفت. بر این اساس آموزش‌های ترویجی فرایندی از آموزش غیررسمی است که رو به سوی جمعیت روستایی دارد؛ این جریان آموزشی، راهنمایی‌ها و اطلاعاتی به روستائیان ارائه می‌دهد تا مشکلات خود را حل نمایند. البته هدف اصلی برنامه‌های ترویج به توسعه کشاورزی محدود نمی‌گردد؛ بلکه درصدد رفع سه مشکل اساسی جوامع روستایی جهان سوم یعنی ضعف تولید، عدم برابری در توزیع درآمد و عدم مشارکت روستائیان در فعالیت‌های اجتماعی است (اوکلی و گارفوت، ۱۳۶۷: ۲۷) و از این طریق راه را برای رسیدن به توسعه پایدار روستایی در همه ابعاد و عناصر آن هموار سازد.

در ایران نیز ترویج و آموزش کشاورزی به عنوان یک فعالیت و اقدام در راستای توسعه روستایی و طی سال‌های متمادی مورد توجه بوده و هم‌اکنون نیز همه‌ساله جزء برنامه‌های دولتی و غیردولتی است. چنان که از برنامه اول توسعه (۳۴-۱۳۲۷) این مهم در وزارت کشاورزی مطرح بوده و به مرور تا بعد از انقلاب تقویت شده و با ادغام دو وزارت جهاد سازندگی و کشاورزی، همه فعالیت‌های ترویجی در قالب معاونت ترویج و نظام‌های بهره‌برداری وزارت جهاد کشاورزی

متمرکز شده است (شعبانعلی فمی، ۱۳۸۷).

در استان چهارمحال و بختیاری نیز همواره به دلیل مطرح بودن این استان به عنوان یکی از قطب های دامداری و کشاورزی کشور، دارا بودن سهم قابل توجهی از شاغلین در بخش کشاورزی، جمعیت روستایی ۳۵/۸ درصدی آن (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۵) و ... کماکان راهبرد آموزش و ترویج اجرایی شده است. با این وجود در خصوص ارزیابی نتایج این طرح و میزان اثرگذاری آن پژوهشی مشاهده نشد. لذا ضرورت بررسی تأثیرگذاری و نقش آن بر جامعه روستایی نمایان است. بعلاوه سوق یافتن رویکرد توسعه جوامع روستایی به سمت الگوی توسعه پایدار روستایی و اهمیت راهبرد آموزش و ترویج کشاورزی در این الگو، ضرورت چنین پژوهش هایی را دوچندان می کند. بنابراین پژوهش حاضر به دنبال پاسخگویی به این سؤال است که آیا ترویج آموزش کشاورزی بر توسعه پایدار روستاهای استان چهارمحال و بختیاری تأثیر داشته است؟ در پاسخ به این سؤال، تأثیر آن در ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی تحلیل شده و همچنین تفاوت بین ابعاد مختلف مورد بررسی قرار گرفته است.

پیشینه تحقیق

واکاوی متون مربوطه حاکی است که مطالعات مختلفی در این زمینه انجام گرفته اما تحت عنوان این پژوهش نمونه کاربردی خاصی مشاهده نگردید. برخی پژوهش های مرتبط اعم از خارجی و داخلی به شرح زیر است:

سزگین^۱ (۲۰۱۰) با بررسی عوامل مؤثر بر اثربخشی مروجان کشاورزی در ارزشمندی ترکیه به این نتیجه رسید که تفاوت های منطقه ای، سن، تأهل، دریافت آموزش های ترویجی، تناسب آموزش ها با شغل افراد و تعداد دوره های آموزش تفاوت معنی داری دارد. سوانسون و راجت^۲ (۲۰۱۰) داشتن سیاست های بازار محور را یکی از مهمترین شاخص های یک نظام مطلوب ترویج آموزشی می دانند. ریورا و واندمر^۳ (۲۰۰۵) در مطالعات خود اشاره کردند که در راستای تحقق توسعه کشاورزی، ویژگی های ترویجی آموزش شامل وجود تعامل بین پژوهش و ترویج و

1 - Sezgin

2 - Swanson & Rajalht

3 - Rivera & Mwandemere

اجرای سیاست‌های حمایتی برای توانمندسازی بهره‌برداران ضروری است. وانکلی (۲۰۰۴) روش‌های اجتماعی در ترویج کشاورزی برای کمک به تقویت منابع طبیعی در استرالیا را بررسی و نشان داد شناخت ویژگی‌های اجتماعی بهره‌برداران، در پذیرش فعالیت‌های ترویج کشاورزی و مدیریت منابع طبیعی نقش اساسی دارد و افزایش سطح آگاهی در تقویت پایداری منابع طبیعی تأثیرگذار است. ویر^۲ (۱۹۹۹) به بررسی تأثیر ترویج بر کشاورزی در کشور اتیوپی پرداخت و بر به‌کارگیری رهیافت مدرسه کشاورزی برای توسعه ترویج کشاورزی، به کار بردن الگوهای مشارکتی در دوره‌های آموزشی، کمک به کشاورزان جهت تفکر خلاق، تغییر نقش مروجان در دوره‌های ترویجی از حالت مدرس صرف به ناظر و تسهیلگر فعالیت‌های کشاورزی تأکید دارد.

در بخش مطالعات داخلی نیز ایزدپناه (۱۳۷۵) در بررسی نقش فعالیت‌های ترویجی در عملکرد گندم آبی از دیدگاه کشاورزان منطقه گرگان و گنبد، نتیجه گرفت که بین فعالیت‌های ترویجی و آماده نمودن زمین، ضدعفونی بذر، استفاده از کود، کاهش ضایعات هنگام برداشت و عملکرد آن رابطه معنی‌داری وجود دارد. شهابی و همکاران (۱۳۸۱) به «ارزشیابی اثرات آموزش‌های ترویجی بر خانوارهای روستایی: دامداران شهرستان فریدن - اصفهان» پرداخته‌اند؛ نتایج نشان داد که آموزش‌های ترویجی در ارتقای سطح اطلاعات، آگاهی شغلی و مهارت، به‌کارگیری شیوه‌های نوین دامداری و افزایش خلاقیت و نوآوری، بهبود مدیریت و ایجاد اعتماد به نفس تأثیر بیشتری دارند. عبدالملکی و همکاران (۱۳۸۲) نیز «ارزشیابی اثربخشی دوره‌های آموزشی - ترویجی مرتعداران شهرستان تویسرکان» پرداخته و نشان دادند دوره‌ها از نظر افزایش دانش و آگاهی مرتعداران اثربخش بوده‌اند. دوستی (۱۳۹۰) در پژوهشی نقش ترویج و آموزش کشاورزی در توسعه پایدار را بررسی و بیان می‌دارد که به دلیل دانش محور بودن توسعه پایدار، برنامه‌های آموزش ترویجی امری ضروری است. مالکی (۱۳۹۴) در پژوهشی با عنوان تحلیلی بر عملکرد ترویج و آموزش کشاورزی در استان‌های کشور، به این نتیجه اشاره دارند که به لحاظ برخورداری از خدمات آموزش و ترویج استان‌های کشور در وضعیت مناسبی قرار ندارند و استان‌های سیستان و بلوچستان، هرمزگان و تهران دارای پایین‌ترین ضریب‌اند. نعیمی و همکاران

1 - Vanclay

2 - Weir

(۱۳۹۴) نقش آموزش، ترویج و اطلاع‌رسانی را در توسعه فناوری زیستی کشاورزی از دیدگاه متخصصان مورد بررسی و اشاره دارند که متغیرهای آموزش، ترویج و اطلاع‌رسانی بر توسعه فناوری زیستی کشاورزی تأثیر دارند. همچنین مهربانی (۱۳۹۶) در پژوهشی با عنوان اهمیت آموزش رسمی در ارتقای بهره‌وری نیروی کار در بخش کشاورزی: شواهدی از ایران، منطقه منا و جهان؛ به این نتیجه اشاره دارد که افزایش کمی و کیفی آموزش به رشد بهره‌وری کشاورزی کمک می‌کند.

همچنان که اشاره شد در مطالعات مختلف به تأثیر مثبت آموزش و ترویج در زمینه‌های مختلف اشاره شد؛ اما در این پژوهش، بررسی تأثیر آموزش و ترویج بر توسعه پایدار روستایی و در گستره و مقیاس جغرافیایی یک استان است که تاکنون مطالعه‌ای مشاهده نگردید. با این وجود نتایج مثبت سایر پژوهش‌ها با برخی نتایج این پژوهش نیز هماهنگی دارند.

مبانی نظری

واکاوی ادبیات مورد مطالعه نشان می‌دهد که توسعه پایدار به معنای مدیریت و حفاظت منابع طبیعی پایه و جهت دادن به تحولات تکنولوژی و نهادی است (آسایش، ۱۳۷۴) از نگاهی دیگر و بر اساس گزارش برانت‌لند «توسعه پایدار آن نوع از توسعه است که نیازهای نسل حاضر را بدون به خطر انداختن توان نسل‌های آینده در پاسخگویی به نیازهای خویش، تأمین کند» (WCED, 1987:43)؛ بنابراین توسعه پایدار، فرایند پایدار تغییرات اقتصادی، اجتماعی و محیطی جهت افزایش و ترقی رفاه و خوشبختی طولانی‌مدت کل اجتماع است (موزلی^۱، ۲۰۰۲، ۱۲). در این راستا توسعه پایدار روستایی نیز عبارت است از وحدت میان ابعاد اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و زیست‌محیطی به منظور بالا بردن سطح معیشت و رفاه مردم روستایی؛ که توجه به عوامل زیست‌محیطی از اهمیت بسیاری برخوردار است (ازکیا، ۱۳۸۴: ۲۷). به عبارت دیگر توسعه پایدار روستایی یکی از شقوق توسعه پایدار است که مفهومی چندبعدی دارد و فرآیندی است که طی آن همه ابعاد مختلف اجتماعی، اقتصادی و زیست‌محیطی در جامعه روستایی به صورت هماهنگ و نه تنها برای روستاییان نسل حاضر بلکه برای آیندگان نیز بهبود یابد؛ به طوری که همزمان با

توسعه همه‌جانبه نواحی روستایی، ارزش‌های محیطی روستا نیز حفظ شود (نوری و نوروزی، ۱۳۹۵، ۱۲۶).

این درحالی است که دستیابی به توسعه پایدار روستایی همواره از موضوعات اساسی مطرح در اکثر کشورها بوده (بدری، ۱۳۷۶: ۱۲) و بر اساس نوشته‌های جهانی در زمینه توسعه، اگر کاهش فقر و رفع کمبودهای تغذیه، تأمین حداقل خدمات عمومی، توسعه فرصت‌های شغلی، بالا رفتن درآمد و بهبود بهره‌وری، افزایش تولیدات کشاورزی و مواد غذایی، تأمین امنیت غذایی، انتقال منابع عمومی به روستاها، حفظ توان محیط طبیعی و زیستی و توسعه مشارکت و تقویت اعتمادبه‌نفس جزو اهداف توسعه پایدار روستایی تلقی شوند (Niles, 2007:171; Oseni, 2007:64)، در آن صورت به‌طور منطقی پیوند عمیق بین انسان روستایی با محیط مشخص می‌گردد. پیوند این دو، یعنی توجه به زمین مورد استفاده انسان روستایی و نحوه تأمین نیازهای او، از طریق اشکال مختلف فعالیت که در قالب نظام‌های بهره‌برداری تبلور می‌یابند. با توجه به وجود تعامل عمیق میان توسعه روستایی با توسعه کشاورزی و توسعه ملی، اهداف هم‌پیوندی بین توسعه روستایی با توسعه کشاورزی را بر اساس نظریه توسعه پایدار می‌توان در هشت محور اصلی تأمین نیازهای اساسی، افزایش تولید، کاهش فقر، امنیت غذایی، توسعه فرصت‌های شغلی، مشارکت و اعتمادبه‌نفس، افزایش درآمد و حفظ محیط‌زیست بیان کرد (افتخاری، ۱۳۸۵: ۱۲). از این رو به دلیل به‌هم‌پیوسته بودن نظام‌های توسعه کشاورزی و توسعه روستایی، همچنین توجه به ابعاد اجتماعی، اقتصادی و اکولوژیکی توسعه، پرداختن به موضوع نحوه تأثیرگذاری توسعه کشاورزی و توسعه پایدار روستایی، عینیت می‌یابد. بر این مبنا، راهبرد تلفیقی توسعه کشاورزی توأم با توسعه کشاورز روستایی که از تعامل و برهم‌کنش نظام توسعه‌ی و نظام توسعه روستایی حاصل می‌شود، می‌تواند به توسعه پایدار روستایی منجر شود (بدری و همکاران، ۱۳۹۰: ۳۸).

از طرفی دیگر ترویج آموزش کشاورزی در کشورهای درحال توسعه برای رسیدن به اهداف توسعه کشاورزی و توسعه پایدار روستایی یکی از عناصر ضروری است که بیشتر در قالب نظام‌های دولتی و اخیراً در برخی کشورها به صورت فعالیت‌های ترویج به صورت خصوصی، کشاورزان را تحت آموزش به روش‌های مختلف قرار می‌دهند (مطبعی لنگرودی و شمسایی، ۱۳۹۴: ۱۳۵). در این راستا ترویج را برخی به‌عنوان نظام، بعضی دیگر مکتب و گروهی از آن

به‌عنوان راهبردی جهت دستیابی به توسعه بخصوص توسعه روستایی معرفی کرده‌اند؛ اما استفاده واقعی از واژه ترویج و یا در عمل، نظامی برای اشاعه و تعمیم علوم و یافته‌های دانشگاهی، اصالتاً در سال ۱۸۶۶ توسط دانشگاه‌های کمبریج و آکسفورد و سپس به‌وسیله دیگر مؤسسات آموزشی در انگلستان و سایر کشورها آغاز شد (شهپازی، ۱۳۸۴: ۴۲). در این راستا سوانسون معتقد است که ترویج کشاورزی، یک خدمت یا نظام است که به کشاورزان از طریق روش‌های آموزشی در بهبود روش‌ها و فنون کشاورزی، افزایش کارآیی تولید و درآمد، بهبود سطح زندگی خود و ارتقا استانداردهای اجتماعی زندگی روستایی یاری می‌رساند (مالکی، ۱۳۹۴: ۱۳۲). دونگ^۱ نیز معتقد است که ترویج کشاورزی راه اصلی انتقال فناوری جدید به کشاورزان است و عامل مهمی برای افزایش تولید و توسعه کشاورزی محسوب می‌شود (نظری زاده، ۱۳۹۰: ۲). در حقیقت ترویج و آموزش کشاورزی نوعی آموزش غیررسمی به روستائیان و علاقه‌مندان به کشاورزی برای آشنایی و استفاده از فناوریهای نو جهت افزایش تولید و بهره‌وری و درآمد و ارتقای سطح زندگی در بخش کشاورزی و رسیدن به اهداف توسعه کشاورزی و توسعه پایدار روستایی است. همچنان که در کنفرانس جهانی تحول کشاورزی و توسعه روستایی (۱۹۷۹)، بر اولویت بررسی وضعیت تحقیق و ترویج و آموزش در خصوص توسعه روستایی و حذف فقر از این جوامع و توجه آن‌ها به سمت پذیرش نوآوری و پیشرفت‌های فنی مناسب تأکید شد و دولت‌ها را به اجرای سیاست‌های آموزشی مقید نمود (معززی، ۱۳۹۵: ۷۶)؛ بنابراین با عنایت به مباحث پیشین می‌توان چنین اذعان کرد که هدف ترویج کشاورزی رسیدن به اهداف توسعه کشاورزی و نتیجتاً توسعه پایدار روستایی است.

روش‌شناسی

این پژوهش از نوع کاربردی و روش آن توصیفی-تحلیلی و مبتنی بر پیمایش است. جامعه آماری پژوهش شامل دو گروه الف)- روستائیان آموزش‌دیده در تمامی روستاهای شهرستان‌های تابع استان چهارمحال و بختیاری (۵۰۰۰۰ نفر) که طی ۵ سال از ابتدای سال ۱۳۹۰ تا پایان سال ۱۳۹۴ در کلاس‌های ترویج و آموزش کشاورزی که توسط مدیریت ترویج کشاورزی سازمان

جهاد کشاورزی استان برگزار شده و ب) کارشناسان و متخصصان شاغل در سازمان جهاد کشاورزی استان چهارمحال و بختیاری (۵۱ نفر) می‌باشند که بر اساس فرمول کوکران از بین آموزش‌دیدگان تعداد ۳۸۱ نمونه و به روش نمونه‌گیری تصادفی و خوشه‌ای در سطح شهرستانی انتخاب گردید و همچنین از بین کارشناسان و متخصصین تعداد ۳۱ نفر انتخاب شده‌اند. اطلاعات گردآوری شده نیز به وسیله نرم‌افزارهای EXCEL و SPSS24 مورد تجزیه تحلیل قرار گرفت. روایی پرسشنامه‌ها پس از توزیع بین کارشناسان و صاحب‌نظران تأیید و با استفاده از آلفای کرونباخ پایایی آن محاسبه گردید. نتیجه محاسبه ضریب پایایی برای ۲۰ سؤال ابعاد اقتصادی ۰/۷۴، برای ۲۰ سؤال ابعاد اجتماعی ۰/۸۵، برای ۱۴ سؤال ابعاد زیست‌محیطی ۰/۹۱ به‌دست آمده است.

جدول ۱- تعداد نمونه‌ها به تفکیک شهرستان

شهرستان	تعداد روستا	آموزش دیدگان	تعداد نمونه
شهرکرد	۸	۳۲۱۰	۲۵
بروجن	۷	۲۷۱۱	۲۱
فارسان	۱۱	۴۲۸۸	۳۳
لردگان	۷۲	۲۰۱۵۰	۱۵۳
اردل	۱۸	۵۹۷۰	۴۵
کوهرنگ	۱۳	۴۲۰۰	۳۳
کیار	۱۳	۴۶۸۵	۳۵
بن	۷	۱۷۰۱	۱۳
سامان	۱۲	۳۰۷۵	۲۳
جمع	۱۶۱	۵۰۰۰۰	۳۸۱

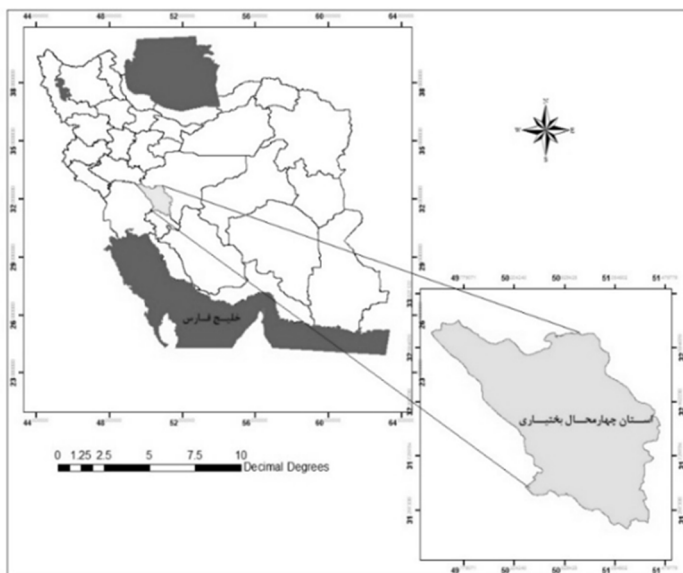
مآخذ: سازمان جهاد کشاورزی استان چهارمحال و بختیاری، ۱۳۹۵ و محاسبات نگارندگان

معرفی اجمالی منطقه مورد مطالعه

منطقه مورد مطالعه استان چهارمحال و بختیاری بوده که در جنوب غرب ایران در محدوده کوه‌های زاگرس بین استان‌های لرستان، اصفهان، خوزستان و کهگیلویه و بویراحمد واقع شده است. این استان بین ۳۱ درجه و ۹ دقیقه تا ۳۲ درجه و ۴۹ دقیقه عرض شمالی و ۴۹ درجه و ۲۹

دقیقه تا ۵۱ درجه و ۲۶ دقیقه طول شرقی از نصف‌النهار گرینویچ واقع است (شکل ۱). بر اساس آخرین تقسیمات سیاسی دارای ۹ شهرستان، ۴۰ شهر، ۲۵ بخش، ۵۰ دهستان و ۷۶۶ آبادی مسکونی است. مساحت آن بر اساس آخرین برآورد انجام گرفته حدود ۱۶۴۱۱ کیلومتر مربع بوده که تقریباً یک درصد مساحت کل کشور را شامل می‌شود. در سال ۱۳۹۵ جمعیت استان ۹۴۷۷۶۳ نفر بوده که ۶۴ درصد ساکن مناطق شهری و ۳۵/۸ درصد در نقاط روستایی سکونت داشته‌اند. مابقی نیز غیر ساکن بوده‌اند (معاونت برنامه‌ریزی استانداری استان چهارمحال و بختیاری، ۱۳۹۵).

شکل ۱- موقعیت جغرافیایی استان چهارمحال و بختیاری در کشور



یافته‌های تحقیق

– یافته‌های توصیفی

یافته‌های توصیفی مربوط به ویژگی‌های فردی گروه آموزش دیدگان نشان داد که ۸۴/۷٪ را مردان و ۱۵/۳٪ را زنان تشکیل داده‌اند. ۷۶/۴ درصد پاسخگویان متأهل و ۲۱/۶ درصد از آن‌ها مجرد بوده‌اند. به لحاظ سنی، ۹/۴ درصد، در دامنه ۱۸–۲۵ سال، ۳۶/۴ درصد، ۲۶ تا ۳۵ سال، ۳۱/۳ درصد، ۳۶ تا ۴۵ و ۱۷٪ تا ۴۶٪، ۵۵ تا ۵۹ سال، ۵/۱ درصد ۵۶ تا ۶۵ سال و ۰/۸ درصد بالاتر از ۶۵

سال قرار داشته‌اند. همچنان که مشخص است بالاترین درصد مربوط به رده سنی ۲۶-۴۵ سال است و نشان از استقبال کشاورزان جوان و میان‌سال از این دوره‌ها می‌باشد. میزان تحصیلات پاسخگویان ۷/۴ درصد بی‌سواد و مابقی باسواد بوده‌اند و از حیث سطح باسواد می‌توان تحصیلات ابتدایی تا سیکل ۳۷/۹ درصد، دیپلم با ۳۵/۱ درصد، فوق‌دیپلم و لیسانس ۱۷/۰ درصد، فوق‌لیسانس و بالاتر ۲/۳ درصد و حوزوی ۰/۳ درصد را شامل شده است. از نظر متوسط درآمد خانوار، ۲۵/۷٪ کمتر از ۵۰۰ هزار تومان درآمد ماهانه، ۳۸/۷٪ بین ۵۰۰ هزار تا ۱ میلیون تومان، ۲۲/۶٪ بین ۱-۱/۵ میلیون، ۸/۱٪ بین ۲-۱/۵ میلیون، ۴/۶ درصد بین ۲ تا ۳ میلیون و ۰/۳ درصد بیشتر از ۳ میلیون درآمد را ذکر کرده‌اند. شغل اصلی ۷۳.۵٪ از نمونه آموزش‌دیدگان، کشاورزی و ۲۶/۵٪ غیر کشاورزی است. در خصوص نحوه برگزاری و مناسب بودن دوره‌های ترویج، ۵۷/۵٪ نحوه برگزاری را زیاد و خیلی زیاد مناسب، ۳۴/۱٪ نحوه برگزاری را متوسط و نزدیک به ۸/۴٪ کم و خیلی کم بیان کرده‌اند. در خصوص نیاز به شرکت در کلاس‌های ترویج ۷۲/۶٪ نیاز به شرکت را زیاد و خیلی زیاد، ۱۸/۱ درصد متوسط و نزدیک به ۹/۴ درصد نیاز به شرکت در کلاس‌ها را کم و خیلی کم بیان کرده‌اند. اثربخشی کلاس‌ها در بخش‌های کشاورزی، از بین پاسخگویان ۹/۴ درصد گزینه کم و خیلی کم، ۲۶/۲ درصد اثربخشی را متوسط، اما نزدیک به ۶۴/۴ درصد زیاد و خیلی زیاد را بیان کرده‌اند.

افزون بر این یافته‌های توصیفی مربوط به ویژگی‌های فردی گروه نمونه کارشناسان و متخصصان نشان داد تعداد پاسخگویان مرد ۸۷/۱٪ و زن ۱۲/۹٪ بوده‌اند. نزدیک به ۷۱٪ پاسخگویان متأهل و ۲۵/۸٪ از آن‌ها مجرد و ۳/۲٪ سایر (مطلقه، فوت) بوده‌اند. افراد بین ۱۸-۲۵ سال ۱۶/۱ درصد، ۲۶-۳۵ سال ۲۹ درصد، ۳۶-۴۵ سال ۱۹/۴ درصد، ۴۶-۵۵ سال ۳۲/۳ درصد، ۵۶-۶۵ سال ۳/۲ درصد بوده‌اند. در خصوص میزان تحصیلات، لیسانس با ۱۹/۴٪، فوق‌لیسانس با ۶۴/۵٪، دکترا ۱۲/۹٪ و حوزوی ۳/۲٪ را نشان می‌دهد. در خصوص نحوه برگزاری و مناسب بودن کلاس‌های ترویج از بین پاسخگویان ۴۸/۴٪ نحوه برگزاری را زیاد و خیلی زیاد مناسب، ۳۵/۵٪ متوسط و نزدیک به ۱۶/۱٪ نحوه برگزاری را کم و خیلی کم بیان کرده‌اند. نیاز به شرکت در کلاس‌های ترویج را ۵۸/۱٪ زیاد و خیلی زیاد، ۲۲/۶٪ متوسط و نزدیک به ۱۹/۳٪ کم و خیلی کم ذکر کرده‌اند. همچنین از حیث اثربخشی کلاس‌ها ۴۱/۹۲٪ گزینه کم و خیلی کم، ۲۹/۰۳٪ اثربخشی را متوسط و نزدیک به ۲۹/۳۰٪ زیاد و خیلی زیاد بیان کرده‌اند.

– یافته‌های تحلیلی

در این بخش نتایج و یافته‌های استنباطی حاصل از تحلیل داده‌ها در دو بخش نمونه آموزش دیدگان و کارشناسان ارائه شده است. لازم به ذکر است که برای تحلیل داده‌ها از آزمون‌های تی تک‌نمونه‌ای (عدد ۳ حد متوسط) و تحلیل واریانس به سنجش اثرات متغیرهای تحقیق یعنی نقش ترویج آموزش کشاورزی بر ابعاد مختلف توسعه پایدار روستایی و تفاوت بین آن‌ها از دیدگاه دو گروه پرداخته شده است.

الف– تحلیل اثرات ترویج و آموزش کشاورزی بر ابعاد مختلف توسعه پایدار روستایی (از دیدگاه آموزش دیدگان)

۱- بعد اجتماعی توسعه پایدار (معیارهای عدالت، روابط اجتماعی، مسئولیت‌پذیری، مشارکت، مهاجرت)

نتایج به دست آمده (جدول ۲) نشان می‌دهد در بعد اجتماعی، زیر معیار عدالت گویه کاهش فاصله طبقاتی بین شهر و روستا با میانگین (۲/۹۳) وضعیت ضعیف، گویه کاهش فقر روستایی با میانگین (۳/۰۷)، حالت متوسط و گویه تغییر و بهبود کیفیت زندگی با میانگین (۳/۱۶) حالت تأثیرپذیری بالا را دارد. در زیرمعیار روابط اجتماعی، هر چهار گویه با توجه به میانگین به دست آمده در شرایط شاخص ترکیبی کل هم در حالت تأثیرپذیری بالا قرار دارد. در زیرمعیار مسئولیت‌پذیری، هر دو گویه با توجه به میانگین آن‌ها در حالت تأثیرپذیری بالا قرار دارند. در زیرمعیار مشارکت، ایجاد مؤسسات مردم‌نهاد با توجه به میانگین (۲/۸۶) در حالت ضعیف، درخواست تشکیل شرکت تعاونی کشاورزی و عضویت در آن با میانگین (۳/۰۶) در حالت متوسط و همچنین سایر گویه‌ها در وضعیت تأثیرپذیری بالا قرار دارند. از زیر معیار مهاجرت، گویه‌های افزایش ماندگاری افراد در روستا با میانگین (۳/۱۱) و سطح معنی‌داری (۰/۰۴۸) و شاخص کل با میانگین (۳/۱۴) و سطح معنی‌داری (۰/۰۰۲) در وضعیت تأثیرپذیری بالا قرار دارند. سایر گویه‌ها با توجه به میانگین به دست آمده در شرایط متوسط قرار دارند.

جدول (۲): نتایج آزمون T در خصوص شاخص‌های بعد اجتماعی (از دیدگاه آموزش دیدگان)

ارزیابی شاخص	۳ = مقدار مفروض					گویه های شاخص اجتماعی	تفسیر	
	فاصله اطمینان ۰/۹۵		اختلاف میانگین	سطح معنی - داری	میانگین			مقدار تی
	حد بالا	حد پایین						
عدالت	ضعیف	۰/۰۵۱	-۰/۱۷۸	-۰/۰۶۳	۰/۲۷۸	۲/۹۳	-۱/۰۸۷	کاهش فاصله طبقاتی در روستا
	متوسط	۰/۱۹۲	-۰/۰۳۹	۰/۰۷۶	۰/۱۹۷	۳/۰۷	۱/۲۹	کاهش فقر در جامعه روستایی
	بالا	۰/۲۷۴	۰/۰۵۶	۰/۱۶۵	۰/۰۰۳	۳/۱۶	۲/۹۷	تغییر و بهبود کیفیت زندگی روستایان
روابط اجتماعی	بالا	۰/۳۵۹	۰/۱۳۹	۰/۲۴۹	۰/۰۰۰	۳/۲۴	۴/۴۵۱	تغییر و بهتر شدن ارتباط بین اهالی
	بالا	۰/۴۱۴	۰/۲۰۱	۰/۳۰۷	۰/۰۰۰	۳/۳۰	۵/۶۷۳	افزایش برخورد محترمانه اهالی باهم
	بالا	۰/۳۳۸	۰/۱۲۰	۰/۲۲۹	۰/۰۰۰	۳/۲۲	۴/۱۳۱	کاهش اختلافات قومی و مالکیتی
	بالا	۰/۵۰۸	۰/۳۰۰	۰/۴۰۴	۰/۰۰۰	۳/۴۰	۷/۶۳۴	افزایش احترام به حقوق افراد در روستا
مسئولیت	بالا	۰/۴۱۵	۰/۱۹۰	۰/۳۰۲	۰/۰۰۰	۳/۳۰	۵/۲۹۹	افزایش پابندی به قوانین و عرف محل
	بالا	۰/۳۷۸	۰/۱۶۱	۰/۲۶۹	۰/۰۰۰	۳/۲۶	۴/۸۹۷	افزایش میزان مسئولیت پذیری اجتماعی
مشارکت	بالا	۰/۲۸۴	۰/۰۴۱	۰/۱۶۲	۰/۰۰۹	۳/۱۶	۲/۶۳۲	ایجاد انگیزه در جوانان برای عضویت در شرکت تعاونی و صندوق اعتباری روستا
	بالا	۰/۲۹۶	۰/۰۵۹	۰/۱۷۸	۰/۰۰۳	۳/۱۷	۲/۹۶۱	افزایش همکاری و تعاون میان مردم
	بالا	۰/۲۷۸	۰/۰۴۱	۰/۱۶۰	۰/۰۰۸	۳/۱۶	۲/۶۶۱	افزایش ارتباط و مشارکت با سازمانهای دولتی
	متوسط	۰/۱۹۲	-۰/۰۵۴	۰/۰۶۸	۰/۲۷۴	۳/۰۶	۱/۰۹۴	افزایش خواست تشکیل شرکت تعاونی کشاورزی و عضویت روستائیان در آن
	بالا	۰/۲۴۶	۰/۰۰۲	۰/۱۲۴	۰/۰۴۵	۳/۱۲	۲/۰۱۳	افزایش مشارکت در اجرای طرحهای عمومی
	ضعیف	-۰/۰۰۲	-۰/۲۶۱	-۰/۱۳۲	۰/۰۴۵	۲/۸۶	-۲/۰۱۱	ایجاد موسسه‌های مردم‌نهاد در روستا
توسعه پایدار	متوسط	۰/۱۸۴	-۰/۰۵۶	۰/۰۶۳	۰/۲۹۹	۳/۰۶	۱/۰۳۹	کاهش مهاجرت روستائیان به شهر
	متوسط	۰/۱۵۸	-۰/۰۸۱	۰/۰۳۸	۰/۵۳۲	۳/۰۳	۰/۶۲۵	کاهش مهاجرت جوانان روستایی
	بالا	۰/۲۳۸	۰/۰۰۱	۰/۱۱۹	۰/۰۴۸	۳/۱۱	۱/۹۸۵	افزایش ماندگاری افراد در روستا
	متوسط	۰/۱۷۳	-۰/۰۷۱	۰/۰۵۰	۰/۴۱۵	۳/۰۵	۰/۸۱۶	کاهش مهاجرت فصلی روستائیان
	متوسط	۰/۱۵۱	-۰/۰۸۵	۰/۰۳۳	۰/۵۸۳	۳/۰۳	۰/۵۴۹	افزایش علاقه‌مندی به سکونت در روستا
	بالا	۰/۲۲۸	۰/۰۵۲	۰/۱۴۰	۰/۰۰۲	۳/۱۴	۳/۷۴۵	شاخص‌های اجتماعی

مأخذ: یافته‌های تحقیق

به‌طور کلی با توجه به میانگین به‌دست آمده از تمام گویه‌ها، ارزیابی نشان داده شاخص ترکیبی کل در حالت تأثیر پذیری بالا قرار دارد. بنابراین با در نظر گرفتن کل شاخص‌های بعد اجتماعی می‌توان چنین بیان داشت که ترویج و آموزش کشاورزی در بعد اجتماعی توسعه پایدار روستایی

نقش مؤثری داشته است.

۲- بعد زیست محیطی توسعه پایدار روستایی (معیارهای حفاظت آب و خاک و حفظ محیط زیست)

با توجه به جدول ۳، در زیر معیار حفاظت آب و خاک با توجه به میانگین به دست آمده، تمام گویه‌ها بیشتر از حد متوسط می‌باشند که این نشان از تأثیر مثبت ترویج و آموزش کشاورزی بر مؤلفه‌های زیست محیطی در تمام گویه‌ها است. همچنین شاخص ترکیبی کل در حالت تأثیر پذیری بالا قرار دارد.

جدول ۳- نتایج آزمون T در خصوص شاخص‌های بعد زیست محیطی (از دیدگاه آموزش دیدگان)

ارزیابی شاخص	۳ = مقدار مفروض					گویه‌های شاخص زیست محیطی	تفسیر	
	فاصله اطمینان ۰/۹۵		اختلاف میانگین	سطح معناداری	میانگین			مقدار تی
	حد بالا	حد پایین						
بالا	۰/۳۴۲	۰/۱۱۰	۰/۲۲۶	۰/۰۰۰	۳/۱۲۲	۳/۸۳۶	تأثیر مثبت آموزش دیدگان	
بالا	۰/۴۴۴	۰/۲۱۶	۰/۳۳۰	۰/۰۰۰	۳/۳۳۳	۵/۷۱۰		
بالا	۰/۵۲۰	۰/۲۹۹	۰/۴۰۹	۰/۰۰۰	۳/۴۰	۷/۳۰۱		
بالا	۰/۳۹۱	۰/۱۵۷	۰/۲۷۴	۰/۰۰۰	۳/۱۲۷	۴/۶۲۳		
بالا	۰/۴۶۸	۰/۲۴۳	۰/۳۵۶	۰/۰۰۰	۳/۳۵	۶/۲۱۵		
بالا	۰/۳۷۹	۰/۱۴۹	۰/۲۶۴	۰/۰۰۰	۳/۲۶	۴/۵۳۵	حفظ محیط زیست	
بالا	۰/۵۳۴	۰/۳۱۵	۰/۴۲۴	۰/۰۰۰	۳/۴۲	۷/۶۴۴		
بالا	۰/۵۰۷	۰/۲۷۵	۰/۳۹۱	۰/۰۰۰	۳/۳۹	۶/۶۴۵		
بالا	۰/۵۸۵	۰/۳۵۱	۰/۴۶۸	۰/۰۰۰	۳/۴۶	۷/۸۵۱		
بالا	۰/۵۹۰	۰/۳۶۰	۰/۴۷۵	۰/۰۰۰	۳/۴۷	۸/۱۴۳		
بالا	۰/۵۶۳	۰/۳۴۲	۰/۴۵۲	۰/۰۰۰	۳/۴۵	۸/۰۳۶		
بالا	۰/۵۱۷	۰/۳۰۱	۰/۴۰۹	۰/۰۰۰	۳/۴۰	۷/۴۵۶		
بالا	۰/۶۰۷	۰/۳۷۴	۰/۴۹۱	۰/۰۰۰	۳/۴۹	۸/۳۰۹		
بالا	۰/۵۳۵	۰/۲۹۹	۰/۴۱۷	۰/۰۰۰	۳/۴۱	۶/۹۳۷		
بالا	۰/۴۷۱	۰/۲۹۹	۰/۳۸۵	۰/۰۰۰	۳/۳۸	۸/۸۰۸		

مأخذ: یافته‌های تحقیق

نتایج جدول فوق نشان داده است که از زیر معیار محیط‌زیست و حفاظت آب‌و‌خاک از شاخص‌های بعد زیست‌محیطی با توجه به میانگین (۳/۳۸) و سطح معنی‌داری کمتر از ۰/۰۵ (۰/۰۰۰) در حالت تأثیرپذیری بالا قرار دارند. به عبارت دیگر آموزش و ترویج بر بعد زیست‌محیطی توسعه پایدار روستایی نقش زیادی دارد.

۳- بعد اقتصادی توسعه پایدار روستایی (معیارهای اشتغال، درآمد، بهره‌وری و تولید و سرمایه‌گذاری)

با توجه به جدول ۴ نتایج نشان داده است که از زیر معیار اشتغال، مؤلفه افزایش اشتغال زنان با میانگین (۲/۹۹) و سطح معنی‌داری (۰/۹۳۸) در شرایط متوسط قرار دارد و سایر مؤلفه‌ها در وضعیت تأثیرپذیری بالا قرار دارند. در زیر معیار بهره‌وری، همه مؤلفه‌ها با توجه به میانگین به دست آمده و سطح معنی‌داری در وضعیت تأثیرپذیری بالا قرار دارند. در زیر معیار تولید مؤلفه‌های بالا رفتن میزان تولید محصولات کشاورزی با میانگین (۳/۴۳) و سطح معنی‌داری (۰/۰۰۰) و کاهش خودمصرفی تولید روستاییان با میانگین (۳/۲۴) و سطح معنی‌داری (۰/۰۰۰) در وضعیت تأثیرپذیری بالا قرار دارند. همچنین سایر مؤلفه‌ها (ایجاد کارگاه‌ها و تعاونی‌ها) با توجه به میانگین آن‌ها در شرایط ضعیف قرار دارند. در زیر معیار درآمد نیز همه مؤلفه‌ها در شرایط متوسطی قرار دارند. در زیر معیار سرمایه‌گذاری، افزایش سرمایه‌گذاری در روستا با توجه به میانگین (۲/۸۸) در وضعیت ضعیف و مؤلفه ورود سرمایه‌گذاران شهری به روستا با میانگین (۲/۷۸) و سطح معنی‌داری (۰/۰۰۱) در وضعیت ضعیف قرار دارد. شاخص کل هم در وضعیت تأثیرپذیری بالا قرار دارد.

جدول ۴- نتایج آزمون T در خصوص شاخص‌های بعد اقتصادی (از دیدگاه آموزش دیدگان)

ارزیابی شاخص	۳ = مقدار مفروض					گروه‌های شاخص اقتصادی	تفاوت	
	فاصله اطمینان ۰/۹۵		اختلاف میانگین	سطح معنا-داری	میانگین			مقدار تی
	حد بالا	حد پایین						
اشتغال	بالا	۰/۴۱۸	۰/۲۰۲	۰/۳۱۰	۰/۰۰۰	۳/۳۱	۵/۶۴۴	افزایش اشتغال
	بالا	۰/۳۶۶	۰/۱۴۲	۰/۲۵۴	۰/۰۰۰	۳/۲۵	۴/۴۴۵	افزایش کارآفرینی
	بالا	۰/۲۹۶	۰/۰۶۹	۰/۱۸۳	۰/۰۰۲	۳/۱۸	۳/۱۷۵	ایجاد فرصت شغلی جدید
	متوسط	۰/۱۲۲	-۰/۱۳۳	-۰/۰۰۵	۰/۹۳۸	۲/۹۹	-۰/۰۷۸	افزایش اشتغال زنان در روستا
	بالا	۰/۲۴۹	۰/۰۱۰	۰/۱۲۹	۰/۰۳۳	۳/۱۲	۲/۱۳۶	آشنا شدن با فعالیت‌جانبی و اشتغال غیرکشاورزی
بهره‌وری	بالا	۰/۴۳۳	۰/۲۱۲	۰/۳۲۳	۰/۰۰۰	۳/۳۲	۵/۷۴۲	کاهش ضایعات محصولات کشاورزی
	بالا	۰/۴۷۲	۰/۲۵۰	۰/۳۶۱	۰/۰۰۰	۳/۳۶	۶/۳۸۹	تغییر روش تولید و بهبود شیوه تولید کشاورزی
	بالا	۰/۴۶۶	۰/۲۳۰	۰/۳۴۸	۰/۰۰۰	۳/۳۴	۵/۸۰۷	تغییر شیوه و اصلاح روش‌های تولیدات دامی
	بالا	۰/۴۶۱	۰/۲۴۶	۰/۳۵۳	۰/۰۰۰	۳/۳۵	۶/۴۷۴	بهبود شیوه‌های نگهداری و انبارداری محصولات
	بالا	۰/۵۳۲	۰/۳۰۶	۰/۴۱۹	۰/۰۰۰	۳/۴۱	۷/۲۹۹	افزایش کیفیت محصولات تولیدی در روستا
تولید	بالا	۰/۵۳۴	۰/۳۲۵	۰/۴۳۰	۰/۰۰۰	۳/۴۳	۸/۰۹۹	بالا رفتن میزان تولید محصولات کشاورزی
	بالا	۰/۳۵۸	۰/۱۳۴	۰/۲۴۶	۰/۰۰۰	۳/۲۴	۴/۳۲۸	کاهش خودمصرفی تولید روستائیان
	ضعیف	-۰/۰۶۳	-۰/۱۸۰	-۰/۰۵۸	۰/۳۴۷	۲/۹۴	-۰/۹۴۱	ایجاد کارگاه‌های تولیدی صنعتی
	ضعیف	۰/۰۳۰	-۰/۲۱۴	-۰/۰۹۱	۰/۱۴۲	۲/۹۰	-۱/۴۷۲	ایجاد تعاونی‌های تولید
درآمد	متوسط	۰/۲۱۸	-۰/۰۱۵	۰/۱۰۱	۰/۰۸۸	۳/۱۰	۱/۷۱۳	افزایش درآمد روستائیان
	متوسط	۰/۲۲۹	-۰/۰۰۵	۰/۱۱۱	۰/۰۶۱	۳/۱۱	۱/۸۷۵	افزایش درآمد سالانه از فعالیت غیرکشاورزی
	متوسط	۰/۲۱۶	-۰/۰۱۲	۰/۱۰۱	۰/۰۸۱	۳/۱۰	۱/۷۴۹	یافتن راه‌های گوناگون کسب درآمد در روستا
	متوسط	۰/۱۲۶	-۰/۱۰۶	۰/۱۰۰	۰/۸۶۴	۳/۰۱	۰/۱۷۲	افزایش پس‌انداز روستائیان
	ضعیف	۰/۰۰۴	-۰/۲۳۸	-۰/۱۱۷	۰/۰۵۸	۲/۸۸	-۱/۹۰۰	افزایش سرمایه‌گذاری در روستا
سرمایه	ضعیف	-۰/۰۹۰	-۰/۳۳۷	-۰/۲۱۳	۰/۰۰۱	۲/۷۸	-۳/۴۰۸	ورود سرمایه‌گذاران شهری به روستا
	بالا	۰/۲۴۴	۰/۰۷۶	۰/۱۶۰	۰/۰۰۰	۳/۱۶	۳/۷۴۵	شاخص اقتصادی

مأخذ: یافته‌های تحقیق

۴- تبیین معناداری تفاوت در ابعاد مختلف توسعه پایدار روستایی از دیدگاه آموزش دیدگان

در ادامه یافته‌های استنباطی جهت بررسی تفاوت معناداری بین ابعاد مختلف توسعه پایدار روستایی در آموزش ترویج کشاورزی، از تحلیل واریانس یک‌طرفه (آزمون F) استفاده شده است. نتایج نشان داده تفاوت بین ابعاد اجتماعی، محیطی و اقتصادی، معنی‌دار بوده است (جدول ۵).

جدول ۵- نتایج آزمون تحلیل واریانس یک‌طرفه برای ابعاد توسعه پایدار روستایی

sig	F	میانگین مربعات	df	مجموع مربعات	واریانس	شاخص‌ها
۰/۰۰۰	۶/۹۴۶	۴/۸۴۹	۹	۶۳/۶۴۴	بین گروهی	اجتماعی
		۰/۶۹۸	۳۸۳	۲۶۷/۳۸۸	درون گروهی	
			۳۹۲	۳۱۱/۰۳۲	مجموع	
۰/۰۰۰	۷/۴۴۷	۴/۸۷۹	۹	۴۳/۹۱۱	بین گروهی	محیطی
		۰/۶۵۵	۳۸۳	۲۵۰/۹۲۵	درون گروهی	
			۳۹۲	۲۹۴/۸۳۶	مجموع	
۰/۰۰۰	۴/۳۸۱	۲/۹۱۸	۹	۲۶/۲۶۵	بین گروهی	اقتصادی
		۰/۶۶۶	۳۸۳	۲۵۵/۱۱۲	درون گروهی	
			۳۹۲	۲۸۱/۳۷۸	مجموع	

مأخذ: یافته‌های تحقیق

ب- تحلیل اثرات ترویج و آموزش کشاورزی بر ابعاد مختلف توسعه پایدار روستایی (از دیدگاه کارشناسان)

۱- بعد اجتماعی توسعه پایدار روستایی (معیارهای عدالت، روابط اجتماعی، مسئولیت‌پذیری، مشارکت، مهاجرت)

با توجه به نتایج جدول ۶، در زیرمعیار عدالت: مؤلفه تغییر و بهتر شدن کیفیت زندگی روستائیان با میانگین (۳/۳۸) و سطح معنی‌داری (۰/۰۵) در وضعیت تأثیرپذیری بالا قرار دارند. مؤلفه‌های کاهش فاصله طبقاتی در روستا با میانگین (۳/۰۰) و سطح معنی‌داری (۰/۹۸۷) و همچنین کاهش فقر در جامعه روستایی با میانگین (۳/۱۶) و سطح معنی‌داری (۰/۴۰۷) حالت متوسط، دارند. در زیر معیار روابط اجتماعی مؤلفه کاهش اختلافات قومی و قبیله‌ای با میانگین (۳/۵۸) و سطح معنی‌داری (۰/۰۰۲) در وضعیت تأثیرپذیری بالا قرار دارد و سایر مؤلفه‌ها با توجه به میانگین

به‌دست آمده و سطح معنی‌داری در حالت متوسط قرار دارند. در زیر معیار مسئولیت‌پذیری هر دو مؤلفه با توجه به میانگین به‌دست آمده و سطح معنی‌داری در وضعیت متوسط قرار دارند. در زیر معیار مشارکت همه مؤلفه‌ها به جزء مؤلفه افزایش درخواست تشکیل شرکت تعاونی کشاورزی و عضویت روستائیان در آن با میانگین (۲/۵۱) و با توجه به سطح معنی‌داری (۰/۰۲۳) که در وضعیت ضعیف‌اند، سایر مؤلفه‌ها در شرایط متوسط قرار دارند. در زیر معیار مهاجرت نیز مؤلفه‌های افزایش علاقه‌مندی به سکونت در روستا با میانگین (۳/۵۸) و سطح معنی‌داری (۰/۰۰۶)، کاهش مهاجرت فصلی روستائیان با میانگین (۳/۴۱) و با توجه به سطح معنی‌داری (۰/۰۵۷) در وضعیت تأثیرپذیری بالا و سایر مؤلفه‌ها در شرایط متوسط قرار دارند. شاخص کل نیز با میانگین (۳/۰۵) و سطح معنی‌داری (۰/۷۰۵) در حالت متوسط قرار دارد.

جدول ۶- نتایج آزمون T در خصوص شاخص‌های بعد اجتماعی (از دیدگاه کارشناسان)

ارزیابی شاخص	۳ = مقدار مفروض					گویه‌های شاخص اجتماعی	میانگین	مقدار تی	میانگین	سطح معناداری	اختلاف میانگین	فاصله اطمینان ۰/۹۵	
	حد بالا	حد پایین	میانگین	مقدار تی									
				مقدار تی	میانگین								
عدالت	متوسط	۰/۵۴۹	-۰/۲۹۱	۰/۱۲۹	۰/۹۸۷	۳/۰۰	۰/۰۰۰	۳/۰۰	۰/۹۸۷	۰/۱۲۹	کاهش فاصله طبقاتی		
	متوسط	۰/۵۲۵	-۰/۲۳۰	۰/۱۶۱	۰/۴۰۷	۳/۱۶	۰/۸۴۱	۳/۱۶	۰/۴۰۷	۰/۱۶۱	کاهش فقر در جامعه روستایی		
	بالا	۰/۷۷۳	۰/۰۰۳	۰/۳۸۷	۰/۰۵۰	۳/۳۸	۲/۰۴۴	۳/۳۸	۰/۰۵۰	۰/۳۸۷	تغییر و بهتر شدن کیفیت زندگی		
رابطه با مسئولان و نهادها	متوسط	۰/۳۵۴	-۰/۳۵۴	۰/۰۰۰	۰/۹۸۹	۳/۰۰	۰/۰۰۰	۳/۰۰	۰/۹۸۹	۰/۰۰۰	تغییر و بهتر شدن ارتباط بین اهالی		
	متوسط	۰/۷۱۶	-۰/۰۰۶	۰/۳۵۴	۰/۰۵۴	۳/۳۵	۲/۰۰۶	۳/۳۵	۰/۰۵۴	۰/۳۵۴	افزایش برخورد محترمانه اهالی روستا با هم		
	بالا	۰/۹۳۲	۰/۲۲۹	۰/۵۸۰	۰/۰۰۲	۳/۵۸	۳/۳۷۴	۳/۵۸	۰/۰۰۲	۰/۵۸۰	کاهش اختلافات قومی و مالکیتی		
	متوسط	۰/۶۳۴	-۰/۰۵۳	۰/۲۹۰	۰/۰۹۵	۳/۲۹	۱/۷۲۴	۳/۲۹	۰/۰۹۵	۰/۲۹۰	افزایش احترام به حقوق افراد		
مسئولیت‌پذیری	متوسط	۰/۶۲۶	-۰/۳۰۳	۰/۱۶۱	۰/۴۸۴	۳/۱۶	۰/۷۰۹	۳/۱۶	۰/۴۸۴	۰/۱۶۱	افزایش پایبندی به قوانین و عرف محل		
	متوسط	۰/۵۵۲	-۰/۲۳۰	۰/۱۶۱	۰/۴۰۷	۳/۱۶	۰/۸۴۱	۳/۱۶	۰/۴۰۷	۰/۱۶۱	افزایش میزان مسئولیت‌پذیری اجتماعی		
مشارکت‌پذیری	متوسط	۰/۵۴۴	-۰/۳۵۱	۰/۰۹۶	۰/۶۶۲	۳/۰۹	۰/۴۴۱	۳/۰۹	۰/۶۶۲	۰/۰۹۶	ایجاد انگیزه در جوانان برای عضویت در شرکت‌های تعاونی و صندوق اعتباری		
	متوسط	۰/۵۷۳	-۰/۳۸۰	۰/۰۹۶	۰/۶۸۲	۳/۰۹	۰/۴۱۴	۳/۰۹	۰/۶۸۲	۰/۰۹۶	افزایش همکاری و تعاون میان مردم		
	متوسط	۰/۵۷۳	-۰/۳۸۰	۰/۰۹۶	۰/۶۸۲	۳/۰۹	۰/۴۱۴	۳/۰۹	۰/۶۸۲	۰/۰۹۶	افزایش ارتباط و مشارکت با سازمانهای دولتی		

ارزیابی شاخص	۳ = مقدار مفروض						گویه‌های شاخص اجتماعی	تذکره
	فاصله اطمینان ۰/۹۵		اختلاف میانگین	سطح معناداری	میانگین	مقدار تی		
	حد بالا	حد پایین						
ضعیف	-۰/۰۷۲	-۰/۸۹۵	-۰/۴۸۳	۰/۰۲۳	۲/۵۱	-۲/۴۰۲	افزایش درخواست تشکیل شرکت تعاونی کشاورزی و عضویت روستائیان در آن	ب ۸ ۱
متوسط	۰/۱۳۳	-۰/۸۴۲	-۰/۳۵۴	۰/۱۴۸	۲/۶۴	-۱/۴۸۵	افزایش مشارکت در اجرای طرحهای عمومی	
متوسط	۰/۰۰۱	-۰/۹۰۴	-۰/۴۵۱	۰/۰۵۰	۲/۵۴	-۲/۰۳۸	ایجاد موسسه‌های مردم‌نهاد در روستا	
متوسط	۰/۰۷۳	-۰/۸۴۷	-۰/۳۸۷	۰/۰۹۷	۲/۶۱	-۱/۷۱۵	کاهش مهاجرت روستائیان به شهر	
متوسط	۰/۱۹۴	-۰/۷۷۵	-۰/۲۹۰	۰/۲۳۱	۲/۷۰	-۱/۲۲۳	کاهش مهاجرت جوانان روستایی	
متوسط	۰/۲۶۳	-۰/۷۱۵	-۰/۲۲۵	۰/۳۵۴	۲/۷۷	-۰/۹۴۲	افزایش ماندگاری افراد در روستا	
بالا	۰/۸۰۷	۰/۰۳۱	۰/۴۱۹	۰/۰۳۵	۳/۴۱	۲/۲۰۸	کاهش مهاجرت فصلی روستائیان	
بالا	۰/۹۷۹	۰/۱۸۱	۰/۵۸۰	۰/۰۰۶	۳/۵۸	۲/۹۷۰	افزایش علاقه‌مندی به سکونت در روستا	
متوسط	۰/۳۷۸	-۰/۲۵۹	۰/۰۵۹	۰/۷۰۵	۳/۰۵	۰/۳۸۲	شاخص اجتماعی	

مأخذ: یافته‌های تحقیق

۲- بعد زیست‌محیطی (معیارهای حفاظت آب‌و خاک و حفظ محیط‌زیست)

با توجه به نتایج جدول ۷، در زیرمعیار حفاظت آب‌و خاک مؤلفه‌های تغییر دیدگاه مردم در استفاده بیشتر از کودهای آلی (حیوانی سبز،...) با میانگین (۳/۷۷) و سطح معنی‌داری (۰/۰۰۱) و افزایش همکاری در جلوگیری از تخریب و فرسایش خاک با میانگین (۳/۵۱) و سطح معنی‌داری (۰/۰۳۷) در وضعیت تأثیرپذیری بالا قرار دارند. سایر مؤلفه‌ها با توجه میانگین و سطح معنی‌داری آن‌ها در وضعیت متوسط قرار دارند. در زیرمعیار حفظ محیط‌زیست نیز همه مؤلفه‌ها با توجه به میانگین و سطح معنی‌داری آن‌ها در شرایط تأثیرپذیری بالا قرار دارند. همچنین شاخص کل هم در وضعیت تأثیرپذیری بالا قرار دارد.

جدول ۷- نتایج آزمون T در خصوص شاخص‌های بعد زیست‌محیطی (از دیدگاه کارشناسان)

ارزیابی شاخص	۳ = مقدار مفروض					گویه‌های شاخص محیطی	تفسیر	
	فاصله اطمینان ۰/۹۵		اختلاف میانگین	سطح معناداری	میانگین			مقدار تی
	حد بالا	حد پایین						
متوسط	۰/۸۴۲	-۰/۱۳۳	۰/۳۵۴	۰/۱۴۸	۳/۳۵	۱/۴۸۵	طنین آبرو خاک	
بالا	۰/۹۹۷	۰/۰۳۴	۰/۵۱۶	۰/۰۳۷	۳/۵۱	۲/۱۸۸		
متوسط	۰/۸۲۴	-۰/۱۱۴	۰/۳۵۴	۰/۱۳۳	۳/۳۵	۱/۵۴۴	میزان آلودگی	
متوسط	۰/۹۰۴	-۰/۰۰۱	۰/۴۵۱	۰/۰۵۰	۳/۴۵	۲/۰۳۸		
بالا	۱/۱۰۴	۰/۱۸۵	۰/۶۴۵	۰/۰۰۸	۳/۶۴	۲/۸۶۷		
بالا	۱/۰۶۳	۰/۱۶۱	۰/۶۱۲	۰/۰۰۹	۳/۶۱	۲/۷۷۵	میزان زیست	
بالا	۱/۱۸۳	۰/۳۶۴	۰/۷۷۴	۰/۰۰۱	۳/۷۷	۳/۸۶۰		
بالا	۱/۰۶۳	۰/۱۶۱	۰/۶۱۲	۰/۰۰۹	۳/۶۱	۲/۷۷۵		
بالا	۱/۰۶۳	۰/۲۲۶	۰/۶۴۵	۰/۰۰۴	۳/۶۴	۳/۱۴۷		
بالا	۰/۰۱۰	۰/۰۸۶	۰/۵۴۸	۰/۰۲۲	۳/۵۴	۲/۴۲۲		
بالا	۰/۹۹۱	۰/۱۰۵	۰/۵۴۸	۰/۰۱۷	۳/۵۴	۲/۵۳۰		
بالا	۱/۱۶۵	۰/۲۵۳	۰/۷۰۹	۰/۰۰۳	۳/۷۰	۳/۱۷۸		
بالا	۰/۶۰۷	۰/۳۷۴	۰/۴۹۱	۰/۰۰۰	۳/۴۹	۸/۳۰۹		
بالا	۰/۵۵۳	۰/۲۹۹	۰/۴۱۷	۰/۰۰۰	۳/۴۱	۶/۹۳۷		
بالا	۰/۹۳۸	۰/۲۲۸	۰/۵۸۳	۰/۰۰۲	۳/۵۸	۳/۳۵۹		

مأخذ: یافته‌های تحقیق

۳- بعد اقتصادی (معیارهای اشتغال، درآمد، بهره‌وری، تولید و سرمایه‌گذاری)

با توجه به نتایج جدول ۸ در زیر معیار اشتغال، مؤلفه بهبود شیوه‌های نگهداری و انبارداری محصولات کشاورزی (۳/۴۵) و با توجه سطح معنی‌داری (۰/۰۱۷) در وضعیت تأثیرپذیری بالا قرار دارد. سایر مؤلفه‌ها در شرایط متوسط قرار دارند. در زیر معیار بهره‌وری، مؤلفه‌های تغییر روش تولید و بهبود شیوه تولید محصولات کشاورزی با میانگین (۳/۷۰) و سطح معنی‌داری (۰/۰۰۰) و بهبود شیوه‌های نگهداری و انبارداری محصولات کشاورزی با میانگین (۳/۴۵) و سطح معنی‌داری (۰/۰۱۷) در وضعیت تأثیرپذیری بالا قرار دارند. سایر گویه‌ها در شرایط متوسط قرار دارند. در زیر معیار تولید، همه مؤلفه‌ها در شرایط متوسط قرار دارند. در زیر معیار درآمد، گویه افزایش پس‌انداز روستائیان با میانگین (۲/۴۸) و سطح معنی‌داری (۰/۰۴۷) در حالت ضعیف قرار دارد و سایر گویه‌ها در حالت متوسط قرار دارند. همچنین از زیر معیار سرمایه‌گذاری همه گویه‌ها در حالت متوسط قرار دارند. همچنین شاخص کل در حالت متوسط قرار دارد.

جدول ۸ - نتایج آزمون T در خصوص شاخص‌های بعد اقتصادی (از دیدگاه کارشناسان)

شاخص	۳ = مقدار مفروض						گویه‌های شاخص اقتصادی	نتیجه
	فاصله اطمینان ۰/۹۵		اختلاف میانگین	سطح معناداری	میانگین	مقدار تی		
	حد بالا	حد پایین						
متوسط	۰/۵۴۹	-۰/۲۹۱	۰/۱۲۹	۰/۵۳۶	۳/۱۲	۰/۶۲۶	افزایش اشتغال	اشتغال
متوسط	۰/۷۳۹	-۰/۰۹۴	۰/۳۲۲	۰/۱۲۵	۳/۳۲	۱/۵۸۰	افزایش کارآفرینی	
متوسط	۰/۵۱۶	-۰/۲۵۸	۰/۱۲۹	۰/۵۰۲	۳/۱۲	۰/۶۸۰	ایجاد فرصت شغلی جدید	
متوسط	۰/۴۶۵	-۰/۳۳۶	۰/۰۶۴	۰/۷۴۵	۳/۰۶	۰/۳۲۹	افزایش اشتغال زنان در روستا	
بالا	۰/۸۱۸	۰/۰۲۰	۰/۴۱۹	۰/۰۴۰	۳/۴۱	۲/۱۴۵	آشنا شدن با فعالیت جانبی و اشتغال غیر کشاورزی	
متوسط	۰/۷۴۹	-۰/۲۳۳	۰/۲۵۸	۰/۲۹۲	۳/۲۵	۱/۰۷۲	کاهش ضایعات محصولات کشاورزی	بهره‌وری
بالا	۱/۰۴۰	۰/۳۷۹	۰/۷۰۹	۰/۰۰۰	۳/۷۰	۴/۳۸۳	تغییر روش تولید و بهبود شیوه تولید محصولات	
متوسط	۰/۷۱۵	-۰/۲۶۳	۰/۲۲۵	۰/۳۵۴	۳/۲۲	۰/۹۴۲	تغییر شیوه و اصلاح روش‌های تولیدات دامی	
بالا	۰/۸۱۶	۰/۰۸۶	۰/۴۵۱	۰/۰۱۷	۳/۴۵	۲/۵۲۸	بهبود شیوه‌های نگهداری و انبارداری محصولات	

ارزیابی شاخص	۳ = مقدار مفروض					گروه‌های شاخص اقتصادی	تفاوت	
	فاصله اطمینان ۰/۹۵		اختلاف میانگین	سطح معناداری	میانگین			مقدار تی
	حد بالا	حد پایین						
متوسط	۰/۷۶۲	-۰/۰۵۳	۰/۳۵۴	۰/۰۸۶	۳/۳۵	۱/۷۷۷	افزایش کیفیت محصولات تولیدی در روستا	
متوسط	۰/۳۲۲	-۰/۰۵۸۰	-۰/۱۲۹	۰/۵۶۴	۲/۸۷	-۰/۵۸۳	بالا رفتن تولید محصولات کشاورزی روستا	
متوسط	۰/۴۰۷	-۰/۰۶۰۱	-۰/۰۹۶	۰/۶۹۸	۲/۹۰	-۰/۳۹۲	کاهش خودمصرفی تولید روستائیان	
متوسط	۰/۶۶۷	-۰/۰۲۱۵	۰/۲۲۵	۰/۳۰۴	۳/۲۲	۱/۰۴۵	ایجاد کارگاه‌های تولیدی صنعتی	
متوسط	۰/۶۱۸	-۰/۰۴۲۵	۰/۰۹۶	۰/۷۰۸	۳/۰۹	۰/۳۷۹	ایجاد تعاونی‌های تولید	
متوسط	۰/۶۰۰	-۰/۰۲۱۲	۰/۱۹۳	۰/۳۳۹	۳/۱۹	۰/۹۷۲	افزایش درآمد روستائیان	
متوسط	۰/۴۰۳	-۰/۰۴۰۱	۰/۰۱۲	۰/۰۵۰	۳/۰۰	-۰/۲۴۵	افزایش درآمد سالانه از محل فعالیت غیر کشاورزی	
متوسط	۰/۴۸۷	-۰/۰۳۵۸	۰/۰۶۴	۰/۷۵۸	۳/۰۶	۰/۳۱۲	یافتن راه‌های گوناگون کسب درآمد در روستا	
ضعیف	-۰/۰۰۷	-۱/۰۲۵	-۰/۰۵۱۶	۰/۰۴۷	۲/۴۸	-۲/۰۷۱	افزایش پس‌انداز روستائیان	
متوسط	۰/۲۱۲	-۰/۰۷۹۳	-۰/۰۲۹۰	۰/۲۴۸	۲/۷۰	-۱/۱۷۹	افزایش سرمایه‌گذاری در روستا	
متوسط	۰/۱۷۵	-۰/۰۶۹۱	-۰/۰۲۵۸	۰/۲۳۴	۲/۷۴	-۱/۲۱۵	ورود سرمایه‌گذاران شهری به روستا	
متوسط	۰/۴۶۰	-۰/۰۱۵۶	۰/۱۵۱	۰/۳۲۴	۳/۱۵	۱/۰۰۴	شاخص اقتصادی	

مأخذ: یافته‌های تحقیق

۴- تبیین معناداری تفاوت در ابعاد توسعه پایدار روستایی از دیدگاه کارشناسان

جهت بررسی تفاوت معناداری بین ابعاد مختلف توسعه پایدار روستایی در آموزش ترویج کشاورزی از دیدگاه کارشناسان و متخصصان نیز از تحلیل واریانس یک‌طرفه (آزمون F) استفاده شده است. نتایج نشان داده است که تفاوت بین ابعاد اجتماعی، محیطی و اقتصادی، معنی دار بوده است (جدول ۹). به عبارتی دیگر، حداقل میانگین همه ابعاد مورد مطالعه، متفاوت نیست.

جدول ۹- مقادیر محاسبه شده با استفاده از تحلیل واریانس برای ابعاد توسعه پایدار روستایی

sig	F	میانگین مربعات	df	مجموع مربعات	واریانس	شاخص‌ها
۰/۴۶۱	۰/۵۵۸	۰/۴۴۱	۱	۰/۴۴۱	بین گروهی	اجتماعی
		۰/۷۹۰	۲۸	۲۲/۱۱۹	درون گروهی	
			۲۹	۲۲/۵۶۰	مجموع	
۰/۱۶۰	۲/۰۸۱	۱/۹۰۰	۱	۱/۹۰۰	بین گروهی	محیطی
		۰/۹۱۳	۲۸	۲۵/۵۷۴	درون گروهی	
			۲۹	۲۷/۴۷۴	مجموع	
۰/۲۹۸	۱/۱۲۴	۰/۸۱۷	۱	۰/۸۱۷	بین گروهی	اقتصادی
		۰/۷۲۷	۲۸	۲۰/۳۶۳	درون گروهی	
			۲۹	۲۱/۱۸۰	مجموع	

مأخذ: یافته‌های تحقیق

بحث و نتیجه‌گیری

امروزه رویکرد توسعه پایدار به‌عنوان پارادایم غالب در مباحث توسعه در سطح جهانی مطرح و به‌عنوان الگوی اصلی از دهه ۱۹۷۰ تاکنون مورد استقبال مجامع بین‌المللی قرار گرفته است. توسعه پایدار روستایی نیز همگام با اندیشه‌های توسعه پایدار به دلیل جدایی‌ناپذیر بودن این نواحی از پیکره ملی کشورها و اهمیت این نواحی هم به لحاظ توسعه ملی و هم به دلیل جمعیت، تولید، اشتغال، ارتباط نزدیک با محیط زیست و ... مطرح گردید. در این بین رویکردها و راهبردهای مختلفی جهت تحقق اهداف این الگوی جهانی مطرح شده است که یکی از آنها ترویج و آموزش کشاورزی است؛ اما با وجود عمر طولانی از زمان شروع این نوع آموزش‌ها کمتر به نتایج و عملکرد آنها توجه شده و گاهی نیز به دلایل ناکارآمدی مورد انتقاد قرار گرفته‌اند. لذا در این پژوهش سعی گردید از دیدگاه آموزش دیدگان دوره‌های ترویج و آموزش کشاورزی و همچنین کارشناسان این بخش، تأثیر ترویج و آموزش کشاورزی بر توسعه پایدار روستایی در استان چهارمحال و بختیاری مورد بررسی و ارزیابی قرار گیرد. بدین منظور با استفاده از روش پیمایشی و دو گروه پرسش‌نامه به جمع‌آوری داده‌ها در سطح استان پرداخته شد.

نتایج به‌دست‌آمده نشان‌دهنده روی‌آوری قشر جوان به کارهای کشاورزی است. باین‌وجود پایین بودن درآمد در این بخش کاملاً مشهود است. ضمن اینکه بخش قابل توجهی از اشتغال بخش کشاورزی را زراعت و باغبانی به خود اختصاص داده است. پایین بودن سهم بخش تعاون

در سطح روستاها مشهود، اما عموماً اعتقاد به تأثیر گذاری این دوره‌ها در ابعاد توسعه پایدار وجود داشته است. نتایج در خصوص تأثیر این دوره‌ها بر توسعه پایدار در بعد اجتماعی متوسط بوده است. با این وجود در خصوص شاخص‌های اقتصادی و زیست‌محیطی تأثیر بیشتری وجود داشته است. در این خصوص نظر دو گروه آموزش دیدگان و متخصصان به‌ویژه در زمینه اقتصادی و اجتماعی به هم نزدیک بوده است. در خصوص اثرات آموزش و ترویج بر بعد زیست‌محیطی تفاوت در نتایج دو گروه مشاهده گردید که نشان از دید تخصصی کارشناسان دارد. نتایج حاصل از کاربرد تحلیل واریانس یک‌طرفه نیز نشان داد که آموزش و ترویج کشاورزی بر ابعاد مختلف توسعه پایدار روستایی، تأثیر مشابه نداشته است. تأثیر آن بر ابعاد زیست‌محیطی بالا و اقتصادی - اجتماعی متوسط بوده است.

در نهایت با توجه با مباحث نظری تحقیق و نیز نتایج تجربی به دست آمده به منظور تحقق اهداف توسعه پایدار روستایی در منطقه مورد مطالعه، اصلاح روش‌های ترویجی و استفاده از روش‌های نوین، همچنین باز دیدهای ترویجی و جذاب‌تر نمودن حضور روستائیان در رده‌ها، ایجاد ارتباط مناسب‌تر بین مروجین و روستائیان، توجه نمودن به برخی از موارد مانند: تقویت موسسه‌های مردم‌نهاد، تسهیل سرمایه‌گذاری در روستا، تقویت تشکیل شرکت‌های تعاونی، ایجاد کارگاه‌های تولیدی، ایجاد اشتغال زنان و مهمتر از تمام موارد مذکور، توجه به موضوع مهاجرت و میل به ماندن در روستا و همچنین مهاجرت‌های فصلی، پیشنهاد می‌گردد. افزون بر این بازنگری در توزیع اعتبارات، منابع و امکانات در جهت استفاده بهینه و هدفمندتر نمودن آن‌ها و مبتنی بر برنامه‌ها، فعالیت‌های هدفمند آموزشی سازمان‌های مجری برنامه‌ها و جلوگیری از انحراف منابع پیشنهاد می‌شود.

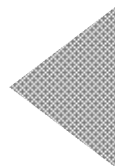
منابع

- ازکیا، مصطفی (۱۳۸۴). *مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی توسعه روستایی*: ویرایش ۲، تهران، اطلاعات.
- اوکلی، پیتر. گارفوت، کریستوفر (۱۳۶۷). *راهنمای آموزش ترویج*. ترجمه محمدحسین عمادی. وزارت جهاد سازندگی. تهران.
- ایزدپناه، مصطفی (۱۳۷۵). *بررسی نقش فعالیت‌های ترویجی بر عملکرد گندم آبی از دیدگاه کشاورزان منطقه گرگان و گنبد*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد (چاپ نشده)، دانشکده کشاورزی، دانشگاه تربیت مدرس.

- آسایش، حسین (۱۳۷۴) **اصول و روش‌های برنامه‌ریزی روستایی**، تهران، انتشارات پیام نور.
- بدری علی. رکن‌الدین افتخاری، عبدالرضا. سلمانی محمد. بهمند، داداله (۱۳۹۰) نقش نظام‌های بهره‌برداری زراعی (خانوادگی) در توسعه پایدار روستایی (مطالعه موردی: شهرستان قیر و کارزین استان فارس) **پژوهش‌های جغرافیای انسانی**، شماره ۷۶، صص ۳۳-۴۸.
- دوستی، افسانه. (۱۳۹۰). نقش ترویج و آموزش کشاورزی در توسعه پایدار، **اولین همایش ملی راهبردهای دستیابی به کشاورزی پایدار**. اهواز، دانشگاه پیام نور استان خوزستان.
- شعبانعلی فمی، حسین (۱۳۸۷) **اصول ترویج و آموزش کشاورزی**، تهران، انتشارات دانشگاه پیام نور.
- شهبایی، سیامک. سیف‌الهی، محمود. قنبری، یوسف. (۱۳۹۱). ارزشیابی اثرات آموزش‌های ترویجی برخانوارهای روستایی: مطالعه موردی دامداران شهرستان فریدن، استان اصفهان. **فصلنامه روستا و توسعه**، سال ۱۵، شماره ۴ صفحات ۶۳-۸۹.
- شهبازی، اسماعیل (۱۳۸۴) **توسعه و ترویج روستایی**، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- عبدالملکی، محمد. پزشکی راد، غلامرضا. چیدری، محمد (۱۳۸۶) ارزیابی اثربخشی دوره‌های آموزشی - ترویجی مرتعداران در شهرستان تویسرکان، **مجله علوم کشاورزی**، سال ۱۳، ش ۱، صص ۵۳-۳۹.
- مالکی، رسول (۱۳۹۴). تحلیلی بر عملکرد ترویج و آموزش کشاورزی در استان‌های کشور با استفاده از مدل موریس. **فصلنامه روستا و توسعه**، ش ۳، صص ۱۳۱-۱۵۰.
- مرکز آمار ایران (۱۳۹۵). **سرشماری عمومی نفوس و مسکن**. نتایج کلی استان چهارمحال وبختیاری. تهران.
- مسلمی، عبدالرضا (۱۳۸۵) توسعه پایدار روستایی با تأکید بر سیستم انسان و محیط، **مجله جهاد**، ش ۲۷۰، صص ۱۴۹-۱۲۶.
- مطیعی لنگرودی، حسن. شمسایی، ابراهیم (۱۳۹۴) **توسعه و کشاورزی پایدار از دیدگاه اقتصاد روستایی**، دانشگاه تهران، تهران.
- معاونت برنامه‌ریزی استان چهارمحال وبختیاری (۱۳۹۵). **سئالنامه آماری استان چهارمحال وبختیاری**، سازمان برنامه و بودجه، شهرکرد.
- نظری زاده زارع، م، درانی، ک. غلامعلی لواسانی، م (۱۳۹۰) بررسی موانع و مشکلات دوره‌های آموزشی ترویج کشاورزی از دیدگاه کشاورزان شرکت‌کننده در دوره‌های ترویج شهرستان دزفول، **پژوهش در برنامه‌ریزی درسی**، دوره ۲، ش ۱ و ۲، صص ۱۳-۱.
- معززی، ف. فدایی، م. شیروانیان، ع. (۱۳۹۵) فقر آموزشی و عوامل تعیین‌کننده آن در جامعه روستایی ایران، **فصلنامه روستا و توسعه**، سال ۱۹، ش ۱، صص ۹۴-۷۳.

- نعیمی، ا. نجفلو، پ. سبحانی، م ج (۱۳۹۴) نقش آموزش، ترویج و اطلاع‌رسانی در توسعه فناوری زیستی کشاورزی از دیدگاه متخصصان، **فصلنامه پژوهش مدیریت آموزش کشاورزی**، ش ۳۳، صص ۹۷-۱۱۰.
- مهربانی، و (۱۳۹۶) اهمیت آموزش رسمی در ارتقای بهره‌وری نیروی کار در بخش کشاورزی: شواهدی از ایران، منطقه منا (MENA) و جهان. **مجله راهبرد توسعه**، ش ۵۲، صص ۱۹۵-۲۱۸.
- نوری، هدایت اله. نوروزی، اصغر (۱۳۹۵) **مبانی برنامه‌ریزی محیطی برای توسعه پایدار روستایی**، دانشگاه اصفهان، اصفهان.
- Heilig, K, G, (2004) Sustainable Rural Development, *geo Journal* 61: Printed in the Netherlands, pp: 133-137.
- Moseley, malcolmj, (2002), *Local Rural Development Principles and Practice*, University of Gloucestershire, UK.
- Niles, D. 2007, *Contemporary Ruralities: Contrasting Visions of Food and Agriculture*, Clark University.
- Oseni, G. 2007, *Agricultural Production, Human Capital, and Rural Nonfarm Activities Evidence from Nigeria*, American University
- Park, J. R. Stabler, M. J. Jones, P. J. Mortimer, S. R. Tiffin, J. R Tranter, R. B. (2008) *Evaluating the role of environmental quality in the sustainable rural economic development of England*,
- Rivera, K. and Mwandmere, H (2005), *An Analytical and Comparative Review of Country Studies on Knowledge and Information Systems for Rural Development*. Rome: FAO.
- Sezgin, A. Erem Kaya, T. Atsan, T. & Kumbasaroglu, H. (2010). Factor influencing agricultural extension staff effectiveness in public stitutions in Erzurum turkey. *African Journal of Business Management*, 4(18), 4106-4109.
- Swanson, B. and Rajalahti, R. (2010), "Strengthening agricultural extension and advisory systems". Agriculture and Rural Development Discussion Paprr 44, *The International Bank for Reconstruction and Development/The World Bank*, Washington.
- Swanson, B. E. Bentz, R. & Sofranko, A. (1997). *Improving agricultural extension. Room: Food and Agricultural Organization*.
- Vanclay, f. (2004), "*Social principles for agricultural extension to assist in the promotion*"
- **WECD (World Commission on Environment and Development) , (1987).: Our Common Future, Oxford University Press, U.K. Oxford.**
- Weir, Sh. (1999). *The Effects of Education on Farmer Productivity in Rural Ethiopia*. Centre for the Study of African Economies Department of Economics. University of Oxford. PP 46-51. The online version of this article can be found at: www.csae.ox.ac.uk/workingpapers/pdfs/9907text.PDF.

بررسی انواع ریسک و مدیریت ریسک در نظام بانکداری اسلامی



کامران ندری^۱

لیلا محرابی^۲

(تاریخ دریافت ۹۶/۱۲/۱ - تاریخ تصویب ۹۷/۴/۸)

چکیده

مدیریت ریسک یکی از مهم‌ترین ارکان سیستم‌های مالی و بانکی می‌باشد. در این میان به دلیل طبیعت نظام بانکداری و مالیه اسلامی، بانک‌های اسلامی با ریسک‌هایی روبه‌رو هستند که شناسایی و مدیریت انواع آن در بهبود عملکرد نظام بانکی از اهمیت قابل توجهی برخوردار می‌باشد. در این مقاله سعی شده است با روش تحلیلی-توصیفی، پس از مروری بر مطالعات انجام شده، انواع ریسک‌ها و مدیریت آن در نظام بانکداری بدون ربا مورد بررسی و تحلیل قرار گیرد و سپس مهم‌ترین ریسک‌های مربوط به عقود مختلف اسلامی و قابلیت استفاده آنها در جایگاه ابزارهای مهندسی مالی معرفی می‌شود. نتایج نشان می‌دهد که برخی ریسک‌ها بین نظام بانکداری متعارف و نظام بانکداری بدون ربا مشترک هستند و با ابزارهای رایج و متعارف مدیریت ریسک قابل کنترل هستند و برخی دیگر به دلیل ویژگی‌های خاص و ماهیت نظام بانکداری بدون ربا، مختص به این نظام می‌باشند که برای کنترل و مدیریت آن نیازمند ابزارهایی

۱ - عضو هیأت علمی دانشگاه امام صادق (ع) و مدیر گروه بانکداری اسلامی پژوهشکده پولی و بانکی، بانک مرکزی ج.ا.ا؛

۲ - پژوهشگر، پژوهشکده پولی و بانکی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران؛ L.mehrabani@mbri.ac.ir

ویژه و سازگار با اصول اسلامی می‌باشیم. در پایان برخی از ابزارهای پیشنهادی در زمینه مدیریت ریسک ارائه و مورد تحلیل قرار گرفته است.

واژه‌های کلیدی: بانکداری بدون ربا، ریسک، عقود اسلامی، مدیریت ریسک

مقدمه

در جهان امروزی مقوله ریسک در تمام کشورها استفاده می‌شود و مدیریت آن برای بانک‌ها در راستای دستیابی به اهداف خود و کاهش اثر نامطلوب نوسانات، به اندازه‌ای دارای ارزش می‌باشد که جهت مشتری‌مداری و جلب اطمینان سهامداران، روش‌های مورد استفاده خود را در زمینه مدیریت ریسک، عملیات و نتایج بانک به صورت زمان‌بندی شده، منتشر می‌کنند. ماهیت عملیات بانکی پذیرش ریسک است و بدون پذیرش ریسک قادر به سودآوری و رشد نیستند. در واقع، وجود عوامل متعددی از جمله بین‌المللی بودن فعالیت بانک‌ها، افزایش فعالیت و نوآوری در صنعت بانکداری، ایجاد بحرآنهای مالی و ورشکستگی، عدم توانایی وام‌گیرندگان در بازپرداخت بدهی و پیچیده‌شدن معادلات و روابط اقتصادی ناشی از جهانی‌شدن از دیرباز تا کنون سبب شده که پدیده ریسک همواره به عنوان یک تهدید، فعالیت بانک‌ها را تحت تهدید جدی قرار دهد. مدیریت ریسک در بانک‌ها نسبت به واحدهای دیگر اقتصادی حساس‌تر، پیچیده‌تر و مشکل‌تر بوده و بدون شک، افزایش کارایی نظام بانکی در گرو کاهش ریسک می‌باشد. بانکداری اسلامی هم از این قاعده مستثنی نیست؛ به طوری که در مواجهه مستقیم یا غیرمستقیم با ریسک‌های مختلف در منابع، مصارف و اغلب فعالیت‌های خود، نیازمند تدابیری در جهت تعدیل ریسک‌هاست.

امروزه تقریباً کلیه جوامع به نحوی با مفهوم ریسک آشنایی دارند. از ریسک تعاریف متعددی ارائه شده است که وجه مشترک آنها در عدم اطمینان و احتمال رخداد زیان و خسارت در نتیجه انجام یک فعالیت می‌باشد. ریسک در لغت عبارت است از خطر و اقدام به امری که احتمال خطری در آن باشد (معین، ۱۳۸۷) و در اصطلاح به معنای انحراف بازده واقعی از بازده مورد انتظار می‌باشد. (نیکومرام و دیگران، ۱۳۸۵)

گالیتز^۱ ریسک را نوسانات در هرگونه عایدی می‌داند. تعریف مذکور این مطلب را روشن می‌کند که تغییرات احتمالی آینده برای یک شاخص خاص، چه مثبت و چه منفی ما را با ریسک مواجه می‌سازد. بنابراین، امکان دارد تغییرات موجب انتفاع یا زیان شود. اولین بار، هری مارکویتز^۲ بر اساس تعاریف کمی ارائه شده، انحراف معیار چند دوره‌ای را به عنوان شاخص عددی برای ریسک معرفی کرد. دیدگاه دیگری نیز در خصوص ریسک وجود دارد که تنها به جنبه منفی نوسانات توجه دارد. هیوب^۳ ریسک را احتمال کاهش درآمد یا از دست دادن سرمایه تعریف می‌کند. بنابراین، برای تعریف ریسک می‌توان دو دیدگاه را ارائه کرد: (اسماعیل نژاد، ۱۳۹۲)

دیدگاه اول: ریسک به عنوان هرگونه نوسانات احتمالی در بازدهی اقتصادی در آینده.

دیدگاه دوم: ریسک به عنوان نوسانات احتمالی منفی در بازدهی اقتصادی در آینده.

در رویکرد مدیریت یکپارچه ریسک، ریسک با رویکرد اول مورد توجه قرار می‌گیرد. زیرا هم ریسک‌های نامطلوب^۴ (تهدیدات) و هم ریسک‌های مطلوب^۵ (فرصت‌ها) را مدنظر قرار می‌دهد. از سوی دیگر در فرهنگ لغات سرمایه‌گذاری، ریسک زیان بالقوه‌ای است که یا مستقیماً از زیانهای درآمد و سرمایه حاصل می‌شود و یا به صورت غیرمستقیم از محدودیت‌هایی به وجود می‌آید که توانایی بانک را برای دستیابی به اهداف تجاری و مالی خود کاهش می‌دهد. این محدودیت‌ها، با کاهش توانایی بانک در اداره امور تجاری یا عدم دستیابی به منافع حاصل از موقعیت‌های مختلف، ریسک را به بانک تحمیل می‌نماید.

باید توجه داشت که از لحاظ نظری حذف انواع ریسک غیرممکن می‌باشد، اما شناسایی و مدیریت آنها به عنوان تنها راه حل ممکن مطرح است. مدیریت ریسک در بانکداری نیز مجموعه‌ای از فرآیندهای به هم پیوسته (تعیین، اندازه‌گیری، مشاهده و کنترل ریسک‌ها) و

۱. Galitz

۲. Harry Markowitz

۳. Hube

۴. Downside Risks

۵. Upside Risks

مدل هایی می باشد که بانک را در جهت اعمال سیاست ها و انجام فعالیت های مبتنی بر ریسک^۱ هدایت می نماید. در واقع، مدیریت ریسک رویه ای است که در تعامل با نااطمینانی های ناشی از بازارهای مالی، بانک را به سوی اتخاذ استراتژی مناسب سوق می دهد (کارن، ۲۰۰۵). در این میان، مهندسی مالی و مدیریت یکپارچه ریسک، وظیفه کنترل ریسک ها را بر عهده گرفته و با ارائه راهکارهای نوین و راهبردهای بدیع توانسته برای شرکت های تجاری، تولیدی و خدماتی و به ویژه بانک ها روش های نظام مندی خلق نماید. از این رو هدف مدیریت ریسک، حذف ریسک ها از فعالیت بانک نیست بلکه ایجاد تعادل بهینه میان ریسک و بازدهی است. (محرابی، ۱۳۸۹)

از سوی دیگر، بانکداری اسلامی همان اهداف بانکداری متداول دنیا را دنبال می کند؛ با این تفاوت که عملیات بانکداری در این بانک ها براساس فقه معاملات اسلامی و مشارکت در سود و زیان صورت می گیرد. از این رو، فعالیت بانک های اسلامی با به کارگیری قراردادهای (عقود) اسلامی و مبتنی بر مشارکت، این نوع از نظام بانکی را با ریسک های متفاوت و مدیریت ریسک را با حساسیت و پیچیدگی بیشتری روبه رو کرده است. در این مجموعه، شرایط عدم اطمینان، امکان تراکم ریسک های نامطلوب، دشواری شناسایی و ارزیابی فرصت های بازار مربوط به پروژه های سرمایه گذاری، مسائل قیمت گذاری و ارزیابی سود، نظارت بر فعالیت سرمایه گذار و مدیریت فعالیت های مشمول تسهیلات بانکی نیز بر دامنه مخاطرات می افزایند. از این رو، سوال اساسی در این تحقیق و آنچه مورد تحلیل و مطالعه قرار می گیرد، شناسایی انواع ریسک ها در مرحله اول و سپس مدیریت آن به روشی نظام مند به عنوان ابزاری برای ممانعت از بروز رخدادهای نامطلوب می باشد

در ادامه مقاله، نخست پیشینه پژوهش تشریح می شود، سپس انواع ریسک ها و مدیریت آن در نظام بانکداری اسلامی مورد بررسی و تحلیل قرار گیرد و سپس با تقسیم بندی عقود اسلامی براساس قابلیت استفاده آنها در جایگاه ابزارهای مهندسی مالی به معرفی مهم ترین ریسک های مربوط به عقود مختلف اسلامی می پردازیم. در بخش بعدی یافته های پژوهش و در پایان نتیجه گیری و پیشنهادات بیان خواهد شد.

پیشینه پژوهش

مرور ادبیات و پیشینه پژوهش نشان می‌دهد که پژوهشگران و صاحب‌نظران مختلفی در خصوص ریسک در بانکداری اسلامی مطالعاتی را انجام داده‌اند که در ادامه به آنها خواهیم پرداخت. پژوهش کدخدایی (۱۳۷۹) با عنوان «پدیده ریسک در بانکداری اسلامی» در ارتباط با انواع ریسک‌هایی است که بانک‌ها با آنها روبرو هستند (دو نوع سیستماتیک و غیرسیستماتیک). وی معتقد است ریسک سیستماتیک از راه عامل‌های بازاری و ریسک غیرسیستماتیک از راه عامل‌های غیربازاری به وجود می‌آید و با توجه به اینکه عامل‌های بازاری خارج از کنترل هستند، بنابراین، مدیریت ریسک قابل‌کاربرد برای ریسک‌های غیرسیستماتیک را دارد. به عقیده وی نظام تأمین مالی حاکم بر بانکداری اسلامی از ویژگی‌های سرمایه‌داری برخوردار است و بنابراین بانکداری اسلامی با ریسک‌هایی همچون ریسک عدم بازپرداخت، اخلاقی، نقدینگی، نوسانهای متغیرهای اقتصادی و مقررات روبه‌رو است.

عقبلی کرمانی (۱۳۸۱)، در مقاله خود به معرفی چهار نوع ریسک بازار، اعتباری، نقدینگی و عملیاتی اشاره می‌کند و براساس این تقسیم‌بندی، با توجه به ثبت دارایی‌ها در بانکداری بدون ربا تحت عنوان سرمایه‌گذاری، به این نتیجه می‌رسد که بین بانکداری سنتی و بانکداری بدون ربا فقط ریسک اعتباری متفاوت است؛ بنابراین، از نظر مدیریت ریسک در بانکداری بدون ربا فقط برای این نوع ریسک باید در پی راهکارهایی بود. وی برای این هدف دو پیشنهاد ارائه می‌کند: نخست حرکت به سمت بانکداری سنتی و اعطای تسهیلات به صورت استقراض و دیگری عمل کردن به صورت شرکت‌های سرمایه‌گذاری که به دلیل نبودن امکان پدیدآوردن پرتفوی کارا، سوق دادن فعالیت بانک‌ها به طرف بانکداری سنتی را برمی‌گزیند.

ساندراراجان و اریکو (۱۳۸۱)، در مطالعه‌ای به پیچیدگی‌های تأمین مالی از طریق روش‌های مشارکتی و ریسک‌های ناشی از آن می‌پردازد. آنها با اشاره بر کمبود ابزارهای مالی مدیریت ریسک در بانکداری اسلامی، بر تقویت چارچوب مقرراتی جهت قیمت‌گذاری و کنترل ریسک براساس ارکان اصلی نظام مطلوب بانکداری و همچنین حرکت بانک‌های اسلامی در جهت بهبود شاخص‌های نظام مطلوب و پدیدآوردن ابزارهای مالی مناسب تأکید دارند.

مهدوی نجم‌آبادی (۱۳۸۲) در مقاله خود با عنوان «تفاوت‌های اساسی توزیع ریسک در دو نظام بانکداری اسلامی و سنتی» چهار نوع ریسک مالی، عملیاتی، بازار و برون‌سازمانی را در

بانکداری اسلامی و سنتی بررسی نموده و به این نتیجه می‌رسد که مدیریت ریسک در بانکداری اسلامی با توجه به ویژگی‌های خاص آن بسیار مشکل‌تر از بانکداری سنتی است. وی برای کاهش این ریسک‌ها شراکت ریسک با گیرنده وام به وسیله گرفتن وثیقه توسط بانک و همچنین اجرای نظام وکالتی به وسیله بانک را مورد بررسی قرار داده است.

در پژوهش اکبریان و دیاتی (۱۳۸۵) نشان داده شده که مدیریت ریسک در بانکداری بدون ربا در مقایسه با بانکداری ربوی اهمیت دو چندانی دارد. آنها با بررسی ابزارهای مهندسی مالی برای مدیریت ریسک در نظام سرمایه‌داری به ارایه چند ابزار مهندسی مالی در نظام مالی اسلامی به صورت سرمایه‌گذاری مستقیم، مشارکت، فروش اقساطی، اجاره به شرط تملیک، قولنامه، بیع الوفا و قولنامه و سرانجام کاربردهای این ابزارها در مدیریت ریسک می‌پردازند.

از تحقیقات انجام شده در این زمینه می‌توان به مطالعه موسویان و بیوکی (۱۳۸۸) اشاره نمود که در مقاله‌ای با عنوان «مدیریت ریسک اعتباری در بانکداری اسلامی» از طریق سوآپ نکول اعتباری به واکاوی موضوع ریسک اعتباری در بانکداری اسلامی و وجود ریسک اعتباری به علت استفاده از روش‌های خاص تخصیص منابع می‌پردازد. آنها با مروری بر روش‌های متداول و مورد استفاده بانک‌های اسلامی جهت مدیریت ریسک اعتباری به عدم کفایت و کارایی روش‌های متداول در مدیریت و انتقال کامل ریسک اعتباری اشاره نموده و ضمن معرفی سوآپ نکول اعتباری در جایگاه ابزاری رایج در انتقال ریسک اعتباری به بررسی فقهی امکان استفاده از آن در بانکداری بدون ربا می‌پردازد.

نظریور و رضایی (۱۳۹۲) در پژوهش خود، مدیریت ریسک اعتباری در بانکداری اسلامی با رویکرد بررسی عقود و الگوی پرداخت تسهیلات را مورد بررسی قرار داده و نشان می‌دهد که عقود اسلامی غیرمشارکتی (مبادله‌ای) در مقایسه با عقود مشارکتی ریسک کمتری دربردارند و بانک‌ها در صورت عدم استقرار یک نظام مدیریت ریسک اعتباری متناسب قادر به تشخیص میزان ریسک اعتبارات و تعیین زیانهای احتمالی عدم بازپرداخت وام‌ها نیستند و در نتیجه سودآوری آنها با تهدید اساسی مواجه خواهد شد.

موسویان و علیزاده اصل (۱۳۹۴) در مطالعه‌ای به بررسی رابطه ریسک و غرر در بازارهای مالی اسلامی می‌پردازد. آنها با توجه به شباهت مفهوم غرر به معنای نوعی عدم اطمینان در ارکان قرارداد با مفهوم ریسک مالی که نوعی عدم اطمینان مربوط به آینده یک دارایی است به این

نتیجه می‌رسد که اگر ریسک مالی، تغییرپذیری در بازدهی یا احتمال وقوع بازدهی متفاوت از بازده مورد انتظار تعریف شود، رابطه میان ریسک استاندارد مالی و غرر، متباین خواهد بود؛ اما اگر ریسک را به معنای عدم اطمینان در سرمایه‌گذاری بدانیم، آنگاه رابطه میان ریسک و غرر، عام و خاص مطلق خواهد بود.

خان و احمد (۲۰۰۱)، در مطالعه‌ای با عنوان «مدیریت ریسک: تحلیل بررسی موضوعات در صنعت مالی اسلامی» که برای بانک توسعه اسلامی انجام دادند، به صورت تجربی به تحلیل مدیریت ریسک در مؤسسه‌های مالی و بانکی اسلامی پرداخته‌اند آنها با کمی کردن انواع ریسک در بانکداری اسلامی به این نتیجه رسیدند که ریسک اعتباری کمترین ریسک را در میان ریسک‌های دیگر در نظام مالی و بانکی اسلامی دارد. آنان علت این مسئله را این موضوع می‌دانند که اکثر روش‌های تأمین مالی اسلامی به پشتوانه دارایی است و این دارایی می‌تواند به عنوان وثیقه مورد استفاده قرار گیرد. علاوه بر این آنها نشان دادند به مقدار ریسک‌های عقدهای مالی اسلامی به ترتیب عقدهای مضاربه، سلم، استصناع و مشارکت نسبت به عقدهای مباحه و اجاره ریسک بیشتری دارند و سرانجام با استفاده از روش رتبه‌بندی داخلی، میزان مطلوب ذخیره سرمایه مورد نیاز برای مقابله با ریسک عقدهای اسلامی را تعیین کردند.

محمد عبیدالله (۲۰۰۲)، در مقاله‌ای با عنوان «مدیریت ریسک اسلامی: به سوی کارایی و اخلاقیات بیشتر» به تعریف کارایی و بررسی استفاده از قرارداد اختیار معامله برای کاهش و مدیریت ریسک در چارچوب قانون‌های اسلامی پرداخته و ثابت می‌کند قرارداد اختیار معامله در چارچوب اسلامی کارا تر از اختیار معامله در نظام ربوی است. وی همچنین با استفاده از خیار شرط و بیع الوفا چندین روش برای کاهش و مدیریت ریسک ارائه می‌کند و با مقایسه این روش‌ها و روش‌های مرسوم در نظام ربوی به این نتیجه می‌رسد که با کاربرد این روش‌ها مسئله بازی با مجموع صفر به حداقل می‌رسد.

ریسک‌های موجود در نظام بانکداری اسلامی

در این بخش ابتدا به معرفی انواع ریسک در نظام بانکداری اسلامی پرداخته و سپس متناسب با ابزارها و قراردادهای خاص این نظام، مهم‌ترین ریسک‌های مربوط به عقود مختلف (به تفکیک عقود اسلامی مبادله‌ای و مشارکتی) بررسی می‌گردد.

انواع ریسک‌ها در نظام بانکداری اسلامی را می‌توان به صورت زیر برشمرد:

۱- ریسک اعتباری

به علت تاکید بانک‌های اسلامی بر مشارکت سپرده‌گذاران در ریسک و سود دریافتی حاصل از تسهیلات اعطایی ریسک اعتباری اهمیت ویژه‌ای دارد. در صورت مدیریت صحیح و دریافت وثیقه‌های لازم، ریسک اعتباری در بانک‌های اسلامی کمتر از دیگر بانک‌ها می‌باشد. به عبارت دیگر ماهیت مشارکتی فعالیت بانک‌های اسلامی ریسک اعتباری را به علت انتقال آن به سپرده‌گذاران کاهش می‌دهد. باید توجه داشت که در صورت نفوذ سیاستمداران و مسئولین دولتی در مدیریت بانک‌ها، ریسک اعتباری به شدت افزایش می‌یابد. به طور کلی، ریسک اعتباری برای عقود مبادله‌ای به علت ناطمینانی در پرداخت اصل و سود حاصل از دریافت تسهیلات به طور کامل و در موعد مقرر به وسیله فرد متقاضی پدید می‌آید و در عقود مشارکتی به علت مسئله اطلاعات نامتقارن فراهم می‌آید. (اسماعیل نژاد، ۱۳۹۲)

۲- ریسک عملیاتی

نظام بانکی بدون ربا با توجه به ویژگی‌های خاص آن به طور نسبی با ریسک عملیاتی فراوانی روبه‌رو است. از جمله عوامل مهم افزایش این ریسک در نظام بانکی بدون ربا عبارتند از:

۱. عدم تخصص کافی و آموزش مناسب کارکنان بانکی در اجرای عقود اسلامی؛
۲. عدم وجود نرم افزارهای جامع حسابداری مطابق با قراردادهای مالی اسلامی؛
۳. عدم وجود یک سامانه کنترلی جامع برای نظارت بر قراردادهای مالی بر مبنای قانون‌های اسلامی و به طور کلی بر کارکنان و نظام بانکی.

علاوه بر موارد فوق، عوامل و فاکتورهای عمومی دیگری هم وجود دارد که ریسک عملیاتی بانک‌های اسلامی را نسبت به بانک‌های سنتی بالاتر برده و سودآوری آنها را در مقایسه کاهش می‌دهد. از جمله این عوامل عبارتند از: کمبود ابزارها و روش‌های پوششی ریسک، بازارهای پولی و بین‌بانکی و بازار اوراق بهادار تکامل نیافته و یا فقدان آن (دلیل این امر بروز مشکلات در طراحی ابزارهای کوتاه‌مدت تأمین مخارج عمومی دولت بر مبنای تقسیم سود و زیان (PLS) می‌باشد و محدودیت موجودی و دسترسی به تسهیلات بانک مرکزی به‌عنوان وام‌دهنده نهایی.^۱

۳- ریسک اعتماد و ریسک کاهش سپرده

عدم توانایی بانک‌ها در تنظیم قراردادهای گوناگون مالی طبق قانون‌های اسلامی باعث عدم اطمینان سپرده‌گذاران و مشتریان به نظام بانکی می‌شود. به عبارت دیگر صوری شدن عقدها باعث کاهش اطمینان مردم به نظام بانکی شده و این مسئله خود باعث برداشت وجوه و سپرده‌ها به وسیله سپرده‌گذارانی که به قانون و مقررات اسلامی پایبند هستند، می‌شود. (احمد و خان، ۲۰۰۱). از سوی دیگر، یک بانک اسلامی جهت پرداخت نرخ بازده مناسب به دارندگان حساب‌های سرمایه‌گذاری تحت فشار است، زیرا این نرخ باید به گونه‌ای باشد که انگیزه کافی برای سپرده‌گذاران جهت نگهداری سپرده‌هایشان در بانک‌ها ایجاد نماید. حال اگر این نرخ بالاتر از نرخ قابل پرداخت به قراردادهای سرمایه‌گذاری باشد، بانک ممکن است از برخی از منافع خود جهت حفظ منافع سهامداران چشم‌پوشی نماید. لذا کوتاهی و مسامحه در این امر و عدم مدیریت صحیح ممکن است به خروج سپرده‌ها از بانک منتهی شود که به دنبال خود موقعیت تجاری و رقابتی بانک را با خطر روبه‌رو خواهد کرد. این مسأله باعث ریسک کاهش سپرده در بانک‌ها می‌شود. (محرابی، ۱۳۸۹)

۴- ریسک نقدینگی

با توجه به نهی ربا در قانون‌های اسلامی، نظام بانکی بدون ربا اجازه استفاده از استقراض وجوه نقد از راه بهره را ندارد. لذا یکی از عامل‌هایی که باعث افزایش ریسک نقدینگی می‌شود، ناتوانی بانک در تأمین و کسب وجوه نقد با صرف هزینه قابل قبول از راه استقراض است که در نظام بانکی مذکور بایستی از روش‌های دیگری استفاده شود.

۵- ریسک قیمت

این ریسک به علت نوسان‌ها و تغییرهای شدید قیمت دارایی‌ها و موجودی‌های نزد بانک پدید می‌آید که استفاده از روش سلف در شرایط عدم ثبات قیمت برای نظام بانکی، ریسک قیمت را افزایش می‌دهد.

۶- ریسک عدم تعدیل

عدم تعدیل نرخ سود در عقدهای مبادله‌ای مشکل‌هایی را برای نظام بانکداری بدون ربا پدید آورده و باعث ریسک عدم تعدیل می‌شود. (ابوالحسنی، ۱۳۸۷)

۷- ریسک شریعت

یکی از این ریسک‌های مهم در بانکداری اسلامی «ریسک شریعت»^۱، و ضرورت «نظارت شرعی»^۲ است. هر چند این اصطلاحات بیش از یک دهه قدمت در ادبیات بانکداری و مالی اسلامی دارد، اما شاید نتوان تعریف دقیق و جامعی از آنها ارائه نمود. به هر حال با استفاده از منابع موجود، می‌توان ریسک شریعت را اینگونه تعریف نمود: «ریسک شریعت، خطری است که نظام بانکی به دلیل عدم انطباق فعالیت‌هایش با اصول و قوانین شریعت مقدس اسلام، ممکن است با آن مواجه شود». متناسب با این تبیین از ریسک شریعت، نظارت شرعی نیز به این صورت قابل تعریف است: «نظارت شرعی کلیه اقدامات احتیاطی و نظارتی به منظور اطمینان از انطباق فعالیت‌های بانک یا موسسه مالی اسلامی با اصول و قوانین شریعت مقدس اسلام می‌باشد. هدف از این نظارت در نهایت دستیابی به اقدامات، فعالیت‌ها، تدابیر، اصول و روش‌هایی است که به وسیله آنها بتوان ریسک شریعت در نظام بانکی (به طور عام) و یا یک موسسه مالی و یا بانک اسلامی (به طور خاص) را حداقل نمود و یا کاهش داد». (موسویان و میسمی، ۱۳۹۳، ص ۱۰۴)

با توجه به اهمیت موضوع، بررسی‌های انجام شده در ارتباط با تجربه نظارت شرعی و حداقل‌سازی ریسک شریعت در سطح بین‌المللی، حاکی از آن است که اکثر بانک‌ها و مؤسسات اسلامی فعال در سایر کشورها، به تعابیر گوناگونی مانند شورای تخصصی فقهی، شورای فقهی، شورای شریعت، کمیته شریعت و غیره، به این موضوع پرداخته‌اند. بررسی دقیق‌تر این تجارب، نشان می‌دهد کشورهای مختلف در زمینه نظارت شرعی الگوی‌ها مختلفی را اجرا کرده‌اند که در برخی موارد با یکدیگر تفاوت‌های قابل توجهی دارند. برخی از این تفاوت‌ها عبارت‌اند از: خصوصی یا دولتی بودن نظارت شرعی، اختیاری یا اجباری بودن راه‌اندازی نظارت شرعی، مسئول نمودن بانک مرکزی در قبال نظارت شرعی و یا دولت، وجود و یا عدم وجود نهاد نظارت شرعی مرجع، وجود و یا عدم وجود قانون و استانداردهای واحد برای اجرایی‌سازی نظارت شرعی و غیره. (همان، ص ۱۰۵)

در این میان، ایران از جمله کشورهایی است که در آن قانون بانکداری بدون ربا به تصویب رسیده و تمام مؤسسات اعتباری بر اساس بانکداری بدون ربا فعالیت می‌کنند، اما مسأله نظارت بر

۱- Shariah risk

۲- Shariah supervision or Shariah Governance

شرعی بودن عملیات بانکی آن‌طور که انتظار می‌رود انجام نمی‌شود و بعد از گذشت بیش از سه دهه از تصویب قانون عملیات بانکی بدون ربا، هنوز هم برخی از عالمان، نخبگان و عامه مردم در انطباق کامل فعالیت‌های بانکی با آموزه‌های شرعی تردید دارند. (موسویان، میسمی و دیگران، ۱۳۹۱) لذا، ایجاد یک نهاد تخصصی شورای فقهی بانکداری اسلامی می‌تواند با پدید ساختن فضای اطمینان و پوشش ریسک شریعت برای مشتریان بانک‌های اسلامی، تدوین صحیح قوانین و دستورالعمل‌ها بر اساس فقه اسلامی و طراحی و نظارت بر ابزارهای جدید و ارائه راهکارهای متناسب با نیاز افراد متدین، مشروعیت و کارایی بانکها را در هر سه زمینه جذب سپرده‌ها، تخصیص منابع و ارائه خدمات بانکی افزایش دهد. (موسویان و دیگران، ۱۳۸۸)

۸- ریسک سرمایه

ریسک‌های مربوط به سرمایه نمایانگر آن هستند که وجوه مربوطه در داراییهای مبتنی بر ریسک سرمایه‌گذاری شده‌اند. برخی از این دارایی‌ها نسبت به دیگری از ریسک بالاتری برخوردار هستند و در مخرج کسر کفایت سرمایه قرار می‌گیرند. در یک بانک اسلامی، دارایی‌هایی که از محل حساب‌های سرمایه‌گذاری سهام در سود (PSIA)^۱ تأمین شده‌اند، با ضریب ریسک ۵۰ درصدی در مخرج کسر محاسبه می‌شوند و برای سایر دارایی‌ها، از اوزان ریسک تعیین شده در بیانیه ۱۹۸۸ بال استفاده می‌شود.

در صورت کسر کفایت سرمایه بانک‌های اسلامی، نیز دستورالعمل بیانیه ۱۹۸۸ بال مدنظر قرار می‌گیرد. لیکن وضعیت این دسته از حساب‌های سرمایه‌گذاری (محدود و غیرمحدود) که در بانک‌های اسلامی ارائه می‌شوند، در صورت کسر مشخص نیست. در این میان، سازمان حسابداری و حسابرسی اسلامی^۲ پیشنهاد می‌کند PSIA با حداقل ۵ سال تاریخ سررسید جزو سرمایه درجه ۲ منظور شوند. (بهرامی، ۱۳۹۱)

۱ - PSIA = Profit Sharing Investment Account

2 - AAOIFI

ریسک‌های مربوط به قراردادهای و ابزارهای خاص تأمین مالی در بانک‌های اسلامی ابزارهای تأمین مالی در بانکداری اسلامی به دو گروه مشارکتی و غیرمشارکتی (مبادله‌ای) تقسیم می‌شوند. به‌طور خلاصه عمومی‌ترین مفاهیم مورد استفاده بانکداری اسلامی شامل مضاربه (تقسیم سود)، ودیعه (به امانت گذاردن)، مشارکت (سرمایه‌گذاری مشترک)، مباحه (قرارداد مبتنی بر قیمت تمام شده) و اجاره به شرط تملیک (لیزینگ) است. معاملات گروه اول ریسک‌های بالایی را به بانک اسلامی تحمیل می‌کنند. در مضاربه، مشتری نه تنها مسئول پرداخت زیان نیست (مگر در صورت اثبات قصور)، بلکه در صورت از بین رفتن اصل سرمایه، ضرری متوجه او نمی‌شود. لذا **ریسک اعتباری** قابل توجهی را به بانک تحمیل می‌کند که این مشکل به علت مسئله اطلاعات نامتقارن برای بانک پدید می‌آید. البته ذکر این نکته حایز اهمیت است که امروزه بانک‌های اسلامی در قراردادهای مضاربه بر اساس شرط ضمن عقد، ضرر احتمالی را به عهده مشتری گذاشته و از این طریق تا حدودی از میزان ریسک اعتباری آن کاسته می‌شود.

یک مشکل جدی در قرارداد مضاربه برای بانک تأمین‌کننده وجوه به وجود می‌آید و آن زمانی است که هیچ ضمانتی برای بازگشت سریع وجوه به بانک وجود ندارد. به علاوه **ریسک دریافت نکردن سود** نیز قابل توجه است و این در اکثر موارد به قراردادهای کوچک بازرگانی مربوط می‌شود که خاص اکثر جوامع اسلامی است. **مشکل (ریسک) عدم تقارن اطلاعات** که در قراردادهای مضاربه بانکی در بخش تجهیز منابع وجود دارد و بر اساس آن بانک‌ها بنا بر تشخیص خود سپرده‌های مردم را به کار می‌گیرند، احتمال بروز مخاطرات اخلاقی^۱ را بسیار بالا برده و انگیزه بانک‌ها را برای قبول ریسک و اداره مؤسسات مالی بدون در نظر گرفتن سرمایه مناسب، زیادتر می‌کند. در واقع صاحبان سپرده‌های سرمایه‌گذاری در بانک‌های اسلامی در مقایسه با سهامداران شرکت‌های سرمایه‌گذاری متداول از حقوق یکسانی برخوردار نیستند ولی در عین حال همان ریسک‌ها را هم تقبل می‌کنند. در این شرایط، اعمال مدیریت جمعی مشکل‌تر و احتمال قبول ریسک بیشتر، توسط بانک‌ها و بروز مخاطرات اخلاقی در عملیات آنها بیشتر می‌گردد. (محرابی، ۱۳۸۹)

در قرارداد مشارکت (حقوقی)، بانک‌ها می‌توانند سرمایه مورد نیاز بخش‌های گوناگون اقتصادی را از طریق خرید سهام تامین مالی کنند. لذا هرگونه نوسان قیمت سهام باعث افزایش **ریسک قیمت** برای بانک می‌شود. با توجه به ویژگی‌های خاص عقود مشارکتی و با عنایت به فقدان نظام پایدار و کنترل جامع در نظام بانکی، بانک با مشکل مخاطره اخلاقی مواجه بوده و **ریسک عملیاتی** این عقود به‌طور نسبی فراوان می‌باشد. علاوه بر این، یکی از ریسک‌های مترتب بر تسهیلات مشارکتی این است که مشارکت در برخی از فعالیت‌ها به مسدود شدن نقدینگی می‌انجامد و لذا گاهی مؤسسات مالی که سرمایه نقدی خود را به این‌گونه فعالیت‌ها اختصاص می‌دهند باید سال‌ها انتظار بکشند تا به سرمایه اولیه و سود مورد انتظار دست یابند. به عبارت دیگر مشارکت در پروژه‌های بلندمدت می‌تواند عاملی برای **ریسک نقدینگی** شود.

معاملات گروه دوم نیز اگر چه با ریسک کمتری همراه هستند و در مقایسه با عقود مشارکتی شباهت بیشتری به تسهیلات مالی سنتی و مرسوم (در کشورهای غیراسلامی) دارند، لیکن ریسک‌های خاصی را به دنبال دارند و بانک‌ها را به علت ناطمینانی در پرداخت اصل و سود حاصل از دریافت تسهیلات به طور کامل و در موعد مقرر به وسیله فرد متقاضی، در معرض **ریسک اعتباری** قرار می‌دهند.

در مباحثه بانک با **ریسک عدم تقارن** مواجه می‌شود. قرارداد مباحثه در مقایسه با مضاربه از درجه ریسک‌پذیری کمتری برخوردار است، زیرا در قرارداد مباحثه، نرخ مورد نظر (mark - up) از قبل بین بانک و مشتری برقرار شده است. قرارداد مباحثه با ریسک بازرگانی نیز رو به رو است، زیرا بانکی که کالاها را به نفع مشتری خریداری میکند، ممکن است به دلیل تغییر شرایط مالی مشتری در پایان مدت قرارداد، با کالاهای غیرقابل فروش مواجه شود. در این حالت بانک باید بخشی از "mark - up" را جبران کند. بنابراین صاحب‌بنظران مسلمان عقیده دارند که در قراردادهای بازرگانی بانک مجاز است برای جلوگیری از ریسک، "mark - up" را افزایش دهد.

در عقد فروش اقساطی، بانک‌ها بنا به درخواست و تعهد مشتری به خرید اموال مورد درخواست آنها اقدام نموده و سپس اموال خریداری شده را به صورت اقساط به مشتری واگذار می‌کنند. (ناصری و باقری، ۱۳۸۶). با توجه به عدم تعدیل نرخ سود و قیمت در قرارداد فروش اقساطی، هرگونه تورم و افزایش ناگهانی قیمت باعث کاهش ارزش مطالبه‌های قابل دریافت حاصل از

فروش اقساطی برای بانک می‌شود و **ریسک عدم تعدیل** را افزایش می‌دهد. در عقد اجاره، چنانچه کالای مورد اجاره در طول مدت قرارداد، صدمه ببیند، بانک مسئول پرداخت زیان وارده است. از سوی دیگر، نوسان قیمت و عدم تعدیل اجاره‌ها در قرارداد اجاره به شرط تملیک می‌تواند برای موجر (نظام بانکی) **ریسک عدم تعدیل** پدید می‌آورد. همچنین، با توجه به اینکه قرارداد اجاره به شرط تملیک به پشتوانه دارایی (عین مستاجر) و منفعت آن انجام می‌شود، به‌طور نسبی با **ریسک اعتباری** کمی روبرو است. در عقد استصناع، علاوه بر **ریسک اعتباری**، **ریسک عملکرد** نیز به بانک تحمیل می‌شود، زیرا بانک، واسطه میان مشتری و تولیدکننده است و قصور تولیدکننده در ایفای تعهداتش، بانک را با ضرر مواجه می‌کند. مهم‌ترین ریسکی که خرید دین برای بانک‌ها پدید می‌آورد، **ریسک اعتباری** است. عقد سلم **ریسک بازار (قیمت)** را به بانک تحمیل می‌کند، زیرا ممکن است قیمت کالا در طول مدت قرارداد تغییر کند. علاوه بر این، اگر کسی چیزی را به بیع سلف خریده باشد، نمی‌تواند پیش از سررسید آن را بفروشد. بنابراین قابلیت نقد شوندگی سلف در بازار ثانویه امکان‌پذیر نیست. از این رو **ریسک نقدینگی** این قرارداد به‌طور نسبی فراوان است. همچنین، با توجه به اینکه در قرارداد سلف باید قیمت کالا در ابتدای قرارداد به‌وسیله شخصی که پیش خرید می‌کند پرداخت شود، **ریسک اعتباری** در این قرارداد به نسبت فراوان است. بر مبنای نظر بسیاری از فقها، جعاله قراردادی جایز است. لذا پیش از آنکه عامل شروع به کار کند، جاعل و عامل می‌توانند جعاله را به هم بزنند. بنابراین یکی از ریسک‌هایی که قرارداد جعاله با آن روبرو است، ریسک جایز بودن^۱ (**ویسک عقد جایز**) آن است. یکی از انواع جعاله، جعاله خاص است. در این نوع جعاله شخصیت عامل برای جاعل (کارفرما) اهمیت دارد و اگر

۱ - برای درک بهتر فرض کنید یک شرکت نفتی پروژه تاسیس یک چاه و تمام لوازم و خدمات مربوط را به‌صورت قرارداد جعاله به قیمت ۷۰۰ واحد به بانک صادرات ایران واگذارد. اکنون اگر پس از مدتی شرکت فوق (جاعل) به عللی از انجام پروژه منصرف شود، با توجه به جایز بودن قرارداد جعاله، می‌تواند قرارداد را فسخ کند. در این حالت بانک صادرات (عامل) متحمل هزینه فرصت، زمان از دست رفته و غیره شده‌است که شاید برای بانک جبران‌ناپذیر باشد. البته شرکت فوق باید اجرت و مزد مدت زمانی که بانک مشغول به فعالیت بوده را بپردازد. اما شاید این مقدار، هزینه فرصت بانک را جبران نکند، بنابراین یکی از ریسک‌هایی که قرارداد جعاله با آن روبرو است، ریسک جایز بودن آن است.

عامل انجام کار را به دیگری واگذارد، مستحق اجرت نخواهد بود. این مسئله می‌تواند برای نظام بانکی **ریسک نقدینگی** پدید آورد. (نجفی، ۱۳۹۲ق؛ موسویان، ۱۳۸۶) علاوه بر این، ممکن است اجرت عمل ناشی از قرارداد جعاله به وسیله جاعل به موقوع به طور کامل پرداخت نشود که در نتیجه **ریسک اعتباری** جعاله مطرح می‌گردد.

روش‌ها و ابزارهای پیشنهادی مدیریت ریسک در بانک‌های اسلامی

بانک‌های اسلامی برای مدیریت ریسک باید موارد زیر را مدنظر قرار دهند:

الف - طراحی چارچوب مدیریت ریسک

ب - ایجاد سیستم ارزیابی ریسک‌ها

ج - راه‌اندازی فناوری اطلاعات (IT)

د - افزایش شفافیت

گذشته از موارد ذکر شده مدیریت ریسک باید به صورت همه جانبه کلیه ریسک‌ها را کنترل کند، زیرا ریسک‌های مختلف ممکن است روی یکدیگر تأثیر منفی داشته باشند. در این میان، با توجه به متفاوت بودن ماهیت بانکداری اسلامی و سازوکار متناظر با آن چارچوب جدید بال فرهنگ مدیریت ریسک در بانک‌ها را ارتقا داده است. در این چهارچوب (Basel II) در محاسبه جدید کفایت سرمایه بایستی در مخرج کسر (فعلی: داراییهای مبتنی بر ریسک) ریسک‌های بازار، عملیاتی و اعتباری محاسبه شوند و ریسک اعتباری را بر اساس ارزیابی طرفین معامله و ریسک بازار را بر اساس میزان نقد شدن دارایی‌های مالی مدنظر قرار می‌دهد، در حالی که در بانکداری اسلامی کلیه معاملات بر اساس پشتوانه دارایی‌ها استوار است.

با توجه به ریسک‌های مختلف و استفاده از عقود اسلامی در نظام بانکداری بدون ربا از تکنیک‌های متفاوتی برای مدیریت ریسک می‌توان استفاده نمود که با اصول اسلامی سازگار و قابلیت اجرا نیز داشته باشند. لذا، برخی از ابزارهای پیشنهادی را می‌توان به صورت زیر برشمرد.

۱- ابزارهای مهندسی مالی

برای مدیریت ریسک در نظام سرمایه‌داری معمولاً از ابزارهای مهندسی مالی تحت مفاهیم ابزارهای مالکیت، بدهی، مشتقه و ترکیبی استفاده می‌گردد که با وارد شدن قوانین اسلامی در عملکرد بانک‌ها و بازارهای مالی، بایستی ابزارهای مهندسی مالی نیز با این چارچوب هماهنگ

و در قالب عقود اسلامی تعریف و اجرا شود. مسلماً ترکیبی از این روش‌ها همواره می‌تواند بهترین نوع مدیریت ریسک را به همراه داشته باشد. (اکبریان و دیانتی، ۱۳۸۵)

جدول (۱): تقسیم بندی عقود اسلامی براساس قابلیت استفاده آنها

در جایگاه ابزارهای مهندسی مالی

نوع ابزارهای مهندسی مالی	نوع عقود اسلامی	کاربرد در مدیریت ریسک
ابزارهای مالکیت (بانک و سهامداران آن)	سرمایه گذاری مستقیم	بانک با سرمایه‌گذاری مستقیم در یک طرح اقتصادی تمام فعالیت‌های آن را به عهده می‌گیرد و ریسک اطلاعات نامتقارن بین مجری و سرمایه‌گذار کاهش می‌یابد. چنین روشی برای کنترل ریسک منابع مالی بلندمدت قابلیت استفاده دارد.
مالک بخشی از بنگاه اقتصادی دیگر	مشارکت	بر مبنای عقود مشارکتی (مشارکت حقوقی، مدنی، مضاربه و غیره)، بانک قسمتی از سرمایه مورد نیاز خود را تأمین می‌کند، لذا تا حدودی ریسک عدم اجرای صحیح طرح و به بازده رساندن آن با مجری یا مجریان تقسیم می‌گردد.
ابزارهای بدهی (بیان‌کننده استقراض بنگاه‌های دیگر از بانک)	فروش اقساطی	بانک با دریافت وثیقه‌ای از شخص جهت تضمین انجام معامله، ریسک عدم بازپرداخت اقساط را به گیرنده وام منتقل می‌کند، در نتیجه ریسک و عدم اطمینان بسیار پایینی دارد؛ اما در این روش، به سبب آن که میزان افزایش قیمت فروش اقساطی به نوع کالا بستگی دارد، در موارد گوناگون دارای نرخ‌های متفاوت خواهد بود.
	اجاره به شرط تملیک	بانک قسمتی از مالکیت کالای مورد معامله را به صورت وثیقه در اختیار دارد و از نظر ریسک تا حدودی مشابه روش فروش اقساطی است.
ابزارهای مشتقه (در فقه شیعه نوعی استفاده از خيار شرط است)	قرارداد آپشن (اختیار معامله)	قرارداد آپشن می‌تواند به صورت جانشینی برای اختیار فروش و یا خرید استفاده شود. اختیار معامله قراردادی دوطرفه بین خریدار و فروشنده است که براساس آن بانک حق (نه الزام و تعهد) دارد که مقدار معینی از دارایی مندرج در قرارداد را با قیمت معین و در زمانی مشخص بخرد یا بفروشد. بنابراین براساس این قرارداد، دو طرف توافق می‌کنند که در آینده معامله‌ای انجام دهند. با دریافت بیعانه به وسیله فروشنده، در صورتیکه خریدار از معامله منصرف شود، بیعانه به صورت خسارت به فروشنده تعلق می‌گیرد. (محمدی، ۱۳۹۴)

کاربرد در مدیریت ریسک	نوع عقود اسلامی	نوع ابزارهای مهندسی مالی
<p>این روش قراردادی است که فروشنده (بانک) براساس آن متعهد می شود در سررسید معین، مقدار معینی از کالای مشخص را به قیمتی که الان تعیین می کنند، بفروشد و در مقابل طرف دیگر قرارداد متعهد می شود آن کالا را با آن مشخصات خریداری کند و برای جلوگیری از امتناع طرفین از اجرای قرارداد، طرفین به صورت شرط ضمن عقد متعهد می شوند مبلغی را به عنوان وجه تضمین نزد اتاق پاپایای بورس به ودیعه بگذارند و متعهد می شوند متناسب با تغییرات قیمت آتی، وجه تضمین را تعدیل کنند و اتاق پاپایای از طرف آنان و کالت دارد متناسب با تغییرات، بخشی از وجه تضمین هر یک از طرفین را به عنوان اباحه تصرف در اختیار دیگری قرار دهد و او حق استفاده از آن را خواهد داشت تا در سررسید با هم تسویه کنند. (مصوبات کمیته تخصصی فقهی سازمان بورس و اوراق بهادار، ۱۳۹۳)</p>	<p>قرارداد آتی (فیوچر)</p>	
<p>فروشنده در صورت انصراف خریدار از خرید سهم با قیمت تعیین شده در موعد مقرر می تواند مبلغ بیعانه را به صورت خسارت مالک شود.</p>	<p>قولنامه خرید سهام (ترکیبی از ابزارهای مشتقه و ابزار مالکیت)</p>	<p>ابزارهای ترکیبی</p>

منبع: اکبریان و دیانتی، ۱۳۸۵.

۲- وثیقه و ضمانت

رهن و ضمانت دو ابزار مهم تأمینی در برابر زیان اعتباری در شریعت اسلام است.

۳- به کارگیری قرارداد صلح

قرارداد صلح در کاهش و مدیریت ریسک در نظام بانکداری غیربوی بسیار کاربرد دارد. از جمله کاربردهای آن عبارتند از: الف) در مواردی که قرارداد، عقدها یا ایقاعی جایز است و طرفین می خواهند لازم باشد، می توانند مفاد آن قرارداد را از راه صلح انشا کنند. با استفاده از این روش می توان ریسک جایز بودن قرارداد جعاله را کاهش داد؛ ب) در مواردی که به جهت نبودن یکی از شرایط خاص، قراردادهای معین باطل می شود، می توان مفاد آن را به قرارداد صلح انشاء کرد. به طور مثال، می توان بیع سلف قبل از سررسید را به قرارداد صلح انشا کرد. (موسویان، ۱۳۸۶) بانکها می توانند با استفاده از این عقد ریسک قیمت ناشی از قرارداد سلف را به حداقل رسانده و کالایی را که به سلف خریده اند، پیش از سررسید به فروش رسانند.

۴- ذخیره‌های زیان اعتباری

ذخیره‌های زیان اعتباری، مقدار وجوهی است که بانک‌ها به ازای زیان اعتباری قابل انتظار به صورت ذخیره نگهداری می‌کنند. مقدار این ذخیره به قابل اعتماد بودن روش محاسبه زیان اعتباری به وسیله نظام بانکی بستگی دارد. بانک‌های اسلامی می‌توانند با تشکیل صندوق ذخیره اعتباری به میزان زیان اعتباری پیش بینی شده، به فروش سهام بر مبنای عقد شرکت اقدام کنند. بدیهی است در این حالت سود و زیان احتمالی به تناسب سرمایه سهامداران بین آنها تقسیم می‌شود. (احمد و خان، ۲۰۰۱)

۵- تبدیل عقد مضاربه به جعاله

با تبدیل عقد مضاربه به جعاله ریسک اعتبار ناشی از اطلاعات نامتقارن برای عقد مضاربه بسیار کاهش می‌یابد. بانکها می‌توانند از این روش برای مواقعی که ریسک اعتباری طرح فراوان بوده یا نظارت بر طرح مشکل باشد، عقد مضاربه را به جعاله تبدیل کنند. در این حالت (در عقد جعاله) عامل، ضامن سرمایه است.

۶- تبدیل به اوراق بهادار کردن دارایی‌ها

تبدیل به اوراق بهادار کردن دارایی‌ها شیوه‌ای است برای افزایش وجوه جدید و کاهش ریسک‌هایی که بانک با آن روبه رو است. در این روش بانک‌ها دارایی‌های دارای بازدهی و عایدی را در یک گروه قرار داده و به پشتوانه این دارایی‌ها اوراق بهادار را در بازار می‌فروشند. بنابراین دارایی‌های غیرنقد به اوراق بهادار با پشتوانه دارایی که قابل خرید و فروش هستند، تبدیل می‌شود. (مشکین، ۲۰۰۴)

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

ریسک‌ها در فعالیت‌های بانکی واقعیاتی انکارناپذیر می‌باشند که ضرورت مدیریت علمی آنها به جهت اثرات بالقوه و بالفعل ضروری است. بروز ریسک در هر دو نظام بانکداری متعارف و بدون ربا منجر به کاهش قدرت سودآوری بانک می‌گردد که در سه شکل سودآوری کمتر از هدف پیش‌بینی شده، از بین رفتن تمام سود پیش‌بینی شده و نهایتاً زیان نشان داده می‌شود. در این میان زیان، مخرب‌ترین اشکال ریسک است که می‌تواند موجب از بین رفتن بخشی یا تمام

سرمایه بانک و یا حتی بخشی از سپرده‌ها و در شکل حاد تمام سپرده‌های بانکی شده و موجودیت بانک را با خطر مواجه کند.

استقرار مدیریت ریسک در بانک‌ها منجر به کاهش زیانهای احتمالی ناشی از ریسک معاملات و فعالیت‌های بانکی می‌گردد که در این صورت زمینه ارتقای سطح عملکرد و افزایش سود و ثروت سهامداران فراهم می‌شود، بنابراین هر اندازه کنترل ریسک در دستور کار قرار گیرد، با حرکت از سوی عدم اطمینان کامل به سوی عدم اطمینان نسبی از میزان ریسک نیز کاسته می‌شود. در این میان، بانک‌های اسلامی به دلیل غیررئوی بودن و به کارگیری عقود خاص با ریسک‌هایی روبرو می‌شوند که مدیریت آنها را در این نظام با حساسیت بیشتری مواجه می‌سازد. در این مقاله ضمن بررسی انواع ریسک و روش‌های مدیریت آنها در نظام بانکداری متعارف، ریسک‌های خاص نظام بانکداری بدون ربا، شناسایی و ابزارهای پیشنهادی برای مدیریت آنها معرفی شد و مشخص گردید برخی ریسک‌ها بین نظام بانکداری متعارف و نظام بانکداری بدون ربا مشترک هستند و با ابزارهای رایج و متعارف مدیریت ریسک قابل کنترل هستند و برخی دیگر به دلیل ویژگی‌های خاص و ماهیت نظام بانکداری بدون ربا، مختص به این نظام می‌باشند که برای کنترل و مدیریت آن نیازمند ابزارهایی ویژه و سازگار با اصول اسلامی می‌باشیم. از این رو، برخی ابزارهای متداول از جمله تبدیل به اوراق بهادار کردن دارایی‌ها در این نظام نیز کاربرد دارد و برخی روش‌ها و تکنیک‌هایی نیز وجود دارند که فقط به صورت ابزارهای مدیریت ریسک در نظام بانکداری بدون ربا کاربرد دارند (مانند تبدیل مضاربه به جعاله). علاوه بر این، برخی از قوانین و قراردادهای اسلامی (قرارداد صلح) خود نیز می‌تواند ابزاری سودمند برای کاهش و مدیریت ریسک به شمار رود. توجه خاص به ریسک‌های مربوط به قراردادهای و عقود اسلامی در بانک‌های اسلامی و استفاده از ابزارهای مهندسی مالی در مدیریت ریسک‌ها از جمله تفاوت‌های این مقاله با سایر کارهای انجام شده در این حوزه می‌باشد. با این اوصاف، به نظر می‌رسد مدیریت ریسک مؤثر و کارآمد در بانکداری بدون ربا نیازمند یک چهارچوب مقرراتی مناسب و همچنین گسترش مطلوب نهادها، بازارها، زیرساخت‌های بازار و ابزارهای مالی مناسب می‌باشد.

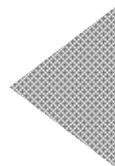
منابع

- ابزارها و روش‌ها در مدیریت ریسک. (۱۳۸۵). نشریه تازه‌های اقتصاد. شماره ۱۱۲.
- ابوالحسنی، اصغر و حسنی مقدم، رفیع. (۱۳۸۷). بررسی انواع ریسک و روش‌های مدیریت آن در نظام بانکی ایران، فصلنامه اقتصاد اسلامی، (۳۰).
- اسماعیل نژاد آهنگرانی، مجید. (۱۳۹۱). اصول و مفاهیم مدیریت ریسک، تهران: انتشارات بانک سینا.
- اکبریان، رضا و دیانتی، محمد حسین. (۱۳۸۵). مدیریت ریسک در بانکداری بدون ربا، فصلنامه اقتصاد اسلامی، شماره ۲۴.
- بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران. (۱۳۶۳). قانون عملیات بانکی بدون ربا. تهران: بانک مرکزی ج.ا.ا.
- بهرامی، مهناز. (۱۳۹۱). مدیریت ریسک در بانکداری اسلامی و کمیته بال، سمینار جهانی بانکداری اسلامی، ۲-۳ نوامبر ۲۰۰۲، بحرین.
- تقوی، مهدی و خدایی وله زاقرد، محمد. (۱۳۸۹). ارزیابی و ارایه الگوی مناسب برای شناسایی، اندازه‌گیری و کنترل ریسک‌های مالی در موسسات مالی و اعتباری. مجله پژوهش‌های مدیریت، ۳ (۸۶)، ۱-۱۰.
- جرج پارکر، ترجمه علی پارسائیان (۱۳۷۸). مدیریت ریسک، ابعاد مدیریت ریسک، تعریف و کاربرد آن در سازمان‌های مالی. مجله تحقیقات مالی، ۲ (۴)، ۱۳-۱۴.
- جهانخانی، علی و پارسائیان، علی. (۱۳۷۶). مدیریت مالی، تهران، انتشارات سمت.
- درگرگوریان، سیونه. (۱۳۸۳). طراحی مدل اندازه‌گیری ریسک نقدینگی برای نظام بانکداری خصوصی ایران (مورد بانک سامان)، پایان نامه درجه کارشناسی ارشد، تهران، دانشگاه شهید بهشتی.
- راعی، رضا و سعیدی، علی. (۱۳۸۳). مبانی مهندسی مالی و مدیریت ریسک، تهران: دانشکده مدیریت دانشگاه تهران و سازمان سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، اول.
- ساندراراجان، وی و اریکو، لوکا. (۱۳۸۱). جایگاه ابزارهای سرمایه‌گذاری و مؤسسات مالی اسلامی در نظام مالی بین‌المللی، مباحث اصلی در مدیریت ریسک و چالش‌های موجود، مجموعه مقالات سیزدهمین همایش بانکداری اسلامی، تهران: مؤسسه عالی بانکداری.
- سلیمانی، مسعود. (۱۳۸۸). اهمیت مدیریت ریسک در بانکداری سنتی و الکترونیک، بانک ملی، اداره امور واحدهای خارج از کشور.
- شایان آرائی، شاهین. (۱۳۸۰). نوآوری در ابزارهای مالی در بانکداری اسلامی، مجموعه مقالات یازدهمین همایش بانکداری اسلامی، تهران: مؤسسه عالی بانکداری.
- عقلی کرمانی، پرویز. (۱۳۸۱). مدیریت ریسک در بانکداری سنتی در مقایسه با بانکداری بدون ربا، مجموعه مقالات سیزدهمین همایش بانکداری اسلامی، تهران: مؤسسه عالی بانکداری.
- کدخدایی، حسین. (۱۳۷۹). پدیده ریسک در بانکداری اسلامی، مجموعه سخنرانی‌ها و مقالات یازدهمین همایش بانکداری اسلامی، تهران: مؤسسه عالی بانکداری.

- محرابی، لیلا. (۱۳۸۹). مدیریت ریسک اعتباری در بانکداری بدون ربا، مجله تازه‌های اقتصاد، ۶ (۱۳۰)، ۶۶-۷۷.
- مصوبات کمیته تخصصی فقهی سازمان بورس و اوراق بهادار. (۱۳۹۳). گردآوری توسط دبیرخانه کمیته تخصصی فقهی-مدیریت پژوهش، توسعه و مطالعات اسلامی، سازمان بورس و اوراق بهادار.
- معین، محمد. (۱۳۸۷). فرهنگ فارسی. انتشارات فرهنگ نما. چاپ اول.
- موسویان، سید علی. (۱۳۸۶). ابزارهای مالی اسلامی (صکوک)، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، اول.
- موسویان، سید علی و موسوی بیوکی، سید محمد مهدی. (۱۳۸۸). مدیریت ریسک اعتباری در بانکداری اسلامی از طریق سوآپ نکول اعتباری، مجله اقتصاد اسلامی، (۳۳)، ۱۲۸-۱۳۷.
- موسویان، سید علی و عزیززاده اصل، محمد. (۱۳۹۴). بررسی رابطه ریسک و غرر در بازارهای مالی اسلامی. مجله اقتصاد اسلامی، (۵۹)، ۷۸-۱۰۱.
- موسویان، سید علی و میثمی، حسین. (۱۳۹۳). آسیب‌شناسی نظارت شرعی در نظام بانکی ایران و ارائه اصلاح قانونی. مجله اقتصاد اسلامی، ۱۴ (۵۴)، ۹۰-۱۱۱.
- موسویان، سید علی و دیگران (۱۳۸۸). نقش شورای تخصصی فقهی در ارتقای سطح مشروعیت و کارایی بانک‌های اسلامی. مجله اقتصاد اسلامی، ۹ (۳۶)، ۷۹-۹۹.
- مهدوی نجم‌آبادی، سید حسین. (۱۳۸۲). تفاوت‌های اساسی توزیع ریسک در دو نظام بانکداری اسلامی و سنتی، مجموعه مقالات سیزدهمین همایش بانکداری اسلامی: مدیریت ریسک در بانکداری اسلامی، تهران: مؤسسه عالی بانکداری ایران.
- مهرآرا، محسن و مهران‌فر، مهدی. (۱۳۹۲). عملکرد بانکی و عوامل کلان اقتصادی در مدیریت ریسک، مجله مدل‌های اقتصادی، ۷ (۲۱)، ۲۱-۳۷.
- میثمی، حسین، موسویان، سید علی و دیگران. (۱۳۹۱). تحلیل و مقایسه تجربه قانونگذاری و نظارت بر اجرای بانکداری اسلامی در سایر کشورها: دلالت‌هایی برای نظام بانکداری بدون ربا در کشور، دوفصلنامه مطالعات اقتصاد اسلامی. ۴ (۸)، ۵۳-۹۱.
- ناصری، مهدی و باقری، وحید. (۱۳۸۶). بررسی سازوکار پرداخت سود واقعی به سپرده‌های سرمایه‌گذاری در بانکداری اسلامی و مشکلات فراروی اجرای آن، مجموعه مقالات هجدهمین همایش بانکداری اسلامی، تهران: مؤسسه عالی بانکداری.
- نظریور، محمد تقی و رضایی، علی. (۱۳۹۲). مدیریت ریسک اعتباری در بانکداری اسلامی با رویکرد بررسی عقود و الگوی پرداخت تسهیلات، تحقیقات مالی اسلامی، ۲ (۴)، ۱۲۳-۱۵۶.
- نیکومرام، هاشم و دیگران. (۱۳۸۵). فرهنگ اصطلاحات تخصصی مالی، انتشارات دانشگاه آزاد. چاپ اول.

- Galai, D & Robert, M. (2000). Risk Management, Mcgrow Hill.
- Greuning, H. V & Iqbal, Z. (2008), Risk Analysis for Islamic Banks, The World Bank, Washington, D.C.
- -Karen Horchor, A. (2005). Essentials of financial risk management. *John Wiley and Sons Publications*, Hoboken, New Jersey, united states of America.
- Khan, T and Ahmed, H (2001), Risk Management: An Analysis of Issues in Islamic Financial Industry. Jaddah: IRTI.
- Mishkin, F. S. (2004)., The Economics of Money, Banking and Financial Markets, New York; Harper Collins, 7th ed
- Obaidullah, M (2002), Islamic Risk Management: Towards Greater Ethics and Efficiency, *International Journal of Islamic Financial Services*, 4(3).
- WenShwo, F., & YiHao, L. & Stephen, M. (2009). Does exchange rate risk affect exports asymmetrically? Asian evidence. *Journal of International Money and Finance*, 28(2), 215–239.

تأثیر محرک‌های بخش‌بندی صادراتی بر عملکرد صادراتی شرکت‌های صادرکننده خشکبار مستقر در تهران



داود کشتی^۱

محمد کهندل^۲

(تاریخ دریافت ۹۶/۷/۲۰ - تاریخ تصویب ۹۶/۱۲/۲)

چکیده

برای افزایش صادرات و تعامل بهتر و بیشتر با بازارهای بین‌المللی نیاز به ایجاد مکانیزم تعریف شده‌ای از طریق از طریق شناخت عوامل رقابت برای افزایش صادرات است. درک محرک‌های عملکرد بازار صادرات کلیدی برای توضیح رقابت بین‌المللی شرکت‌ها است. بخش‌بندی در زمینه صادرات به دلیل وجود بازارهای متنوع‌تر نسبت به بازارهای داخلی بسیار اهمیت دارد. تقسیم‌بندی بازارهای بین‌المللی و استفاده از مدیریت بارویکرد بخش‌بندی در این بازارها، سبب بهبود عملکرد صادراتی می‌گردد. در این مقاله اثرات محرک‌های بخش‌بندی صادراتی شامل استراتژی مقررات، استراتژی بسته‌بندی، استراتژی کیفیت، استراتژی سازگاری محیطی (فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی)، استراتژی فناوری و کاهش هزینه، استراتژی عوامل سازمانی و استراتژی موقعیت‌یابی با توجه به فاصله بازار بر عملکرد صادراتی شرکت‌های صادرکننده مورد بررسی قرار گرفته است. جامعه آماری این تحقیق را ۲۹۰ نفر از مدیران و کارشناسان شرکت‌های صادرکننده خشکبار مستقر در تهران تشکیل داده است. تحقیق حاضر، کاربردی و داده‌های مورد نیاز از طریق پیمایشی و تنظیم پرسشنامه جمع-

۱. دانشجوی رشته مدیریت بازرگانی گرایش مدیریت مالی دانشگاه آزاد اسلامی تهران جنوب

۲. استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب

آوری شده است. فرضیه‌های تحقیق با استفاده از نرم افزار SPSS و نرم افزار اسمارت. پی. ال اس، مورد آزمون قرار گرفت. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که محرک‌های بخش‌بندی صادراتی بر افزایش میزان عملکرد شرکت‌های صادر کننده محصولات خشکبار تاثیر دارد.

واژه‌های کلیدی: بخش بندی صادراتی، عملکرد صادراتی، شرکت‌های صادرکننده خشکبار

۱. مقدمه

صادرات نقش مهمی در توسعه اقتصادی کشورها بازی می‌کند. تحلیل وضعیت چهل و یک کشور بین سال‌های ۱۹۶۳ تا ۱۹۸۵ توسط بانک جهانی نشان داد، عملکرد اقتصادی کشورهای با اقتصاد برونگرا تقریباً در همه جنبه‌ها بهتر و برتر از اقتصادهای درونگرا بوده است. در سطح بنگاه، صادرات فرصت‌های رشد و توسعه برای شرکت‌ها ایجاد می‌کند. با گسترش سطح دسترسی به بازارهای خارجی، شرکت می‌تواند به سطح بالاتری از تولید برسد. این امر باعث کاهش بهای تمام شده واحد و دستیابی به نرخ‌های سود بالاتر می‌شود. (حسینی و همکاران، ۱۳۸۹).

امروزه رشد صادرات برای دولت‌ها به منزله کلیدی برای بازآفرینی اقتصاد و بین‌المللی شدن، فرایند گام به گام توسعه تجارت بین‌الملل است که به موجب آن یک شرکت به طور افزایشی، درگیر عملیات تجارت بین‌المللی، از طریق محصولات خاص در بازارهای منتخب می‌شود. افزایش رقابت در مقیاس جهانی، سبب شده تا شرکت‌های زیادی به دنبال استفاده از فرصت‌های فضای بین‌المللی بوده و در جهت نیل به اهدافشان از روش‌های مقتضی ورود به بازارهای بین‌المللی استفاده نمایند. صادرات یکی از مهم‌ترین و حیاتی‌ترین فعالیت‌ها برای موفقیت سازمان‌های تجاری و ملت‌ها است. (مورگان و همکاران، ۲۰۰۴)

دولت‌ها می‌توانند نقش کلیدی را در ترغیب فعالیت‌های تجارت خارجی بنگاه‌های داخلی از طریق برنامه‌های توسعه صادرات بازی کنند، چرا که پیچیدگی کسب و کار و تجارت بین‌المللی و عدم وجود دانش فنی کافی می‌تواند بنگاه را در موقعیت عدم رقابت‌پذیری قرار دهد. بطور تاریخی دولت‌ها محرک‌هایی را برای صادرات چه در قالب برنامه‌های حمایت از صادرات و چه در قالب موسساتی مانند بانک‌های توسعه صادرات ارائه نموده‌اند. وجود آگاهی، اطلاعات، تجربه و منابع برای غلبه بر این مشکلات برای بنگاه ضروری است و برنامه‌های توسعه صادرات نیز برای رفع همین نیازها و کمک به فرایند یادگیری در محیط رقابت بین‌المللی و انگیزش فضای کسب و کار به سوی

اهداف صادراتی و ایجاد زیر ساخت‌های لازم برای تسهیل صادرات تعریف می‌شوند (گرفیت و زینکوتا، ۲۰۱۲). همچنین تقسیم‌بندی بازار صادراتی و یا فرآیند شناسایی بخش یا گروه خاصی از کشورها یا گروه خاصی از مصرف‌کنندگان فردی و یا مشتریان بالقوه با ویژگی‌های همگن و با رفتار خرید مشابه تمرکز داشته‌اند، که از عناصر مهم در استراتژی بازاریابی و یک فاکتور مهم برای موفقیت صادراتی محسوب می‌شود. استراتژی‌های تقسیم‌بندی بازار صادراتی و عملکرد صادراتی، در نهایت بر عملکرد کلی صادراتی تاثیر دارد. (دیمناپلوس و همکاران، ۲۰۱۴). تحقیقات نشان داده است که عوامل شرکتی (عوامل سازمانی و محیطی) بر تعهد به بخش‌بندی صادراتی (ویژگی‌های مدیریتی) تاثیر دارد و از جمله محرک‌های اصلی فعالیت‌های تقسیم‌بندی صادراتی، استراتژی‌های بخش‌بندی صادراتی می‌باشد. تحقیقات نشان می‌دهد که دغدغه اصلی شرکت‌های بین‌المللی بهبود عملکرد صادراتی می‌باشد (قاسمی و همکاران، ۱۳۸۹).

صادرات خشکبار در ایران، از سابقه طولانی برخوردار است و به‌عنوان قدیمی‌ترین رشته صادرات سنتی کشور محسوب می‌شود. برخی از اقلام خشکبار در حدود ۵ هزار سال پیش به‌عنوان پیشکش به خارج از کشور ارسال می‌شده است. به‌طور کلی همواره کشورمان به علت دارا بودن تنوع آب و هوایی، خاک مناسب و عوامل دیگر در صادرات محصولات باغی و مخصوصاً خشکبار در بازارهای جهانی از موقعیت خوبی برخوردار بوده است. از طرفی نیز رشد و توسعه صادرات غیرنفتی مقوله‌ای است که در طول تاریخ بازرگانی خارجی ایران، در ادوار مختلف کمابیش اهمیت داشته است. برای افزایش سهم بازار خشکبار ایران و بالطبع افزایش درآمدهای ارزی ناشی از آن و پیوسته شدن مشتریان خشکبار ایران لازم است تلاش جدی صورت گرفته و تجارت در این حوزه با استراتژی بخش‌بندی عجین شود. پرسش اساسی این است که مدیران چگونه می‌توانند با شناسایی محرک‌های بخش‌بندی صادراتی، عملکرد شرکت‌های صادرکننده خشکبار بهبود یابد؟

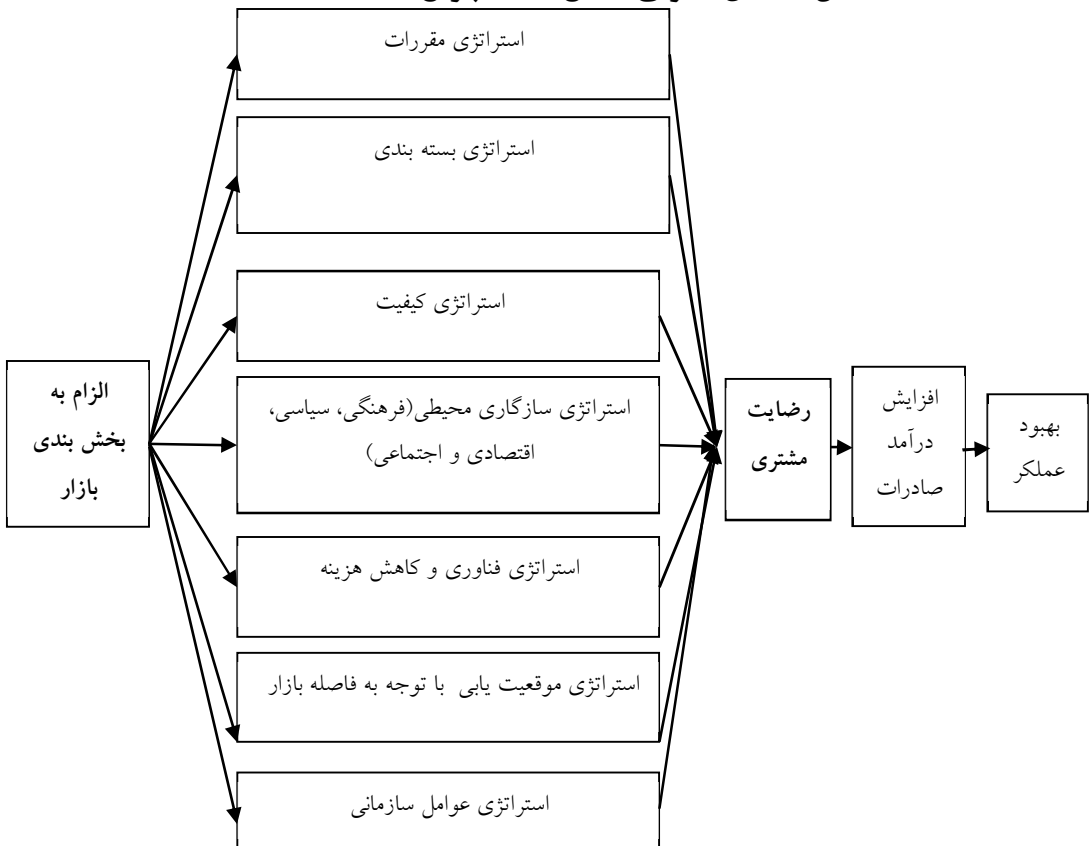
۲. پیشینه و مبانی نظری

صادرات به‌عنوان موتور محرکه اقتصاد و رمز بقای کشورها در بازارهای جهانی نقش مهمی در عرصه اقتصاد ایفا می‌کند. در برنامه توسعه اقتصادی کشور، به‌کارگیری استراتژی توسعه صادرات ملاک عمل است و دستیابی به جهش صادراتی مورد تاکید قرار گرفته است. یکی از مهمترین مشکلات کشورهای در حال توسعه و جهان سوم، تک محصولی بودن و بی‌آمدهای منفی و ناگوار اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی در تجارت بین‌الملل می‌دانند. به‌منظور کاهش وابستگی اقتصاد ایران به صادرات نفت خام و چرخش به سمت اقتصاد چند محصولی در صادرات جهت‌گیری

سیاست‌های صادراتی باید به سود کالاهایی تغییر یابد که ایران در آن‌ها مزیت نسبی دارد. (علی پور و همکاران، ۱۳۹۰). تحقیقات اخیر به بررسی بخش‌بندی بازارهای صادراتی و یا فرآیند شناسایی بخش یا گروه خاصی از کشورها یا گروه خاصی از مصرف‌کنندگان فردی و یا مشتریان بالقوه با ویژگی‌های همگن و با رفتار خرید مشابه تمرکز داشته‌اند. این تحقیقات از عناصر مهم در استراتژی بازاریابی و یک فاکتور مهم برای موفقیت صادراتی محسوب می‌شود. بخش‌بندی در زمینه صادرات به دلیل وجود بازارهای متنوع‌تر نسبت به بازارهای داخلی بسیار اهمیت دارد. تقسیم‌بندی بازارهای بین‌المللی و استفاده از مدیریت تنوع در این بازارها، سبب بهبود عملکرد صادراتی می‌گردد. این امر نباید تعجب‌آور باشد که تقسیم‌بندی بازار باید قبل از هر نوع تصمیمات بازاریابی شرکت‌های صادراتی صورت پذیرد. همین امر در محصول، قیمت‌گذاری، توزیع و تصمیم‌گیری موثر می‌باشد. تقسیم‌بندی ضعیف بازارها، پیامدهای منفی را بر عملیات صادراتی داشته و بر موفقیت شرکت‌ها موثر است. استراتژی‌های بخش‌بندی بازار صادراتی و عملکرد صادراتی، در نهایت بر عملکرد کلی صادراتی تأثیر دارد. (دیمنا تاپلوس و همکاران، ۲۰۱۴). در این مقاله اثرات محرک‌های بخش‌بندی صادراتی شامل استراتژی مقررات، استراتژی بسته‌بندی، استراتژی کیفیت، استراتژی سازگاری محیطی (فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی)، استراتژی فناوری و کاهش هزینه، استراتژی عوامل سازمانی و استراتژی موقعیت‌یابی با توجه به فاصله بازار بر عملکرد صادراتی شرکت‌های صادرکننده مورد بررسی قرار گرفته است.

دیمنا تاپلوس و همکاران (۲۰۰۹) بر نتایج ابتدایی فعالیت‌های بخش‌بندی بازار و به‌عنوان ترکیبی از ۴ بعد توانایی شرکت در تقویت اهداف، تلاش‌های موقعیت‌یابی در بازارهای صادراتی، افزایش پتانسیل دستیابی به کاهش هزینه و افزایش سازگاری با تغییرات محیطی، نام بردند. هولی و همکاران (۲۰۰۵) در تشخیص عملکرد صادراتی شرکت‌ها، سه جنبه را مورد شناسایی قرار دادند و عملکرد صادراتی را با رضایت مشتری، عملکرد استراتژیک و عملکرد مالی تعریف کرده‌اند. رضایت مشتری به‌عنوان بخشی از عملکرد صادراتی به فعالیت‌های بازاریابی برای ایجاد رضایت در مشتریان تعریف می‌گردد. شرکت‌هایی که در سطوح بالایی از صادرات بازار هستند به اطلاعات بیشتری در مورد مشتریان و خواسته‌های آنان دست می‌یابند. در این حالت قادر به فهم بهتر راهبردها و پیشنهادهای رقبای خود خواهند بود و شرکت می‌تواند در پاسخ به مشتریان و بازار خود در محیط‌های رقابتی نسبت به رقبای خود به جایگاه بهتری دست یابد. (دیمنا تاپلوس و همکاران، ۲۰۱۴)

شکل ۱- مدل مفهومی تحقیق (دیمناتاپلوس و همکاران، ۲۰۱۴)



برای سنجش عملکرد صادراتی، سه معیار مختلف مالی، غیرمالی و مرکب وجود دارد. معیارهایی چون فروش، سود و رشد از جمله معیارهای مالی و معیارهایی نظیر موفقیت، رضایت، دستیابی به اهداف از جمله معیارهای غیرمالی به شمار می‌آیند. معیارهای مرکب نیز بر اساس انواع متنوعی از معیارهای عملکردی بنا شده‌اند. تحقیقات مختلفی در زمینه عوامل موثر بر عملکرد صادراتی صورت گرفته است. در هر کدام از این تحقیقات، متغیرهایی مد نظر بوده‌اند که بنا به نظر محقق، به طور مستقیم یا غیر مستقیم بر عملکرد صادراتی موثر بوده‌اند.

تعریف صادرات

صادرات برای رشد و توسعه اقتصادی کشور است که از فروش تولیدات یا خدمات به کشورهای دیگر برای کسب درآمد ارزی حاصل می‌شود و در برقراری موازنه تجاری و ایجاد تعادل اقتصادی

کمک شایانی می‌نماید (حسنقلی پور و همکاران، ۱۳۹۱).

عملکرد شرکت: عملکرد شرکت یک مفهوم چند بعدی است که موقعیت شرکت را در مقایسه با رقبا مورد بررسی قرار می‌دهد (دهدشتی شاهرخ، ۱۳۹۰).

عملکرد صادراتی: عملکرد صادراتی یک متغیر چند وجهی است که به شیوه‌های مختلف تعریف می‌شود. بر اساس تحقیق هولی و همکاران^۱ (۲۰۰۵)، عملکرد صادراتی شامل سه جنبه است: رضایت مشتری، عملکرد استراتژیک و عملکرد مالی

بخش‌بندی بازار: فرایندی است که بر اساس آن یک بازار به زیربخش‌های متمایزی از مشتریانی که نیازها و مشخصاتشان یکسان است تقسیم‌بندی می‌شود. از آنجا که مشتریان هر بخش نیازها و خواسته‌های یکسانی دارند، به یک طرح بازاریابی و یک محصول خاص به شیوه‌ای مشابه پاسخ می‌دهند. بخش‌بندی بازار کمک می‌کند با تقسیم یک بازار بزرگ به بخش‌های کوچکتر، منابع سازمان به‌طور بهینه صرف مشتریان اصلی شود.

استراتژی بسته‌بندی: از آنجا که علت بروز بسیاری از تحولات اخیر در نحوه بسته‌بندی کالاها را می‌توان به انتظارات جدید جامعه مصرف‌کننده و از طرفی دیگر به شدت، میزان و نوع رقابت موجود در بازار رقابتی امروز منسوب دانست، می‌بایست در تأثیر عامل رقابت و استراتژی‌های بازاریابی انتخاب شرکت‌ها بر نحوه بسته‌بندی کالاها بازانديشي موشکافانه‌تری نمود. بررسی این امر نه تنها شرکت‌ها را در برابر فشار رقابتی و تغییرات ساختاری صورت پذیرفته در صنعت به عنوان یک تهدید، مصون نگاه می‌دارد، بلکه می‌تواند این توانمندی را به آنان دهد تا این رویدادها به‌عنوان یک فرصت بنگرند و با انجام اقدامات مقتضی از آنان منتفع گردند. (رحیم نیا و علوی، ۱۳۸۷).

موقعیت یابی: به عنوان آمیخته‌ای از علم و هنر هماهنگ کردن یک محصول یا خدمت، به یک یا چند بازار گفته می‌شود که به صورت مستقل از یکدیگر در حال فعالیت هستند. این آمیخته زمانی نتیجه بخش است که بتوانید تصویر درست محصول، خدمات و حتی کانال‌های فروش خود را درک کنید و ویژگی مصرف‌کنندگان را به خوبی بشناسید و ارسال پیام صحیح به آنها را فرا گرفته باشید (مافی، ۱۳۹۵).

۱ Hooley et al

۲ Market Segmentation

کوهو و همکاران^۱ (۲۰۱۴) نیز در بررسی تاثیر جهت‌گیری بازارهای صادراتی بر عملکردهای صادراتی نشان دادند که اعتماد و تعامل اجتماعی به‌طور مثبتی رابطه بین جهت‌گیری بازارهای صادراتی و افزایش کارایی صادراتی را تحت تاثیر قرار می‌دهد. با این حال اثر تعدیل‌کنندگی درجه بین‌المللی شدن تاثیر قابل توجهی در رابطه بین جهت‌گیری بازارهای صادراتی و کارایی صادراتی ندارد. لیسبوآ و همکاران^۲ (۲۰۱۳) در تحقیق خود نشان دادند که اکتشاف بازارهای صادراتی و بهره‌برداری از آنها به‌طور مثبتی با کارایی صادراتی در ارتباط است. کشف بازارهای صادراتی جدید باعث بهبود عملکردهای صادراتی با توجه به سطوح بالایی از تلاطم بازار صادراتی می‌شود. سورنسن و مادسن^۳ (۲۰۱۲) در بررسی جهت‌گیری استراتژیک و موفقیت بازارهای صادراتی شرکت‌های تولیدی، نشان دادند که جهت‌گیری‌های بین‌المللی اثر مثبتی در رابطه با موفقیت بازارهای صادراتی و تنوع سبد در بازارهای صادراتی دارد. محدودیت‌های غالب در جهت‌گیری‌های بین‌المللی به‌عنوان قابلیت‌های استراتژیک بر این جهت‌گیری‌ها موثر است و با توجه به تنوع سبد شرکت‌ها، دارای ارتباطی غیرخطی با موفقیت در بازارهای صادراتی می‌باشد. شیرلی و همکاران^۴ (۲۰۱۱) در بررسی یک مدل ترکیبی برای تجزیه و تحلیل فرصت‌های بازارهای صادراتی، نشان دادند اندازه بازار، قدرت اقتصادی، فاصله جغرافیایی و زبان و وجود موافقت‌نامه‌های تجاری منطقه‌ای به‌عنوان عوامل موثر در پیش‌بینی جذابیت‌های صادراتی یک شرکت در ایالات متحده آمریکا می‌باشد. سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی هم به‌عنوان یک جایگزین و هم به‌عنوان یک مکمل برای صادرات عمل می‌کند.

در این مطالعه فرضیه‌های هفت‌گانه مدل ترکیبی شیرلی و همکاران در بخش خشکبار کشور با رویکرد توصیفی کاربردی و روش پیمایشی و با ابزار گردآوری داده‌ها از روش پرسشنامه‌ای آزمون و با اقتباس از تحقیق دیمناتاپلوس و همکاران (۲۰۱۴) مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. پرسشنامه دارای ۹ بعد^۵ و ۳۶ گویه بوده و جامعه آماری آن کلیه مدیران و کارشناسان شرکت‌های

۱ Ku-Ho et al

۲ Lisboa et al

۳ Sørensen & Madsen

۴ Shirley et al

۵. عوامل سازمانی، بخش‌بندی بازار صادراتی، استراتژی‌های اثربخشی بخش‌بندی صادراتی، مقررات بخش‌بندی، رضایت درک شده مشتری، عملکرد صادرات، عملکرد مالی

صادرکننده خشکبار مستقر در تهران به تعداد ۲۹۰ نفر در نظر گرفته شد که ۱۶۵ نفر به صورت تصادفی انتخاب شده‌اند. در این تحقیق به منظور بررسی فرضیه‌ها از رویکرد معادلات ساختاری توسط نرم افزار^۱ PLS استفاده شده است.

۳. فرضیه‌های تحقیق

فرضیه اول: استراتژی مقررات^۲ بر بهبود عملکرد شرکت‌های صادرکننده^۳ خشکبار، تاثیر دارد. فرضیه دوم: استراتژی کیفیت، فاصله بازار و بسته‌بندی بر بهبود عملکرد شرکت‌های صادرکننده خشکبار، تاثیر دارد.

فرضیه سوم: استراتژی بخش‌بندی بازار صادراتی بر بهبود عملکرد شرکت‌های صادرکننده محصولات خشکبار، تاثیر دارد.

فرضیه چهارم: استراتژی سازگاری^۴ محیطی بر بهبود عملکرد شرکت‌های صادرکننده خشکبار، تاثیر دارد.

فرضیه پنجم: استراتژی فناوری و کاهش هزینه بر بهبود عملکرد شرکت‌های صادرکننده خشکبار، تاثیر دارد.

فرضیه ششم: رضایت مشتری و افزایش صادرات بر بهبود عملکرد شرکت‌های صادرکننده خشکبار، تأثیر دارد.

فرضیه هفتم: استراتژی عوامل سازمانی بر بهبود عملکرد شرکت‌های صادرکننده خشکبار، تأثیر دارد.

۴. متغیرها و مدل پژوهش

۴.۱.۴. روایی و پایایی

از آنجایی که از پرسشنامه استاندارد برای سنجش متغیرها استفاده شده، ابتدا، شاخص‌های مورد نظر ترجمه و سپس، با مراجعه به نخبگان اصلاحات لازم صورت گرفته است. تمامی بارهای عاملی متغیرها مقداری بیشتر از ۰/۵ را دارا می‌باشند و مؤید این مطلب است که پایایی در مورد مدل

۱ Partial Least Squares

۲. منظور این است که مقدار، کیفیت و استانداردها تولید کالا برای صادرات با توجه به مقررات کشور مبدا و هدف انجام می‌شود.

۳. افزایش صادرات نسبت به دوره‌های گذشته از نظر مقدار و درآمد

۴. منظور این است که شرایط محیطی مثل آب و هوا، سلیقه در تولید و بسته‌بندی با توجه به بازار هدف اعمال شود.

اندازه‌گیری قابل قبول است. سپس پایایی متغیرهای تحقیق توسط شاخص‌های آلفای کرونباخ با میزان استاندارد بالای ۰/۷ (کرونباخ، ۱۹۵۱) و پایایی ترکیبی^۱ (CR) با میزان استاندارد بالای ۰/۷ و میانگین واریانس توسعه یافته (AVE) با میزان استاندارد بالای ۰/۵ (فورنل و لاکر، ۱۹۸۱) با استفاده از نرم افزار Smart-PLS بررسی شده است. در جدول (2) می‌توان مشاهده کرد. متغیرهای تحقیق از پایایی و روایی همگرا برخوردار می‌باشند.

جدول ۱- روایی همگرا و پایایی

متغیرها	آلفای کرونباخ	AVE	CR
استراتژی سازگاری محیطی	0.824	0.850	0.919
افزایش درآمد صادرات	0.765	0.585	0.849
استراتژی عوامل سازمانی	0.758	0.581	0.846
بهبود عملکرد شرکت‌های خشکبار	0.805	0.560	0.864
استراتژی کیفیت، فاصله بازار و بسته‌بندی	0.745	0.564	0.838
استراتژی مقررات	0.760	0.583	0.848
رضایت مشتری	0.766	0.520	0.843
بخش‌بندی بازار صادراتی	0.813	0.514	0.862
استراتژی فناوری و کاهش هزینه	0.707	0.773	0.872

۲.۴. آزمون کلی کیفیت

اگر چه در الگوریتم‌های PLS موجود آماره‌های برازندگی، از قبیل شاخص برازندگی هنجار شده بنتلر و بونت را گزارش می‌کنند، اما آنها بر اساس این مفروضه بنا شده‌اند که پارامترهای مدل برآورد شده، برای کاهش تفاوت بین ماتریس‌های کوواریانس مشاهده شده و بازتولید شده می‌باشند. مفروضه‌ای که در PLS وجود ندارد. البته تنن هاوس و همکاران (۲۰۰۵) شاخص کلی برازش را برای بررسی برازش مدل معرفی نموده‌اند. ملاک کلی برازش^۲ را می‌توان با محاسبه میانگین هندسی میانگین اشتراک و R^2 بدست آورد. برای این شاخص، مقادیر ۰/۲۵ و ۰/۳۶ به ترتیب ضعیف، متوسط و قوی توصیف شده است.

۱ Composite reliability

2 GOF

جدول ۲- مقادیر اشتراکی و R^2

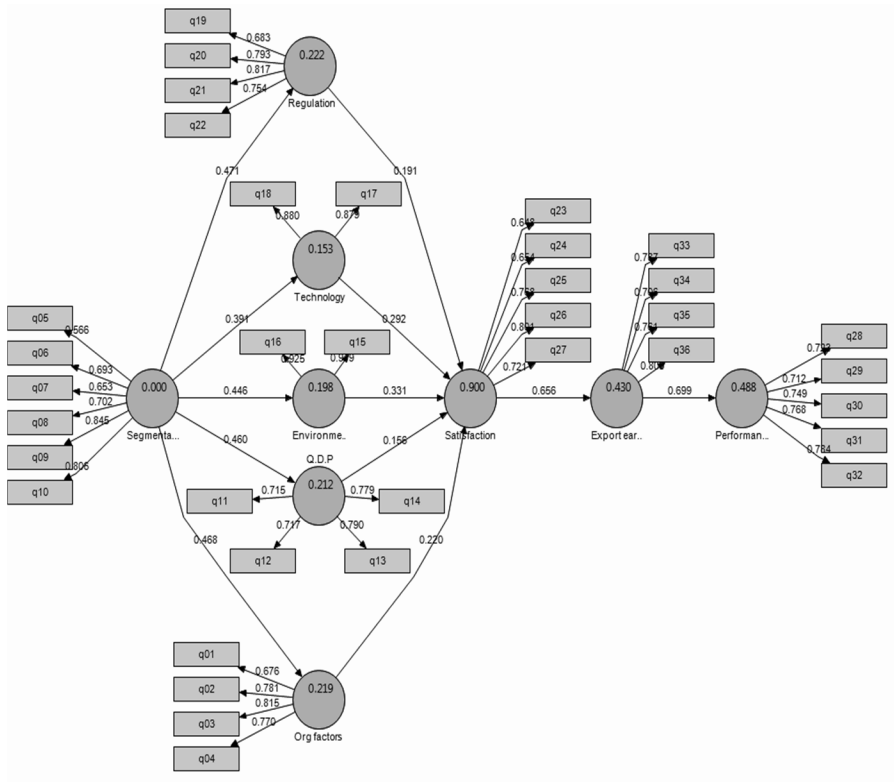
R^2	مقادیر اشتراکی	متغیر
0.198	0.850	استراتژی سازگاری محیط
0.430	0.585	افزایش درآمد صادرات
0.219	0.581	استراتژی عوامل سازمانی
0.488	0.560	بهبود عملکرد شرکت
0.212	0.564	استراتژی کیفیت، فاصله بازار و بسته‌بندی
0.222	0.583	استراتژی مقررات
0.900	0.520	رضایت مشتری
---	0.514	بخش‌بندی بازار صادراتی
0.153	0.773	استراتژی فناوری و کاهش هزینه

همانطور که مطابق انتظار در جدول بالا دیده می‌شود، تنها متغیرهای درونزا دارای مقدار R^2 هستند. پس از انجام محاسبات، مقدار شاخص GOF عددی برابر ۰/۴۶۶ بدست می‌آید که شاخصی قوی است و نشان از کیفیت کلی بالای مدل دارد.

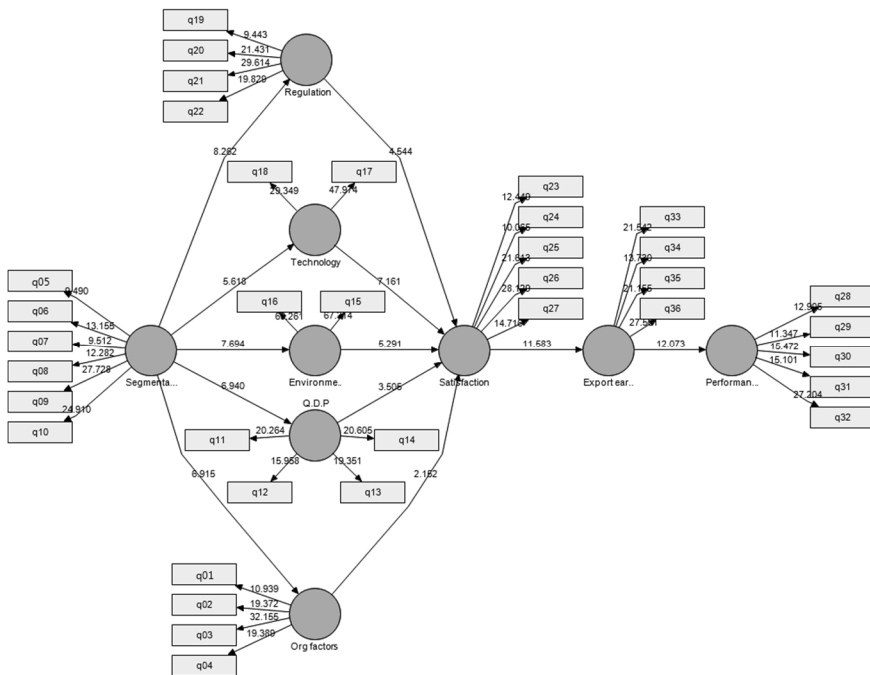
۳.۴. آزمون فرضیه‌های پژوهش

رابطه متغیرهای مورد بررسی در هر یک از فرضیه‌های تحقیق بر اساس یک ساختار علی با تکنیک حداقل مربعات جزئی PLS آزمون شده است. در مدل کلی تحقیق که در شکل (۲) ترسیم شده است مدل اندازه‌گیری (رابطه هر یک از متغیرهای قابل مشاهده به متغیر پنهان) و مدل مسیر (روابط متغیرهای پنهان با یکدیگر) محاسبه شده است. برای سنجش معناداری روابط نیز آماره t با تکنیک بوت استرپینگ محاسبه شده است که در شکل (۳) به تصویر کشیده شده است. در این مدل که خروجی نرم افزار Smart PLS است. خلاصه نتایج مربوط به بار عاملی استاندارد روابط متغیرهای تحقیق ارائه و آزمون سوالهای تحقیق بر اساس روابط هر یک از متغیرها به تفکیک ارائه شده است.

شکل ۲- تکنیک حداقل مربعات جزئی مدل کلی پژوهش



شکل ۳- آماره تی مدل کلی پژوهش با تکنیک بوت استرایپینگ



نتایج تحقیق

فرضیه اول: استراتژی مقررات بر بهبود عملکرد شرکت‌های صادرکننده خشکبار، تأثیر دارد. برای بررسی این اثر ابتدا باید مقدار و معناداری هر یک از مسیرهای فرعی را بررسی نمود سپس به محاسبه اثر جمعی پرداخت. شدت اثر رابطه استراتژی مقررات بر رضایت مشتری برابر ۰/۱۹۱ محاسبه شده است و آماره آزمون نیز ۴/۵۴۴ به دست آمده است که بزرگ‌تر از مقدار بحرانی t در سطح خطای ۵٪ یعنی ۱/۹۶ بوده و نشان می‌دهد همبستگی مشاهده شده معنادار است. شدت اثر رابطه رضایت مشتری بر افزایش درآمد صادرات برابر ۰/۶۵۶ محاسبه شده است و آماره آزمون نیز ۱۱/۵۸۳ به دست آمده است که بزرگ‌تر از مقدار بحرانی t در سطح خطای ۵٪ یعنی ۱/۹۶ بوده و نشان می‌دهد همبستگی مشاهده شده معنادار است. شدت اثر رابطه افزایش درآمد صادرات بر بهبود عملکرد شرکت‌های خشکبار برابر ۰/۶۹۹ محاسبه شده است و آماره آزمون نیز ۱۲/۰۷۳ به دست آمده است که بزرگ‌تر از مقدار بحرانی t در سطح خطای ۵٪ یعنی ۱/۹۶

بوده و نشان می‌دهد همبستگی مشاهده شده معنادار است. بنابر این با اطمینان ۹۵٪ استراتژی مقررات بر بهبود عملکرد شرکت‌های خشکبار تاثیر مثبت و معناداری دارد و فرضیه اول تایید می‌گردد.

فرضیه دوم: استراتژی کیفیت، فاصله بازار و بسته‌بندی متناسب با بخش‌بندی بر بهبود عملکرد شرکت‌های صادرکننده خشکبار، تاثیر دارد.

شدت اثر رابطه استراتژی کیفیت، فاصله بازار و بسته‌بندی متناسب با بخش‌بندی بر بهبود عملکرد شرکت‌های خشکبار برابر ۰/۰۷۲ محاسبه شده است و آماره آزمون نیز ۳/۳۸۸ به دست آمده است که بزرگ‌تر از مقدار بحرانی t در سطح خطای ۵٪ یعنی ۱/۹۶ بوده و نشان می‌دهد همبستگی مشاهده شده معنادار است بنا براین با اطمینان ۹۵٪ استراتژی کیفیت، فاصله بازار و بسته‌بندی متناسب با بخش‌بندی بر بهبود عملکرد شرکت‌های خشکبار تاثیر مثبت و معناداری دارد و فرضیه دوم تایید می‌گردد. در راستای این تحقیق، دارایی محبوب (۱۳۹۱) در تحقیق خود نشان داد عوامل طراحی، عوامل حفاظتی و عوامل اطلاع‌رسانی، بر توسعه صادرات تاثیر دارد. همچنین صادقی و همکاران (۱۳۹۱) نیز نشان دادند طراحی و بسته‌بندی، از عوامل اصلی موفقیت در صادرات می‌باشد.

فرضیه سوم: بخش‌بندی بازار صادراتی بر بهبود عملکرد شرکت‌های صادرکننده محصولات خشکبار، تاثیر دارد.

شدت اثر رابطه بخش‌بندی بازار صادراتی بر عملکرد شرکت‌های خشکبار برابر ۰/۲۴۱ محاسبه شده است و آماره آزمون نیز ۵/۴۹۹ به دست آمده است که بزرگ‌تر از مقدار بحرانی t در سطح خطای ۵٪ یعنی ۱/۹۶ بوده و نشان می‌دهد همبستگی مشاهده شده معنادار است. بنا براین با اطمینان ۹۵٪ بخش‌بندی بازار صادراتی بر بهبود عملکرد شرکت‌های خشکبار تاثیر مثبت و معناداری دارد و فرضیه سوم تایید می‌گردد. دیمنا تاپلوس و همکاران (۲۰۱۴) نشان دادند بخش بندی بازار صادراتی بر عملکرد شرکت‌های صادرکننده، تاثیر دارد.

فرضیه چهارم: استراتژی سازگاری محیطی بر بهبود عملکرد شرکت‌های صادرکننده خشکبار، تاثیر دارد.

شدت اثر رابطه استراتژی سازگاری محیطی بر بهبود عملکرد شرکت‌های خشکبار برابر ۰/۱۵۱ محاسبه شده است و آماره آزمون نیز ۴/۵۵۰ به دست آمده است که بزرگ‌تر از مقدار بحرانی t

در سطح خطای ۵٪ یعنی ۱/۹۶ بوده و نشان می‌دهد همبستگی مشاهده شده معنادار است بنابراین با اطمینان ۹۵٪ استراتژی سازگاری محیطی بر بهبود عملکرد شرکت‌های خشکبار تأثیر مثبت و معناداری دارد و فرضیه چهارم تأیید می‌گردد. در راستای این فرضیه، دیمنا تاپلوس و همکاران (۲۰۱۴) نشان دادند استراتژی سازگاری محیطی بر بهبود عملکرد شرکت‌های صادرکننده، تأثیر دارد.

فرضیه پنجم: استراتژی فناوری و کاهش هزینه بر بهبود عملکرد شرکت‌های صادرکننده خشکبار، تأثیر دارد.

شدت اثر رابطه استراتژی فناوری و کاهش هزینه بر بهبود عملکرد شرکت‌های خشکبار برابر ۰/۱۳۴ محاسبه شده است و آماره آزمون نیز ۴/۹۵۳ به دست آمده است که بزرگ‌تر از مقدار بحرانی t در سطح خطای ۵٪ یعنی ۱/۹۶ بوده و نشان می‌دهد همبستگی مشاهده شده معنادار است بنا براین با اطمینان ۹۵٪ استراتژی فناوری و کاهش هزینه بر بهبود عملکرد شرکت‌های خشکبار تأثیر مثبت و معناداری دارد و فرضیه پنجم تأیید می‌گردد.

فرضیه ششم: رضایت مشتری و افزایش در آمد صادرات بر بهبود عملکرد شرکت‌های صادرکننده خشکبار، تأثیر دارد.

شدت اثر رابطه رضایت مشتری بر بهبود عملکرد شرکت‌های خشکبار برابر ۰/۴۵۸ محاسبه شده است و آماره آزمون نیز ۷/۷۷۹ به دست آمده است که بزرگ‌تر از مقدار بحرانی t در سطح خطای ۵٪ یعنی ۱/۹۶ بوده و نشان می‌دهد همبستگی مشاهده شده معنادار است و نیز شدت اثر رابطه افزایش درآمد صادرات بر بهبود عملکرد شرکت برابر ۰/۶۹۹ محاسبه شده است و آماره آزمون نیز ۱۲/۰۷۳ به دست آمده است که بزرگ‌تر از مقدار بحرانی t در سطح خطای ۵٪ یعنی ۱/۹۶ بوده و نشان می‌دهد همبستگی مشاهده شده معنادار است بنا بر این با اطمینان ۹۵٪ رضایت مشتری و افزایش صادرات بر بهبود عملکرد شرکت‌های خشکبار تأثیر مثبت و معناداری دارد و فرضیه ششم تأیید می‌گردد.

فرضیه هفتم: استراتژی عوامل سازمانی بر بهبود عملکرد شرکت‌های صادرکننده خشکبار، تأثیر دارد.

شدت اثر رابطه استراتژی عوامل سازمانی بر بهبود عملکرد شرکت‌های خشکبار برابر ۰/۱۰۱ محاسبه شده است و آماره آزمون نیز ۲/۰۳۸ به دست آمده است که بزرگ‌تر از مقدار بحرانی t

در سطح خطای ۵٪ یعنی ۱/۹۶ بوده و نشان می‌دهد همبستگی مشاهده شده معنادار است بنابراین این با اطمینان ۹۵٪ استراتژی عوامل سازمانی بر بهبود عملکرد شرکت‌های خشکبار تاثیر مثبت و معناداری دارد و فرضیه هفتم تایید می‌گردد.

جدول شماره ۳- خلاصه نتایج تحقیق

فرضیه	رابطه	شدت اثر	آماره تی	نتیجه
فرضیه اول	استراتژی مقررات ← بهبود عملکرد شرکت	0.087	3.556	تایید
فرضیه دوم	استراتژی کیفیت، موقعیت یابی با توجه فاصله بازار و بسته بندی ← بهبود عملکرد شرکت	0.072	3.388	تایید
فرضیه سوم	بخش بندی بازار صادراتی ← بهبود عملکرد شرکت	0.241	5.499	تایید
فرضیه چهارم	استراتژی سازگاری محیط ← بهبود عملکرد شرکت	0.151	4.550	تایید
فرضیه پنجم	استراتژی فناوری و کاهش هزینه ← بهبود عملکرد شرکت	0.134	4.953	تایید
فرضیه ششم	رضایت مشتری ← بهبود عملکرد شرکت	0.458	7.779	تایید
فرضیه هفتم	افزایش درآمد صادرات ← بهبود عملکرد شرکت	0.699	12.073	تایید
فرضیه هفتم	استراتژی عوامل سازمانی ← بهبود عملکرد شرکت	0.101	2.038	تایید

تحلیل نتایج و پیشنهادات

در این مقاله اثرات محرک‌های بخش‌بندی صادراتی شامل استراتژی مقررات، استراتژی بسته بندی، استراتژی کیفیت، استراتژی سازگاری محیطی (فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی)، استراتژی فناوری و کاهش هزینه، استراتژی عوامل سازمانی و استراتژی موقعیت یابی با توجه به فاصله بازار بر عملکرد صادراتی شرکت‌های صادرکننده خشکبار مورد بررسی قرار گرفت. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که محرک‌های بخش‌بندی صادراتی شامل استراتژی مقررات، استراتژی کیفیت، فاصله بازار و بسته‌بندی متناسب با بخش‌بندی، استراتژی بخش‌بندی بازار صادراتی، استراتژی سازگاری محیطی، استراتژی فناوری و کاهش هزینه، رضایت مشتری و استراتژی عوامل سازمانی با اطمینان ۹۵٪ بر بهبود عملکرد شرکت‌های خشکبار تاثیر مثبت و معناداری دارند و فرضیه‌های تحقیق تایید شده است. یعنی این عوامل بر افزایش میزان عملکرد

شرکت‌های صادرکننده محصولات خشکبار تأثیر مثبت دارد.

با توجه به نتایج حاصل از تحقیق، پیشنهادات زیر ارائه می‌گردد:

- در راستای توسعه سهم بازار و بهبود عملکرد صادراتی شرکت‌ها، مدیران بایستی کالا و خدمات با کیفیت بالا (دارای ماندگاری بالا، بسته‌بندی مناسب، مواد اولیه مرغوب) تولید و به بازارها، عرضه نمایند.
- از استراتژی‌های بخش‌بندی بازار برای توسعه اطلاعات بازاریابی، استفاده نمایند. با توجه به اطلاعات مناسب بدست آمده از هر بخش، کالا و خدمات مناسب را ارائه نمایند. شرکت باید متناسب با کشش منطقه‌ای، محصولات و کالای مرغوب و با قیمت‌های مناسب، عرضه نمایند.
- برای شناخت بیشتر نسبت به عملکرد صادراتی و بهبود عملکرد صادراتی، بهتر است مدیران شرکت‌ها، متغیرهای غیر ملموس (گرایشی، مهارتی، دانشی) و ملموس (توزیع، محصول، ارتباط با مشتری، کنترل، عرضه کنندگان) موثر بر عملکرد را به درستی شناسایی نماید و استراتژی‌های مناسب را اتخاذ نمایند.
- شرکت‌ها بایستی برای توسعه بازار صادراتی خود، از واسطه‌های تجاری استفاده نمایند و از این پتانسیل برای شناخت هر چه بیشتر بازارهای صادراتی استفاده نمایند. زیرا این واسطه‌های تجاری شناخت مناسبی نسبت به بازارهای مدنظر شرکت، دارند و می‌توانند اطلاعات مناسبی را در اختیار مدیران، قرار دهد.
- شرکت‌های صادراتی باید از بازارهای خارجی بازدید نمایند و اطلاعات دوره‌ای معینی تدوین نمایند تا بتوانند، نیازهای در حال تغییر مشتریان بازارهای خارجی را به درستی پیش‌بینی نمایند.
- برای حضور در بازارهای بین‌المللی و افزایش سهم بازار، باید به تفاوت‌های فرهنگی و میزان پذیرش خرده‌فروشی‌های خارجی، در کشورها، تأثیر کشور مبدا بر رفتار خرید مشتریان توجه شود. در این راستا، ادراک مصرف‌کنندگان از کشور مبدا خرده‌فروشی بر مصرف آنها تأثیر دارد. همچنین شناخت مناسبی نسبت به ادراک مصرف‌کنندگان به دست آورد. محصولاتی متناسب با فرهنگ و نگرش کلی افراد

جامعه باشد به گونه‌ای نباشد که سبب ایجاد تضاد فرهنگی شده و نسبت به محصولات ارائه شده، واکنش منفی ایجاد شود.

- مدیران باید از کارکنان خبره و کارآموده، استفاده نمایند تا بتوانند در بازارهای بین‌المللی، به خوبی موقعیت‌های مناسب را شناسایی نمایند. همچنین لازم است برای این افراد دوره‌های آموزشی مناسب برای بازاریابی در سطح بین‌الملل، در نظر گرفته شود تا این افراد با اطلاعات به روز، وارد بازارهای بین‌المللی شوند.
- مدیران شرکت در فرآیند برنامه‌ریزی استراتژیک، نظرات کارکنان فعال در عرصه بین‌الملل را در برنامه‌ریزی‌ها، اعمال نمایند تا در صورت توسعه فعالیت‌های بین‌المللی، مشکلاتی در مسیر اجرای استراتژی‌ها، ایجاد نشود.

منابع

- ابراهیم پور ازبری، م. اکبری، م. هوشمند جابجانی، م. (۱۳۹۴) "تأثیر دوستوانی نوآوری بر دانش صادراتی و عملکرد محصولات جدید در بازارهای صادراتی" فصل نامه رشد فناوری، سال پانزدهم، شماره ۴۲، صص ۴۹-۵۶.
- حسینی، فرشید؛ محمدی، شاپور؛ متوسلی، محمود؛ حسن قلیپور، طهمورث (۱۳۸۹) تأثیر برنامه‌های تشویق صادرات بر عملکرد صادراتی: مطالعه‌ی موردی صنعت برق، شریه مدیریت بازرگانی، دوره ۲، شماره ۵، پاییز ۱۳۸۹، از صفحه ۲۱ تا ۴.
- دارایی محبوب، محبوبه (۱۳۹۱) "بررسی نقش و رتبه‌بندی عوامل موثر بر بسته‌بندی در توسعه‌ی صادرات زعفران ایران"، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه پیام نور استان تهران، دانشکده مدیریت.
- صادقی، تورج. لشکری، محمد. کربلایی اسماعیلی، حمید رضا. (۱۳۹۱). ارابه مدل عوامل اصلی موفقیت در صادرات از دیدگاه صادرکنندگان در ایران، مجله مدیریت بازار یابی، شماره ۱۷، صص ۶۱-۷۳.

- Diamantopoulos Adamantios, Anne L. Souchon (1999). Measuring export information use: scale development and validation. *Journal of Business Research*. Vol. 46. pp1-14.
- Diamantopoulos Adamantios, Amata Ring, Bodo B. Schlegelmilch, and Eva Doberer (2014) Drivers of Export Segmentation Effectiveness and Their Impact on Export Performance. *Journal of International Marketing*: March 2014, Vol. 22, No. 1, pp. 39-61.
- Freixanet, J. (2012), "Export promotion programs: their impact on companies' internationalization performance and competitiveness", *International Business Review*, Vol. 21 No. 6, pp. 1065-1086

- Griffith, D.A. and Czinkota, M. (2012), "Release the constraints: solving the problems of export financing in troublesome times", *Business Horizons*, Vol. 55 No. 3, pp. 251-260.
- Hassan, Salah S. and Stephen H. Craft (2004), "An Examination of Global Market Segmentation Bases and Strategic Positioning Decisions," *International Business and Economic Research Journal*, 3 (9), 79-83
- Ku-Ho. Lin ,Kuo-Feng Huang Yao-Ping Peng , (2014),"Impact of export market orientation on export performance ", *Baltic Journal of Management*, Vol. 9 Iss 4 pp. 403 – 425 Permanent link to this document: <http://dx.doi.org/10.1108/BJM-03-2012-0012>
- Leonidou, L. C., Katsikeas, C. S., & Samiee, S. (2007). Marketing strategy determinants of export performance: A meta-analysis. *Journal of Business Research*, 55(1), 51-67.
- Leonidou, L., Palihawadana, D. and Theodosiou, M. (2011), National export promotion programs as drivers of organizational resources and capabilities: effects on strategy, competitive advantage, and performance", *Journal of International Marketing*, Vol. 19 No. 2, pp. 1-29.
- Lisboa .Ana, Dionysis Skarmeas, Carmen Lage.(2012), Export market exploitation and exploration and performance Linear, moderated, complementary and non-linear effects, *International Marketing Review* Vol. 30 No. 3, 2013. www.emeraldinsight.com/0265-1335.htm
- Martincus, C.V. and Carballo, J. (2010), "Export promotion: bundled services work better", *World Economy*, Vol. 33 No. 12, pp. 1718-1756
- Morgan, N.A., Vorhies, D.W., Mason, C. (2009). Market orientation, marketing capabilities, and firm performance. *Strategic Management Journal*, 30(8):909-920.
- Morgan, Neil A.; Kaleka, A. & Katsikeas, Constantine S. (2004) "Antecedents of export venture performance: A theoretical model and empirical assessment". *Journal of Marketing*, Vol. 68, No. 1, pp. 90-108.
- Shirley Ye Sheng Michael R. Mullen, (2011),"A hybrid model for export market opportunity analysis", *International Marketing Review*, Vol. 28 Iss 2 pp. 163 – 182 Permanent link to this document: <http://dx.doi.org/10.1108/02651331111122650>
- Sørensen.Hans Eibe, Madsen.Tage Koed, (2012),"Strategic orientations and export market success of manufacturing firms", *International Marketing Review*, Vol. 29 Iss 4 pp. 424 – 441 Permanent link to this document: <http://dx.doi.org/10.1108/02651331211242647>
- Steenkamp, Jan-Benedict E.M. (2001), "The Role of National Culture in International Marketing Research," *International Marketing Review*, 18 (1), 30-44.

**Effect of impact Strategies in export partition on
performance of exporters company
(Case study: nuts exporting companies based in Teheran)**

Mohammad Kohandel
Davood Kashti

Abstract

Recent research has focus on the export market segmentation of countries, consumers and potential customers to specific groups with homogeneous characteristics and buying behavior. This is an important element in marketing strategy and also is an important factor for export success. Segmentation in exports field has an important due to more diverse markets than domestic markets. The aim of this research is the impact of the export segmentation strategy choosing on increasing the export performance of nuts exporter's company. In this study, the effects of market segmentation strategy regulations, bundling strategy, quality strategy, environmentally strategy (culturally, politically, economically and socially), IT strategy and cost reduction, strategy, organizational factors and strategic positioning accordance with market has been investigated. Also the effect of customer satisfaction and increase exports is studied to improve the performance of nut enterprise exporting. Statistical population of this study is consisted of 290 managers and experts of company's exporter of nut in Tehran. This research is operational and the required data is collected through the survey and questionnaire. Hypotheses research was tested by using SPSS and Smart PLS software. The results showed that the market segmentation strategies affect to enhance the performance of the company's exporter of nus.

Keywords: market segmentation, export performance, customer satisfaction, nuts export companies.

Survey on Risk and management of Risk in Islamic banking System

Kamran Nadri
Leila Mehrabi

Abstract

Abstract: Risk management is an important part of banking and financial systems. because, the banks collect the deposits and use these resources to provide banking operations. Banking system and especially Islamic banking system with respect to its characteristics is faced to variety of risks. Hence identification of risks and managing them in Conventional & Islamic Banking are very important. Therefore in this article, in addition to reviewing the studies on risks and the way of managing them in general concept , some of risks and methods of risk management which are associated with Islamic principles are offered. The results show that some risks are shared between the conventional banking and Islamic banking system and can control with a common risk management tools. But others because of the specific characteristics and the nature of the Islamic banking system, which is devoted to the system that for their control requires special tools and is compaliance with Islamic principles. At the end, some of the proposed instruments in the field of risk management is presented and analyzed.

Keywords: Risk, Risk Management, Islamic banking, Islamic Contract.

Study and analysis the role of agricultural extension and Education in sustainable rural development (Case Study: Rural Areas of Chaharmahal & Bakhtiari Province)

Asghar Norouzi
davoud mahdavi
Khodabakhsh Tavakoli

Abstract

It is essential to examine the factors affecting on rural development in national development by Considering the role and importance of it. One of these factors is the promotion of agricultural education. The purpose of this study was to investigate the effect of extension training on sustainable rural development from the viewpoint of two groups of trainees and experts in the field of promotion and agricultural education in Chaharmahal& Bakhtiari province. The type of this study is descriptive-measurement. The statistical population of this study includes 50000 participants and 52 related experts. By Using Cochran formula, 381 people among trainees and 31people was selected among the experts. The required information was collected from a researcher-made questionnaire. The validity of the questionnaire was confirmed by specialists and experts' opinions. In this research for analyzing of data in descriptive statistics, analysis. The results show that from the viewpoint of the two groups of trainees and experts, the most positive effect of agricultural education's promotion were on the overall environmental indicators and the least impact was on social status. Also, in the opinion of trainees the total number of environmental was 3.38, the economy with 3.16 were in the high impact situation, and the social conditions with an average of 3.14 were moderate and according to the experts, also environmental fields with an average of 3.58 were highly effective, the economy with an average of 3.15 and social status with an average of 3.05 were in the middle position.

Keywords: Promotion, Agricultural Education, Development, Sustainable Rural Development, Chaharmahal & Bakhtiari province.

Analysis of inequality in the city of Chaharmahal and Bakhtiari Province sectors of economic and social using TOPSIS

Yoosof ghanbari
Ahmad hajarian

Abstract

Regional planning and development to reduce regional inequalities, the most important issues in developing countries is considered. Regional planning is necessary to identify the areas relative to each other in terms of development. The aim of this paper is to determine the ranking and inequality between the city of Chaharmahal and Bakhtiari Province. For this purpose, 84 were selected index. The family TOPSIS multi-criteria decision techniques is one of the main models used in this research.

The results showed that, this city has the highest rate by a factor of 528/0 priorities are in terms of their level of development. The city is the administrative and economic center as an investment location, facilities and services, skilled manpower and ... make this advantage over other regions of the province. The city Koohrang 273/0 priority factor of development in the province is the last time. 36/0 dispersion coefficient obtained which indicates that the intensity difference and inequality in the enjoyment of facilities and development indicators.

Keywords: Development, Inequality, TOPSIS, Chaharmahal and Bakhtiari Province.

Evaluation of social, economic and physical characteristics of the informal settlements (Case Study: Rasht district Eynac)

Maryam Jafari Mehr Abadi
Maryam Sejodi
Seyede Fateme Emami

Abstract

Informal settlements are often affected by factors such as inhospitable growth and disproportionate congestion. This growing phenomenon, deprivation and lack of facilities in urban informal settlements in urban areas compared to other causes and informal settlements in urban centers and human beings are complex issues; For this purpose it is necessary empowerment as a way of facilitating and guiding role in improving the situation of informal settlements is to be used. Rasht as one of the most important centers of population north of the country, including the city that has experienced the phenomenon of informal settlements. The aim of this research is to identify the challenges of glasses neighborhood as one of the informal settlements in the city of Rasht and also to provide solutions to empower this neighborhood was. Research methods analytical and field data collection methods using questionnaires. The population includes people living in the neighborhood of Rasht glasses that 100 people were chosen randomly. Data analysis was performed using SPSS. The results show that the residents Status of this neighborhood in terms of challenges such as access and poor communication with the city, lack of garbage collection, dirt roads, inadequate access to basic services in urban, social crisis and poverty, destruction environmental and... . Average evaluated.

Keywords: informal settlements, district Eynac, Rasht.

An Analysis of the Strategic Plan of Iranian State Universities

Gholamreza Shams Morkani
Zahra Ma'arfand

Abstract

The present study was conducted with the aim of analyzing the strategic and operational plans of public universities in Iran. The research was applied in terms of purpose and in terms of how data was collected qualitatively. The research tool is the documentation. Content analysis method was used for categorizing the documents. Sampling method was available sample and a sample was formed of 9 papers (Statement of Perspectives and Statutes of Governmental Universities). The analysis of documents was carried out in the form of strategies focused on the main functions of the university and strategies focused on empowering factors. Strategies focused on the main functions of the university include sub-categories: (educational, cultural and social, research, international strategies), and strategies focused on empowering factors include sub categories: (administrative and administrative system of universities, financial resources, manpower, students, services and infrastructure) and the subcategories related to each of them were also identified.

Keywords: plan, strategy, public universities.

The impact of Inter-regional economic discrimination on economic growth of the Islamic Republic of Iran

Mojtaba Maleki Shahrivar

Abstract

This research, while completing the theoretical discussions on the effects of economic discrimination on economic growth, by presenting an indicator of regional economic discrimination by 1393, examines its impact on economic growth in the Islamic Republic of Iran. The period of reviewing the years of 1367 to 1393 and the method of analysis is Autoregressive distributed lags model (ARDL). Theoretical studies indicate that the existence of discrimination and inequality, in addition to increasing the types of disorders and social damages, increases the social distance between individuals in a society, which in turn reduces social capital. At the same time, the low social capital in a society reduces the ability of society to achieve sustainable social development and justice. Also, the results show that in the long run, all coefficients are statistically significant at 95% confidence level. Since the model is specified in a logarithmic manner, the coefficients of long-run elasticity of GDP without oil are shown in relation to any of the factors affecting it. Consequently, the 1% increase in the Inter-regional economic discrimination index has led to a decline of 0.047% in the amount of GDP without oil. Another important result of this study is the negative impact of higher regional discrimination on the positive impact of oil revenues on the country's economic growth. That is, the unfair distribution of funds between regions can neutralize the positive role of oil revenues in terms of GDP without oil.

Keywords: Inter-regional economic discrimination ; Economic Growth ; Autoregressive distributed lags model; Budget; social capital.



Abstract

فرم اشتراک

نام و نام خانوادگی / مؤسسه:

شغل / نوع فعالیت:

نشانی:

.....

کد پستی:

صندوق پستی: تلفن:

شماره‌های درخواستی از: تا شماره:

تعداد درخواستی از هر شماره:

کد اشتراک (در صورتی که سابقاً مشترک بوده‌اید)

- حق اشتراک و هزینه پستی ۴ شماره فصلنامه ۴۰۰/۰۰۰ ریال
- شماره حساب ۰۳۰۸۷۲۷۱۶۵۰۰۹ شماره کارت ۶۰۳۷۹۹۱۸۹۰۵۹۵۱۹۶ بانک ملی
- ارسال تصویر فیش پرداختی به همراه برگه درخواست اشتراک به دفتر فصلنامه
- تهران، خیابان فلسطین شمالی، پایین تر از تقاطع زرتشت، پلاک ۵۵۴، طبقه سوم
- کد پستی ۱۴۱۵۷۵۴۳۹۴، مرکز پژوهشی مطالعات راهبردی توسعه
- تلفن: ۸۸۹۹۱۱۷۷ نمابر: ۸۸۹۹۱۸۰۲